فصل اول
کلیاتی از پیرامون انقلاب

مطالعات علمی و اجتماعی

وقتی صحبت از چیستی عالم و اشیا می‌شود پای فلسفه و علم به میان می‌آید. تنها راه وصول به ذات حقیقت، اجزای تشکیل دهنده جهان هستی و منابع تغییر، عقل فلسفی و دانش علمی است. هر پیشرفت علمی خواه ناخواه بر پایه پیشرفت‌های پیشین آن استوار است. علم از طریق افزایش تدریجی و مداوم به پایه کنونی رسیده و همچنان افق روشن‌تری را بر روی نسل‌های جدید باز می‌کند. جمله فیزیکدان معروف آیزاک نیوتون که گفته بود: "اگر من افق گسترده‌تری را دیده‌ام برای آن است که بر شانه‌های غولهایی ایستاده‌ام".

افکار پیوسته دستخوش تجدید نظر و بازاندیشی‌اند متفکران در برابر محرک‌ها نمی توانند از خود واکنش مکانیکی نشان بدهند و بحث و جدل نیز در پیرامون افکار و اندیشه‌ها دائماً برقرار است. معارف علمی در فضای متکثر معلومات و مجهولات، مستلزم بهره‌گیری از شاخه‌های علمی خاصی می‌باشد و موضوع آن در حوزه علوم انسانی و فرهنگی تابع الگوی ویژه‌ای است که مقدمه ورود به بحث تاریخ تحولات سیاسی، مسئله ضرورت دسته‌بندی علم را برای دانش پژوهان لازم و اجتناب‌ناپذیر می سازد.

به طور کلی علوم به دو شاخه اساسی تقسیم بندی می‌شود:

الف. علوم طبیعی، موضوع آن پدیده‌های زیستی و مادی است. از ویژگی‌های بارز آن مشاهدات، تجربه‌گرایی و آزمایش‌پذیری است.

ب. علوم اجتماعی، موضوع‌اش انسان، ساختارها و پدیده‌های اجتماعی بوده و با الگوی رفتاری، کنشهای معنادار و تفسیری انسان سروکار دارد. حوزه‌ای که تنها با ابزار تجربی محض نمی‌توان درجه اعتبار و قطعیت یافته‌ها را به اثبات رساند. علوم انسانی پیوند عمیقی با رشته‌های اقتصاد، تاریخ، روانشناسی و بویژه جامعه‌شناسی دارد. بهره‌گیری مناسب از دانش نظری و برآیند

Scanned by CamScanner

تحقیقات علمی، امکان رسیدن به تبیین، پیش‌بینی، تعمیم و احتمالات را میسر می‌سازد. بر این اساس رویکردهای علمی را غالباً در سه سطح[1] می‌توان پیگیری کرد:

۱- سطح خرد (Micro level)، نقطه عزیمت آن مطالعه رفتارها، اندیشه‌های فردی و برداشت ذهن بشر از محیط پیرامونش است.

۲- سطح میانه (Mezzo)، فراتر از سطح اول قرار گرفته و اصولاً روابط بین گروهها، سازمانها و طبقات اجتماعی را در کانون توجه خود قرار می‌دهد.

۳- سطح کلان (Macro)، رویکرد غالب بر این دیدگاه پدیده‌های اجتماعی بهن‌دامنه نظیر ساختارها، نهادها، نقشها و سایر الگوهای عینی و ذهنی کلان می‌باشد.

علم (science) شناخت واقعیت از راه تجربه است. معرفتی است منظم و منطقی که قوانین یا روابط پایدار واقعیت را بیان می‌کند. کارکرد علم، تبیین، پیش‌بینی و تعمیم است و هدف اساسی آن نظریه‌سازی است. پژوهش علمی، بررسی نظام‌یافته، تجربی و انتقادی در مورد پدیده‌های طبیعی است که طی آن روابط بین آنها از طریق نظریه و فرضیه هدایت می‌شود. مطالعات علمی به عنوان یک فرایند، دارای مراحل متعددی است. همان‌گونه که پیشتر اشاره شد، رهیافت‌های علمی از راه مشاهده (observation)، آزمایش (experiment) و تجربه (experience) بدست می‌آیند همان شیوه‌های رایج تجربه‌گرایان و زیست‌شناسانی که نقطه توجه‌شان منابع عینی برآمده از شیوه استقرایی است.[2]

تجربه‌گرایی، جریانی است فلسفی که از آغاز دوره رنسانس همزمان با عقل‌گرایی سنتی "traditional rationalism" و در مقابله با آن شروع و گسترش یافت و بر خلاف عقل‌گرایی محض که تفکر عقلایی و منطقی را وسیله اصلی دستیابی به شناخت می‌دانست، ارزش بیشتری برای مشاهده و آزمایش قائل است یا به عبارتی دیگر تجربه بعنوان منبع شناخت، بجای قیاس "Deduction" بر تفکر استقرایی "Induction" تأکید داشته و از برداشت‌های جزئی، قانونمندی‌های کلی‌تری را استنتاج می‌نماید.[3]

۱- حسین بشیریه در اثرش جامعه‌شناسی سیاسی در تبیین مرزهای علمی سه گرایش: رفتاری، اجتماعی و ساختاری را از هم تفکیک کرده و هر یک از آنها را با سه ۳ سطح تحلیل فردگرایانه و رفتاری، گروهها و نیروهای اجتماعی و ساختاری مرتبط می‌سازد. (ص ۲۱).

۲- اسلر در علوم اجتماعی، تألیف علی ساعی، مؤسسه نشر جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۷، ص ۲۲.

۳- کندو کاوها و پنداشته‌ها فرانرز رفیع پور، شرکت سهامی انتشار، چاپ هفتم، ۱۳۷۴، ص ۳۷.

Scanned by CamScanner

هانری الیوت[1] در تفاوت میان دانش نظام یافته (علم) و عقل سلیم[2] معتقد است «علم در جستجوی تبیین انواع پدیده‌ها به صورت مجرد، قابل تعمیم و ارائه آزمون‌های انتقادی در جهت آن تبیین است که نتیجه‌اش ایجاد یک نظام قیاسی است هر چند این هدف همیشه عملی نخواهد شد. در حالیکه شعور عام در زندگی روزمره خلاصه شده و حتی عقاید ناسازگار، متناقض و غیرآگاهانه را قبول کرده و از استمرار و دوام کم‌تری برخوردار است. وظیفه علم، دقت هر چه بیشتر، کنترل روایی و اعتبار نظریاتی است که خود مستلزم سنجش و بررسیهای مستمر است».[3]

سطوح مطالعات علوم انسانی و اجتماعی

الف. توصیف پدیده‌ها (description of phenomena)، آن دسته از مطالعاتی که تنها به بیان ساده رخدادهای تاریخی، عینی و اجتماعی اکتفا می‌کند.

ب. تبیین پدیده‌ها (Explantion)، مطالعاتی که در پی کشف و توضیح همبستگی‌ها و روابط علّی میان دو یا چند متغییر و اجزای مرتبط درونی پدیده‌ها می‌باشد.

ج. سطح تفسیری (Interpretive)، مطالعاتی که نقطه تمرکز آن نظامهای ارزشی جامعه، معانی ذهنی، ایدئولوژی یا کنش رفتاری است. در اغلب موارد، مسائل دینی و اعتقادی و کلیه مفاهیم انتزاعی در این حوزه جای می‌گیرند. انسانها از طریق الگوهای ذهنی، جهان اجتماعی را ادراک، فهم، ارزیابی و ارزش‌گذاری می‌کنند. اصولاً تعاریف اجتماعی بر پایه تفسیر ذهنی و فهم بشری قرار دارند که ریشه‌های فکری آن را باید در روش تفهمی دیلتای[4]، کادامر، هوسرل، هایدگر و ماکس وبر جستجو کرد.

قبل از اینکه مستقیماً وارد مبحث انقلاب و نظریه‌های مرتبط به آن بشویم ابتدا لازم است با مفاهیمی آشنا شویم که ارتباط تنگاتنگی با تغییر و تحول و تطور داشته و اساساً هر کدام از دامنه و کیفیت خاصی در درون ساختارها، کارگزاران قدرت و رژیم‌های سیاسی برخوردار می‌باشند.

1- H . Elliot
2-Common sense

۳- توسلی، غلام عباس، (۱۳۷۱)، نظریه‌های جامعه‌شناسی، چاپ سوم، ص ۲۲۲.

۴- ویلهلم دیلتای موضوعات علوم انسانی را روحانی و فرهنگی دانسته و واژه علوم روحانی Geistessenschaften را وضع کرد. پدیده‌های علوم طبیعی، موضوع علوم طبیعی‌اند اما پدیده های اجتماعی و روانی مانند زبان، فرهنگ، ادبیات و نهادهای اجتماعی، جزئی از ذهن و روح فرهنگی جامعه‌اند و مشحون از معنا، نظیر تمییز، اندیشه و نیت بوده و تنها با شیوه درون فهمی (hermeneutic) می‌توان آنها را مورد مطالعه قرار داد. وبر Max weber ۱۸۶۴-۱۹۲۰) و ریکرت هم معتقد بودند که درک جهان اجتماعی بدون ملاحظه وجه معنا و ارزش و قابلیت انسانی به نحو کامل ممکن نیست (بشیریه، ص ۲۶).

Scanned by CamScanner

تعریف مفاهیم و اصطلاحات (Definition of concepts)

۱- جنبش (Movement)

هر گونه حرکت حمایتی و یا اعتراض آمیزی که در راستای تحقق منافع و ایدئولوژی گروه انجام می گیرد. اساساً همه جنبش‌ها از جنس انقلاب نبوده و ضرورتاً به تحول انقلابی ختم نمی‌شوند. امروزه با تنوع خواسته‌ها و ظهور شبکه‌های مستقل از دولت و تشکلهای مردم نهاد، شاهد افزایش حضور دستجات اجتماعی در نقاط جهان هستیم.

از نمونه جنبشهای اجتماعی: جنبش حمایت از حقوق زنان (femenism) اقلیت‌ها دینی و نژادی، حقوق کودکان، حامیان محیط زیست (green party) جنبش خلع سلاح هسته‌ای و جنبش اصلاحات دینی و سیاسی را می توان نام برد.

۲- شورش (Revolt)

حرکتی است غیر منتظره و ناگهانی در جهت کسب منافع آنی و کوتاه مدت گروه که غالباً فاقد نظم ایدئولوژیکی و سازماندهی می‌باشد. نظیر مطالبات شغلی و صنفی کارگران، دانشجویان، بازاریان- به منظور افزایش حقوق و دستمزد، کاهش ساعت کار و یا بهبود خدمات رفاهی و بهداشتی است اصولاً در صورت پاسخ بموقع مدیران و مسئولان مربوطه، بسرعت خاتمه یافته و در صورت بی‌توجهی به آن و یا بروز خطایی آشکار، می تواند به فاجعه‌ای بزرگ تبدیل شود.

۳- اصلاح (Reform)

تلاش در جهت تغییرات آرام، تدریجی، مسالمت‌آمیز و قانونی که غالباً از سوی هیأت حاکمه، جامعه روشنفکران یا فعالان سیاسی صورت گرفته و بیشتر به تحولات روبنایی نظر دارد.

۴- کودتا (Coup)

اقدامی است که در صورت شکاف و دوگانگی در دستگاه حاکمیت به منظور جابجایی و تصاحب قدرت انجام می‌گیرد و غالباً ماهیتی نظامی داشته و مردم در آن نقشی ندارند.

برخی از کودتاها در داخل و خارج از کشور مانند، کودتا توسط لیاخوف فرمانده نیروهای روسی ایران در حمایت از محمدعلی‌شاه قاجار و به توپ بستن مجلس اول مشروطه. کودتای رضاخان و ارتش قزاق به همراه سید ضیاءالدین طباطبایی برای بدست گرفتن قدرت در سال ۱۲۹۹. کودتای آمریکایی و انگلیسی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ با همراه ساختن سران ارتش شاه و عوامل وابسته علیه دولت مصدق. کودتای خارج از مرز، به توطئه سیاسی صدام حسین، رهبر

Scanned by CamScanner

پیشین حزب بعث عراق علیه دولت حسن البکر. کودتای ژنرال پینوشه علیه دولت مارکسیست سالوادور آلنده در شیلی ۱۹۷۳م- حکومت آلنده از لحاظ پایگاه مردمی و ملی‌گرایی بی شباهت با دولت مصدق در ایران نبود. کودتای لوئی ناپلئون در فرانسه. کودتای سرهنگ جمال عبدالناصر و ژنرال نجیب با جمعی از افسران مصری علیه پادشاهی ملک فاروق. کودتای ۲۰۱۳م ارتش مصر برهبری ژنرال سیسی علیه دولت محمد مرسی و گروه اخوان‌المسلمین. کودتای نافرجام ۲۰۱۶م ترکیه علیه دولت رجب اردوغان. این کودتا که ظاهراً توسط فتح‌اله گولن و تنی از سران نیروی هوایی و ژاندارمری رهبری می‌شد با هلی‌کوپتر، جنگنده‌ها و تانک به برخی مکانهای دولتی یورش بردند که دست‌کم ۲۵۰ نفر کشته و ۱۵۰۰ نفر زخمی می‌شوند. اردوغان در اقدامی شتابزده شمار زیادی از نظامیان، استانداران، دانشگاهیان و کارکنان دولت را بجرم دست داشتن در کودتا دستگیر، زندانی و یا از مسئولیت و کارشان اخراج کرد. لذا ترکیه هم در کنار بحران سوریه و عراق و تونس دستخوش خشونت و ناآرامی می شود.

۵- انقلاب (Revolution)

انقلاب تحول سیاسی پیچیده‌ای است که در آن حکومت مقر به دلایلی توانایی اجبار و اعمال زور را از دست می‌دهد و گروههای سیاسی مختلف با علائق مشترک و متنوعی خود را به صحنه سیاست کشانده تا اینکه قادر شوند مرکزیت قدرت را به تصاحب خویش در آورند. برای شناخت دقیق از تغییرات انقلابی تا پیش از قرن نوزدهم و بسط اندیشه سیاسی در مغرب زمین، کوشش جامعی در توضیح و تبیین انقلاب صورت نگرفته بود.

برای رسیدن به تعریفی دقیق از انقلاب، ابتدا لازم است یک بررسی تاریخی[1] از آن داشته باشیم. در یونان باستان تا شکل‌گیری رنسانس علمی و فکری، انقلاب را یک حرکت دورانی نظیر گردش سیارات تصور می‌کردند منتها در قرن ۱۸ و پس از انقلاب کبیر فرانسه تعریف بنیادین و انقلابی که ناظر به تحول اساسی ساخت قدرت باشد، وارد ادبیات سیاسی شده است.

در برخی موارد، تحولات و پیشرفت‌های تکنیکی و تاریخی را انقلاب نامیدند. مانند گذار از جامعه سنتی و کشاورزی به جامعه مدرن و صنعتی، از شیوه تولید برده‌داری به فئودالیسم و بورژوازی. انقلاب فناوری، ارتباطات و پیشرفت در عرصه سلولهای بنیادین و انرژی هسته‌ای.

۱- تاریخ محتوای اصلی و ماده خام علوم انسانی، خانه علوم اجتماعی را تشکیل می‌دهد از ترکیب تاریخ با نظریه است که علم اجتماعی پدید می‌آید. گرایشات صرفاً انتزاعی و غیرتاریخی، در جامعه‌شناسی سیاسی میان تهی‌اند لذا توجه به وجه انضمامی پراکسیس تاریخ بر غنای یافته‌های علمی تاثیرات سازنده‌ای می‌گذارد.

Scanned by CamScanner

شایان ذکر است این دسته از تحولات عموماً روند تدریجی و تاریخی را طی کرده و فاقد خشونت‌اند، در حالی که انقلاب اجتماعی واجد ویژگی‌های منحصر بخود است.

از لحاظ کیفیت تغییر، میزان دگرگونی در تمامی انقلابات یکسان نیست. در یک انقلاب از نوع کمونیستی تغییرات اقتصادی، مهم فرض می‌شود. (نظیر تلاش بر حذف فاصله‌های طبقاتی و ضریب جینی، یا تغییر در نوع مالکیت و شیوه تولید). در یک انقلاب از نوع سیاسی بیشتر تغییرات، ناظر بر جابجایی نخبگان قدرت و ترکیب هیأت حاکمه و ساخت سیاسی است. انقلاب از نوع فرهنگی و دینی نظیر ایران، بیشترین تغییرات در حوزه هنجارها، ارزشها، منابع حقوقی، نهادهای سیاسی و اسطوره‌های مسلط جامعه بود. ضمن اینکه باید توجه داشت برخی از انقلابات ترکیبی از تغییرات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را همراه داشتند مانند انقلاب فرانسه و انقلاب اسلامی ایران.

در تعریف ساموئل هانتینگتون " انقلاب یک دگرگونی سریع، بنیادین و خشونت‌آمیز داخلی در ارزشها و اسطوره‌های مسلط جامعه، نهادهای سیاسی، ساختار اجتماعی، رهبری، فعالیت‌های حکومتی و سیاست‌های آن است "[1]. خانم تدا اسکاچپول انقلاب را تحول سریع و پایه‌ای دولت و ساختار طبقاطی جامعه تعریف می‌کند. شهید مرتضی مطهری انقلاب را طغیان و عصیان مردم یک ناحیه و یا یک سرزمین علیه نظم حاکم برای احیاء نظمی مطلوب تعریف کرد.[2]

با توجه به تعاریف گوناگونی که تاکنون از انقلاب ارائه شد، به نظر نگارنده تعریف زیر از دقت و جامعیت بیشتری برخوردار است.

انقلاب، حرکتی است جمعی، نسبتاً سازماندهی شده و خشونت‌آمیز که منجر به دگرگونی سریع و اساسی در ساختارهای جامعه، نظام ارزشی و ترکیب نخبگان سیاسی می‌شود.

ویژگیها و زمینه‌های انقلاب در ابعاد زیر خلاصه می‌شود

۱- از بین رفتن مشروعیت حکومت ۲- گسترش نارضایتی عمومی و افزایش روحیه انقلابی ۳- گرایش عمومی بر تغییرات اساسی ۴- ناکافی بودن ایدئولوژی حکومت و ظهور ایدئولوژی و فرهنگ سیاسی مخالف ۵- شکل‌گیری اعتراضات در غالب اعتصاب، تظاهرات و تجمعات خیابانی و خشونت‌آمیز.

1-Huntington political order in changing socities. P.264 .

۲- انقلاب اسلامی ایران، جمعی از نویسندگان، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها، نشر گروه معارف، ص۸۲ .

Scanned by CamScanner

انقلاب در سده‌های اخیر

انقلاب آمریکا به رهبری جرج واشینگتن و ویرجینا علیه استعمار بریتانیا که در سال ۱۷۷۶ با استقرار جمهوری دموکراتیک خاتمه یافت. انقلاب ۱۷۸۹ فرانسه به رهبری میرابو، دانتون و روسپیر علیه سلطنت لوئی شانزدهم از خاندان بوربونها، جنبشی که با فتح زندان باستیل آغاز شد. ضعف مدیریت سیاسی، عیاشی‌ها و سوء استفاده دستگاه سلطنت و دربار و دخالت گسترده همسر لویی، خانم ماری آنتوانت و دیگر فشارهای مالی و اقتصادی در کشور، زمینه‌ساز نارضایتی و واکنش مردم، مجلس و فقالان حقوقی و سیاسی جامعه شد. بعد از گذشت سه سال از انقلاب در سپتامبر ۱۷۹۲ میلادی، وزیر قوه قضائیه انقلابیون، لودیک، شاه سابق فرانسه را در ملاء عام به دست گیوتین سپرده و حدود سه هزار نفر از سلطنت‌طلبان هم جان خود را از دست دادند. لذا این حادثه با قربانی هزاران انسان و اعدام لوئی و ملکه آنتوانت، خاندان بوربونها را برای همیشه از صحنه قدرت حذف کرد.

انقلاب ۱۹۱۷ روسیه به رهبری لنین و تروتسکی به کوشش مارکسیست‌ها در غالب احزاب منشویک و بلشویک‌ها و وقوع حوادثی چون جنگ جهانی اول و مشکلات ناشی از آن، تضعیف دولت مرکزی، صف‌های طولانی نانوایی در شهرهای پتروگراد، اعتصاب کارگران سن پیترزبورگ و پیوستن سربازان به جمع انقلابیون، زمینه‌های سقوط دولت را تسریع کرد. انقلاب چین در فاصله سال‌های ۱۹۱۱ تا ۱۹۴۹ برهبری مائوتسه دونگ که با توسل به جنگ چریکی قادر شد ارتش ۵ میلیونی چیانگ کای چک را شکست دهد. انقلاب ۱۹۵۹ کوبا برهبری فیدل کاسترو علیه حکومت دیکتاتوری باتیستا. انقلاب ۱۹۶۲ الجزایر توسط جبهه سوسیالیست که تئوریسین اصلی این جنبش فرانتس فانون (fanon) بود، علیه استعمار فرانسه شکل گرفت. در الجزایر از هر ۸ نفر جمعیت ۱ نفر در نبرد انقلابی کشته می‌شود[1].

انقلاب ۱۹۷۹ نیکاراگوئه مقارن با انقلاب اسلامی ایران، از سوی جبهه ساندنیست با هدایت دانیل اورتگا و گروه نه نفره "رهبری ملی" علیه خاندان سلطنتی سوموزا (خانواده‌ای که مورد حمایت آمریکا و گارد سلطنتی بوده و ۴۵ سال بر مردم حکمرانی می‌کرد). این گروه قدرت خویش را از نیروهای مسلح ارتش، پلیس و میلیشای مردمی[2] کسب کرده و هسته‌ی مبارزاتی

۱- آلبر مالد، ژول ایزدک، تاریخ قرن نوزدهم و معاصر، ترجمه حسین فرهودی، جلد سوم، انتشارات ابن سینا، تهران، ۱۳۴۰.

۲- سازمانهای مردمی شامل کمیته دفاع ساندنیست جوانان، کارگران و زنان ساندنیست بودند که با هدف ترویج مشارکت انعکاس خواسته‌های مردم و ایجاد شبکه‌های اجتماعی، از بین بردن شرایط نامعادلانه - در دفاع از انقلاب با الهام از مکزیک و بولیوی برای تحکیم پایگاه مردمی کوشش می‌شد اتحاد دموکراتیک آزادیبخش تلاش خود را در تحقق انتخابات آزاد اصلاحات ارضی و تضمین حق تعیین سرنوشت ملی بکار گرفت. (انقلاب در نیکاراگوا، صالحی، صص ۶۰ و ۷۷).

Scanned by CamScanner

در سه گرایش برای مقابله علیه نظام دیکتاتوری سازماندهی شد. گرایشی با جنگ چریکی روستایی و توده‌ای با الهام از انقلاب کوبا، گرایش نبرد شهری پرولتاریا و همچنین نیروی سوم که قیام فوری و سراسری را شیوه موثر در قیام انقلابی می‌دانست.[۱]

حوادث ویتنام در فاصله سالهای ۱۹۵۴ تا ۱۹۷۵، انگلیس در سال ۱۹۴۰، آلمان ۱۸۴۸ از دیگر قیام‌های مردمی سراسر جهان می‌باشند. همچنین شروع خیزش انقلابی در کشورهای عرب‌خاورمیانه در سالهای ۱۳-۲۰۱۱ ، مصر علیه حسنی مبارک، لیبی علیه قذافی دیکتاتور نظامی از نمونه‌های آشکار تداوم جریان انقلاب به شیوه خشونت‌آمیز می باشند که انقلابیون قادر شدند پایگاه رژیم خودکامه را یکی پس از دیگری فرو ریزند.

اتفاقاتی که در فاصله سالهای ۲۰۱۱ تا کنون در کشورهای عرب منطقه، بویژه سوریه و عراق و یمن رخ داد در ابتدا شاهد ظهور اولیه یک جنبش مدنی ضعیف و سپس جریان خشونت‌گرا و تروریسم بودیم و نه یک انقلاب. چیزی که دقیق‌تر، یک جنگ داخلی بین گروههای سیاسی، قومی و مذهبی است. نمونه بارز آن تندروها و تکفیری های داعش و جبهه النّصره عراق و سوریه می باشند که اقدام به تصرف ناگهانی برخی شهرها و انهدام آن، کشتار مردم، تخریب اماکن و میراث اسلامی و شیعی شده و فرهنگ خشونت را سازمان دادند.

Scanned by CamScanner

آشنایی با رژیم‌های سیاسی

رژیم سیاسی بیانگر شیوه حکومت و مجموعه نهادهای سیاسی است که از سوی شخص یا گروهی معین از طریق سازمان و دستگاه‌ها بر کشور اعمال قدرت می کنند. شکل قانونی حاکمیت معمولاً بوسیله نهادهای قانونگذاری (مجالس مقننه)، اجرایی (هیأت وزیران و دستگاه دیوانی) و یا قضایی (دیوان عالی کشور و دادگاههای حقوقی و جزایی) تحقق پذیر است.

برای فهم دقیق ساختار درونی قدرت، ما نیاز به شناخت سه گزاره حکومت، دولت و ملت داریم : حکومت به ارگانهایی گفته می‌شود که بواسطه آن حاکم به اعمال اقتدار می‌پردازد و تنها شامل انحصار قوه مجریه و کابینه وزراء نمی‌شود. بنابراین علاوه بر قشر سیاسی قوه‌ی مجریه (رئیس جمهور، نخست‌وزیر و هیأت وزیران) شامل پارلمان و دستگاه‌های دیوانی و اجرایی نیز می شود.

اصطلاح حکومت Government نسبت به رژیم سیاسی رنگ و بوی حقوقی بیشتری دارد. حاکمیت[1] مانند مرکز تولید اقتدار به هر یک از دستگاه‌های فرمانروایی، صلاحیت اعمال اراده بخشیده و قوای سه‌گانه و عمومی از آن ناشی می‌شود.[2] اصطلاح دولتstate جامعه سیاسی و دستگاه‌های سازمان‌یافته است و با مجموعه نهادها، قواعد حقوقی و دیگر عناصر ساختاری در پیوند است که نمی توان آن را تنها به سطح هیأت وزیران و دستگاه‌های اجرایی خلاصه کرد.

در دایرةالمعارف لاروس از تعریف ملت nation آمده : مجموعه افراد انسانی که در یک سرزمین زندگی کرده و از اصالت تاریخی، آداب و زبان مشترکی برخوردار هستند. بدین ترتیب عناصر سرزمینی، جمعیتی و تاریخی، زبانی، فرهنگی و نظام سیاسی و حقوقی مشترک، حلقه‌های اصلی یک دولت ملی شناخته می شوند.

با طرح مبحث حاکمیت و دولت، باید توجه داشت که فشارهای سیاسی و یا جنبش انقلابی اساساً متوجه حاکمیت نخواهد شد بلکه به قصد تغییر، بنیاد رژیم سیاسی را نشانه می گیرند. پدیده سقوط نظامهای سیاسی طی ادوار تاریخی بوضوح روشن است. هیچ رژیم سیاسی نمی‌تواند عمری ابدی داشته باشد. همه رژیمها قربانی نیروهای مرموزی شده‌اند که دور از چشم آنها رشد کرده و مانند موریانه پایه‌های آنها را خورده‌اند. البته مهارت سیاسی، واکنشهای مناسب، انعطاف‌پذیری حکومت و استفاده ابزاری از ایدئولوژی، فرهنگ و مذهب می تواند تنها برای مدتی جریان سقوط را به تاخیر اندازد.

1-Sovereignty

۲- لاتی، لوالفضل(۱۳۸۲)، بایسته‌های حقوق اساسی، چاپ دهم، نشر میزان، صص ۷۱ و ۱۰۲.

Scanned by CamScanner

فصل دوم
تئوری‌هـای انقلاب

مقدمه

بخش اعظم مطالعه در رابطه با تحولات و انقلابات اجتماعی را باید در مبانی نظری انقلاب جستجو کرد. تئوری‌ها حاصل تلاش متفکرانی است که سالیان درازی در این زمینه به مطالعه و تحقیق پرداخته و توانستند چارچوبی ارائه دهند تا به کمک آن دانشجویان و پژوهشگران، قادر به تبیین دقیق پدیده انقلاب و دیگر مسائل اجتماعی باشند. اذعان به اینکه سازه‌های فکری همواره تابع شرایط زمانی، مکانی و فرهنگی‌اند به این معنا که با رجوع به یکی از رهیافت‌های تئوریکی، بدرستی نمی‌توان مسیر تحولات و حوادث احتمالی را تشخیص داد. افکار پیوسته دستخوش تجدیدنظر و بازاندیشی هستند نظریه‌های انقلاب نیز در فرایند زمان بکلی از بین نمی‌روند بلکه اقبال به آن فراز و نشیب داشته و به ندرت جایشان را به تئوری‌های جدیدی خواهند داد.

درک واقعیت انقلاب با مراجعه به تئوریهای محض جهان غرب و کاربرد تمامی اجزای آن برای تحلیل وقایع شرقی، بویژه جهان اسلام، قطعاً نتایج سودمندی نخواهد داشت. زیرا افکار، عقاید، اهداف و آرمان فرهنگی این جوامع، تفاوت آشکاری با پدیده‌ها و قالب‌های رایج مغرب زمین دارد.

Scanned by CamScanner

مرور تاریخی بر رژیم‌های سیاسی و ساخت حقوقی

در نگاه عمومی، نظام‌های سیاسی[1] یا تمرکزگرا (Centralist) هستند و یا کثرت‌گرا (Plouralist). سیستم وحدت‌گرا، خصلت توتالیتری و غیر دموکراتیک دارد. نظیر احزاب سابق نازیسم و فاشیسم در کشورهای آلمان و ایتالیا. در عمل احزاب مسلط وجه غالب اعضای مجلس را تشکیل داده و مجلس نیز دولت را تعیین می‌کند قوه مجریه ناشی از حزب واحد بوده و خود حزب هم تابع کمیته مرکزی و رهبری بلامنازع آن می‌باشد. مانند اقمار بلوک شرق قبل از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، کشورهای کوبا، کره جنوبی، ویتنام و جمهوری خلق چین از این الگو پیروی می کردند.

در سیستم کثرت‌گرا معمولاً دو یا چند حزب مسلط در صحنه‌های سیاسی کشور بازی‌گر نقش اصلی هستند. در انگلیس برای چندین دهه احزاب کارگر و محافظه‌کاران، کرسی‌های مجلس عوام و نخست‌وزیری را در دست داشتند. در آمریکا قدرت اصلی در اختیار دو حزب جمهوری‌خواه و دموکراتهاست. تجارب حزبی به خوبی نشان داد که احزاب کوچک‌تر تا کنون قادر نشدند مجالس سنا، نمایندگان یا ریاست جمهوری را بدست گیرند.

با ملاحظه تاریخ سیاسی کشورها، رژیم غالب در اکثر نقاط جهان تا قرن هجده کم و بیش از نوع امپراطوری و پادشاهی بود لکن از قرن هجده به بعد، پس از تشکیل ایالات متحده و انقلاب کبیر فرانسه و دگرگونی‌های عظیم در اروپا، بتدریج حقوق دموکراتیک مردم برسمیت شناخته شد و نهاد جمهوری جایگزین نهاد سلطنت گردید و میزان متنابهی از قدرت شاه به نهادهای دموکراتیک، نظیر پارلمان، هیأت وزیران و قوه قضائیه اعطا گردید و مفهوم پادشاه (مانند انگلیس و اسپانیا) فقط جنبتی نمادین بخود گرفته و از محتوای اجرایی و عاملیت سیاسی خالی شد.

ارسطو از فیلسوفان یونانی ۳۸۴ قبل از میلاد و صاحب آثار مختلف در قلمرو الهیات و متافیزیک، اخلاق و سیاست، زیبایی‌شناسی و فیزیک با بیان نظریه سیاسی‌اش، رژیم‌ها و اشکال حکومتی را به سه شکل متمایز کرد: ۱- رژیم‌هایی که در آن قدرت در اختیار یک نفر است (نظیر رژیم سلطنتی و نظام پادشاهی) ۲- رژیم‌هایی که در آن قدرت در اختیار گروهی معدود

۱- برای اطلاع بیشتر از انواع رژیمها به جامعه‌شناسی سیاسی موریس دوورژه عنوان احزاب سیاسی و گروههای ذی نفوذ چاپ سوم، ۱۳۷۰ و همچنین اصول علم سیاست دوورژه ۱۳۷۰، چاپ سوم، ترجمه ابوالفضل قاضی مراجعه شود.

Scanned by CamScanner

است (رژیم اشرافی و الیگارشی[1]) ۳- رژیم‌هایی که فرمانروا از سوی مردم انتخاب می‌شود (حکومت جمهوری که جنبه دموکراسی بخود گرفته و در آن منافع شخصی و فردی جانشین سود همگانی می‌شود).[2]

در مدل دموکراسی نوع قدیم یونان باستان، شهروندان عادتاً در "آگورا" یا "پنیکس" به تناسب جمعیت کم آتن و بروس گرد هم آمده و مستقیم و بدون واسطه در باب مسائل عمومی به رأی و تصمیم‌گیری می‌پرداختند.[3] این شیوه با دموکراسی‌های نوین اواسط قرن هجده که شاهد افزایش فزاینده جمعیت، زیست شهری و مدیریت پارلمانی هستیم، ماهیتاً تفاوت فاحشی وجود دارد.

سه الگو از انواع رژیم‌های سیاسی

الف. استبدادی (Tyranny)

در حکومت استبدادی اداره سیاسی کشور در دستان شخص سلطان و یا حزب و گروه مسلطی قرار می گیرد. اساس مشروعیت رژیم، نه از ناحیه مردم، بلکه در گروه‌های حامی خلاصه می‌شود. فضای عمومی جامعه همراه با ترس و ارعاب بوده و کسب امتیاز و منصب دولتی وابسته به کیفیت ارتباط با ایدئولوژی رسمی حکومت است.

سلطنتی مطلقه (Absolute monarchy) رژیمی که ابزار قدرت در دست شخص پادشاه بوده و تمامی امور به اراده سلطان وابسته است وی ریاست قوای مقننه، مجریه و قضائیه را هم در اختیار دارد. همچون رژیم‌های پادشاهی و موروثی رایج عصر فئودالیته. بدیهی است وجود گروه‌های ذی نفوذ اجتماعی، جریان مذهب، اخلاق، عرف و عادت جلوی اقتدار بی‌حد و مرز سلطان را می‌گرفت. پادشاهان قرون شانزده و هفده اروپا در مقابل آریستوکراسی، گاهی از کاربرد شمشیر و اجبار مطلق پرهیز می‌کردند. اما سلاطین شرقی به سبب ضعف گروه‌های فشار، اختیار جان و مال مردم را در دست داشتند.

1-Aristocracy.or oligarchy

۲- قاضی، ابوالفضل،۱۳۸۲، بایسته‌های حقوق اساسی، چاپ دهم، نشر میزان، صص ۱۰۴-۱۰۳ .

۳- برای اطلاع بیشتر از اوضاع سیاسی و مدنی یونان قدیم و آتن و اسپارت و همچنین آشنایی دقیق از نظریات و اندیشه سیاسی فلاسفه عصر قدیم و میانه (سقراط، ارسطو، افلاطون، سیسرون، آگوستین، توماس آکوئیناس، ماکیاول، هگل، آگوست کنت، جان استوارد میل، هابز و لاک، مونتسکیو، روسو، برک و جرمی بنتام) به کتاب « خداوندان اندیشه سیاسی» اثر مایکل ه. فلستر، ترجمه شیخ‌الاسلامی جلد ۱ تا ۵ مراجعه شود.

Scanned by CamScanner

در بسیاری از کشورهای عربی وضع به همین صورت بود. نوع رفتار سیاسی در اردن و انتقال قدرت از پدر- ملک عبداله به پسرش- ملک حسین. عمدتاً در مدل وراثتی، پیش از آنکه بر صلاحیت و شایستگی‌ها توجه شود، حقانیت تاریخی، قوانین و فرهنگ سیاسی عرفی تنها معیار احراز سمت‌های دولتی شناخته می‌شود. همچنین حکومت سابق صدام حسین در عراق، سرهنگ قذافی دیکتاتور نظامی لیبی و بشاراسد رئیس جمهوری سوریه بدلیل انحصارگرایی و یا نداشتن مشروعیت سیاسی در جریان خیزش اخیر جوامع عربی در سال ۲۰۱۱ میلادی از قدرت ساقط شده و یا در آستانه سقوط و فشارهای داخلی و بین‌المللی قرار دارد. در حقیقت این دسته از رژیمها، تنها ظاهری دمکراتیک داشته و در عمل معیارهای دموکراسی و حقوق شهروندی را رعایت نکرده بودند.

دیکتاتوری بناپارتیسم، احزاب نازیسم و فاشیسم آلمان، ایتالیا و اسپانیا که به کوشش آدلف هیتلر(۱۹۳۳)، موسولینی (۱۹۲۲-۴۵) و کابالر و خوزه آنتونیو (۱۹۳۱) پایه‌گذاری شده بودند ضمن بهره‌گیری از ایدئولوژی نظامی‌گری، اقتدارگرایی و ستایش موفقیت و دولت تمامیت خواه، اساساً در برابر اندیشه سیاسی لیبرالیسم و کاپیتالیسم جهانی صف آرایی کردند. هیتلر بعنوان رئیس دستگاه اجرا و قانونگذاری و بالاترین مقام قضایی کشور بود. در روم باستان سولا، ژولیوس سزار و اوگوستوس، در فرانسه ناپلئون و در انگلیس لردکرامول نمونه هایی از دولت دیکتاتوری بشمار می آیند. موسولینی در ایتالیا، عنوان رئیس حکومت، نخست‌وزیری و دبیر دولت، تمامی اختیارات قانونگذاری، دادگستری و فرماندهی عالی نظامی را در خود جمع کرده بود. «جنبش فاشیستی از لحاظ روانشناختی مبتنی بر تیپ شخصیتی اقتدارطلب، هم سلطه‌جو و هم اطاعت‌پذیر است. از آنجا که قدرتمندان در فرد اقتدارطلب، احساسی از احترام و تمجید بوجود می‌آورند، افراد ضعیف در نزد چنان شخصیتی خوار و حقیر می‌نمایند».[1]

دو حزب یاد شده بر پایه تمرکزگرایی، سلسله مراتب نظامی و اصالت دادن به نژاد، ملیت و توجیه زور در طلب قدرت و جهان‌گشایی تلاش‌های کاذبی کرده بودند. تداوم چنین روحیه‌ای، آدلف هیتلر را در بر افروختن شعله‌های جنگ جهانی، خشونت نظامی و خسارات سنگین و جبران ناپذیر، منجمله قربانی ۵۲ میلیون انسان ترغیب کرد و سرنوشت وی هم به قضاوت تاریخ، تشکیل حلقه مردان جنایت علیه بشریت نظیر چنگیز و هولاکوخان مغول و استالین ـ رقم خورد.

۱- بشیریه، حسین (۱۳۷۷)، جامعه‌شناسی سیاسی، نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی، نشر نی، چاپ چهاردهم، ص ۳۱۵.

Scanned by CamScanner

از مهمترین مشخصه رژیم‌های استبدادی، اقتدارگرایی (Autoritarian)، انحصارطلبی، شخص‌محوری و نظامی‌گری است. حاکمان سنتی اهمیتی به حقوق شهروندی، برابری و حق تعیین سرنوشت مردم نمی‌دهند.

در نظر هانتینگتون، رژیم‌های اقتدارگرا در سه الگوی دیکتاتوری نظامی، رژیم‌های تک‌حزبی و دیکتاتوری‌های فردی نمود پیدا می کند. این صورت‌بندی با سه الگوی گذار در ارتباط است:

۱- تغییر شکل(Transformation) زمانی که نخبگان قدرت خود رهبری نظامی مردم سالار را بر عهده بگیرند.

۲- فروپاشی(Replacement) دیکتاتوری‌های فردی هرگز با میل و رغبت خود از قدرت کناره‌گیری نمی کنند آنها تمام تلاش خود را در حفظ قدرت شخصی و سرکوب شدید مخالفان بکار می بندند. عمر این رژیم‌ها به شخص دیکتاتور وابسته است و گاه از نظر سیاسی مرگ و یا سقوط دیکتاتور[۱] و رژیم با هم فرا می‌رسند.

۳- جابه‌جایی(Transplacement) وقتی پیش می‌آید که نیل به مردم سالاری حاصل فعالیت مشترک حکومت و گروههای مخالف باشد. در رژیمهای نظامی گذر از طریق جابجایی- کودتا انجام می‌گیرد.[۲]

حاکمان لازم است اصل شایسته سالاری، تخصص‌گرایی و کارآمدی را در چینش سمت‌های دولتی مورد توجه قرار دهند. منتها پیش می آید افرادی در قدرت قرار می گیرند که مشاغل سیاسی را میان اقوام ،ارادتمندان و طرفداران خود همانند توزیع غنایم جنگی عصر بادیه نشین عرب، تقسیم کرده و به غارت منابع و ثروت ملی می پردازند. تداوم این حرکت بتدریج بنیاد حکومت را متزلزل ساخته و اعتماد عمومی را از بین می برد. لذا حکومت‌های اقتدارگرای شخص محور، زمینه مناسبی برای انقلاب و سقوط دارند.

۱- دیکتاتور کسی است که در اجرای نظرش، ولو با زیر پا گذاشتن قوانین و آزادی‌ها ابایی ندارد. دیکتاتوری ژنرال فرانکو در اسپانیا پس از مرگ او به سلطنتی و حکومت کمال اتاتورک در ترکیه به جمهوری مبدل گردید.

۲- فصلنامه راهبرد، نوروزی، نصراله (۱۳۷۵)، ساخت قدرت شخصی و فروپاشی حکومت پهلوی، شماره ۹، ص ۱۷۲-۱۷۳ .

Scanned by CamScanner

ب. دموکراسی (Democracy)

این واژه مشتق از دو کلمه لاتین (DEMOC) یعنی مردم و (KERATOS) به معنای حکم راندن است. نگاه تاریخی به اشکال حکومتی ریشه در اندیشه افلاطون و ارسطو از اصحاب سیاسی یونان قدیم و در دوران جدید نیز ریشه دموکراسی را باید در اندیشه اصحاب قرارداد: هابز، لاک، روسو و مونتسکیو جست. آموزه‌های دموکراسی نوین، بعدها از سوی متفکران دیگری همچون آلکسی دوتوکویل، توماس جفرسون، ویلیام جیمز، ایزا برلین و کارل پوپر بارور شد.[۱]

از ویژگیها و مشخصه دموکراسی:

۱- وجود سیستم نمایندگی، رای‌گیری و انتخابات آزاد ۲- آزادی فعالیت احزاب، اصناف و نهادهای مدنی ۳- تفکیک قوای سه‌گانه، جدایی حوزه دینی از حوزه سیاسی، دولت حداقلی و پاسخگو و عدم مداخله حکومت در زندگی خصوصی مردم ۴- اهمیت به قانون و احترام به حقوق شهروندی نظیر آزادیهای عقیده، گفتار، نوشتار، مطبوعات و تشکیل اجتماعات – می باشند در مغرب زمین احزاب لیبرال و سوسیال دموکرات از حامیان اصلی آن بشمار می‌آیند.

از دید هابرماس فیلسوف سیاسی، در الگوی دموکراسی شهروندان قادر به تصمیمات جمعی و عقلانی شده و شرایط لازم برای مشارکت همه در تعیین سرنوشت فراهم می شود. با وجود حوزه عمومی و جامعه مدنی اجازه انتشار اطلاعات و اندیشه‌ها بدون محدودیت داده می شود.

حکمای اداوار باستان و متفکران قرون جدید و حقوقدانان عمومی، با تکیه بر حقوق فردی و جمعی و اصل تفکیک قوا، کوشیده‌اند از تمرکز فسادانگیز و خودکامه‌زای قوا در یک شخص یا یک گروه بکاهند. حسب طبیعت اشیاء و احوال و اقتضای سرشت مرکزگرایی، کسی که قدرت واحد را در دست گیرد، وسوسه شده و از آن سوء استفاده می‌کند. قدرت بدون مرز تبدیل به خودسری، فساد و انحراف می‌شود. به گفته لرد اکتن " قدرت فساد آورده و قدرت مطلق مطلقاً فاسد می‌سازد و در این میان، آزادی اسیر دام هوس‌ها و اغراض گردیده و مرغ همایون دموکراسی در فضای جامعه بال و پر می‌ریزد ".[۲]

رژیمهای لیبرال در نتیجه بحران دولتهای محافظه‌کار پیدا شدند. تحول در ساخت اقتصادی و اجتماعی، افول اشرافیت زمیندار و گسترش طبقات تجاری و صنعتی همراه با نوسازی

۱- دیوید بیتهام و کوین بویل(۱۳۸۰)، دموکراسی چیست، ترجمه شهرام نقش تبریزی، صص ۱۸-۱۹ .

۲- نقل از لوللشل فاسی(۱۳۸۲)، بایسته‌های حقوق اساسی، چاپ دهم، نشر میزان، صص ۱۶۱-۱۶۲ .

Scanned by CamScanner

فرهنگی و تجدد، زمینه‌های ظهور آن را فراهم آورد. لیبرالیسم که خود حاصل تلاش بورژوازی تجاری و صنعتی شدن است به کوشش روشنفکران در احیاء رژیم‌های دموکراسی تکوین یافت و ابعاد مختلفی مانند: لیبرالیسم اقتصادی(به معنای محدودیت دخالت دولت بر فعالیت اقتصادی و حوزه خصوصی) لیبرالیسم فرهنگی (توجه به آزادی سیاسی ، اندیشه‌ای و اعتقادی) و لیبرالیسم سیاسی (به معنای وجود مراکز مختلف قدرت و بالا بردن ظرفیت مشارکت مردم در سرنوشت سیاسی). در واقع لیبرالیسم پس از سرنگونی نظام فئودالی و دولت مطلقه و حکومت محافظه‌کارانه اشرافیت زمیندار در اواخر قرن نوزدهم ظهور یافت.

در رأس رژیم‌های دموکراتیک، رئیس جمهور قرار دارد که مستقیم یا غیرمستقیم از سوی شهروندان برگزیده می‌شود. وصول این مقام تنها از راه انتخابات مقدور است، نه از راه فتح و ظفر، وراثت یا روش خود انتخابی. در نظر ارسطو، رژیم جمهوری همان حکومت مردم بر مردم است که در برابر رژیم‌های سلطنتی"حکومت فرد" و آریستوکراسی"عده معدود" قرار می‌گیرد. رئیس دولت بر خلاف پادشاه، نه بشیوه وراثت، تبار و امتیازات قومی و خویشی، بلکه از راه انتخابات با رأی مردم برای مدتی معین[1] کرسی ریاست را در دست می‌گیرد.

پادشاهی‌های مشروطه- پارلمانتاریسم، تقسیم قدرت بین شاه و پارلمان و مسئولیت سیاسی وزیران در برابر مجلس و قوانین، نظیر مدل کشور انگلیس از سال ۱۶۸۹ به بعد که در آن قدرت پادشاه محدود گردیده و سازوکار توزیع منابع قدرت و نهادهای نظارتی رسمیت یافت.[2]

ج. مردم سالاری دینی (Religious democracy)

الگوی بارز نظام دین سالار در جهان، جمهوری اسلامی ایران است، بنیاد نظری آن در تفسیر فقه شیعی از مبانی حکومت و جایگاه ولایت فقیه در مدیریت سیاسی و دینی و اتکا به دو منبع مشروعیت، الهی و مردمی پیوند خورده است. پشتوانه تاریخی و نظری آن بر این اساس واقع شده است که: اسلام بعنوان دین خاتم، برای تمامی نیازهای اساسی انسان دستور و برنامه دارد. پیامبر اسلام با ورود به مدینه حکومت تشکیل داد و سپاهی بنیان نهاد، فرمان

۱- بطور مثال دوره ریاست جمهوری در ایران و آمریکا ۴ سال، اتریش ۵ سال، فنلاند ۶ سال و ایتالیا و فرانسه هر کدام ۷ سال است.

۲- حکومت سلطنتی و پادشاهی مشروطه پارلمانی، امروزه در کشورهای انگلیس، هلند، بلژیک، سوئد، نروژ، ژاپن و دانمارک رایج است. برای اطلاع بیشتر از کیفیت دستگاهها و حکام سیاسی این قبیل کشورها مراجعه شود به قسمت اول، باب سوم مبحث سازمان دولت از کتاب حقوق اساسی دکتر منوچهر طباطبایی موتمنی.

Scanned by CamScanner

جنگ و صلح صادر کرده و با قبایل وگروه‌های مختلف پیمان و قرارداد می‌بست، در دادخواهی قضاوت نموده و برای نواحی تابعه فرمانروایانی تعیین می‌کرد.

حکومت دینی پیوند مستقیمی با نظریه ولایت فقیه دارد، پیشینه الگوی نظری حکومت ولایت فقیه را می‌توان در دیدگاه فقیهان و مجتهدان شیعه جستجو کرد:

شیخ طوسی(۵۹۸-۵۴۳) علامه حلی(۷۲۶-۶۴۸) ملا احمد نراقی[۱](۱۲۴۵-۱۱۸۵) شیخ مرتضی انصاری(۱۲۸۱-۱۲۱۴) و در دوره معاصر، حضرت امام در کتاب ولایت فقیه و البیع بطور واضح نقش فقها و حکومت اسلامی را مورد بحث قرار داده‌اند.[۲]

اساساً اجرای احکام اسلامی و قوانین الهی تنها در متن حکومت اسلامی که در رأس آن فقیه جامع‌الاشرایط باشد، قابلیت اجرایی خواهد داشت. حضرت امام(ره) بر لزوم تشکیل حکومت اسلامی فرمودند: «خداوند متعال درکنار فرستادن یک مجموعه قانون، یعنی احکام شرع، یک حکومت و دستگاه اجرا و اداره مستقر کرده است. رسول اکرم در رأس یک تشکیلات اجرایی علاوه بر ابلاغ وحی، بیان تفسیر، عقاید، احکام و نظامات اسلام، دولت اسلامی بوجود آورد... اسلام همانطوری که قانونگذاری کرد، قوه مجریه قرار داده و ولی امر متصدی قوه مجریه هم است... تاریخ گواه می‌دهد که پیامبر تشکیل حکومت داده و به اداره جامعه پرداخته، والی به اطرف می‌فرستاد، به قضاوت می‌نشسته، و قاضی نصب می‌فرموده، سفرایی به خارج و نزد قبایل و پادشاهان روانه می‌کرده و معاهده و پیمان می‌بسته، جنگ را فرماندهی می‌کرد و احکام حکومتی را به اجرا می‌انداخته است... بنابراین به ضرورت عقل و شرع آنچه در حیات رسول‌الله و امیرمومنان لازم بوده، یعنی حکومت، دستگاه اجرا و اداره آن پس از ایشان در زمان ما لازم است».[۳]

در اندیشه ایشان، ولی فقیه همان اختیاراتی را دارد که پیامبر و امامان معصوم در اداره حکومت داشتند، همچنان که خداوند حق حاکمیت مطلق را به پیامبر و دوازده امام معصوم- با

۱- احمد ابن مهدی بن ابی ذر نراقی، فقیه و محدث رجالی، ریاضیدان، استاد فنون و علوم عقلی که در زهد و تقوا شهرت داشت. وی بیشتر علوم را از محضر پدرش مهدی نراقی و در نزد بحرالعلوم و شیخ جعفرکاشف الغطاء - تلمذ کرد. ایشان استاد شیخ انصاری و سید محمد شفیع جابلقی بود از جمله آثارش: مفتاح الحکام، عواند الایام، علم اصول، مستند الشیعه و دیوان شعر فارسی است. نقل از پاتوپس کتاب ولایت فقیه حضرت امام(ره)، ص ۷۶.

۲- آیت‌الله جعفر سبحانی و محمد محمد رضایی، اندیشه اسلامی۲، (۱۳۸۹)، نشر گروه معارف، چاپ یازدهم، صص ۲۰۴-۲۲۰.

۳- خمینی، روح الله (۱۳۷۸)، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۸-۱۲۷۹)، ولایت فقیه، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ چهارم، صص۲۸-۲۵.

Scanned by CamScanner

مشخصات خاص داده، در زمان غیبت- با ویژگی‌هایی به فقیه واگذار کرده است. لذا حق حاکمیت و اطاعت تنها از آن خدا و کسانی است که از جانب خدا اجازه حاکمیت می‌یابند.

در اثبات تئوری ولایت فقیه می‌توان از ۴ منبع؛ کتاب، سنت معصومین، اجماع و عقل بهره جست. دلایل عقلی و نقلی چنین ولایتی، از یکسو منصبی الهی است توسط خدا و معصومین، از طرفی استقرار چنین حاکمیتی، بر پذیرش مردم و وکالت است. نصب، خود در دو معنا بکار می‌رود؛ "نصب خاص" که خدا فردی را برهبری بگمارد، در"نصب عام" خدا و معصومین فردی را تعیین نکرده بلکه ویژگی‌ها با ترتیبی بیان شد که در عصر غیبت حق حاکمیت پیدا می‌کند.

حکومت دینی در پرتو شریعت الهی و احکام حقوقی اسلام، برنامه‌های ارزشمندی را در تعالی‌بخشی ابعاد مادی و روحانی بشریت ارائه می‌دهد که تفسیر صحیح، واقع‌بینانه و عملی از آن، جامعه را در مسیر عدالت و شکوفایی قرار داده و با بهره‌گیری از ظرفیت‌های بالقوه، چشم‌انداز روشنی در عمق بخشیدن ابعاد گوناگون حقوقی بوجود می آورد.

اساساً هنر سیاست در این است که با ایجاد توازن میان گروههای مختلف اجتماعی، مطالبات بحق مردم را پاسخ مثبت داده و رضایت شهروندان خود را فراهم آورد.

پرسش فصل اول

۱- مفاهیم شورش، اصلاح و کودتا را جداگانه تعریف کرده و برای هر یک مثالی بیاورید

۲- با ارایه تعریف جامع از مفهوم انقلاب، ویژگی‌ها و زمینه‌های پیدایش آن را بنویسید

۳- سه الگو از رژیم‌های سیاسی را با ذکر ویژگی و مشخصه‌های آن بنویسید

پژوهش فصل اول

۱- چرا اساساً رژیم‌های استبدادی و خودکامه با خطر وقوع انقلاب مواجه هستند

۲- اندیشه حکومت دینی را در نظریه امام خمینی (ره) مورد بررسی قرار دهید

۳- مردم سالاری دینی در مقایسه با رژیم‌های لیبرال دموکراسی غربی از چه مزیت‌هایی برخوردار است

Scanned by CamScanner

نظریه‌های انقلاب

در پژوهش‌های اجتماعی با مفاهیمی مانند متغییر[1]، فرضیه[2]، قانون[3] و نظریه[4] سر و کار داریم که هر یک بیانگر معنایی خاصی بوده که باید در فرایند تحقیق بکار گرفته شوند.

تئوری، مجموع گزاره‌هایی است که تلاش می کند بطور علمی و منطقی به تبیین و پیش‌بینی واقعیت و پدیدهای اجتماعی دست یابد. به تعریف دیگر "نظریه" به یک رشته قضایای مرتبطی اطلاق می‌شود که زمینه را برای تنظیم دانش، تبیین و پیش‌بینی زندگی اجتماعی و ایجاد فرضیه‌های تحقیقی نوین فراهم می‌سازد.[5]

تئوری‌های انقلاب مشخص سازد، چگونه یک وضعیت عادی به وضعیت انقلابی می انجامد.

در یک صورت بندی، تئوری‌های انقلاب را می‌توان در ۳ دسته قرار داد:

الف. نظریه‌هایی که تمرکز آن بر علل وقوع انقلاب است

ب. نظریه‌هایی که به فرایند شکل‌گیری انقلاب توجه دارد

ج. نظریه‌هایی که به آثار و نتایج انقلابات می‌پردازد

مبانی نظریه‌پردازی انقلاب با رویکرد جامعه‌شناسی سیاسی

در ارتباط با نسلهای نظریه‌پردازی، جگ گلدستون سه نسل از نظریه‌های انقلاب را از هم جدا می‌سازد:

۱- نسل اول نظریه‌ها (دهه ۱۹۲۰تا۱۹۳۰ که به تاریخ طبیعی انقلابها توجه می‌شد. مانند نظریه توصیفی سوروگین و برینتون)

۲- نسل دوم (دهه ۱۹۵۰تا۱۹۶۰ به تبیین انقلابها پرداخته و بیشتر الگوی نوسازی جامعه را در نظر دارد. نظریه‌های روان‌شناسی و سیستمی از این نوع هستند)

۳- نسل سوم (از سال ۱۹۷۵ آغاز شده و نقطه تمرکز آن بر تبیین ساختار دولت، فشارهای بین‌المللی، نیروهای مسلح و رفتار نخبگان قرار دارد)

1- Variable
2- Hypothes
3- Laww
4- Theory

۵- جورج ریتزر، نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، انتشارات علمی، ص۴.

Scanned by CamScanner

جان فوران از نسل چهارم نظریه‌پردازی، مسئله توسعه ناموزون و الگوی سرمایه‌داری، بحران نوسازی، شرایط بسیج سیاسی، نقش دولت، ایدئولوژی و شرایط مساعد بین‌المللی را در کنار ساختار اجتماعی و دیگر عوامل علّی قرار می‌دهد[۱]

حسین بشیریه از بنیانگذاران جامعه‌شناسی نوین در کتاب " انقلاب و بسیج سیاسی" نظریه‌های انقلاب را در دسته‌های زیر تقسیم کرد:

۱- نظریه مبارزه طبقاتی (تئوری مارکس و پیروان سنت مارکسیسم)

۲- نظریه واقع‌گرایی سیاسی (در پیوند با اندیشه ماکیاول و هابز و شماری از متفکران قرن بیستمی نظیر ویلفردو پارتو[۲]، روبرت میخلز و گائتنا موسکا می باشد. مسئله گردش نخبگان، شیران و روباهان و کشاکش در تصاحب قدرت)

۳- نظریه کاریزما (در اندیشه های فرهنگی ماکس وبر و طرح انواع نظام سلطه و مشروعیت)

۴- نظریه فردگرایانه انقلاب (تمرکز بر دیدگاه دوتوکویل، دیویس و تدگار و ارائه تصویر اقتصادی و ذهنی از جمله اثر محرومیت و عصیان بر رفتار سیاسی)

نظریه‌های مطرح از دید جامعه‌شناسی سیاسی

الف. نظریه مارکسیستی یا مکتب ستیز Conflict (ارائه تصویری تاریخی از شیوه های تولیدی و مبارزات طبقاتی، استثمار و ماتریالیسم)

ب. تئوری کارکردگرایی انقلاب Functionalism (تناسب ارزشها و محیط، منابع تغییر، مشروعیت و شرایط بین‌المللی. تئوری جانسون و اسکاچپول در این شبکه قرار می‌گیرد)

ج. تئوری روان‌شناختی انقلاب psychology (توجه به گزاره‌های ذهنی و روانی، محرومیت‌ها، فشار و اضطرار و مطالعه رهبران)

د. تئوری سیاسی political theory (تشخیص ساختار درونی دولت، رژیم‌های سیاسی و گروههای فشار)[۳]

۱- فصلنامه راهبرد، مشیرزاده، حمیرا (۱۳۷۵)، مروری بر نظریه‌های انقلاب در علوم اجتماعی، شماره ۹، ص ۱۱۸ .

۲- در نظر پارتو، غریزه تداوم و همبستگی اهمیت دارد. حکومتی که بتواند ترکیب درستی از روباه صفتان و شیرصفتان را در خود جای دهد بر قدرت باقی می‌ماند. روباه صفتان از خصوصیت هشیاری، زیرکی، سازشکاری و مدیریت برخوردارند و شیرصفتان از دلاوری و مبارزه‌جویی. در این میان، شیرصفتان موفق‌ترند. وقتی حکومت همزمان قشر بالا مملو از عناصر فرسوده و قشر پایین عناصر شایسته باشند وقوع انقلاب حتمی‌تر است. نقل از انقلاب‌های رنگی و انقلاب اسلامی ایران، شعیب بهمن، ص ۲۶.

۳- نظریه هانتینگتون ۱۹۶۸، پارتو ۱۹۱۶، موسکا ۱۸۹۶، میلز و نیلی ۱۹۵۶، رابرت دال ۱۹۶۱ و همچنین تئوری جامعه توده‌وار خانم هانا آرنت و جیمز مدیسون و کورن هاوزر در این شبکه قرار می‌گیرد.

Scanned by CamScanner

هر کدام از مکاتب فکری، تعدادی از نظریه‌پردازان را شامل می شود که با داشتن زمینه‌های فکری مشترک به تبیین و تحلیل انقلابها می پردازند.

تئوری‌های مارکسیستی انقلاب

هسته اولیه تئوری مارکسیستی در اندیشه‌های کارل مارکس (۱۸۸۳ - ۱۸۱۸) قرار دارد. در بیانیه حزب کمونیسم و نقد اقتصاد سیاسی، رویکرد تاریخی را بصورت مشخص وارد جامعه-شناسی سیاسی کرد. به اعتقاد مارکس حرکت جامعه بر محور تاریخ قرار دارد که پایه تحلیلی آن تضاد دیالکتیکی و ماتریالیسم تاریخی است. بر خلاف تئوری کارکردگرایی[1] (Functionalism) در نظریه مارکس، تضاد و کشمکش اجتماعی اساس تغییر و تکامل جامعه و تاریخ شناخته می‌شود. تضاد دائمی میان طبقات متخاصم مهمترین محرک جنبش انقلابی به شمار می‌رود.

هر دوره تاریخی بر پایه وجه تولیدی قرار می گیرد :

۱- شیوه تولید عصر باستان، کار توسط بردگان بود. مانند اجتماعات روم و یونان قدیم

۲- شیوه تولیدی عصر فئودالی، کار توسط سرف‌ها بود. مانند نظام فئودالی اروپای غربی

۳- شیوه تولیدی جوامع جدید و بورژوازی، کار در برابر مزد قرار دارد. در این دوره دو طبقه بزرگ " بورژوا و پرولتاریا" در برابر هم واقع می شوند.

۱- فونکسیونالیسم دنباله گرایش پوزیتیویستی سن سیمون و آگوست کنت فرانسوی است که توسط پارسونز و پیروانش در اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ با نگرش اصالت اثباتی، سیستمی و سیبرنتیکی با به عرصه ظهور گذاشت. کارکردگرایی خصلتی محافظه کارانه داشته و موضوعات تعارض، تضاد، بحران و فروپاشی را تقریباً نادیده می‌گیرد به همین دلیل سنت مارکسیستی نگاهی تحقیرآمیزی به آن داشته (شیرین، صص ۲۵-۲۲).

Scanned by CamScanner

الگوی تحوّل تاریخی مارکس

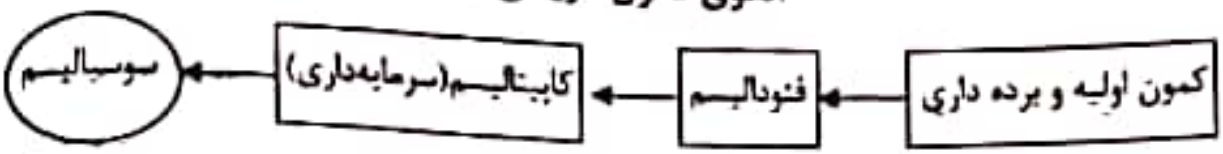

مارکس جامعه را به دو بخش تقسیم می‌کند:

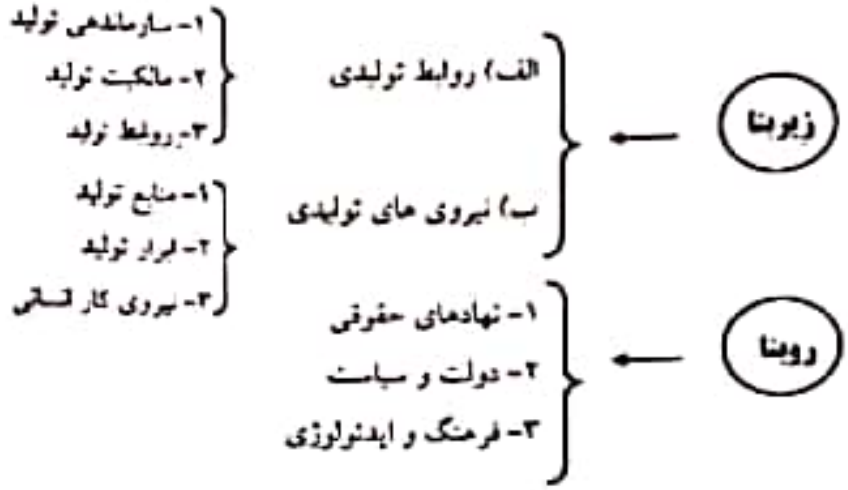

به اعتقاد مارکس، همزمان با رشد نیروهای تولید، روابط تولیدی باید تغییر کرده و سازماندهی جدیدی شکل بگیرد. دولت و دستگاه ایدئولوژیک چیزی جز بازتاب روابط تولیدی و ابزار سلطه سرمایه‌دار و استثمار طبقه حاکم نیستند. جامعه تخم‌های استحالهٔ خود و نظام را در دل خود نهفته دارد. در سنت مارکسیسم انقلاب پرولتاریا، خط پایان دوره استثمار خواهد بود.

مدل تحول انقلابی مارکس

تضاد طبقاتی و سرمایه داری ← استثمار ← از خود بیگانگی ← آگاهی طبقاتی = انقلاب

کمونیسم مرحله‌ای از مالکیت اشتراکی با محوریت طبقه کارگر است که در آن دولت فاقد قدرت است. در تز دیلکتیکی، بورژوازی زمانی خودش به عنوان طبقه انقلابی عمل کرد و توانست نظام فئودالی را از میان بردارد. در جوامع صنعتی با گسترش بنگاه‌های تولید و استخدام جمعیت وسیعی از کارگران در زیر سقف مشترک، جریان استثمار، امکان آگاهی منافع جمعی و از خود بیگانگی[1] را آشکار ساخته و از پی آن ستمدیدگان جایگاه نابرابر خود را در نظام سلطه پیدا می‌کنند و آنها را قادر خواهد ساخت در برابر استثمارگران و صاحبان ابزارهای تولید قیام کنند.[2]

---

[1] Alienation

۲- کوهن، الوین استانفورد (۱۳۸۵)، ترجمه علیرضا طیب، تئوری های انقلاب، نشر قومس، صص ۸۲ تا ۸۶.

Scanned by CamScanner

پیرو سنت فکری مارکس، شاهد انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ روسیه برهبری لنین و تروتسکی علیه خاندان رومانوف و سقوط فرمانروایی ۳۰۰ ساله تزارها می باشیم. خیزش‌های بعدی انقلاب کمونیستی در سرزمین پهناور چین برهبری مائو و سپس کاسترو در کوبا و کره شمالی... یکی پس از دیگری بوقوع پیوست.

در ارزیابی مارکس از مذهب، اغلب تصور می‌شد وی دین را رد می‌کرد، امّا این به هیچ وجه حقیقت ندارد. او می‌نویسد "دین" قلب یک دنیای بی قلب است و پناهگاهی در برابر خشونت-های روزانه. مذهب عامل آرام‌بخشی است که مردم خودشان در شرایط درد و رنج تولید می کنند.

از نظر مارکس دین بصورت سنتی ناپدید خواهد شد و باید بشود، از سویی، ارزشهای مثبتی هم در دین تجسم یافته که می‌تواند بصورت آرمان راهنمای بهبود سرنوشت بشریت در این جهان درآید. نباید پنداشت که خود آرمانها و ارزشها اشتباه‌اند. ما نباید از خدایانی که خودمان آفریده‌ایم بترسیم. وی در عبارت مشهوری اعلام کرد که "دین تریاک خلق" بوده و سعادت و پاداشها را به زندگی پس از مرگ موکول می‌کند و پذیرش تسلیم‌طلبانه شرایط موجود را در این زندگی می‌آموزد. دین دارای عنصر نیرومند ایدئولوژیکی است. اعتقادات و ارزشهای دینی غالباً نابرابری‌های ثروت و قدرت را توجیه می‌کند. برای مثال این آموزش که فروتنان وارثان زمین خواهند بود، بیانگر نگرش افتادگی و عدم مقاومت در برابر ستم است.[1]

منتقدان اندیشه مارکس می گویند، او مبنای حرکت تاریخ را بر پایه اقتصاد قرار دارد و برای حوزه سیاست، ایدئولوژی و اندیشه اهمیت خاصی قائل نبود. همچنین در تعریف ماده و شعور، او ذهن و تفکرات انسان را تنها بازتاب واقعیت‌های بیرونی مغز انسان می‌داند. به همین دلیل اغلب وی را جبرگرای اقتصادی **Economic determinism** لقب داده‌اند.

لنین و گرامشی (Lenin . Gramsci)

ولادیمیر ایلیچ لنین (۱۹۲۴- ۱۸۷۰) در دانشکده حقوق شهر پتروگراد تحصیل کرد. سال ۱۸۹۵ به دلیل فعالیت حزبی و سیاسی، دستگیر و زندانی شد. در زندان و دوران تبعیدش در سیبریه شرقی، تا پایان عمرش ۱۹۲۴ بیش از ۵۰ اثر از جمله؛ چه باید کرد، ماتریالیسم و امپریالیسم به عنوان بالاترین مرحله سرمایه داری...از خود برجای گذاشت. سال ۱۸۸۷ الگساندر برادر بزرگ لنین به اتهام سوء قصد علیه تزار روس" الگساندر سوم" دستگیر و به اعدام محکوم

۱- گیدنز، آنتونی، نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه منوچهر صبوری، چاپ اول، نشر نی، ص ۳۹۲.

Scanned by CamScanner

شد. ضایعه‌ای که بر روحیات انقلابی لنین تاثیر فوق‌العاده‌ای گذاشت. لنین ضمن سفر به کشور-های مختلف اروپای شرقی در سال ۱۹۱۷ به پتروگراد عزیمت نموده و با تشکیل احزاب کارگری بلشویک و پیروزی حزب کمونیسم، با بدست گرفتن مشعل رهبری در مقام رئیس دولت قرار گرفته و با انعقاد توافقنامه‌ای به جنگ روس و آلمان خاتمه داد. هم اکنون مزارش در مسکو قرار دارد.[۱]

در نظریه مارکس، شرایط عینی استثمار امکان آگاهی خودبخودی طبقه پرولتاریا را فراهم می سازد. امّا لنین وجود "حزب پیشگام" متشکل از رده‌های سیاسی و حرفه‌ای را برای آگاه سازی، سازماندهی کردن و تقویت روحیه انقلابی را لازم می‌دانست. به اعتقاد لنین آگاهی‌های خود بخودی کارگران، تنها به آگاهی اتّحادیه‌ای، یعنی در افزایش دستمزد، خدمات صنفی و رفایی کارگران خلاصه شده و لزوماً به شعور سیاسی نمی‌انجامد.

به اعتقاد " گرامشی" طبقه استثمارگرِ سرمایه‌دار عنصر آرام کننده‌ی ایدئولوژی و دین را به خدمت می‌گیرد و چنین وانمود کرده که حامی منافع مشترک طبقه کارگر است یعنی آنها در قبال کار و عرق ریختن، دستمزد و خدمات رفایی دریافت کرده و چیز مجانی عرضه نمی‌کنند. گرامشی این توجیهات و تصورات واهی را هژمونی یا سلطه فرهنگی می‌نامد. لذا پذیرش تسلیم‌طلبانه توهمات خالی از ارزش، مانع آگاهی و عکس العمل انقلابی کارگران می‌شود.[۲]

گرامشی از اهمیت دستگاه ایدئولوژیک و عامل خشونت و پلیس اشاره می کند در برخی انقلابها مردم دچار این توهم می شوند که بعدِ سرنگونی رژیم دیگر خبری از زندان و پلیس نیست در حالیکه این دستگاه‌ها در دولت بعدِ انقلاب، حتی بیشتر بازسازی شده و میزان سرکوبی– نظیر روسیه دوران استالین- بیشتر هم می شود.

مائو و انقلاب چین

به اعتقاد مائو[۳] کشور چین در مرحله اولیه سرمایه‌داری قرار داشته و شیوه تولید حاکم بر آن الگوی زمینداری و دهقانی است. برای اقدام انقلابی، دو طبقه کارگر و دهقان بایستی در هم ادغام شوند. به همین منظور سال ۱۹۳۰ " تز خط توده" را مطرح ساخت. در عملیاتی کردن

۱- فرهنگ معین (۱۳۶۳)، جلد سوم، مؤسسه انتشاراتی امیرکبیر، ص ۵۰۹۳.

۲ - ریتزر، جورج (۱۳۸۶)، نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، انتشارات علمی، ص ۱۹۸.

۳- مائو (۱۸۹۳-۱۹۷۶) در شکلهای رهبری حزب کمونیست را بر عهده گرفت و با ترتیب یک راهپیمایی بزرگ پارتیزانی، در سال ۱۹۳۵ میلادی در مسافت هزاران کیلومتری، توان قدرت حاکمان انقلابی را به نمایش گذاشت وی با شکست دادن چیانگ کای شک در سال ۱۹۴۹ توانست جمهوری خلق چین را پایه‌گذاری کند و تا آخر عمرش در رأس حکومت این کشور قرار گیرد.

Scanned by CamScanner

این شیوه، جمعی از انقلابیون حرفه‌ای برای ایجاد آگاهی سیاسی و سازماندهی فراگیر، باید به درون جمعیت شهری و روستایی اعزام می شدند. پیگیری همین روند مبارزه‌ی طولانی و تشکیل هسته‌های نظامی در قالب جنگ چریکی، آنها را قادر ساخت ارتش ۵ میلیونی چیانگ‌کای‌چک را در سال ۱۹۴۹ میلادی شکست داده و به آرزوی انقلابی خویش برسند.

پیروان مارکسیسم، طرح کلی لنین از آگاهی سیاسی طبقه کارگر و گذار از سرمایه‌داری به کمونیسم "کمینترن یا سازمان کمونیسم بین‌الملل" سازوکاری موثر می‌دانستند.

بدیهی است "احزاب کمونیسم، سوسیالیسم و مارکسیسم چپ" پیرو سنت فکری مارکس، لنین و مائو بوده و مخالف مالکیت خصوصی زمین یا کارخانه اند و اقتصاد را اصلی مهم و زیربنایی می دانند. ایدئولوژی کمونیسم پس از انقلاب ۱۹۱۷ روسیه، مقارن با خاتمه جنگ جهانی دوم، به کشورهای لهستان، بلغارستان، آلمان شرقی، چکسلواکی، آلبانی، مجارستان، کره شمالی، ویتنام، کوبا و یمن جنوبی گسترش یافت.

تئوری کارکردگرایی انقلاب

یکی از برجسته‌ترین چهره‌های این مکتب تالکوت پارسونز (۱۹۷۹-۱۹۰۲) جامعه‌شناس آمریکایی می باشد. در نظر ایشان جامعه بعنوان یک کلیتی است که از تعدادی خرده سیستم - شده است که هر یک از خرده نظامها در متن یک واحد اجتماعی، نقش‌ها و مسئولیتی را بر عهده دارند و تغییر در هر یک از آنها به تغییر در عناصر دیگر می انجامد. اگر هر یک از نهادها وظایف خود را در درون سیستم بدرستی انجام دهند به تعادل و ثبات کمک می‌کند اما در صورت عدم هماهنگی عناصر در ایفای وظایف محوله، سبب بحران و بی ثباتی خواهد شد.

در اندیشه پارسونز مفاهیم و متغییرهایی چون؛ ارزشها[1]، هنجارها[2]، نقشها[3] و مسئولیت‌ها[4] اهمیت ویژه‌ای می‌یابند.

1-Value
2-Norms
3-Roles
4-Responsibility

Scanned by CamScanner

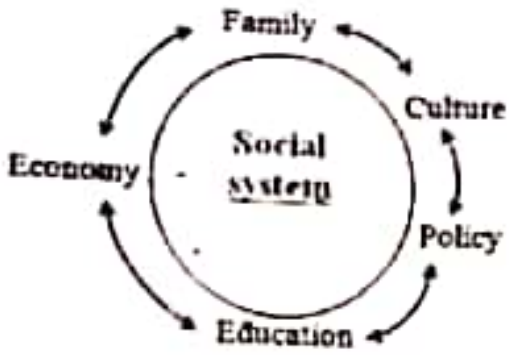

پارسونز نهادها یا کنش را در ۴ سطح بیان می‌کند:

۱- نهاد دین (مسئولیت ثبات اخلاقی و حراست از فرهنگ جامعه را بر عهده دارد)

۲- نهاد حقوقی(عهده‌دار قوانین و هنجارهای اجتماعی)

۳- نهاد سیاسی(تحقّق بخشیدن به هدف‌های عمومی جامعه)

۴- نهاد اقتصاد (ایجاد شرایط لازم برای انطباق با محیط)[1]

نظریه چالمرز جانسون (chalmerz joanson)

نظریات جانسون (۱۹۷۰ – ۱۹۶۰) در کتاب "انقلاب و نظام اجتماعی" و"تحول انقلابی"[2] مطرح شد. دو مفهوم عمده در نظریه جانسون ارزش و محیط است.

ارزشها ⟺ محیط

در توصیف نظام ارزشی می‌گوید: ارزشها برگرفته از فرهنگ، تاریخ و اعتقادات جامعه می‌باشد که بسیاری از مردم در آن اشتراک نظر دارند. ارزشها هدف را توجیه نموده و به آن مشروعیت می‌بخشد. نقطه تعادل زمانی است که نهادها، نقش‌ها و هنجارهای اجتماعی ضمن ارتباط مناسب با هم، عامل تصحیح کننده تغییرات باشند. وی می افزاید در صورتیکه ارزشها و محیط بشکل هماهنگ تغییر یابند، تعادل اجتماعی حفظ خواهد شد در غیر اینصورت منجر به بحران می‌شود.

برخی از ارزشهای مشترک و عمومی مانند عدالت‌خواهی، ظلم ستیزی، آزادی طلبی، برابری، راستگویی و صیانت نفس می‌باشد.

۱- توسلی، غلام عباس (۱۳۷۱)، نظریه‌های جامعه‌شناسی، چاپ سوم، انتشارات سمت، ص ۲۲۱.

2- Revolution and the social system and Revolution change

Scanned by CamScanner

هنجارها بوسیله ارزشها توجیه می‌شوند. هنجار جنبه عملی رفتار است قوانین و تهادهای اجرایی پشتوانه هنجارهای اجتماعی‌اند. ایدئولوژیها به اهداف و وسیله معنی می‌دهند. به عنوان نمونه، مشارکت سیاسی ارزشی است که خانه احزاب کانون هنجاری آن بوده و برای حجاب و پاکدامنی، چادر و پوشش فیزیکی قاعده هنجاری محسوب می شود. همچنین ازدواج بعنوان یک ارزش، نهاد خانواده کانون هنجاری آن است.

جانسون منابع و فشارهای حاصله از تغییر را در ۴ سطح قرار می‌دهد :

۱- منابع داخلی تغییر ارزش‌ها (نظیر نوآوری، گرایشات جدید مذهبی و ظهور شخصیت-های مصلح با گفتمانی جدید)

۲- منابع خارجی تغییر ارزش‌ها (دین اسلام بعنوان یک ارزش در سده های پیش مورد استقبال ملل مختلف قرار گرفت. انقلاب اسلامی ایران و تحولات اخیر تونس، موجی از بیداری را در خاورمیانه ایجاد کرد. دموکراسی و یا ایدئولوژی مارکسیسم بعنوان یک ارزش مورد استقبال برخی جریانهای فکری و روشن اندیشان قرار گرفت)

۳- منابع داخلی تغییر محیط (افزایش جمعیت، مهاجرت و مسئله پناهندگان سوریه و میانمار و ونزونلا. در چنین شرایطی مسئولان دولتی باید با اعمال سیاست کنترل موالید، اشتغال جوانان و ساماندهی پناهندگان مانع از بحرانهای امنیتی بشوند)

۴- منابع خارجی تغییر محیط (نظیر تهاجمات نظامی و فرهنگی و تبعات منفی تکنولوژی ارتباطی. اساساً کثرت منابع و شبکه‌های وسیع اطلاعاتی، می‌تواند زمینه‌ساز بی ثباتی‌های اجتماعی شود).[1]

مدل تحلیلی جانسون

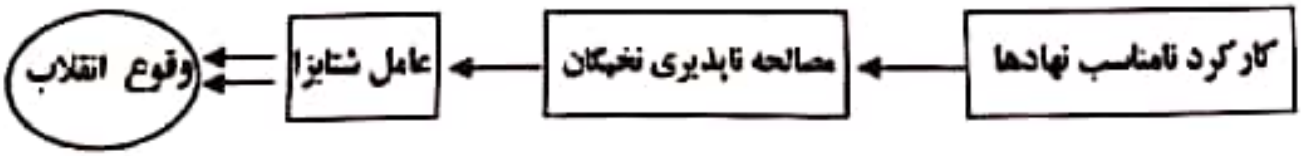

وی می‌افزاید چنانچه نظام مستقر بتواند خود را با تقاضاهای جامعه هماهنگ سازد و بستر لازم را برای ارضای خواسته‌های واقعی فراهم نماید، هیچگونه اتفاقی نخواهد افتاد اما اگر از عهده فشارهای وارده از منابع تغییر و منتقدین نظام بر نیاید، وضعیت تغییر خواهد کرد. او در همین ارتباط می‌گوید:« برای ایجاد انقلاب دو چیز نیاز است، یکی از آنها نخبگان حافظ وضع

۱- کوهن، الوین استانفورد. ترجمه علیرضا طیب. تئوری‌های انقلاب. ۱۳۸۸، نشر قومس، ص۱۶۵.

Scanned by CamScanner

موجودند. اگر این گروه نخبه پاسخگوی فشارهای رو به تزاید جامعه نباشد، احتمال وقوع انقلاب خواهد رفت. دوم آنکه چنانچه مصالحه‌پذیر باشند تغییرات ساده‌ای رخ داده و کارکرد ناقص بر طرف شده و هیچ انقلابی بوجود نمی‌آید».[1] وی همچنین به نخبگان سیاسی توصیه می‌کند برای جلوگیری از بروز انقلابی دست به اقداماتی سنجیده زده و مانع از وقوع انقلاب شوند.

.توصیه‌های جانسون به دولتمردان در ۳ محور خلاصه می شود:

۱- آگاهی نخبگان- مسئولین باید از وضعیت و مشکلات جامعه و همچنین خواسته‌ها و مطالبات مردم آگاهی پیدا کنند. صحیح ترین راه وصول به درک شرایط و آسیب‌های جامعه، روزنامه‌های مستقل، نظرسنجی و مراجعه به آراء عمومی می باشد.

۲- انعطاف‌پذیری دستگاه حاکمیت[2]- دست‌زدن به اصلاحات لازم و حساب شده و چاره-اندیشی در حل بحران. بعنوان مثال اگر در جامعه تقاضا برای مشارکت سیاسی وجود داشته باشد دولت باید با تشویق و تشکیل کانونهای حزبی و تشکلهای مردم نهاد، بستر فعالیت آنها را هموار سازد یا در خصوص کنترل جمعیت در جامعه مذهبی، لازم است دولت در ابتدا عقیده فقها را نسبت به صدور فتوا بر مجاز بودن اعمال سیاست‌های تنظیم خانواده جلب نماید.

۳- مهارت سیاسی- در پیش گرفتن روشهای معقول و سنجیده از سوی کارگزاران حکومت در مسیر توسعه و تحول و پرهیز از هرگونه حرکت طولی و شتابزا. بعنوان نمونه تصمیم فرهنگی رضاخان در الگوی پوشش و قانون کشف حجاب سال ۱۳۱۴ منجر به تحریک احساسات و عرق دینی شده و واکنش نیروهای مذهبی را بهمراه داشت.

بدیهی است این نظریه بیشتر بُعد تجویزی داشته و به نخبگان توصیه می‌کند تا با تدبیر سیاسی مانع از بروز و ظهور انقلاب بشوند.

جانسون می‌گوید انعطاف‌ناپذیری نخبگان ناشی از فساد قدرت و انحصارطلبی آنان است همواره این تصور در دولتمردان وجود دارد که اگر دست به اصلاحات بزنند، انحصار قدرت از دستشان خارج می شود. معنای عامل X در مدل جانسون، به ناتوانی حکومت در بکارگیری از قوای نظامی و ابزار سرکوب اشاره دارد. اگر حکومت نتواند از راه خشونت نظامی و امنیتی مخالفان خود را سرکوب سازد، خطر سقوط رژیم حتمی خواهد بود.

۱- همان، تئوری‌های انقلاب، صص ۱۶۶ و ۱۷۳.

2 - Government

Scanned by CamScanner

عامل x یا شتابزا "که همان ناتوانی نخبگان در حفظ انحصار خود بر قوه قهریه است" سه حالت مشخص پیدا می‌کند: ۱- عواملی که مستقیماً بر قوای مسلح حکومت تاثیر می‌گذارند ۲- فرهنگ انتقالی یا ایدئولوژی انقلاب می‌تواند بر قوای مسلح نفوذ کند ۳- انجام عملیات مخفی در درون بخشی از نیروهای مسلح.[۱]

نمونه روشن نفوذ فرهنگ و ایدئولوژی انقلاب ایران بر بدنه نیروهای نظامی رژیم، ماجرای به گلوله بستن سالن غذاخوری افسران ارتش توسط سه نظامی مخالف و همچنین پیوستن گروهی از پرسنل نیروی هوایی به جمع انقلابیون و همچنین خروج سربازان از پادگانها بود.[۲]

به اعتقاد جانسون، هر قدر حکومت به سرکوب و خشونت متوسل شود، دچار رکود قدرت و مشروعیت می‌شود. "مشروعیت" به مجموعه‌ای از مفاهیم در باره درستی یک الگوی سیاسی است که اعضای برجسته جامعه به آن اعتقاد داشته باشند... مشروعیت تعیین کننده پایگاه اجتماعی و میزان اعتبار حکومت از ناحیه مردمش است. وقتی مشروعیت از بین برود حکومت تضعیف می‌شود.[۳]

۱- فصلنامه راهبرد، مشیرزاده، حمیرا (۱۳۷۵)، مروری بر نظریه‌های انقلاب در علوم اجتماعی، شماره ۹، ص ۱۳۶.

۲- از همبستگی نیروی هوایی با انقلاب، روزنامه‌ها نوشتند ۲۸۰۰ تن از همافران، افسران، درجه‌داران و سربازان پایگاه شاهرخی همدان دست به اعتصاب غذا زدند. پایگاه بندرعباس به نهضت مردمی پیوست و هزار پرسنل هوایی با انقلاب پیوند خورد. در ۱۹ بهمن ۵۷ گروهی از همافران برای اعلام وفاداری به مقر امام رفتند که بلافاصله به سراسر جهان مخابره شده و بعنوان پیوستن ارتش به امام خمینی تلقی گردید. نیروهای گارد پهلوی وقتی استقبال افسران هوایی به امام را در تلویزیون مشاهده کردند به قصد تنبیه و حمله با تانک و ادوات به داخل اقامتگاه آنها حمله برده و با رگبار مسلسل جمعی را به شهادت رساندند. ضمن اینکه پرسنل نیروی هوایی برای دفع حملات شبانه گاردیها، بطرف اسلحه خانه هجوم برده و با گشودن درهای مخفی، سلاحها را بین خود و مردم توزیع کردند. تا اینکه با پیوستن شمار بیشتری از پرسنل ارتش، از جمله نیروی دریایی پادگانها، مراکز پلیس و کلانتری یکی پس از دیگری بوسیله مردم فتح شد.

۳- کوهن آلوین استانفورد، ترجمه علیرضا طیب، تئوری‌های انقلاب، نشر قومس، ص ۱۷۴.

Scanned by CamScanner

تئوری تدا اسکاچپول (Theda skocbpol)

وی در کتاب "دولتها و انقلابهای اجتماعی"، انقلاب فرانسه (۱۸۰۰-۱۷۸۷)، روسیه (۱۹۲۱-۱۹۱۷) و چین (۱۹۴۹-۱۹۱۱) را مورد بررسی قرار داد و با تبیین همانندیها و تفاوت‌های موجود، بر این اعتقاد بود که انقلاب در اثر تقارن شورش طبقات پایین جامعه و تحوّل در ساختار اجتماعی رخ می‌دهد. انقلاب نتیجه بحران‌های سیاسی، نظامی، مدیریت دولت و سلطه طبقاتی است. رابطه دولت با طبقات دهقان، کشاورز و زمیندار و جایگاهش در اقتصاد بین‌الملل و نظام سرمایه‌داری و بالاخره بحران اقتصادی، طبقات حاکم را بشدت تحت تاثیر قرار می‌دهد.[۱]

تدا اسکاچپول در مقاله "دولت تحمیلدار و اسلام شیعی در ایران" می‌نویسد: تشخیص نقش نظامهای عقیدتی و فرهنگی در شکل‌دهی به کنشهای سیاسی اهمیت ویژه‌ای دارد. همچنین نقش علما در بسیج بسیاری از منابع کلیدی چون مساجد، شبکه گسترده روحانیون، ایدئولوژی شیعه و نقش امام خمینی(ره) به عنوان نیروی متحد کننده جماعت متفرق قابل توجه است. امام (ره) با برخورداری از جایگاه مرجعیت و شهرت قادر شد خشم و نارضایتی جامعه را به سوی هدفی واحد متمرکز سازد.[۲]

وی که از شیوه تحلیل "تاریخی و تطبیقی" استفاده کرد بر این باور بود که انقلابها ساخته نمی‌شوند بلکه خودشان می‌آیند همچنین در نتیجه مطالعه انقلاب اسلامی ایران، تمرکز بیشتری بر نقش ایدئولوژی و فرهنگ و فشارهای وارده از ناحیه بین‌المللی نشان داد.

۱- نقل از جورج ریتزر (۱۳۸۶)، نظریه های جامعه شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، انتشارات علمی، ص ۲۵۳.

۲- فصلنامه راهبرد- هادیان، ناصر (۱۳۷۵)، نظریه تدا اسکاچپول و انقلاب اسلامی ایران، شماره ۹، ص ۱۸ .

Scanned by CamScanner

تئوری‌های روان‌شناختی انقلاب (Theorys of revolution psychology)

این تئوری بر تصورات ذهنی افراد جامعه از وضعیتی که آنها را به عصیان و نافرمانی مدنی سوق بدهد، متمرکز می شود.

نظریه روان‌شناختی انقلاب در ۴ گروه تقسیم بندی می‌شود

۱- مطالعاتی که به پیشینه زندگی رهبران انقلاب می‌پردازد

۲- بررسی‌های مرتبط با سرکوب غرایز

۳- نظریه توقعات فزاینده

۴- نظریه محرومیت نسبی و دیدگاه ماروین زونیس

مطالعه رهبران انقلاب و نظریه سرکوبی

اصولاً در این تئوری مجموعه شرایط و زمینه‌هایی که باعث انقلابی شدن رهبران بشود، اهمیت دارد. گزاره‌هایی مانند ویژگی‌های شخصیتی[1]، پیشینه زندگی، وضعیت خانوادگی، ناکامی و فشار روانی که منجر به انزوا یا سیاسی شدن گردد. به عنوان مثال زندگی شخصیت‌ها و رهبرانی چون: لنین، هیتلر، امام «ره» کاسترو، مائو ـ

در مورد " لنین" مرگ زود هنگام پدر(۱۹۸۶)، ترورهای سیاسی نظیر قتل تزار الکساندر دوم (۱۸۸۱) ضربه‌ی سیاسی و روانی بود زیرا ادعا می‌شد برادر بزرگش در طرح نافرجام قتل تزار شرکت داشت تا آنجا که حکم اعدامش صادر می‌شود. برخی اعدام برادرش را علت انقلابی شدن لنین دانستند. " آدلف هیتلر" در ۱۵ سالگی، پدر و کمی بعد مادر خود را از دست می‌دهد. در کتاب " نبرد من" از علاقه شدیدش به مادر حرف می‌زد. برخی روانشناسان معتقد بودند لنین دچار اختلالات و ناتوانایی جنسی(عقده ادیب) بود.

از ارتباط این نظریه با شخصیت امام خمینی(ره) معمار انقلاب که به خانواده‌ای صاحب نام و مذهبی تعلق داشت در سالهای نخست کودکی، پدرش در درگیری با خوانین محلی در دفاع از حقوق اجتماعی بقتل می‌رسد. ضایعه‌ای که محرومیت پدری و عاطفی را برای ایشان در پی داشته. امّا آنچه که در ضمیر شخصیت ایشان اهمیت داشت حس مسئولیت‌پذیری و تکلیف دینی در جهت صیانت از حقوق اجتماعی، مبارزه با ظلم، بی‌عدالتی و تلاش در احیاء ارزش‌های دینی بود. در خصوص "نواب صفوی" بنیانگذار جمعیت فدائیان، در حالیکه ایشان نه ساله بیش نداشت پدرش سید جواد در سال ۱۳۱۲ بدلیل اختلاف و درگیری با علی اکبر داور، وزیر وقت

1- Personality characteristics

Scanned by CamScanner

عدلیه، به ۳ سال زندان محکوم شده و بعد از مدتی از دنیا رفت. لذا به تعبیری حوادث تلخ دوران رشد نواب در شکل‌گیری حس انتقام‌جویی و تقویت روحیه انقلابی‌اش تاثیرگذار بود.

"پتیریم سوروگین[۱] " (Pitrim sorkin) از نظریه‌پردازان حوزه روان‌شناختی، محیط نظام را متشکل از هنجارهای حقوقی می‌داند

سطح ارضای غرایز ⟺ وضع محیط نظام

هنجارهای حقوقی

وی معتقد است شش نوع غریزه اساسی وجود دارد که در صورت سرکوبی ممکن است به انقلاب منجر شود: ۱- سرکوب غریزه دارائی و مالکیت ۲- غریزه صیانت نفس ۳- غریزه تغذیه ۴- غریزه نیروی جنسی ۵- غریزه آزادی خواهی ۶- سرکوب غریزه اظهار وجود.

مدل سوروگین

سرکوب غرایز ← نارضایتی ← سیاسی شدن جامعه ← عدم پاسخ به موقع ← انقلاب[۲]

وضعیت جامعه پس از انقلاب، توأم با هرج و مرج، آشوب و ضعف امنیتی و سیاسی که اصولاً این شرایط جزء ذاتی مرحله آغازین تمامی انقلاب‌هاست. با سقوط رژیم سابق، بسیاری از موانع موجود بر ارضاء غرایز از بین می‌رود. در رژیم سابق مردم مدتها با الگوهای رایج عادت کرده و مطابق آن رفتار می‌کردند. منتها با فروپاشی نظم قدیم، جایگزینی ارزشهای نوین در فاصله‌ای کم و برقراری امنیت از دست رفته ناشی از انقلاب، کاری سخت و دشوار است. رژیم جدید برای احیاء ارزشهای نوین و امنیت اجتماعی، ناگزیر متوسل به فشار و سرکوب می‌شود. وی شادمانی‌های اولیه را گذرا و موقت می‌داند. مطالعات سوروگین بیشتر در ارتباط با انقلاب ۱۹۱۷ روسیه و استقرار دیکتاتوری پرولتاریا بود.

نظریه دیویس (توقعات فزاینده)

برخی اندیشمندان با استفاده از مدل رفتار اقتصادی بر مبنای عقلانیت فرد و محاسبه هزینه و فایده، سعی کردند مشارکت افراد را در انقلاب توضیح دهند.

۱- سوروگین (۱۹۶۸- ۱۸۸۹) نو روسیه بدنیا آمد و در دانشگاه سن پیترزبورگ تحصیل کرد او بدلیل فعالیت‌های سیاسی مدتی را در زندان گذراند و به دستور لنین آزاد می شود سپس از روسیه به آمریکا رفته و در دانشگاه هاروارد مشغول تحصیل شد از جمله تألیفاتش: تحرک اجتماعی، پویایی اجتماعی و نظریه‌های جامعه‌شناسی معاصر است.

۲- گوهن آلوین استانفورد ترجمه علیرضا طیب (۱۳۸۵)، تئوری‌های انقلاب، نشر قومس، صص ۲۳۴، ۲۳۵ و ۲۳۷.

Scanned by CamScanner

فرض اصلی "جیمز دیویس" این است « انقلابها وقتی محتمل‌ترند که بعد از یک دوره‌ای نسبتاً طولانی از رشد عینی اقتصادی و اجتماعی، دوره کوتاهی از افول شدید اقتصادی بوجود آید».[1]

به اعتقاد وی در وضعیت رکود و بحران، مردم از حکومت انتظار دارند که مشکلات موجود را بهبود بخشد اما فشارها و ناتوانائی حکومت در اصلاح امور، بتدریج منجر به کاهش مشروعیت و افزایش تنشهای اجتماعی می‌شود.

از واکنش سه طبقه عمده اقتصادی در نتیجه بحرانها، طبقه ثروتمند آسیبی نمی‌بیند و اصولاً فشارها، متوجه اقشار متوسط و کم درآمد جامعه می‌شود. ایشان به طبقه حاکم توصیه می‌کند تا بیشتر متوجه قشر "متوسط" جامعه باشند زیرا آنها از پتانسیل انقلابی برخوردارند. قشری که ذاتاً از آگاهی‌های سیاسی، موقعیت استراتژیک و مهارت لازم برای بسیج توده برخوردار است.

دیویس می‌افزاید حاکمان در توجیه بحران و رکود، اغلب فرافکنی کرده و ریشه عوامل را به خارج از کشور و به توطعه دشمنان بیرونی نسبت می‌دهند در حالیکه این نوع توجیهات در درازمدت برای مردم قانع‌کننده نخواهد بود.

الگوی نموداری دیویس

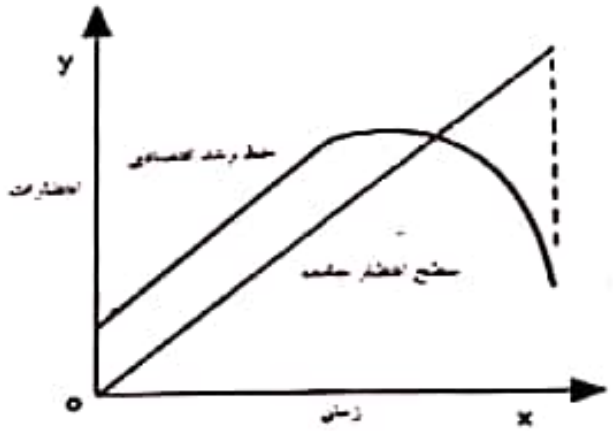

منحنی J به نقل از:

James Davies Toward a Theory of
.reolution American sociological Review vol.27 (1962) P.6

1-James c.davies Towart a theory of Revolution American sociological review 27 1962 P.6.

Scanned by CamScanner

انقلاب حاصل شکاف بین سطح واقعی و سطح مورد انتظار جامعه است به عبارتی دیگر فاصله میان آنچه مردم می‌خواهند و آنچه احساس می‌کنند بدست می‌آورند[1].

برینتون و توکویل هم معتقد بودند در ۴ انقلاب مورد مطالعه، شرایط اقتصادی مردم نسبت به قبل خیلی بهتر بوده و مردم در رفاه نسبی بسر می‌بردند: به عقیده او اگر مردم مدتی کوتاه از امتیازاتی برخوردار باشند و سپس آن امتیازات برچیده شود یا تصور کنند که چیزی را در گذشته داشته‌اند و حال از دست دادند، احساسی از محرومیت نسبی به آنها دست می‌دهد. مثال توکویل انقلاب فرانسه است در این کشور مردم زمانی انقلاب کردند که در وضعیت فقر قرار نداشتند حتی شرایط اقتصادی شان بهتر از گذشته بود.

"رابرت تدگار" در رفتارشناسی انقلاب مسئله «محرومیت نسبی» را مطرح ساخت. بر طبق این نظریه رفتارهای پرخاشجویانه اغلب نتیجه ناکامی بوده و کیفیت خشونت به شکل توطئه، شورش، اعتصاب و تجمع خیابانی آشکار می‌شود.

محرومیت نسبی ←—— •••• ——→ خشونت

در پرسش به این سئوال که، آیا هر محرومیتی انقلاب را در پی خواهد داشت؟ پاسخ تدگار منفی است. زیرا وقوع انقلاب به عوامل متعددی بستگی دارد: ۱- به میزان مشروعیت سیاسی حکومت ۲- فرصت بسیج سیاسی ۳- کیفیت نیروی مسلح و ترکیب مخالفان.

ماروین زونیس استاد دانشگاه کلمبیای آمریکا در کتاب "شکست شاهانه" با تحلیل رفتارشناسی انقلاب، به پنج عامل از ویژگیهای شخصیتی که سبب تزلزل در تصمیم‌گیری و تشدید بی ثباتی جامعه شد، اشاره دارد[2].

۱- فصلنامه راهبرد، مشیرزاده حمیرا (۱۳۷۵)، مروری بر نظریه‌های انقلاب در علوم اجتماعی، شماره ۹، ص ۱۳۳.

۲- در نظر زونیس این ۵ عامل عبارتند از : ۱) خوشی شاه با ارتباط برون همکلاسی سوئیسی، ترک ایران و ایجاد خلاء مدیریتی ۲) عاطفی در شاه ۳) اشتباه علم دوست و حامی رژیم که تنها ۲ ماه قبل سقوط رژیم بدلیل بیماری از دنیا رفت ۳) اخراج اشرف خواهر دوقلوی شاه از عوامل پروژه کودتای ۲۸ مرداد بواسطه فعالیت پنهان اقتصادی ۴) بیماری سرطان شاه از ناحیه غدد لنفاوی، استفاده از داروهای قوی که توان مدیریتی‌اش را متزلزل ساخته بود، قصد شاه بر انتقال تدریجی قدرت به فرزندش ولیعهد ۵) چرخش مواضع آمریکا با آمدن جیمی کارتر و سیاست حقوق بشری و در همین راستا کاهش برخوردهای پلیسی، سرکوب و شکنجه ● نقل از کتاب انقلاب اسلامی ایران،۱۳۸۴، جمعی از نویسندگان، صص ۳۷- ۳۸ ●.

Scanned by CamScanner

تئوری جامعه توده وار Theory of mass society (برای مطالعه)

این تئوری ریشه در آراء و اندیشه‌های هانا آرنت، جیمز مدیسون و کورن هاوزر[1] دارد. اساساً نقطه عطف ظهور جنبش توده‌ای زمانی خواهد بود که با تغییر و نوسازی، ساختارهای قدیمی و کهن فروپاشد و جامعه ذره‌ای شود. منتها در جامعه کثرت‌گرا با وجود احزاب، اصناف و انجمن-ها، تقاضای جامعه از طریق مجاری قانونی به حکومت منعکس شده و سازماندهی جدیدی شکل می گیرد. از لحاظ جامعه‌شناختی نقطه بحران زمانی است که با حذف گروههای میانی سابق، سازماندهی جدیدی صورت نگیرد و حکومت هم قادر به جذب اقشار نو ظهور نباشد.

جامعه توده‌وار Popoulism نتیجه حذف نهادهای کهن و سنتی است که سابقاً حائل بین حکومت و مردم بودند. از منظر رفتارشناسی اجتماعی با حذف جریانات واسط، همبستگی گروهی کاهش یافته و توده‌های اجتماعی احساس تنهایی و بی امنیتی می‌کنند در این وضعیت جامعه برای پذیرش ایدئولوژی جدیدی مانند جریان توتالیتر که منادی صلح و نجات باشد، آماده می‌شود.[2]

از مصادیق تاریخی این فرضیه، ظهور دولتهای فاشیستی MSI و بهره‌گیری از بسیج مردمی برای پیگیری مقاصد سیاسی، نظامی و ایدئولوژیکی است. همچنین جنبش نئونازی آلمان SRP (۱۹۳۳ میلادی) در جمهوری وایمار که موفق نشد در مبارزه انتخابات ریاست جمهوری ۱۴ میلیون رأی کسب کند. رضاخان در کودتای ۱۲۹۹ شمسی ابتدا توانست خلاء ناشی از ضعف قدرت مرکزی قاجار و امنیت از دست رفته نهضت مشروطه را با پاسخ نظامی و خشونت مهار سازد. تداوم این جریان سایه استبداد را برای دو دهه بر کشور تحمیل نمود.

در بسیاری از حکومت‌ها دو گروه نخبه را می توان تشخیص داد:

الف. نخبگان حاکم موافق ب. نخبگان حاکم مخالف

نخبگان مخالف خارج از قدرت با طرح ایدئولوژی انتقادی، توده را به سمت خود کشانده و وادار به شورش می‌سازند. حاکمان هم برای حفظ قدرت و مشروعیت از دست رفته، یا باید با ترس و وحشت و سرکوب مانع از آزادی و مطالبات واقعی جامعه شوند تا جائیکه جامعه از درون به حالت انفجار برسد (نظیر ایران عصرپهلوی) و یا تدبیر بخرج داده و زمینه تأمین نیازها و مطالبات مردم را فراهم آورند. گاهی حاکمیت در توجیه ایدئولوژی و برنامه‌هایش به تشکیل

1- Hannah Arent, Jiems Davice and Kornhouser

۲- فصلنامه راهبرد، دلاوری، ابوالفضل (۱۳۷۵)، طرحی برای مطالعه زمینه‌ها و علل اجتماعی وقوع انقلاب اسلامی ایران، شماره ۹، صص ۵۰-۴۹.

Scanned by CamScanner

یک حزب فراگیر دولتی، نظیر حزب رستاخیز ایران دست می‌زند. سیاست‌هایی که اغلب نتایج کوتاه مدت داشته و برای جامعه مسکنی بیش نخواهد بود.

تئوری بسیج سیاسی چارلز تیلی ۱۹۷۳ تا ۱۹۷۸

بسیج (Mobalization) فرایندی است که یک گروه در رسیدن به هدف و تصاحب قدرت بتواند در حداقل زمان، حداکثر منافع را بدست آورد. می دانیم که قدرت عرصه مبارزه هر یک از گروههای A. B. C است کسانی که در میدان منازعه نیرومندتر ظاهر شوند سهم بیشتری از قدرت برده و الباقی را از میدان رقابت دور خواهند ساخت. تیلی می‌گوید در جامعه اقشار و طبقات مختلفی مانند معلم، دانشجو، استاد، کارگر، روحانی و... حضور دارند و هر گروه منافع و علایق خاصی را دنبال می‌کند. حاکمیت باید متوجه علایق و تقاضای هر کدام از لایه‌های متفاوت جامعه باشد.

شرایط بسیج سیاسی به امکانات زیر وابسته است :

۱- میزان سازماندهی مخالفین ۲- آگاهی و شعور سیاسی جامعه ۳- دسترسی به شبکه‌های ارتباطی ۴- وجود حداقل آزادی‌های سیاسی.

کیفیت سازماندهی در دو حالت اهمیت می‌یابد

الف. بُعد جغرافیایی، به این معنا که هر چه سازماندهی به مناطق مختلف شهری و روستایی گسترش پیدا کند، تاثیرگذارتر خواهد بود.

ب. بُعد اجتماعی، چنانچه در جنبشی شاهد حضور قشرها و طبقات مختلف مردمی باشیم آنها آسانتر می‌توانند رژیم را به چالش بکشانند.

شرایط وقوع انقلاب به عوامل متعددی بستگی دارد. ازجمله شکاف در درون حاکمیت و ظهور ایدئولوژی مخالف. دسترسی انقلابیون به رسانه‌های جمعی و نفوذ در بدنه نیروهای مسلح و ائتلاف اپوزیسیون‌های خارج از مرز- آنها بواسطه دور بودن از چشم ماموران امنیتی از فرصت و مصونیت سیاسی خوبی برخوردارند.

در جامعه مدنی گثرت‌گرا (Pluralism civil society) بدلیل وجود نهادهای مدنی، سطح تقاضا در جامعه انباشته نمی‌شود. تنوع منافع و عضویت مردم در گروهها و سازمانهای مختلف تراکم انرژی را تخلیه نموده و جامعه حالت انفجاری بخود نمی‌گیرد. اما در جامعه سنتی و در حال گذار، بدلیل فقدان امنیت و همبستگی، با ظهور فرهنگ سیاسی مخالف، امکان فروپاشی رژیم وجود دارد. در سیستم توتالیتر و اقتدارگرا، وضع بکلی فرق می‌کند. چنانچه منازعه روندی

Scanned by CamScanner

قانونمند و آرام به خود گیرد وقوع انقلاب غیر محتمل است. رژیم‌های استبدادی در صورت انجام اصلاحات طولی و نوسازی شتابان و یا ظهور دوگانگی در بدنه قدرت، زمینه برای عمل انقلابی فراهم می‌شود.[۱]

چارچوب تئوریکی

در این فصل با تعدادی از رویکردهای نظری و تئوری آشنا شدیم. هدف نویسنده از منظور کردن مباحث گوناگون تئوری، بهره‌گیری از الگوی تلفیقی و ایجاد زمینه آشنایی بهتر خوانندگان و دانشجویان عزیز از اندیشه صاحب نظران حوزه انقلاب بود. هر کدام از مباحث نظری که مرور کردیم به سهم خود از توان تبیینی و ارزش علمی برخوردار است. در حقیقت هدف اساسی ما در این کتاب بر دو محور قرار می گیرد از یک سو آشنایی با پدیده انقلاب در مفهوم عام خودش، که می تواند انقلاب‌های گوناگونی را در جهان در بر گیرد و از سویی دیگر شناخت نظری و تحلیلی ویژه بر انقلاب اسلامی ایران است.

اصولاً انقلابها از علت واحدی سرچشمه نمی‌گیرند بلکه در ظهور و وقوع آن عوامل متعدد و همچنین اقشار و گروههای مختلف مردمی نقش و دخالت دارند که هر کدام دارای علائق و مقاصد مشترک یا متفاوتی هستند. بکارگیری از تئوری مشخص و یا تبیین انقلاب از الگویی خاص و یا رهیافت نظری واحد، کمک موثری به درک واقعیت انقلاب نخواهد کرد.

منحصر ساختن تئوری در ظرف زمان و مکان، تاثیر عمده‌ای بر کلیتی اعتبار و روایی آن دارد. جوامعی که تا کنون تغییرات انقلابی را تجربه کرده‌اند از لحاظ اراده انقلابیون، از تنوع و کثرت فراوانی برخوردار بوده است به عبارتی مجموعه علایق اقتصادی، سیاسی و مذهبی... بصورت توأمان و مجزا در الگوسازی رفتار انقلابیون نقشی اساسی دارد.

انقلاب اسلامی ایران پیوند عمیقی با ساختار فرهنگی و شکاف حاصله از مدرنیزاسیون و مذهب زدایی دارد. نکته‌ای که میشل فوکو و تدا اسکاچپول با طرح گفتمان اسلام شیعی و بسیج سیاسی در نظریه متأخرشان به آن اشاره کردند. آنها انقلاب اسلامی را از جنس فرهنگی دانستند که تمایز آشکاری با مدل انقلاب‌های غرب دارد.

در مدل جانسون با الگوی شکاف بین ارزشها و فشارهای وارده از منابع تغییر و مطالبات فزاینده مردم، برخورد می‌کنیم که حکومت در ارائه پاسخ بموقع آن ناتوان بوده و با ادامه

۱- فصلنامه راهبرد، دلاوری، ابوالفضل (۱۳۷۵)، طرحی برای مطالعه زمینه‌ها و علل اجتماعی وقوع انقلاب اسلامی ایران، شماره ۹، صص ۵۹-۵۸.

Scanned by CamScanner

سیاستهای نامتوازن و فقدان بسترهای حقوقی و هنجاری متناسب که غالباً ناشی از انعطاف‌ناپذیری حکومت است، بتدریج مشروعیت سیاسی فروکش کرده و سبب بی ثباتی و افزایش شکاف میان نیروهای سیاسی و اجتماعی می‌شود. از جمع‌بندی و ارزیابی تئوری‌های این فصل، بخوبی در می‌یابیم که مدل‌های فرهنگی و سیاسی اخیر (فوکو، اسکاچپول و جانسون که آخری سنخیت ارزش و محیط را مطرح می سازد)، قدرت و قابلیت تبیین انقلاب اسلامی را در قیاس با پارادیم محض مارکسیستی- اقتصادی و روان‌شناختی دارا هستند.

پرسش فصل دوم

۱- نظریه جانسون را در مورد انقلاب به اختصار بنویسید. (ذکر رابطه ارزش و محیط، ۴ منبع تغییر، مدل تحلیلی و توصیه‌ها)

۲- نظریه اسکاچپول را در رابطه با انقلاب - دولت تحصیلدار و اسلام شیعی در ایران توضیح دهید

۳- نظریه دیویس را در مورد انقلاب بنویسید (فرض اقتصادی، شکاف ذهنی، ماهیت ۳ طبقه و رسم شکل)

پژوهش فصل دوم

۱- تحقیق کنید نظریه‌های انقلاب تا چه اندازه‌ای ما را در فهم دقیق انقلابها کمک می‌کند

۲- نظریه‌های روان شناختی انقلاب به چه مسائلی بیشتر متمرکز می شوند

۳- انقلاب اسلامی ایران ۱۹۷۹ را با انقلاب کشور لیبی ۲۰۱۲ در قالب یکی از نظریه‌ها مقایسه و بررسی کنید

Scanned by CamScanner

فصل سوم
تاریخ سیاسی معاصر ایران و انقلاب اسلامی

مقدمه

علم تاریخ پیش‌نیاز و بن مایه بسیاری از رشته‌های علوم انسانی را تشکیل می‌دهد بهره‌گیری از یافته‌ها و اسناد تاریخی به انسان آگاهی و قدرت تحلیل می دهد به همین خاطر تاریخ معاصر تجربه‌های ارزشمندی را در اختیار نسل حاضر و آیندگان قرار خواهد داد. تاریخ همانا ثبت تجارب گذشته است. به عقیده ارسطو برای شناخت هر چیز باید مراحل آغازین و تحول رشد آن را دید. سرگذشت تاریخ جهان و کشورمان ترکیبی از صلح و سازش، جنگ و خشونت، شجاعت و دلیری و ستمگری و آزادگی است. آنچه که پیش شرط بقای صلح و پیشرفت است وابسته به حاکمیت اخلاق و خردورزی، توسعه فرهنگ بشردوستانه و خدمت به جامعه و روح انسانیت است.

اصولاً بسیاری از مورخین، تاریخ معاصر ایران را از سال ۱۱۶۸، شروع سلطنت آقا محمدخان قاجار و همچنین مقارن با انقلاب کبیر فرانسه و تحولات صنعتی اروپا و به جریان تسلط استعمار خارجی پیوند می‌دهند.

در طی ۱۳۵ سال حکومت قاجار و ۵۴ سال سلطنت پهلوی، کشور ما طبق ویژگی‌های انسانی، ژئوپولتیکی و اقتصادی همواره در ابعاد داخلی و خارجی با حوادث و مسائل متنوع و گوناگونی روبرو بوده است. در عین حال ذهن بیدار تاریخی و نیروی عظیم فرهنگی و مذهبی مردم ایران، خود واکنش موثری بود نسبت به کاستی‌های موجود و سایر سیاست‌های نسنجیده که بالاخره با همت جمعی و پشتوانه الهی در یک مقطع تاریخی توانست اراده خود را بر اراده حاکمیت مسلط سازد. یکی از بنیادی‌ترین نتیجه اولیه انقلاب، تشکیل حکومت دینی است که ماهیت و منطق نظری آن در این فصل مورد بررسی قرار می‌گیرد.

Scanned by CamScanner

به اعتقاد ما واکاوی مسائل تاریخی و آنچه که در گذشته رخ داد باید دقیق، علمی و مبتنی بر اسناد و شواهد و عاری از پیش داوری‌های شخصی باشد. جمله معروف "تاریخ خود قضاوت خواهد کرد" تلاشی برای واقع نمایی و صحت پراکسیس گفتارهای تاریخی است.

در یک فضای بسته و امنیتی، غالباً فرهنگ تملّق، چاپلوسی و تحریف حقایق به اوج می‌رسد. منتها در شرایط ایده‌آل و فضای باز سیاسی، همواره زمینه گردش آزاد اطلاعات و بیان واقعیت به دور از هر گونه ترس و جانبداری‌های شخصی و گروهی فزونی می‌یابد. انقلاب اسلامی ایران از جمله تلاشی در جهت بسط نظری و عملی الگوی دوم بود. این مهم بعنوان یک ارزش برتر برای نویسنده در عمق بخشیدن به اعتبار و غنای محتوای کتاب بسیار حائز اهمیت است و باید هم کوشش شود تا فرهنگ نقادی و تحمّل شنیدن صداهای متکثر اقشار مختلف جامعه با منطق دور اندیشی بصورت یک اصل فراگیر در آید.

پیدایش سلسله قاجار و رویدادهای تاریخی

شکل‌گیری دولت صفویه در کنار صوفیان طریقت، بیش از هر چیزی وابسته به نفوذ و فعالیت هفت طایفه قزلباش، بویژه طایفه " قاجار" است که در تشکیل دولت صفوی نقش بارزی داشتند.

دودمان صفوی (۱۱۰۲-۸۷۵ ش) حدود ۲۲۸ سال بر کشور ایران حکومت کردند. از اقدامات و مشخصه‌های بارز ایندوره: تشکیل نخستین دولت شیعی بعد از ورود اسلام به کشور و تقویت دامنه اقتدار علما[1]، ساماندهی و تقویت قوای نظامی، بنیاد دولت متمرکز ملی در جهت یکپارچه سازی کشور و بسط روابط تجاری و سیاسی با جوامع غربی برای مقابله با دولت عثمانی بود. از جمله حوادث تاریخی ایندوره، خروج پرتغالی‌ها از منطقه جنوب، نبرد با ازبکان و جنگ با دولت عثمانی است. روابط صفویان با عثمانی‌ها آمیخته با جنگ و صلح بود. شائبه فعالیت مریدان صفوی در خاک عثمانی، ادعای عثمانی‌ها بر فرمانروایی جهان اسلام، زمینه‌ساز "جنگ چالدران" بین دو دولتِ شاه اسماعیل صفوی و سلطان سلیم در سال ۹۲۰ ه.ق شد. سپاه ایران بدلیل کمبود نیرو و تجهیزات و شمشیر و کمان در مقابل توپ چرخدار، سرانجام با

۱- از شاهان صفوی: شاه اسماعیل، شاه طهماسب، اسماعیل دوم، سلطان محمد خدابنده، شاه عباس، شاه صفی، عباس دوم، سلیمان و سلطان حسین بودند. بستر اولیه شکل‌گیری مذهب شیعه بر اساس فعالیت‌های خاندان صفوی در مناطقی از ایران، سوریه و آسیای صغیر آماده شد و بالاخره سال ۹۰۷ ق شاه اسماعیل در تبریز تشیع را مذهب رسمی اعلام کرد. در این دوره مناصب مهم: صدر، شیخ‌الاسلام، مجتهد، قاضی و مفتی بر عهده علمای دین بود.

Scanned by CamScanner

رجای گذاشتن ۵۰۰ کشته عقب نشینی کردند منتها در زمامداری شاه عباس، عثمانیها در جنگ با ایران همواره شکست می‌خوردند.

محاسبه وزن قدرت سیاسی حکام صفوی در سرکوب شورشهای محلی و نبرد با مغولها، زبکها و فزون طلبی عثمانی‌ها، زمامدارانی چون شاه اسماعیل، شاه تهماسب و بویژه شاه عباس کبیر که تمام تلاش خود را برای رونق اقتصادی، حفظ استقلال و تمامیت ارضی در برابر تهاجمات از هر سو بکار گرفته بودند، توانستند تا دو قرن مقتدرانه از مرزها و هویت ملی و مذهبی کشور دفاع کنند.

جانشینان شاه عباس هرگز نتوانستند سیاستهای او را پیش ببرند بتدرج بحران مالی، قحطی و گرسنگی همراه با افزایش قیمت و هزینه‌های دولت، دربار، حرمسرا و ارتش و سوء استفاده‌های دیوانی و جوّ حرمسرا، خاصه در دوره زمامداری شاه صفی و سلطان حسین بالا گرفت. سلسله صفوی با نافرمانی حکّام ایالتها، شورشها و جنگ داخلی میان قبایل بختیاری، قشقایی و افشاریه در منطقه مرکزی، ترکمنها و شاهسونهای خراسان، قاجارهار از گرگان و مازندران، سرانجام توسط ارتش کوچک قبایل افغان در هم ریخت. پس از انقراض صفویان، فرمانروایی کشور بمدت ۶۰ سال[1] در دست مهاجمان افغان(۱۱۱۱-۱۱۰۲ ش. محمود و اشرف)، افشاریه (۱۱۷۳-۱۱۱۲، نادر، ابراهیم شاه و شاهرخ میرزا) و سلسله زندیه (۱۱۶۷-۱۱۲۹ کریم‌خان، صادق‌خان ... مرادخان و لطفعلی‌خان زند) قرار می‌گیرد.

در نزاع بر سر قدرت و تصاحب مقام سلطنت، افغانها به این دلیل که مهاجم اجنبی بودند پذیرفته نمی شوند. افشارها با سودای جهانگشایی نادر آمدند و با مرگ او رفتند و زندیه نیز به رغم همه وجاهت اولیه کریمخان، در اثر درگیریهای داخلی و ستیز بین شاهزادگان، سرانجام بوسیله جنگجویان آقا محمدخان شکست خورده و سلطنت به قاجارها منتقل می شود.

سلسله قاجار ایران، به قبیله‌ای از ترکمن‌های منطقهٔ استرآباد-گرگان تعلق داشت که در میانه قرن هشتم ه.ق از دشت مغان بطرف سوریه مهاجرت کرده و به همراه تیمور به ایران بازگشتند. آنها از درون حکومت صفویه بتدریج سازمان پیدا کرده و قدرت خود را گسترش دادند. خانهای قاجار در زمان سلطنت تهماسب و شاه عباس اول مقامات مهمی داشته و با تشکیل سپاه قزلباش برای رفع تهاجم بیابانگردان در شمال شرقی ایران سازماندهی شدند. این

۱- پس از انقراض صفویه، محمود افغان ۱۱۰۲ و پسر عمویش اشرف تا ۱۱۰۸ ش حکومت کردند که مرکز قلمرو انها بیشتر به اصفهان و شیراز محدود می شد. نادر شاه افشار و خاندان این سلسله از ۱۱۰۸ تا ۱۱۲۵ و سپس کریم‌خان زند و لطفعلی‌خان از ۱۱۲۶ تا ۱۱۶۷ در شیراز حکومت کردند.

Scanned by CamScanner

گروه برای عقد پیمان صلح با ترکان عثمانی، عازم آن دیار می شوند همچنین امیرگونه خان قاجار در سال ۱۰۱۱ ه.ق حاکم ایروان شده و فرمانروایی مرو و استرآباد را بدست می‌گیرد.[۱]

سلسله قاجاریه (۱۳۰۴- ۱۱۶۸ش) از زمان شکل‌گیری قدرت آقا محمدخان تا پایان حکومت احمد شاه به مدت ۱۳۵ سال در کشور پادشاهی می‌کنند. با روی کار آمدن قاجارها زمینه‌های سوء استفاده درباریان از قدرت و منابع اقتصادی و وابستگی به کشورهای بیگانه افزایش می‌یابد. وقوع ناآرامی‌ها و جنگ‌های داخلی در کرمان، شیراز، مشهد و سرکوب شورشیان، همچنین رقابت فرزندان قاجار در کسب منصب و شهرت، قتل عام وحشیانه مردم بی‌دفاع، بی اعتنائی به قوانین و حقوق اجتماعی، جنگ با روسها، اعطای امتیازات... از جمله مسائل ایندوره بشمار می رود. ایل قاجار مانند سایر ایلات و عشایر در طلب قدرت و زمامداری می‌کوشید اما در عرصه شطرنج سیاست کشور، مدتها سرباز پیاده‌ای بیش نبود.

Scanned by CamScanner

ساختار قدرت و نظام طبقاتی

در ترکیب ساخت سیاسی قاجار، شاه و درباریان در کانون قدرت قرار داشته و سپس صدراعظم و سه مقام وزراء جنگ، مالیات و دبیر منشی اعظم اعضای اصلی کابینه را تشکیل می‌دادند. سایر ارکان اجرایی و وابسته به دولت شامل؛ لشکریان، شاهزادگان، ملاکین بزرگ، خواجه سرایان[1]، کشاورزان، دهقانان، کارگران و عمله‌ها بودند. مسائلی چون فساد، باندبازی، توطئه، تملّق و سوء استفاده از اموال عمومی، امری رایج و عادی شناخته می‌شد. دنیاگرایی حکمرانان، انحطاط نظام سیاسی و همچنین انس و عادت اربابان قدرت به تن آسانی و راحت طلبی، اندک شجاعت و دلاوریّ آنها را از میان برد و در فساد و تباهی غرقشان نمود.

فرهنگ سیاسی قاجار

فرهنگ سیاسی، جنبه خاصی از فرهنگ عمومی جامعه، به چگونگی برخورد حکومت و شکل رابطه حکام با اتباع کشور است از دیدگاه "گابریل آلموند و سیدنی وربا"، ترکیبی از ایستارها، اعتقادات، نمادهای معنی‌دار و ارزشهایی است که معرّف کیفیت اقدام سیاسی است[2].

شاهان قاجار از جهت فرهنگی با القاب و عناوین بزرگ‌نما نظیر ظلّ‌اله فی‌العرض، قبله عالم و نماینده خدا در زمین، داور مطلق، صاحب جان، مال و حافظ الرعایا بر جامعه مسلط گشتند. سلطان تنها مرجع صلاحیت‌دار برای رسیدگی به کلیه امور کشوری و لشکری، فرمانده کل نیروهای مسلح و ولی‌نعمت همه بوده و امر او لازم الاجرا، فرمان او لازم الاطاعه، سلطنتش موهبت الهی، وجودش منشاء خیر و برکت برای عامه رعایای او است! هر قدرتی از او ناشی شده و سرانجام به او باز می‌گشت. کلیه افراد حتی صدراعظم، وزیران و مأمورین عالی رتبه دولت، نوکرانش محسوب می‌شدند. به قول لرد کرزن، بویژه در دوران سلطنت ناصرالدین شاه که غلبه قدرت به مرتبه کمال خود رسید. شاه مغرور و مستبد در برابر همه آراء و تمایلات جانبی، برخوردار از قدرت حکمرانی؛ قانونگذاری، اجرایی و قضایی در تمامی شئون کشور بود.[3]

بر اساس شواهد تاریخی، مواضع و فشارهای احتمالی نیروهای سیاسی و اجتماعی و ترس ذاتی حکام از آنها را نمی‌توان نادیده گرفت. تقابل برخی علما و فعالان مذهبی در برابر انحصار-

---

۱- در حرمسرای شاه شمار زیادی از زنان عقدی، صیغه‌ای، کنیزان و غلامان زندگی می کردند. همسران شاه با ایجاد توطئه، چاپلوسی و جلب توجه شاه و مقامات درباری دریغ نورزیده و جمعیت نارانی، دشمنان وزیر و مقامات گرد آنها حلقه می‌زدند. بعنوان مثال عزل حسین خان مشیرالدوله بدلیل مخالفتی بود که در اطراف انیس الدوله، همسر ناصرالدین‌شاه جمع می‌شدند.

۲- عالم عبدالرحمن (۱۳۸۹) بنیادهای علم سیاست. نشر نی. ص ۱۱۳ .

۳- شمیم علی اصغر (۱۳۷۰)، ایران در دوره سلطنت قاجار. چاپ اول. نشر شرکت چاپ و انتشارات علمی. صص ۳۲۳- ۳۲۴ .

Scanned by CamScanner

طلبی دستگاه سلطنت، به طوری که از آنها بعنوان غاصبان حکومت خداوندی یاد می کردند که به دروغ و تزویر برای تاج و تخت خویش قداست قائل می شدند.

- پادشاهان قاجار و الگوی قدرت

۱- آقا محمدخان (۱۱۷۶ - ۱۱۶۸ ش) فرزند محمد حسن‌خان قاجار بود بطوریکه در آن زمان بابل (بارفروش قبلی) مرکز حکمرانی محمد حسن‌خان بود. قشون کریمخان زند در سال ۱۱۳۷ ش، محمد حسن‌خان را شکست داده و به قتل رساندند. آقا محمدخان در ۱۳ سالگی جزء بهترین تیراندازان قشون پدر و فرمانده دسته تجسس شد. بعد از قتل پدر با اعزام نیروهای کریم‌خان‌زند در استرآباد، دست به جنگ‌های پارتیزانی زد که بالاخره پس از دستگیری به شیراز منتقل شده و بعد از مدتی مورد عفو قرار می‌گیرد.

وی به مجرد آگاه شدن از درگذشت خان زند، خود را به میان ایل قاجار رسانده و رهبری آنان را در دست گرفت سپس در اقدامی شتابزده خود را به تهران رساند و در ورامین مدعی حکومت شد. آنگاه به ساری و استرآباد رفته و زمینهٔ براندازی زندیه و بقدرت رسیدنش را در ولایات گرگان، مازندران و گیلان مهیا ساخت. با بر تخت نشستن لطفعلی‌خان زند، بسرعت رو بسوی شیراز نهاد و در صحنه جنگ به کمک حاج ابراهیم خان کلانتر، حاکم قدرتمند شیراز و اصفهان بر سپاه زند فائق آمد. تا اینکه ضمن چیرگی بر برادران و لشکرکشی به آذربایجان و کرمانشاه در نهایت خود را به تهران رساند و تاج سلطنت را بر سر گذاشت.

آقا محمدخان در هجومی وحشیانه به کرمان و شیراز دست به قتل و غارت اموال و دارایی و تعرض نوامیس مردم زده و دستور داد تا تمامی مردم کرمان از چشم نابینا گردند به روایتی ۲۰ هزار جفت چشم بوسیله سپاهیانش تقدیم خان قاجار شد. او تهران را مقر حکومت و دارالخلافه قرار داده و با تدارک سپاهی عازم قفقاز و تفلیس شد که در این ماجرا حاکم تفلیس هراکلیوس از شهر می‌گریزد. وی دستور ویران ساختن بخشی از شهر، قتل عام و تجاوز به ناموس مردم را صادر کرد. کلیساها را نابود ساخته و روحانیون مسیحی را دست بسته در رود ارس انداخت و پانزده هزار دختر و پسر جوان را برای سوء استفاده جنسی و بردگی به اسارت در آورده و آنها را به تهران منتقل کرد. سپس به خراسان لشکر کشید و شاهرخ شاه پسر نادرشاه را که پیر و نابینا بود به قتل رساند بعد از مدتی به بخارا حمله کرد و آنجا را تحت‌الحمایه دولت ایران قرار

Scanned by CamScanner

داد. همچنین گروهی را به هرات فرستاد و تا کابل پیش رفت و افغانستان را تحت فرمانروایی خویش در آورده و نهایتاً به پایتخت باز می گردد.[۱]

وقتی قفقاز به اشغال روسها در آمد قاجار برای سرکوب آنها عازم قفقاز شده و در شهر شوشا درگیری سختی بین آنها در گرفت. آقا محمدخان بعد از تصرف شهر در سال ۱۱۷۶ خورشیدی در قراباغ آذربایجان توسط صادق نهاوندی و دو تن از همدستانش به قتل می‌رسد. آنگاه جنازه-اش را برای دفن در عتبات عالیات به نجف برده و در جوار آرامگاه امام اول به خاک سپردند!

۲- فتحعلی شاه (۱۱۷۷ تا ۱۲۱۳) وی برادرزاده آقا محمد خان قاجار بود. گفته می‌شود در حرمسرای خود ۱۵۸ همسر و ۲۶۰ فرزند داشت و نیز هر همسری دارای تعدادی خدمتکار، ندیمه و کالسکه و تشکیلات خاصی بوده و نفوذ آنان در دربار قابل توجه است. رویداد مهم در ۳۶ سال حکومت ایشان، وقوع جنگ میان ایران و روس و روند پاره شدن خاک ایران و انعقاد قطعنامه‌های ننگین بود.

جنگ ایران و روس (۱۲۲۸- ۱۲۱۸ ه.ق) به فرماندهی پسر شاه و والی آذربایجان، عباس میرزا بمدت ده سال ادامه پیدا کرد. جنگ دوم نیز در سال ۱۲۰۶ش(۱۸۲۷م) با هجوم گسترده سپاه ۶۰۰۰ نفری روس و عبور از رود ارس و تصرف تبریز آغاز گردید. عباس میرزا که در ابتدا توانسته بود مواضع روس‌ها را در حوالی کلیسای اچمیاد و نخجوان منهدم سازد، در نهایت ناگزیر به عقب‌نشینی شده و پیشنهاد صلح را با جدا شدن سرزمین های قفقاز بپذیرد. علت شکست سپاه قاجار مشکلات تسلیحاتی، ضعف ارتش، رقابت بین فرزندان شاه در تصاحب قدرت و عیاشی شاه و دربار بود.

در حاشیه جنگ دوم، روسها به واسطه برتری‌های نظامی و پیشروی که در نواحی تبریز و اردبیل داشتند عباس میرزا را به پذیرش معاهدات مرزی تحمیلی وادار می سازند. در جریان این منازعه، تنی از فقهای اسلام «احکام جهادیه علیه کفر» روسیه را صادر کردند؛ احکام شیخ جعفر کاشف الغطاء[۲]. جهادیه سیدمحمد مجاهد و رساله جهادیه محمدرضا همدانی نمونه‌هایی از مواضع علمای وقت بود.

۱- مدنی، سید جلال‌الدین (۱۳۶۰)، تاریخ سیاسی معاصر ایران، جلد اول، دفتر انتشارات اسلامی، صص۲۲ تا ۲۵.

۲- کاشف الغطاء از مجتهدین بزرگی بود که به فتحعلی شاه اجازه داد در جنگ با روس اقدام کند.از نظر فقه سیاسی او معتقد بود که صاحب منصب سلطنت باید نبی یا امام یا فقیه منتصب به امام باشد و شاهان بایستی از مجتهدین در اداره امور و نصب مقامات اذن و اجازه بگیرند تا از زمره سلاطین جور خارج شوند. برخی چون محمد حسن صاحب جواهر، نویسنده جواهر الکلام از مجتهدین دوره فتحعلی شاه، تأکید داشت که ولایت و حکومت قابل واگذاری به سلطان نبوده و سلاطینی که قدرت سیاسی را بدون رضایت امام بدست گیرند غاصبانند و اصولاً منصب حکومت متعلق به امام است. در دوران غیبت، ولایت عام و مطلق از آن فقهاست. (ج.سیاسی، ص ۲۴۲).

Scanned by CamScanner

یکی از ننگین‌ترین معاهدات این دوره "عهدنامه گلستان" است که در تاریخ معاصر ایران به امضاء رسید. با وجودی که روسها در بدترین شرایط با نیروهای فرانسوی در نبرد بودند این امکان را فراهم ساختند تا سرزمینهای جدیدی از نواحی شمال رود ارس را به متصرفات خود اضافه کنند. معاهده گلستان در سال ۱۱۹۲ ه.ش با موافقت شاه به نمایندگی میرزا ابوالحسن خان ایلچی طرف ایرانی و ردیشخوف فرمانده نیروهای گرجستان و نماینده طرف روسی در محل قره باغ سبب از دست رفتن؛ گرجستان، ارمنستان، چچن، گنجه، شیروان و باکو می‌شود. فتحعلی شاه در این معاهده متعهد می‌شود که خود و جانشینانش هرگز مدعی حاکمیت ایران بر این سرزمین‌ها نشوند. افزون بر آن حق انحصاری کشتیرانی در دریای خزر را برای روسها به رسمیت می‌شناسد.

" قرارداد ترکمنچای" دیگر معاهده‌ای بود که در سال ۱۲۰۹ ه.ش پس از پایان جنگ‌های دوره دوم دولت قاجار به نمایندگی عبدالحسن خان و تزار روس به نمایندگی فرمانده سپاه، ایوان پاسکویچ در قفقاز جنوبی به امضاء رسید. در پی این قرارداد قلمروهای باقیمانده از معاهده قبلی در شمال قفقاز شامل خانات ایروان، مناطق طالش و اردوآباد و بخشی از مغان و شروان به روسیه واگذار می‌شود. از دیگر مواد این قطعنامه پرداخت ۱۰ کرور(پنج میلیون تومان) بعنوان غرامت اقساطی جنگ، اجازه عبور و مرور آزاد کشتی‌های تجاری روس در دریای خزر، اعطاء قضاوت کنسولی و حق کاپیتولاسیون به اتباع روس و استرداد اسرای طرفین بود. در قبال آن روسیه قول داد از پادشاهی ولیعهد وقت، عباس میرزا حمایت کند.[1]

۳- محمد شاه (۱۲۲۶-۱۲۱۴)، از فرزندان عباس میرزا ولیعهد فتحعلی شاه بمدت ۱۳ سال سلطنت کرد. وی که همسرش مهد علیا نام داشت در تاریخ قاجار از شاهان گمنام و کم اهمیتی بود.

با آغاز جنگ انگلیس در افغانستان و تصرف شهرهای کابل و قندهار و دخالت ناپلئون سوم امپراطوری فرانسه، زمینه جدایی منطقه هرات رقم خورد. قائم مقام فراهانی شخصیت اصلاح طلب با فشار دربار و لایه‌های سنتی جامعه از مقام وزارت برکنار شد. محمد شاه بدلیل گرایشات صوفیانه‌اش که با تعلیمات میرزا عباس آقاسی شکل گرفته بود، رابطه خوبی با مجتهدین و علمای مذهبی نداشت.

۴- ناصرالدین شاه (۱۲۷۵ - ۱۲۲۶)، از طولانی‌ترین دودمان قاجار حدود ۵۰ سال بر ایران حکومت کرد. مادرش مهد علیا زن صاحب نام و با نفوذی بود که در امورات حکومتی دخالت

۱- آبراهامیان، یرواند. (۱۳۷۸)، ایران بین دو انقلاب، ترجمه احمد گل محمدی و محمد ابراهیم فتاحی، صص ۶۹-۶۶

آشکاری داشت بعد از مرگ شوهرش محمد شاه، تا آمدن پسرش ناصرالدین شاه از آذربایجان به تهران، اداره حکومت در اختیار وی بود.[۱] ناصرالدین شاه که به پشتیبانی اولیه میرزا تقی‌خان امیرکبیر بقدرت رسید وی را بمدت سه سال در مقام صدر اعظمی خود پذیرفت.

ناصرالدین شاه سه بار به کشورهای اروپایی سفر کرد دارالفنون را گسترش داده و ۴۰ نفر از نخستین فارغ‌التحصیلان آن را به فرانسه می‌فرستند. دوربین عکاسی، سیستم پستی نوین تلگراف، چاپخانه، حمل و نقل قطار، انتشار روزنامه و بانگ شاهنشاهی از نتایج این دوره و سفر بود. پس از ترور نافرجام وی از سوی یک بابی، خشونت علیه بهائیان و بابیها شدت گرفت در سال ۱۲۶۶ ه.ق باب و دو تن از یارانش محکوم به اعدام و تیرباران شدند.

از جمله قراردادهایی که در این زمان به امضاء رسید به شرح ذیل می‌باشد:

پیمان آخال، بر اساس این پیمان، ناصرالدین شاه ادعای خود را در باره تعلق تمامی خاک آسیای میانه، ترکستان و فرارود چشم پوشی کرده و رود اترک را بعنوان مرز نوین برسمیت شناخت. شهرهای مرو، سرخس، عشق آباد و مناطق مجاور در قلمومیت روسیه قرار گرفت.

معاهده پاریس، با تهدیدات بریتانیا در مناطق جنوبی کشور، اشغال جزیره خارک و پیشروی کردن تا اهواز متعاقباً ایران استقلال افغانستان را برسمیت شناخته و حکمیت بریتانیا را پذیرا شد.

از دیگر مسائل ایندوره، اعطای امتیاز به بارون ژولیوس رویتر انگلیسی، با پرداخت ۴۰ هزار پوند و ۶۰ درصد سود حاصله به ایران، امتیازات کمرکی، تأسیس انحصاری بانک شاهی، بهره‌برداری از معادن (بجز طلا، نقره و سنگ‌های قیمتی) حق احداث راه آهن و تراموا، آبراه‌ها و قنوات در امور آبیاری[۲]، ایجاد جاده‌ها، خطوط تلگراف، کارخانه‌های صنعتی و صدور انحصاری محصولات به ایران برای حداکثر ۶۰ سال تعیین گردید. مبالغ دریافتی غالباً هزینه شاه و عیاشی درباریان می‌شد.[۳] یکی از حوادث تاریخی عصر ناصری، شکل‌گیری "نهضت تنباکوست" که در صفحات بعدی جداگانه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۵- مظفرالدین شاه (۱۲۸۵- ۱۲۷۵)، پنجمین پادشاه از دودمان قاجار در ۴۴ سالگی و در حالیکه از شدت بیماری رنج می‌برد، بر تخت نشست. او که نسبت به شاهان پیشین این سلسله،

۱- آ.کس.لمبتون، ایران عصر قاجار (۱۳۷۵)، ترجمه سیمین فصیحی، جلد اول، انتشارات کوتنبرگ، ص۱۲۳.

۲- برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به: قنات، دایرةالمعارف اسلام، ج.۴، لیدن، ۱۹۷۸، ۳۳۰ - ۵۲۸ ؛ و لمبتون، مالک و زارع، ص۲۱۷ به بعد.

۳- آبراهامیان، یرواند (۱۳۷۸)، ایران بین دو انقلاب، ترجمه احمد گل‌محمدی و محمد ابراهیم فتاحی، ص ۷۱.

Scanned by CamScanner

فردی آرام و خوش قلبی بود، مدتی ولیعهد و حاکم آذربایجان شده و با قتل پدر برای تکیه بر جلوس سلطنت، سریعاً خود را به تهران رساند.

از مسائل عمده ایندوره، انعقاد قرارداد «دارسی»، فروش امتیاز نفت کشور برای ۶۰ سال به دولت بریتانیا، صدور فرمان مشروطه ۱۲۸۵ و موضوع مهاجرت کبری- اعتراض علمای قم از تهران به قم را می‌توان یاد کرد.

۶- محمد علیشاه (۱۲۸۷- ۱۲۸۵)، وی بر خلاف پدرش مظفرالدین شاه، با نظام مشروطه و قانون بشدت مخالفت داشت. از اتفاقات عمده ایندوره، به توپ بستن مجلس به فرماندهی لیاخوف روسی- کسی که مدتی قزاقهای ایران را رهبری می‌کرد و کشتار شماری از مردم، تبعید یا زندانی کردن نمایندگان و فعالان سیاسی و قتل علی اصغرخان اتابک از مدافعان شاه بود. محمد علیشاه بعد یک سال از مقام سلطنت خلع شده و شانزده سالی را در بلاد مختلف گذراند و سرانجام در ایتالیا در گذشت.

۷- احمد شاه (۱۳۰۴ - ۱۲۸۸)، یکی از مسائل اساسی در این دوره قرارداد ۱۹۰۷ بود که بموجب آن شمال کشور به روسیه، جنوب به انگلیس و بخش مرکزی به منطقه بی‌طرف تقسیم گردید. بعلاوه قیام رئیس‌علی دلواری در منطقه تنگستان بر ضد انگلیسی‌ها، وقوع جنگ جهانی اول به بهانه قتل ولیعهد اتریش در بوسنی و آغاز جنگ بین کشورهای آلمان، اتریش، مجارستان و ایتالیا به عنوان دول محور و کشورهای انگلیس، فرانسه و روسیه در جناح دُول متّفق. وقوع انقلاب ۱۹۱۷ روسیه علیه تزارها و خاندان رومانوف و ضرورت خروج سربازان روس از خاک ایران از دیگر رویدادهای مهم ایندوره بشمار می آیند. تشدید بحرانها و نابسامانی‌های گسترده در کشور بتدریج زمینه حضور دو چهره سیاسی و نظامی، یعنی سید ضیاءالدین طباطبایی در منصب نخست‌وزیری و رضاخان میرپنج[1] برای سمت فرمانده نظامی و سردار سپه فراهم می شود.

۱- در دایرةالمعارف فارسی میرپنج یا امیر پنجه، عنوان نظامی دوره قاجار بود که به درجه بعد از امیر تومان یعنی سرتیپی، تشکیلاتی مرکب از ۱۰ فوج (هنگ) و ۵۰۰۰ سرباز تحت فرمان را شامل می شد.

Scanned by CamScanner

قیام تنباکو

سابقه استعمال تنباکو

این محصول در ابتدا از قاره اروپا به ایران آمد و در دوره شاه عباس صفوی در سطح وسیعی گسترش یافت. ایرانیان بتدریج طریقه استفاده‌اش را با قلیان کشف می‌کنند.

تنباکو غالباً در مزارع و باغات شهرهای شیراز، اصفهان، تبریز، مشهد، کرمانشاه و تهران کشت می‌شد. طول دوره زراعت آن ۸ ماه بود مازاد مصرف آن به کشورهای مصر، ترکیه و متصرفات عثمانی صادر می‌گردید. سالانه حدود یک میلیون دلار برای کشور درآمد ارزی داشت و بیش از دهها هزار کشاورز و تاجر به این کار اشتغال داشتند. این محصول در قرن ۱۹ یکی از کالاهای مهم تجاری محسوب شده و ۳ نوع کاربری داشت؛ تنبک برای قلیان، توتون برای چپق و باکو هم در مصارف سیگار بکار می‌رفت.

از جمعیت ۵ میلیونی کشور در این دوره؛ حدود ۷۰ ٪ مردم در روستاها ۲۰ ٪ از جامعه عشایری و تنها ۱۰ ٪ از کل جمعیت در شهر زندگی می‌کردند.

شکل‌گیری اعتراضات

این قیام در سال ۱۲۶۷ در عصر ناصرالدین‌شاه قاجار به دنبال امتیاز انحصاری دخانیات توتون و تنباکو و نظارت بر تولید آن به کمپانی رژی انگلیسی– ماژور تالبوت که برای ۵۰ سال تعیین گردیده بود، بوقوع پیوست. براساس این قرارداد مبلغ ۲۵۰۰۰ لیر انگلیس بعنوان پیش-کش به خزانه کشور واریز و سالانه ۱۵۰۰۰ لیر و یک چهارم سود خالص شرکت پس از کسر ۵ درصد سود سهام صاحبان امتیاز دریافت می‌شد.[۱]

این اقدام منافع شمار زیادی از کارگران، کشاورزان و بازرگانان ایرانی را تهدید نموده و اقتصاد کشور را به بیگانه واگذار می کرد. علما از آن حیث که روند فوق، وسیله‌ی تسلط اجنبی بر شئون کشور و از نظر تجار هم، منافع اقتصادی بشدت آسیب می دید.

روزنامه‌های خارج از مرز "قانون" (به دبیری ملکم‌خان) و "اختر" با انتشار مقالات و مطالب اعتراض‌آمیز و از طرفی، پخش شب نامه‌ها در معابر و کاروانسراها در ایجاد آگاهی فراگیر مردم موثر بود. اقدامات موثر سید جمال‌الدین اسدآبادی در بصره عراق و ترکیه و تماس با روحانی شیراز بنام سید علی اکبر فال اسیری و همچنین اعتراض روحانیونی چون؛ محمد حسن

۱- اکس‌لسنون، ایران عصر قاجار(۱۳۷۵)، ترجمه سیمین فصیحی، جلد اول، انتشارات کوتنبرگ، ص ۲۹۱.

Scanned by CamScanner

آشتیانی در تبریز، آقا نجفی در اصفهان، شیخ بجنوردی در مشهد، مدرس در یزد. در ادامه این ماجرا بسیاری از مغازه‌های شهر به نشانه اعتراض بسته شدند.

وصف قدرت معنوی و پایگاه اجتماعی نهاد مذهب،گذشته از مردان شمشیر و قلم، این نهاد در قید "علما و مجتهدین" که اعتبارشان تنها از مقام دنیوی ناشی نشده بلکه از دانش دینی و روحانی نشأت می‌گرفت، حاکی از نفوذ موثر سیاسی و اجتماعی آنان بود. نهادی که با در اختیار داشتن محاکم شرع و حل و فصل دعاوی، دفاتر عقد و ازدواج، اداره موقوفات، مدارس دینی و انجام تشریفات تکفین، تدفین، عزا و منابر و همچنین داشتن روابط نزدیک با جریان بازار، تجار و کسبه‌های شهری، تماماً کانون‌های نفوذی بودند که دستگاه روحانیت را قادر می‌ساخت از ظرفیت‌های موجود به نحو شایسته‌ای در بسیج سیاسی و تحت فشار قرار دادن حکومت از آن بهره گیرد.[1]

با اوج‌گیری صحنه درگیری میان مردم و عوامل سواره نظام دولت، تبریزی‌ها نیز دست به اعتراض وسیعی زده و در ایام تاسوعا و عاشورای حسینی اعلام کردند همه فرنگیان و عیسویان را خواهند کشت. در اصفهان آقا نجفی فتوای تحریم خرید و فروش و استعمال را پیشتر صادر کرد. والی شهر، ظل‌السلطان از فرزندان ناصرالدین شاه ضمن چاره‌جویی از پدرش، برخورد شدیدی با معترضین داشت. در مشهد که اعتراضات بمدت پنج روز ادامه یافته بود، حاکم شهر مردم را تهدید به تمکین از کمپانی رژی کرد. تجار شهری به علما مراجعه کرده که این وضعیت آنان را ورشکسته می‌کند. جمع زیادی از هم در "مسجد گوهرشاد" متحصن می‌شوند.[2]

روسها از بعد منافع اقتصادی و رقابت سیاسی با انگلیس در گشودن درهای کشور به روی بازرگانی خارجی همچون سرنوشت امتیاز رویتر، با روح این قرارداد مخالف بودند. بدیهی است جریان بازار نخستین گروهی بود که متضرر شده و دست به اعتراض می‌زند آنها نگرانی خود را با حمایت روحانیون در تعطیلی مغازه‌ها و شرکت در راهپیمایی به نمایش گذاشتند. برخی رعایا و تجار هم به نشانه اعتراض، تنباکوها را میان مردم تقسیم کرده و یا آنرا به آتش کشیدند تا در اختیار تجار انگلیسی قرار نگیرد. در استان فارس تاجری ۱۲ هزار گونی توتون را به آتش کشید از بازاریان بزرگ ایندوره امین‌الضرب و حاج رحیم اصفهانی.... بودند.

۱- ا.ک.س.لمبتون، ایران عصر قاجار(۱۳۷۵)، ترجمه سیمین فصیحی، جلد اول، انتشارات کوتنبرگ، ص ۲۸۴.

۲- مدنی، سید جلال الدین(۱۳۶۰)، تاریخ سیاسی معاصر ایران، جلد اول، دفتر انتشارات اسلامی، صص۶۷ تا ۷۰.

Scanned by CamScanner

سید جمال‌الدین اسدآبادی و روحانی مبارز، اکبر فال اسیری با ارسال نامه و تلگراف‌های جداگانه به مرجع بزرگ وقت، آیت‌الله میرزا حسن شیرازی[۱] در عراق، وی را از محتوای قرارداد و اعتراض مردم شهرهای کشور آگاه می‌سازند. میرزا با ارسال ۲ تلگراف برای ناصرالدین شاه اعتراض خود و مردم را به وی اعلام می‌کند. با اوج‌گیری اعتراضات و بی‌توجهی حکومت به تقاضای علما، بازار و سایر نیروهای اجتماعی، در نهایت مجتهد بزرگ کربلا حاج میرزا حسن شیرازی با صدور حکم شرعی[۲] استعمال تنباکو را در حکم محاربه با امام زمان (عج) دانسته و آن را تحریم نمود. در پی صدور حکم شرعی، مردم و حتی حرم‌سراها و اقلیت های مسیحی و یهودی از استعمال تنباکو خودداری ورزیدند. نهایتاً ناصرالدین‌شاه تمامی امتیازات داخلی و خارجی این قرارداد را لغو کرده و در مقابل اراده جامعه تسلیم می‌شود.

در حقیقت این نخستین رویارویی نیروهای اجتماعی با استبداد داخلی و استعمار خارجی[۳] شناخته شده و مقدمه‌ای بر نهضت‌های بعدی تاریخ معاصر ایران. حرکتی که ترس حکومت را بیشتر ساخت و به مردم جرأت و اطمینان داد در صورت بسیج اجتماعی قادر به پیگیری مطالبات خود هستند و از سویی این اعتراضات تمرینی برای انقلاب قریب‌الوقوع مشروطه شد.

Scanned by CamScanner



نهضت مشروطه

این حرکت در عصر مظفرالدین شاه و در فاصله سالهای ۱۲۸۴تا ۱۲۸۸ اتفاق افتاد که بیش از هر چیزی تحت تاثیر تحولات مؤسسات تمدنی غرب بود.

دوره‌ای که شاهد ظهور اندیشه‌های جدید فلسفی، اصلاحات سیاسی و اقتصادی جوامع رو به توسعه بودیم. شکل‌گیری رفتارهای واکنشی از سوی محصلان اعزام به خارج و روند تعامل جامعه تجار و گردشگرانی که با افکار آزادی‌خواهانه و فرهنگ و تمدن نوین اروپایی آشنا شدند همچنین شکست روسیه از ژاپن و شکل‌گیری انقلاب روسیه، بر گسترش جنبش مدنی تأثیر عمده‌ای گذاشته بودند.

در سال ۱۲۸۳ یک گروه ۵۷ نفره از دانش آموختگان دانشگاههای غرب و مدرسه دارالفنون که قبلاً با اندیشه‌های سید جمال‌الدین اسدآبادی آشنا شدند، بر این باور بودند که شاهان قاجار از لحاظ اخلاقی، اداری و سیاسی فاقد کفایت‌اند. آنها بتدریج کمیته انقلاب را تشکیل داده و معتقد بودند که رژیم استبدادی قاجار باید برچیده شود. در نتیجه تحولات فکری و سیاسی سالهای ۱۱۹۰- ۱۲۳۰ کشورهای انگلستان، ایتالیا، اتریش، مجارستان، چین، ژاپن و روسیه به رژیم مشروطه تغییر شکل یافتند.

در عصر قاجار، موقعیت علما در برابر حکومت تغییرات بیشتری یافت. قاجارها همچون صفویان نمی‌توانستند ادعا کنند که از نسل امامان شیعی هستند. "سرجان ملکم در باره مجتهدین می‌نویسد: آنان ضمن اینکه از مقام رسمی برخوردار نیستند ولی بدلیل علم والا و تقوی و فضیلتشان، با رأی خاموش ولی متفق هم میهنانشان دعوت شده که راهنمای مردم در مذهب و حامی در برابر حکومت باشند. مجتهدان در نزد مردم از چنان احترام و خدشه برخوردار بودند که مغرورترین شاهان را وادار می‌کردند در احترام به آنان با مردم همصدا شوند".[۱]

- عوامل داخلی و خارجی که به شکل‌گیری نهضت مشروطه کمک کرد:

الف. زمینه‌های فکری و فرهنگی- پیدایش آگاهی سیاسی در بخشی از لایه‌های اجتماعی که بویژه در تعامل با فرهنگ، تمدن و مبانی حقوقی جوامع غربی قرار گرفته بودند. تلاش

۱- آ.کی.لمبتون، ایران عصر قاجار(۱۳۷۵)، ترجمه سیمین فصیحی، جلد اول، انتشارات کوتنبرگ، ص ۳۶۲.

Scanned by CamScanner

فکری روشنفکران و مراجع نجف از جمله میرزای نائینی و جمعی از روحانیون مبارز و حامی عدالت. انتشار روزنامه در مبادله اطلاعات و آگاهی بخشی مردم به حقوق سیاسی و کاهش قدرت شاه، بهای آزادی و... بستر لازم را در همگرایی نسبی جامعه و ایجاد جو واکنشی علیه ستم قاجار فراهم ساخت.

ب. زمینه‌ها و علل سیاسی- افزایش نارضایتی و بی‌کفایتی و فساد حکومت و دربار، خرید و فروش مناصب، نفوذ بیگانگان و اعطاء امتیاز به دول خارجی در قالب عقد قرارداد گلستان، ترکمنچای، تحمیل کاپیتولاسیون و... عمق شکاف را بیشتر ساخت.

ج. زمینه‌های اقتصادی- تشدید بحرانهای داخلی بویژه پس از شکست ایران در جنگ با روس، عدم حمایت دولت از صنایع داخلی و کشاورزان، وضع مالیاتهای سنگین، ترغیب انگلیس در کاشت خشخاش به جای تولیدات ضروری، کاهش ارزش پول، نقره و مواد خام صادراتی، قحطی و مشکل تهیه نان، شکر ... خشم مردم را در مقابل تشریفات و سفرهای پرهزینه شاه و دربار برانگیخت.

در کنار موارد فوق، دو واقعه نیز در بر افروختن خشم مردم موثر بود:

۱- کردار توهین آمیز مسیونوز-بلژیکی رئیس گمرگ وقت در پوشش لباس روحانی، سبب بسته شدن بازار و اعتراض روحانیون و مردم شد.

۲- فلک کردن دو تن از بازاریان به جرم گران فروشی شکر، سخت‌گیری عین الدوله صدراعظم شاه، سبب مهاجرت گروهی به حضرت عبدالعظیم- مهاجرت صغری و تجمع مردم تهران در مسجد جامع شد بطوریکه مأموران دولت به سمت معترضین یورش برده و تعدادی را به قتل رساندند، همچنین مهاجرت علما و مردم به قم، مهاجرت کبرا از دیگر واکنشها و رخدادهای اولیه این نهضت بشمار می رود.

مشروطه خواهان به دو طیف فکری تقسیم شده بودند:

الف. علما و روحانیون (مشروطه طلب و مشروعه خواه)

دیدگاه مشروطه‌خواهان با اندیشه جریان روشنفکری از گروه میانه نزدیک بود. در حالی که حامیان مشروعه بر این باور بودند که قوانین تنها از خداوند است. کسی نمی‌تواند واضع قانون باشد، علما متکفل امور دین و فرمانروا متکفل امر ملک است، بنابر تفسیری از آزادی بلا خیزد و مساوات خلاف قانون طبیعت بوده و سلطنت منشاء ربانی دارد، برخی روشنفکران محکوم به دفاع از غرب و کفر و بی‌دینی‌اند.[1]

Scanned by CamScanner

گروهی از روحانیون، در جهت پیشبرد مشروطه، کمیته‌ی ۳ نفره را با حضور چهره‌هایی مانند واعظ اصفهانی، ملک المتکلمین و دولت آبادی تشکیل دادند. کوشش در احیاء عدالت‌خانه، کانون رسیدگی به شکایات مردم، اجرای شریعت و جلوگیری از ظلم و ستم قاجار و تلاش در برکناری عین‌الدوله صدراعظم سخت‌گیر مظفرالدین شاه. فراهم ساختن زمینه بازگشت معترضین به تهران در مهاجرت کبری و تشکیل دارالشورا از دیگر خواسته‌های این گروه بود.

از علمای برجسته مشروطه‌خواه باید از میرزا حسن تهرانی، آخوند خراسانی، محمد کاظم یزدی، شیخ عبدالله مازندرانی و دو روحانی ترقی‌خواه، سیدعبدالله بهبهانی و سیدمحمد طباطبایی نام برد که تا آخر با جنبش مشروطه همراه بودند. هدایت ده هزار معترض و مهاجرت‌شان به قم برهبری این دو مبارز انجام گرفت. آیت‌الله میرزا حسین نایینی[1] صاحب کتاب تنبیه‌الامه و تنزیه‌المله که مرحوم طالقانی مقدمه‌ای بر آن افزودند، از نظریه‌پردازان حرکت مشروطه خواهی بودند که با طرح دو نوع استبداد سیاسی و دینی، در نهایت خطر استبداد دینی را با اهمیت‌تر می‌دانست. مساله‌ای که یادآور شیوه‌های سخت‌گیرانه اصحاب کلیسای غرب در قرون وسطی می‌باشد.

از روحانیون مدافع مشروعه؛ سیدابوالقاسم امام جمعه، نظام‌العلمای تبریزی و شیخ فضل‌الله نوری[2] بودند. در کشاکش فکری، برخی عوام ضد مشروطه و مدافع استبداد سلطنتی می‌گفتند: ما دین نبی خواهیم، مشروطه نمی‌خواهیم. اینان قدرت مطلقه شاه را بر وجود مجلس ترجیح می دادند.

ب. روشنفکران مدافع مشروطه

این گروه مجلس را بعنوان تنها مرجع قانون‌گذاری دانسته و همواره از حاکمیت قانون و اصل تفکیک قوا، آزادی‌های مدنی، عدالت و مساوات دفاع می‌کرد. اساس فرهنگ سیاسی روشنفکران این دوره عبارت بود از:

۱- مشروطه باعث حذف استبداد سیاسی خواهد شد

۱- میرزای نایینی نجفی (۱۲۲۹- ۱۳۱۵)، فقیه، اصولی، حکیم و از مراجع بزرگ شیعه. تحصیلات خود را در نایین، اصفهان و سامرا به پایان رساند. بعد مشروطیت کتاب تنزیه‌المله را نگاشت که با تقریظ آخوند خراسانی انتشار یافت. پس از فوت شیخ محمد تقی شیرازی مرجعیت علمه شیعه در انحصار مرحوم نایینی و اصفهانی در آمد. رساله در لباس مشکوک، احکام خلل نماز، نفی ضرر و همچنین حواشی بر عروه الوثقی از جمله آثار اوست.

۲- شیخ فضل‌الله (۱۲۲۲- ۱۲۸۸) از شاگردان میرزای شیرازی، میان تجمع کنندگان میدان توپخانه و جمع گروهها و شاغلین رده پایین دربار و مرتجعین منتصب حضور یافته و ضمن اعتراض به سیاست‌های "ملکم‌خان ارمنی بی دین" اعلام کرد لیبرالهای مجلس همه ژاکوبنهای فرانسه بست سوسیالیسم آنارشیسم و نیهیلیسم-هرج‌گرایی می روند. (آبراهامیان، ایران بین دو انقلاب، ص ۱۲۰).

Scanned by CamScanner

۲- ترویج فرهنگ سکولاریسم (secularism)، باعث کاهش قدرت سنتی و نهاد مذهب می‌شود. این جریان با ایده غیردینی معتقد بودند که قوانین باید از شریعت جدا شود

۳- ترویج ناسیونالیسم، ریشه‌های امپریالیسم و استثمار را می‌خشکاند. ناسیونالیسم آنان بازگشت به ایران قبل از اسلام بود و معتقد بودند چنانچه سه زنجیره استبداد سلطنتی، جزم-اندیشی مذهبی و امپریالیسم خارجی پاره شود پیشرفت شهری آسان‌تر بدست خواهد آمد.

مظفرالدین شاه که بدلیل نگرانی از محدودیت میزان اختیارات حکومتی با اصل نظام پارلمانی مخالفت داشت سرانجام با افزایش فشارها و اعتراضات مردم، ناگزیر در سال ۱۲۸۵ فرمان مشروطه را صادر کرد در پی آن مجلس مؤسسان پس از ۵ ماه مذاکره، متن نخستین قانون اساسی ایران را که الگویی از کشور بلژیک بود را تهیه و به تصویب رساند.

- با مرگ مظفرالدین شاه فرزندش "محمد علی میرزا" از دیگر مخالفین مشروطه به سلطنت نشست. با تحریک روسها به فرماندهی لیاخوف[1]، بریگاد قزاق مجلس ملی را در سال ۱۲۷۸ به توپ بست. در این ماجرا ۲۵۰ نفر جان باخته و روحیه مشروطه‌خواهان بشدت تضعیف می شود.

بدنبال سرکوب مدافعان و شکستن مقاومت مشروطه خواهان، پاره‌ای از نقاط کشور مانند تبریز، آذربایجان و رشت به کانون مقاومت تبدیل شد. در موج دوم جنبشِ حمایت از مشروطه و فاجعه کشتار مردم، انحلال مجلس و بتوب بستن آن، قیام مسلحانه باقرخان و ستارخان با حمایت مردم و تنی از علمای نجف جریان گرفت، حرکت سردار اسعد بختیاری-رهبر طایفه ایلخانی اصفهان و سپهدار محمد ولی‌خان تنکابنی از جبهه فئودالها با جمعی از تفنگدارن موفق به گشودن دروازه شهرها و پایتخت می شوند. محمد علیشاه از ترس جانش به سفارت روس پناه برد. مشروطه خواهان با تشکیل شورایی در میدان بهارستان، شاه را از قدرت خلع نموده و فرزندش احمد شاه که تا آن هنگام ۱۳ سال بیش نداشت را به سلطنت نشاندند و با تشکیل دادگاهی صحرایی، ۵ تن از مخالفین مشروطه از جمله شیخ فضل‌الله را به اعدام محکوم کردند. آنچه که اتحاد دوباره مشروطه خواهان را رقم زد، بی‌رحمی عوامل حکومت نسبت به معترضین، استبداد دربار و دادن امتیازات ویژه به استعمار خارجی، خاصه روس و انگلیس بود.

۱- بریگاد قزاق تحت فرماندهی لیاخوف روسی بود. فرمانده تپ- قشون نظامی عصر قاجار به تمامی قزاقها و پلیس منطقه جنوب گفته می شد که همه آنها تحت فرماندهی انگلیسی‌ها، ژاندارمری یا نظمیه وقت قرار داشتند.

Scanned by CamScanner

بعد از موفقیت‌های نسبی فعالان مشروطه، در حاشیه جنگ جهانی اول (۱۹۱۸-۱۹۱۴) شاهد هجوم روس، بریتانیا و عثمانی‌ها در مناطق شمالی و غربی کشور می باشیم. تهاجمی که باعث شکل‌گیری بحران و زمینه‌ساز حوادث بعدی می شود.

به منظور ساماندهی اقتصادی و سیاسی، "مورگان شوستر" آمریکایی به اتفاق هیأت نظامی از سوئد به ایران اعزام می شوند. تزار روس شهرهای تبریز، قزوین و رشت را به اشغال خود در آورد و شماری از سران مشروطه‌خواه را بدار آویخت. مهاجمین روسیه با وقوع انقلاب بلشویکی و بحرانهایی که در درون کشورشان پیش آمد ناگزیر به ترک ایران می‌شوند.

زمینه‌های شکاف در صفوف مشروطه خواهان

۱- نداشتن رهبری واحد و روحیه همکاری و مصالحه‌پذیری

۲- تندروی و خشونت‌ورزی نسبت به یگدیگر و فقدان ایدئولوژی واحد

۳- پایین بودن سطح آگاهی‌های سیاسی و اجتماعی مردم

۴- ظهور فرهنگ استبدادی در میان جمعی از فعالان و تلاش در ایجاد اصلاحات لیبرالی و تفسیری روشنفکرانه که در آن زمان با ادبیات جامعه و فهم سنتی در تعارض بود

۵- عدم وجود شبکه‌های ارتباطی و به صحنه نیامدن توده‌های منفعل

۶- از عوامل بیرونی و یا خارجی، وقوع جنگ جهانی اول و اشغال نظامی کشور توسط روسها از مناطق شمالی و انگلیسی‌ها از جنوب در سال ۱۲۹۳، اندک مقاومت مردمی را شکسته و باعث تشدید بحران و نا امنی و گرسنگی شد.

برغم همه مسائل و موانع پیش روی، این نهضت ضمن ارائه تصویری روشن از ظرفیت نیروهای سیاسی و پیگیری مطالبات جامعه که تمرینی شده بود برای انقلاب سال ۵۷، بطور ویژه دو دستاورد اساسی داشته است:

۱- تأسیس مجلس مؤسسان و بهره‌مندی از یک قانون اساسی

۲- تشکیل مجلس شورای ملی[1].

در ادامه این فصل مواضع و دیدگاه‌های برخی از فعالان مشروطه خواه و جریان روشنفکری را که در تئوریزه کردن نهضت و ایجاد شکاف بین نیروهای سیاسی و اجتماعی نقش موثر داشته‌اند بطور اختصار مورد مطالعه و بررسی قرار خواهد گرفت.

۱- مجلس این دوره در سال ۱۲۸۵ هـ شمسی ۲۰۰ نماینده داشت که ۶۰ نفر آنان از حوزه انتخابیه تهران بودند.

Scanned by CamScanner

دیدگاه ها و مواضع چند تن از فعالان مشروطه (برای مطالعه)

۱- عباس میرزا؛ چهارمین فرزند فتحعلی‌شاه، ولیعهد و فرمانروای آذربایجان بود که فرماندهی نیروهای ایرانی را در جنگ با روسها رهبری می‌کرد. او در جهت حفظ اقتدار کشور در دوره تصدی امیرکبیر، گام‌های ارزشمندی بر می دارد. بعدِ ماجرای شکست برابر روسها تلاش موثری در جبران نقاط ضعف و بازسازی صنعت نظامی و تقویت نیروهای مسلح انجام می‌دهد. بطور ویژه در ایندوره شاهد احداث کارخانه توپ و تفنگ‌سازی، طرح اعزام محصل به اروپا در رشته‌های علوم مهندسی، نظامی، طب و نجوم و جذب تکنسین خارجی و همچنین اصلاح نظام حقوقی و مالیاتی در داخل کشور، توسعه صنعت چاپ و ترجمه کتاب "تاریخ پطر کبیر، انحطاط و عظمت امپراطوری روم ..."[۲] از برنامه اصلاحی ایشان می باشند.

۲- میرزا تقی‌خان فراهانی معروف به امیرکبیر؛ صدراعظم ناصرالدین شاه، مؤسس مدرسه دارالفنون با جذب محصل در رشته‌های نظامی، مهندسی، طب، جرّاحی و داروسازی. انتشار روزنامه وقایع التفاقیه، سازماندهی اوضاع اداری و مالی، سرکوب راهزنان و یاغیان، جذب کمک-های فنی از فرانسه، اتریش و مجارستان، استفاده از معلّمین خارجی در اداره دبیرستان دارالفنون و طرح توسعه و زیباسازی پایتخت از اقدامات وی می باشند. امیرکبیر پس از عزل مسئولیت توسط شاه در سال ۱۲۳۰ با تحمّل ۱۳ روز تبعید نهایتاً در حمام فین کاشان به قتل می رسد.[۳]

۳- سید جمال‌الدّین اسدآبادی[۴] (۱۲۰۹-۱۲۷۲)؛ به کشورهای مختلف از جمله هند، پاکستان، مصر و جوامع اروپایی سفر کرده و به فکر علل عقب‌ماندگی جهان اسلام در مقایسه با غرب، اصلاح جامعه و گسترش فرهنگ دینی افتاد. وی بر این باور بود که مسلمانان از راه

۱- روشنفکران اولیه ایران نخستین نمایندگان اندیشه‌های نوین، بویژه لیبرالیسم، سکیولاریسم و تجدد خواهی بودند. میرزا ملکم‌خان، میرزا فتحعلی آخوندزاده، میرزا حسین خان سپهسالار، میرزا صالح شیرازی، میرزا یوسف مستشارالدوله، شیخ احمد روحی و میرزا آقاخان کرمانی را باید از پیشروان این جنبش خواند. از خواسته‌های این روشنفکران، تجدید هویت و سنتهای ملی، منع دخالت روحانیون در سیاست، وضع نظام قانون اساسی جدید به شیوه اروپا، تاسیس نهادهای سیاسی جدید بر اساس حاکمیت ملی و مبانی دولت ملی مدرن بود. ضمن آنکه ماوردی، در تلاش جلب نظر علمای دینی برآمده و جوهر آرمان‌های خود را اسلامی خواندند.

۲- فریدون آدمیت (۱۳۷۸)، امیر کبیر و ایران، جلد اول، تهران، خوارزمی، ص ۸۵ .

۳- برای اطلاع بیشتر از برنامه‌های امیرکبیر مراجعه شود به "نقش روحانیت پیشرو در جنبش مشروطیت" تالیف پروفسور حامد الگار، ترجمه ابوالقاسم سری، فصل نهم، در میان دو اصلاح‌طلب امیرکبیر و سپهسالار، صص ۲۱۵تا ۲۳۶ .

۴- سیدجمال اهل اسدآباد همدان، متوفی استانبول ۱۸۹۸ م. پیشوای نهضت فکری جدید اسلام قرن نوزده، بانی فکر اتحاد اسلام علیه سیاست اروپا. خطیب، سخنور و برخوردار از منطق و استدلال فوق العاده. (اسلام از نظر دانشمندان غرب، علی اصغر حکمت، ص ۲۱۱) .

Scanned by CamScanner

پهلوی اوّل رضا شاه (۱۳۲۳-۱۲۵۶)

رضاخان اهل روستای آلاشت از توابع سوادکوه مازندران، پدرش عباسعلی‌خان و پدر بزرگش مراد علی‌بیک نام داشت که هردوی آنان نظامی بوده و در ارتش خدمت می‌کردند. مادرش زهرا نوش آفرین از مهاجرین قفقاز و همسرش تاج‌الملوک بود.[۱] رضاخان در حالی که ۶ ماه بیش نداشت پدرش از دنیا رفت.

با بحران ناشی از جنبش مشروطه، ضعف دولت مرکزی و اشغال نظامی کشور از سوی متفقین در جریان جنگ جهانی اوّل، برخی احزاب، شخصیت‌ها و فعّالان سیاسی در داخل و خارج از کشور برای تغییر فضای موجود، بدنبال چهره‌هایی می‌گشتند تا بر وضعیت بحران و بی‌قانونی غلبه یابند. دراین دوره دو حزب ذی نفوذ "اعتدالیون" شامل طبقات سنتی جامعه و "دموکراتها[۲]" که از طبقات متوسط و مدرن بودند، نسبت به اداره جامعه سیاسی با یکدیگر رقابت و چانه‌زنی می‌کردند.

رضا پهلوی از افسران قزاق در پایگاه نظامی قزوین خدمت می‌کرد. در آغاز امر، عده‌ای با حضور طرف‌های انگلیسی مذاکرات اوّلیه را با ایشان انجام داده و او را برای قبول مسئولیت دولتی متقاعد ساختند. رضاخان با اتفاق ۲۵۰۰ قوای نظامی که طراح اصلی آن فرمانده نیروهای انگلیسی مستقر در ایران، ژنرال آیرونساید بود به همراهی و تبانی سیدضیاء طباطبایی از چهره‌های سیاسی کودتا در سال ۱۲۹۹ خود را به پایتخت رسانده و تمامی مراکز دولتی و پایگاههای نظامی در تهران و حومه را به تصرف درآوردند. در این ماجرا، مقاومت آشکاری از سوی نیروهای دولتی و یا مخالفین صورت نگرفت و تنها ۳ پاسبان شهربانی در درگیری کشته شدند.

۱- رضاخان ۴ همسر داشته: صفیه (تنها یک سال با هم زندگی کرده و از او یک فرزند داشت) تاج‌الملوک (فرزندان مشترک با این همسر: شمس، محمدرضا و اشرف- دو قلو و علیرضا) ملکه توران (یک سال با هم زندگی کردند و از او یک فرزند داشت) عصمت خانم از خانواده قاجار (از او چهار پسر و یک دختر بنام لیلا داشت).

۲- پیشینه حزب دموکرات به سالهای نخست مشروطه بر می گردد. تقی زاده و میرزا احمد قزوینی- هر دو معمم- با تشکیل کمیته مرکزی بتدریج آن را سازمان دادند. برخی از وکلای روحانی مجلس همچون: شیخ محمد خیابانی، شیخ رضا دهخوارقانی، صدرالعلما و شیخ ابراهیم زنجانی هم به این حزب پیوستند. تدریجاً مواضع این حزب رادیکال‌تر شده و صبغه مذهبی‌اش کم رنگ می شود. آنها خواهان تساوی همه افراد ملت در قبال قانون، آزادی کلام، مطبوعات و اجتماعات، جدایی قوه قضائیه از قوه اجرائیه - دموکراتها سعی داشتند اصول فکری خود را در لفافه مذهب بیان کنند تا از اتهام تکفیر در امان باشند. مثلا اصل تساوی حقوق را با اصول اسلامی توجیه و تشکیل مجلس سنا را مغایر با آن قلمداد می‌کردند. آنها " انفکاک قوه سیاسیه از قوه روحانیه"، جدایی دین از سیاست را بهترین و نافع‌ترین مواد - به حال ملت و روحانیون می‌دانستند.(برای اطلاع بیشتر مراجعه شود به کتاب "نقش علما در انجمن‌ها و احزاب دوران مشروطیت" تألیف مریم جواهری، فصل سوم، صص ۱۴۰-۱۸۷).

Scanned by CamScanner

همزمان با کودتای رضاخان در سال ۱۲۹۹ ه.ش و تلاش او در تقویت حس ملی‌گرایی، در عراق نیز امیر فیصل و در ترکیه مصطفی کمال معروف به آتاتورک[1] ۱۳۰۰- ۱۲۹۹ در جایگاه قدرت قرار گرفته و موجی از پان ایرانیسم، عربیسم و ترکیسم را در ذیل پروژه نوسازی به سبک غیر بومی و مذهب زدایی دنبال می‌کردند. ایرانی‌گرایی رضاخان، سیاستی در جهت ستیز با قومیت، اقلیت‌های زبانی و نژادی نظیر عرب، بلوچ و ترکمن و کوشش در از میان برداشتن لهجه‌های محلی و سنن مرسوم مناطق مختلف کشور بود.

نیروهای رضاخان در عملیاتی گسترده، دست به سرکوب قیام "میرزا کوچک خان" زدند. میرزا در سال ۱۲۹۹ با شروع استبداد رضاخانی به همراه یارانش در منطقه رشت اعلام حکومت جمهوری کرده و جنگل‌های گیلان را برای تشکیل هسته مبارزاتی انتخاب نمود. بیگانگان با طرح توطئه و خیانت تنی از یاران اولیه او، احسان‌الله‌خان و خالو قربان دست به تفرقه و درگیری داخلی زدند. سرانجام پروژه سرکوب جنگلی‌ها با تلاش کمونیسم شوروی و دولت انگلیس، در وضعیتی که میرزا درگیر مبارزه با استعمارگران خارجی بود، در سال ۱۳۰۰ نیروهای ارتش در دل جنگلهای انبوه گیلان به تعقیب و گریز آنها ادامه داده و در فضای برف بوران سرد زمستان، سرانجام مقاومت او و حامیانش را شکستند و سر میرزا را از بدن جدا می‌سازند.

سرکوب شیخ محمد خیابانی[2] در آذربایجان. دفع شورشهای محلی در زنجان و اردبیل و سرکوب "شیخ خزئل" که قصد جدایی خوزستان از دولت مرکزی و تبدیل آن به منطقه امیرنشین را داشت. سرکوبی تنگستانی‌ها و دشتستانی‌ها[3] و قیام محمد خان پسیان، فرمانده وقت ژاندارمری که با کمک قوای ملی مخصوص، حکومت ایالتی خراسان را تاسیس کرده بود. ارتش دولتی بسرعت همه آنها را یکی پس از دیگری سرکوب می‌کنند. گفتنی است قوای قزاق و ارتش ایران در دوره قاجار و پهلوی غالباً از سوی روس و انگلیس هدایت می‌شدند اما با کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ تحت نفوذ مستقیم ایالت متحده آمریکا قرار می گیرند.

۱- آتاتورک- ژنرال، قائد ملی، بانی ترکیه جدید (۱۸۸۱-۱۹۳۸ م)، مؤسس حزب کبیر ناسیونالیست، در ۱۹۲۳ به مقام ریاست جمهوری این کشور رسید.

۲- شیخ از مخالفان دولت وثوق الدوله و قرارداد استعماری ۱۹۱۹ بود. حامیان شیخ سفارت آلمان را به محاصره در آورده و کنسول آلمانی را به قتل می‌رساندند.

۳- این گروه که از سوی علمای فارس مورد حمایت بودند تا جنگ جهانی اول با استعمار کهنه انگلیس مبارزه کردند. در مورد سرکوب خیابانی، شیخ خزئل و میرزا، از کتاب انسجام و تنوع فرهنگی، اثر صالحی امیری ص ۲۷۰ به بعد توضیحات مفصلی دارد.

Scanned by CamScanner

رضاخان با کنترل اوضاع داخلی و مهار نیروهای گریز از مرکز، با صدور فرمانی از سوی احمد شاه، ابتدا فرمانده نیروهای قزاق و بعد به مقام وزارت جنگ منصوب شد. سید ضیاء طباطبایی، دبیر سابق روزنامه رعد که سمت نخست‌وزیری را بدست گرفت کمتر از ۱۰۰ روز کابینه‌اش سقوط می کند[۱].

رضا پهلوی که در سال ۱۳۰۲ به حکم احمدشاه به مقام نخست‌وزیری منصوب شد با نفوذ تدریجی میان اعضای پارلمان، دقیقاً در سال ۱۳۰۴ که احمدشاه کشورش را به قصد فرنگ ترک می‌کند از فرصت لازم بهره برده و با پوشیدن لباس نظامی مزین و حضور در صحن مجلس، مقام سلطنت را برای همیشه از دست قاجار خلع کرد و با ادای سوگند بعنوان سردودمان پهلوی، عنوان پادشاهی را به خود اختصاص می‌دهد.

برخی از تشکلهای سیاسی سهم بسزایی در تعیین مسیر آتی و حیات سیاسی کشور داشته‌اند. احزاب مهم این دوره شامل اصلاح طلبان تجدد خواه، محافظه کاران، حزب سوسیالیسم و انقلابیون فرقه کمونیسم بودند. در این میان حزب تجدد از نفوذ بیشتری برخوردار بوده و مدت‌ها نیز اغلب برنامه‌های اصلاحی و غیر مذهبی رضاخان تحت‌الشعاع این حزب قرار داشت. اساساً مرام فکری ریشه در تاریخ و کیفیت ارتباط با جهان غرب و فرهنگ تجدد دارد. از مشخص‌ترین ایدئولوژی‌های ایندوره؛ ناسیونالیسم، سکولاریسم و مدرنیزم بود که بترتیب پایه باستان‌گرایی ایرانی، تقلیل‌گرایی دینی و غرب‌گرایی فرهنگی قرار می‌گرفت.

اقدامات رضاخان پس از قدرت گرفتن

رضاخان با الهام از موج جدید تجددگرایی و توجیه اقتدار و دیکتاتوری سلطنتی، به ترویج ملی‌گرایی ایران باستان و احیای تفکر امپراطوری گذشته و اسلام زدایی پرداخت. سیاست غیر دینی سازی، مبارزه با قبیله‌گرایی، توسعه آموزشی و سرمایه‌داری دولتی را دنبال می‌کند او سعی داشت بر بحران امنیتی غلبه کند و زمینه را برای ثبات سیاسی و کنترل ابزار قدرت مساعد سازد.

۱- سیدضیاء در مبارزه قدرت برابر رضاخان توفیقی نیافت زیرا قدرت نظامی کاملاً در دست سردار سپه- رضاخان قرار داشت. بحران مالی و حل نشدن وام از انگلیس و مخالفت‌های اشراف و ملاکین، وضع را برایش سخت‌تر کرد. وی نیز اعیان و اشراف را مسبب وضع نابسامان کشور معرفی کرده و در عمل قدرتی برایش باقی نماند تا سرانجام فرمان احمد شاه بر عزلش صادر شد و گروهی قزاق به خانه‌اش ریختند و او را از کشور تبعید می کنند (مدنی، پیشین، جلد ۲ ص ۱۷۷). همچنین علاقمندان می توانند برای اطلاع بیشتر از پروژه مدرنیزه اقدامات رضاخان به کتاب گسترش و تنوع فرهنگی اثر صالحی امیری صص ۲۸۵ تا ۲۸۸ مراجعه نمایند.

Scanned by CamScanner

مهمترین اقدامات رضاخان را می‌توان در ابعاد زیر خلاصه کرد:

الف. تقویت و سازماندهی ارتش به منظور تحکیم پایه‌های قدرت و سرکوب و مهار شورشهای مخلی، تا بتواند امنیت نسبی را به کشور باز گرداند.

ب. لغو حق چاپ اسکناس از بانک شاهی انگلیس به بانک ملی، لغو مصونیت قضایی اتباع اروپایی در ایران. همچنین الغاء قرارداد ۱۹۰۷ (بموجب آن دو کشور روس و انگلیس ایران را به ۳ منطقه تقسیم کرده بودند. مرزهای شمالی کشور تحت نفوذ روسها، مرزهای جنوبی حوزه نفوذ انگلیسی‌ها و قسمت‌های مرکزی و خشک و کویری بعنوان منطقه‌ای بی‌طرف تعیین می‌شود) و قرارداد ۱۹۱۹م/ ۱۲۹۸ش (این قرارداد بین نخست‌وزیر وقت ایران وثوق‌الدوله و طرف انگلیسی بنام کاکس منعقد می‌شود. در آن تحت‌الحمایگی ایران و نظارت بر تمامی تشکیلات نظامی، مالی و سیاسی برای دولت مطبوع منظور می‌شود).

ج. اداره کشور به شیوه استانی با مرکزیت تهران، حذف مدیریت ملوک الطوایفی و سران محلی از بلوک قدرت، لغو عناوین افتخاری و القاب ایلی و عشایری همچون میرزا، بیک، خان، امیر، شیخ و سردار، کلانتر و کدخدا، القاب اشرافی الدوله، السلطنه. سرکوب جامعه عشایری[1]، خلع سلاح و تغییر سبک زندگی آنان، قتل و زندانی سردار اسعد بختیاری وزیر جنگ در سال ۱۳۱۸، تیمورتاش وزیر دربار و سردار محتشم در سالهای ۱۲-۱۳۰۸، و چهره‌های دیگری که در ابتدا روابط نزدیکی با دربار داشتند. صدور فرمان قتل ۸ تن از روئسای قبایل و زندانی کردن ۱۵ چهره‌ی با نفوذ محلی از دیگر اقدامات سخت‌گیرانه رضاخان بود.

د. در برخورد با مذهب، روحانیت و جریانهای فکری: ممنوعیت تظاهرات در عید قربان و زنجیرزنی در ایام محرم، محدود ساختن انتشار متون دینی، سلب قضاوت و موقوفات و دفاتر ثبت اسناد و املاک از نهاد مذهب در سال ۱۳۱۸، تحریم فضای نقد و اندیشه‌ورزی و جلوگیری از انتشار روزنامه‌های مستقل[2]، لغو مصونیت پارلمانی نمایندگان[1] و از بین بردن احزاب سیاسی

۱- از نظر تاریخی با توجه به اینکه در عصر قاجار یک چهارم جمعیت کشور را ایلات و عشایر تشکیل می داد، آنها در جامعه سنتی همواره یکی از گروههای قدرت بشمار می‌آمدند. اصطلاح عشیره به نظام اقتصادی و اجتماعی و ایل به نظام اداری و سیاسی اشاره دارد. مراتب اداری- سیاسی ایلات از پائین به بالا شامل سرپرست خانوار، ریش سفید، کدخدا، کلانتر، کلانترخان، ایلخان و ایل بیکی بود. از جمله ایلات ایران: ایل بختیاری در چهار محال و خوزستان، ایل قشقایی در فارس، شاهسون در آذربایجان، ترکمن در دشت گرگان و افشار در کرمان سکونت داشتند. اصولاً ایلات و عشایر مبتنی بر حسب و نسب و رابطه خویشاوندی، صحرا نشین، کله دار و کوچ فصلی می‌کردند. ویژه خان که اصل آن خاآن بود در نتیجه حمله مغولان به ایران رایج شد. با پیدایش دولت مطلقه و تقویت جبهه مرکزی در دوره رضاخان، بتدریج نفوذ سیاسی قبایل رو به افول رفت.

۲- اقدام مأمورین دولت در برخورد با مدیر و کارکنان "روزنامه ستاره ایران" که ضمن قفل زدن در اداره، مسئول آن را شلاق زده و زندانی‌اش کردند (نقل از مدنی، تاریخ سیاسی ایران، ص۲۰۴).

Scanned by CamScanner

مستقل. رویه‌ای که سبب شد آیت‌اله مدرس و یا دیگر منتقدان روحانی کرسیهای نمایندگی خود را از دست بدهند، سخت‌گیری نسبت به احزاب و جراید مستقل و بستن فضای رقابت و نقادی. به عنوان مثال حزب تجدد- سازمانی بر اساس الگوی فاشیست موسولینی و حزب جمهوری‌خواه مصطفی کمال که ابتدا صادقانه از برنامه‌های رژیم حمایت کرده و به نقد برخی از برنامه‌ها می‌پرداخت، با عوامل این حزب هم برخورد می‌کند.[۲]

ممنوعیت استفاده از چادر در قانون معروف کشف حجاب ۱۳۱۴، الهام گرفته از دیدارش با مصطفی کمال در سال ۱۳۱۳ ترکیه – دوره‌ای که زنان از حق انتخاب همسر و نامزدی در انتخابات محروم بودند. این قانون برآمده از روش لائیسیسم دولت آتاتورگ، اساساً علیه پیروان کُرد و ارامنه این کشور به اجراء در آمده بود. رضاخان در این ارتباط، مردها را در ادارات ملزم به استفاده از یونی فرم و کلاه پهلوی کرد. این در حالی بود که علمای شهرهای قم، اصفهان، شیراز، کرمان و بویژه شهید مدرس نیز در سال ۱۳۰۶ علیه برنامه‌های شاه واکنش نشان دادند. نیروهای دولتی معترضین را مورد ضرب و شتم قرار داده و بسمت آنان تیراندازی کردند. سه سرباز دولتی که از نشانه گرفتن اسلحه روی مردم خودداری کردند، به جرم نافرمانی از دستورات مافوق به جوخه آتش خشم دولت سپرده شدند.

از دیگر اقدامات غیر اخلاقی رضاخان، ماجرای زیارت زنان خانواده سلطنتی در سال ۱۳۰۶ که بدون حجاب اسلامی وارد حرم مطهر حضرت معصومه می‌شوند رفتاری که با مخالفت و تذکر شرعی آیت‌اله بافقی قرار می‌گیرد. رضاخان بعد از شنیدن این ماجرا بطور شتابزده روانه قم شده و روحانی مذکور را زیر چکمه‌هاش گرفته و سپس وی را به نقطه‌ای دور دست تبعید می‌کند.

آیت‌اله "مدرس و خیابانی" به نیابت از علما، جزء ۵ نفر فقهای حاضر در مجلس قانونگذاری برگزیده شده بودند. مدرس در دوره ششم رئیس سنی مجلس شد. آنها نسبت به قرارداد وثوق الدوله و سفر مورگان شوستر برای اصلاحات مالی به ایران اعتراض داشتند. رضاخان بعد از واقعه کودتای ۱۲۹۹ مدرس را دستگیر و زندانی می‌کند. این واعظ جسور که همیشه تاکید می‌کرد نمی توان عقاید مذهبی خود را از تصمیمات سیاسی جدا کند، طی نطقی در مجلس، سیاست‌های رضاخان را غیر اخلاقی خواند. احمد تدین از نمایندگان حامی رضاخان در مجلس، ضمن اعتراض و عصبانیت از آیت‌اله مدرس، ناگاه سیلی بر صورتش می‌زند. مسئله‌ای که

۱- مصونیت پارلمانی بدین معناست که نمایندگان مجلس بواسطه گفتار، نوشتار، اعمال و موضع‌گیری‌های خود نباید مورد تعقیب و مواخذه واقع شوند بعبارتی قانون اجازه نمی دهد نمایندگان را بواسطه مسئولیت و نطقی که ارائه می‌دهند تحت پیگرد قرار گیرند. در قانون اساسی ۱۹۴۹ آلمان فدرال، مصونیت پارلمانی موارد تهمت، افترا و توهین را شامل نمی‌شد.

۲- آبراهامیان، یرواند (۱۳۷۸)، ایران بین دو انقلاب، ترجمه احمد گل محمدی و محمد ابراهیم گل نبی، نشر نی، ص ۱۷۲.

Scanned by CamScanner

اعتراض مردم را در برخی محافل اجتماعی بهمراه داشت. هنگامی که رضاخان در مقام سردار سپه بود، مدرس بحث استیضاح او را در مجلس وقت مطرح کرد که بدلیل عدم حمایت سایر نمایندگان موفق به انجام آن نشد تا آنجا که در مجلس هفتم با مهندسی انتخابات و تقلب آشکار، آیت‌اله مدرس[1] موفق به کسب حتی یک رأی هم نمی شوند!

پایان حکومت رضا شاه

جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۳۹م ۱۳۱۸ش با حمله آلمان به لهستان آغاز شد در این جنگ رضاخان اعلام بی‌طرفی کرد، ضمن اینکه به پیشروی‌های اولیه قوای هیتلر بسیار امیدوار شد و سعی داشت از طریق ایجاد رابطه خوب با آلمان، فشارهای دو استعمار کهنه روس و انگلیس را خنثی سازد و به قول کاتوزیان، رضاشاه طرفدار آلمان نازیسم بود چون دولت‌گرا، نظامی‌گرا، خودکامه، نژادپرست و پان ایرانیست بود. در این مقطع، شمار زیادی از تجار و صنعت‌گران آلمانی در ایران حضور داشتند.

با سرد شدن روابط انگلیس و آلمان و حملات سربازان آلمانی به اروپای غربی و شرقی، روس و انگلیس خواستار تعطیلی سفارت‌های آلمان، ایتالیا، مجارستان و رومانی و خروج اتباع آلمانی از این کشور شدند. وقتی رضاخان درخواست روس و انگلیس را مبنی بر تعطیلی سفارتخانه و خروج چهارپنجم اتباع آلمانی و هزینه محموله‌های نظامی را نپذیرفت، به بهانه عدم تمکین به درخواست‌های یاد شده، قوای شوروی از جبهه گیلان، مازندران، سمنان و مشهد وارد خاک ایران می‌شود، از سویی نیروهای انگلیس از منطقه اروندکنار آبادان و مرزهای خسروی با تصرف تأسیسات نفتی و انهدام چند فروند هواپیما در محل باند، اندک مقاومت ارتش را در هم شکسته و همه را تسلیم خود ساختند این در حالی بود که مردم هیچ عکس‌العملی در حمایت از رژیم نشان ندادند. بدین ترتیب رضاخان الزاماً از مقام خود استعفاء داده و در شهریور ۱۳۲۰ رسماً از سلطنت خلع شده و برای گذران زندگی در تبعید، به جزیره موریس در سواحل هند و از آنجا به شهر ژوهانسبورک آفریقای جنوبی می برند. با توافقات بعمل آمده

۱- از آیت‌اله مدرس بیش از ۱۶ اثر و مقاله علمی از جمله رساله، شرح نهج‌البلاغه، اصول علم فقه... برجای مانده است. آیت‌الله بروجردی دروس فقه و نهج‌البلاغه را نزد ایشان می‌خواند. مدرس یک بار توسط نیروهای دولتی مورد سوء قصد قرار گرفت که با اصابت گلوله به ناحیه کتف جان سالم بدر برد. درسال ۱۳۰۷ مأموران شهربانی مدرس را دستگیر کرده و به قلعه خواف از توابع کاشمر استان خراسان تبعید می‌کنند که در نهایت ۳ مأمور مخفی دولت با برنامه‌ای طراحی شده و نوشاندن چای سمی سپس این عالم شجاع و بزرگ دینی را خفه کرده و به شهادت می‌رسانند. هم اکنون مزارش در خراسان رضوی شهر کاشمر قرار دارد.

Scanned by CamScanner

از جانب روس و انگلیس و مساعدت محمدعلی فروغی، مقام سلطنت به فرزندش محمد رضا انتقال می‌یابد.

رضاخان هنگامی که دوران تبعیدش را می‌گذراند در سال ۱۳۲۳ بر اثر سکته قلبی درگذشت. آنگاه جسد مومیایی شده‌اش را از آفریقای جنوبی به قاهرهِ مصر برده و در سال ۱۳۲۸ به کوشش فرزندش به ایران منتقل شد.

Scanned by CamScanner

پهلوی دوم محمد رضا شاه (۱۳۵۹ - ۱۲۹۸)

همانطوری که پیشتر اشاره شد با سقوط رضاخان از قدرت، انگلیس‌ها فرزند ذکور ارشدش محمدرضا[1] را در حالی که ۲۱ سال بیش نداشت، به سلطنت نشاندند.

با کناره‌گیری رضاخان، دوره ترس و سکوت و انتظار بعد ۱۶ سال به پایان رسید. با حذف نظام سلطه و سرکوب، بسیاری از فعالان سیاسی و مذهبی نظیر روشنفکران، روحانیون، مطبوعاتی‌ها و سران ایلات و عشایر به جایگاه مورد انتظار خویش باز گشته و بازار اندیشه‌ورزی و رقابتهای سیاسی و گروهی گرم می‌شود. اصولاً در دوره‌های بحرانی و گذار، بیش از دوره ثبات و آرامش، مردم با قلب خود فکر می‌کنند و نقش صاحبان فکر و اندیشه فزونی می‌یابد.

با اوج گرفتن تنش‌های سیاسی و گروهی، مجلس به کانون محافظه‌کاران، لیبرالها و تندروها تقسیم شده و هر یک در حمایت انگلیس، فرانسه و آمریکا صف‌بندی کردند. از سویی دیگر بدلیل بی‌ثباتی سیاسی کابینه دولت دائماً دستخوش تغییر و جابجایی بود.[2]

از شهریور ۱۳۲۰ تا آغاز سلطنت نظامی محمدرضا ۱۳۳۲، قدرت سیاسی غالباً در دست ۵ گروه: دربار، مجلس، کابینه، نظامیان و سفارتخانه قرار داشت، در این مقطع شاه مظهر تشریفات و نماد قدرت بوده و تنها سلطنت می‌کرد در حالی که قدرت عملاً در دست نهادهای اجرایی، تقنینی و سایر گروه‌های ذی‌نفوذ قرار داشت. نخست وزیر احمد قوام از چهره‌های با نفوذ و کهنه کاری بود که در اداره مسائل داخلی(بویژه جلب حمایت مجلس و روسای ایلات و عشایر) و در حوزه خارجی(برقراری دیپلماسی با دولتهای روس و انگلیس) هوشمندانه عمل می‌کرد اما با برکناری شدن وی، بتدریج قدرت شاه مستحکم شده و کنترل ارتش را در دست می‌گیرد و کار عزل و نصب‌ها را یکی پس از دیگری شروع می کند. به این ترتیب محمدرضا در سالهای اول کاری، برای جلب مشروعیت و حمایت گروه‌های اجتماعی، اقدامات زیر را انجام می‌دهد:

۱- واگذاری اراضی موقوفه به مؤسسات دینی

۲- ترغیب سران ایلات و عشایر به حفظ موقعیت و القاب پیشین

۳- احیاء مجدد مصونیت پارلمانی نمایندگان

۴- آزادی ۱۲۵۰ زندانی سیاسی و حضور شاه در مجلس و ادای سوگند در برابر نمایندگان

۱- محمد رضا ۳ همسر داشت ملکه فوزیه خواهر ملک فاروق پادشاه وقت مصر، ملکه ثریا از ایل بختیاری و فرح دیبا متولد۱۳۱۷ که هم اکنون در آمریکا زندگی می‌کنند.

۲- در ۱۶ سال رژیم پهلوی اول، ۸ نخست‌وزیر جابجا شدند (محمدعلی فروغی، حسن مستوفی، هدایت متین دفتری - و۵۰ کابینه، منتها در فاصله سال‌های ۲۰ تا ۳۲ تعداد ۱۲ نخست‌وزیر (ذکاء فروغی، سهیلی، احمد قوام، هژیر ۱۳۲۷ ، حسین اعلا، حکیمی، صدر، مصدق، قوام، منصور -) همچنین ۳۱ کابینه دولت تغییر یافتند.

Scanned by CamScanner

نهضت ملی شدن صنعت نفت ایران (۱۳۲۸ تا ۱۳۳۲)



ابتدا شرح مختصری بر پیشینه دستیابی بشر به نفت، نحوه استفاده از آن و قراردادهای نفتی خواهیم داشت. هرودوت مورخ یونانی و پدر تاریخ در سده پنج پیش از میلاد، زمان استفاده بشر از نفت را به ۴۰۰۰ هزار سال قبل از میلاد مسیح نسبت می‌دهد. آتشکده‌های ایران عصر باستان با مشعل‌های نفتی روشن می‌شدند. از نفت یا پترولیوم استفاده‌های متعددی می‌شد. نظیر مومیایی اجساد مردگان در مصر باستان، مصارف دارویی مانند مرحم زخمها و دوای بیماری‌های عفونی نزد بومیان و سرخپوستان آمریکا. بتدریج این ماده سیاه و هیدروکربن در تولید انرژی، چرخه سوخت موتور کشتی، هواپیما، ماشین و صنعت، تولید پلاستیک، پارچه پروتئین‌های مصنوعی و سایر مواد اولیه و مورد نیاز اهمیت روز افزونی پیدا کرد.

کشور ما قسمت مهمی از ذخایر نفت جهان در خاورمیانه را در اختیار دارد. برای نخستین بار عملیات کشف و حفاری در سال ۸-۱۹۰۱ میلادی از سوی شرکت ویلیام فاکس دارسی انگلیس در سلسله جبال مسجد سلیمان و قصر شیرین انجام گرفت. در دهه ۵۰ نفت و گاز ۸۵ درصد همه صادرات ایران را از لحاظ ارزش تشکیل می داد درآمد نفتی ایران در سال ۱۳۲۲ حدود ۲۲/۵ میلیون دلار، سال ۴۲ به ۵۵۰ میلیون دلار و در سال ۱۳۵۶ تا مرز ۲۰ میلیارد دلار تخمین زده شد.

پس از تحریم های هسته‌ای صادرات نفت کشور، تا سقف ۸۰۰ هزار بشکه در روز کاهش یافت منتها با توافقات هسته‌ای و رفع تحریمها در سال ۹۴، میزان صادرات نفت ایران دوباره به بیش از ۲ میلیون بشکه در روز و به قیمت ۵۷ دلار رسید. اگر چه الگوی اقتصاد مقاومتی- که به افزایش تولید ملی و بومی سازی تکنولوژی نظر دارد و سیاست اقتصادی بدون اتکا به درآمدهای نفت، یعنی صادرات غیر نفتی، جزء برنامه‌های اصلی برنامه ششم توسعه اقتصادی کشور بشمار می رود.

Scanned by CamScanner

قراردادهای خارجی و واکنشها پیرامون موضوع نفت

قرارداد رویتر، در سال ۱۸۷۲ میلادی دوره ناصرالدین شاه قاجار بین ایران و فرد آلمانی تبعه انگلیس یعنی ژولیوس رویتر برای مدت ۷۰ سال منعقد گردید در ضلع این قرارداد حق استفاده از خطوط آهن، جنگلها و آبهای کشور و معادن- بجز معدنهای طلا و نقره به کمپانی مذکور واگذار می‌شود. به ازای این قرارداد وامی به ارزش ۲۰۰ هزار لیر به ایران پرداخت می‌شود که ناصرالدین شاه با این پول عازم اروپا شد. در جریان آن حاج ملاکنی به این تصمیم اعتراض کرده و در تهران مردم دست به اعتراض گسترده‌ای می‌زنند که با اوج گرفتن مخالفت ها، شاه پس از بازگشت به کشور قرارداد مذکور را لغو کرد.

قرارداد دارسی، در سال ۱۹۰۱ میلادی بین مظفرالذین شاه و ویلیام فاکس دارسی با هدف تحقیق و استخراج نفت، گاز و قیر برای ۶۰ سال منعقد می‌شود. اولین چاه نفتی این دوره در قصرشیرین به ارزش ۶۰۰ هزار لیره تعیین گردید آنها در مسجد سلیمان ابتدا چاه نفت را حفاری کرده و سپس خطوط لوله و تأسیسات مورد نیاز را مستقر ساختند.

منابع نفتی خاورمیانه توجه بسیاری از کشورهای در حال صنعتی شدن اروپا و آمریکا را بیش از گذشته به خود جلب کرد. انگلیس منابع نفتی قطر، کویت، عراق، عمان و ایران را در دست گرفته و آمریکائی‌ها نفت عربستان و بحرین را از آن خود ساختند.

قرارداد گس‌گلشائیان، این قرارداد الحاقی در سال ۱۳۲۸ بین گس نماینده انگلیس و گلشائیان وزیر دارایی وقت به امضاء رسید و در آن سهم عایدات نفتی کشور نسبت به گذشته کمی بیشتر شد. ضمن اینکه پیشتر در دولتهای ساعد و حسنعلی منصور تقدیم مجلس شورای ملی شد و آنها نتوانستند رأی لازم را در تصویب آن بدست آورند از سویی این طرح مورد مخالفت اعضای جبهة ملی هم قرار گرفته بود.

پس از کودتای سال ۳۲ کنسرسیوم نفتی- مجموعه‌ای از شرکت‌های چند ملیتی تشکیل شد و سهم خرید شرکت‌های آمریکایی و انگلیسی هر یک ۴۰٪، فرانسوی‌ها ۱۴٪ و سایر شرکت‌ها هم ۶٪ تعیین گردید.

Scanned by CamScanner

مصدق و هم فکرانش در سال ۱۳۲۳ با هدف دفاع از حقوق نفتی، اولین لایحه دو فوریتی را تقدیم مجلس کردند. طبق این لایحه، انعقاد هر نوع قرارداد نفتی می‌بایست با تصویب و اجازه مجلس شورای ملی انجام گیرد.

در سال ۱۳۲۸ شاه به منظور دریافت کمک‌های خارجی به امریکا سفر کرد همزمان جبهه ملی اعلام موجودیت نموده، مصدق و ۸ تن از فعالان این جبهه به مجلس شانزدهم و عضویت در کمیسیون نفت راه پیدا می‌کنند. در ۱۶ اسفند ۱۳۲۹ خلیل طهماسبی از گروه فدائیان اسلام با کشتن رزم آرا موجب وحشت درباریان و نمایندگان وابسته به انگلیس شد. روز بعد اصل ملی شدن نفت در کمیسیون مربوطه در صحن علنی مجلس مطرح و اسفند ۱۳۲۹ مجلس سنا آن را به تصویب رسانید سرانجام با گذشت ۵۰ سال نفت از سلطه و چپاول انگلیس خارج گردید.[1]

در آستانه مجلس شانزدهم، جمعی از فعالان سیاسی، دانشجویان، تجار و بازاریان برهبری محمد مصدق[2] وارد کاخ شاه شده و نسبت به فقدان آزادی و انتخابات آزاد اعتراض کردند در این میان بسیاری از احزاب، گروهها و چهره‌های سیاسی و مذهبی مانند: فروهر، سنجابی، فاطمی و آیت‌الله ابولقاسم کاشانی و نواب صفوی از این حرکت حمایت می‌کنند.

در سال ۱۳۲۷ رژیم با تبانی انگلیسی‌ها، آیت‌الله کاشانی را به اتهام دخالت در ترور نافرجام شاه و حمایت از افکار کمونیستی و جنبش نفت دستگیر کرده ابتدا به زندان خرم آباد و سپس به لبنان تبعد می‌کنند. در سال ۱۳۳۴ هم او را به بهانه دخالت در ترور رزم آرا دستگیر کردند که به کوشش آیت‌الله بروجردی آزاد می شوند.

با تشدید مواضع مخالفت‌آمیز مصدق از سیاست‌های غلط شاه، و ایراد سخنرانی در میان جمعیت ۱۲ هزار نفری، شکاف بین این دو جریان عمیق‌تر شد. ضمن اینکه آیت‌الله کاشانی و گروه فدائیان اسلام از این اقدام ملی‌گرا حمایت کرده بودند.

بدیهی است جنبش‌های اجتماعی تحت تاثیر متغییرهای مختلفی قرار می گیرند. لذا عوامل متعددی وجود داشت که به شکل‌گیری نهضت نفت کمک کرد از جمله: رفتار بد انگلیسی‌ها با کارکنان نفت ایران، وجود تبعیض و عدم جذب تحصیل کرده‌های ایرانی در شرکت‌های مذبور،

۱- نصری، محسن (۱۳۸۹)، ایران، دیروز، امروز، فردا، تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، گروه معارف، ص ۸۲.

۲- مصدق (۱۳۴۵ – ۱۲۶۱) تحصیلاتش را در سوئیس گذراند، مدتی را وزیر دادگستری و استاندار فارس بودند او در مجالس ۲ و ۵ بعنوان نماینده مردم تهران به مجلس شورای ملی راه یافت.

۳- آیت‌اله کاشانی (۱۳۴۰ – ۱۲۶۱) از مجتهدین بزگ عالم تشیع، تحصیلات حوزوی را در نجف گذرانده و در ۳۵ سالگی از عراق به ایران بازگشت. او از چهره‌های موثر در نهضت نفت ایران شناخته می‌شوند.

Scanned by CamScanner

نارضایتی هیأت‌های حاکمه ایرانی از دولت بریتانیا[1] و درآمد پایین نفتی. با توجه به اینکه شرکت‌های آمریکایی قرارداد نفتی خود را با سعودی‌ها ۵۰-۵۰ بسته بودند بعلاوه دخالت طولانی بریتانیا در امورات داخلی کشور و نهایتاً جهت‌گیری مصدق، کاشانی و همراهان در مبارزه با استعمار، دفاع از آزادی و دموکراسی و حقوق نفتی از مرحله اکتشاف، انتقال و بهره-برداری تاثیر فوق‌العاده‌ای بر شکل گیری نهضت داشت.

در سال ۱۳۳۰ مصدق سِمَت نخست وزیری را بر عهده گرفت از این پس دشمنی انگلیس بواسطه از دست دادن منافع، آغازگر جنگ‌های دیپلماتیک و تهدیدات مرزی در منطقه جنوب می شود دولت بریتانیا برای اعمال فشار بیشتر بر مصدق، موضوع تحریم جهانی نفت ایران و امتناع از باز پرداخت بدهی‌های پیشین، از ایران به شورای امنیت سازمان ملل شکایت نموده و پرونده جهت رسیدگی به دادگاه بین‌المللی لاهه ارجاع یافت. مصدق با حضور در اجلاس عمومی سازمان ملل واقع در نیویورک به دفاع از حقوق نفتی ایران پرداخت و نهایتاً رأی به نفع ایران صادر گردید.

مصدق همواره سعی داشت کانون قدرت را بتدریج از شاه، مجلس سنا و ارتش به سمت کابینه و دفتر نخست وزیری انتقال دهد. در همین ارتباط سال ۱۳۳۱ برای گسترش اختیارات قانونی‌اش از شاه می‌خواهد تا وزارت جنگ را خود تعیین کند منتها بدلیل اختلاف با شاه بر سرِ کنترل ارتش استعفا داد سپس بجای او قوام السلطنه با حمایت اشرف خواهر شاه، به سِمَت نخست‌وزیری منصوب شد.

بازتاب عمومی این ماجرا، اعتصاب و تظاهرات گسترده شهر تهران با حضور توده‌ایها، مذهبی‌ها و ملی‌گراها را در ۳۰ تیر سال ۱۳۳۱ بهمراه داشت. با درگیری میان مردم و نیروهای دولتی تعداد ۶۹ نفر از معترضین جان باخته و ۷۵۰ نفر زخمی می شوند.

در کشاکش سیاسی، سرانجام مصدق پیروز شده و دوباره به کانون قدرت باز گشت. در این مقطع سرنوشت‌ساز، مصدق جایگاه نخست‌وزیری و آیت‌الله کاشانی ریاست مجلس را بر عهده دارد. بتدریج مواضع تند مصدق وارد مرحله تازه‌ای شده و حملات شدیدی را علیه شاه و دربار، زمینداران بزرگ و حامی استعمار آغاز می‌کند.

۱- قرارداد نفتی ۱۹۳۳ در ابعاد مختلف دارای اشکالاتی بود که مورد اعتراض قرار گرفت: ناعادلانه بودن حق برداختی به ایران- دولت ویزوئلا ۳ برابر ایران از آمریکا امتیاز

Scanned by CamScanner

موضع گیریها و اقدامات مصدق

پس از اینکه در شهریور ۱۳۳۱ مجلس اختیارات فوق‌العاده برای مصدق را ۱۲ ماه تمدید کرد او مبادرت به اخراج تاج‌الملوک مادرِ شاه و خواهرش اشرف از کشور نمود و شاه را از رفتن به سفرهای خارجی و شرکت در جلسات دیپلماتیک منع کرد و از او خواست تا املاک سلطنتی را به دولت واگذار نماید. مصدق برای کنترل بیشتر بر ارتش و پلیس و سلب زیاده‌خواهی آنان، اقدام به تصفیه ارتش، بازنشسته کردن شماری از فرماندهان عالی و کاهش ۱۵ درصدی بودجه نظامی و جلوگیری از نفوذ مالی دربار و تبعید اسداله عَلَم به بیرجند نمود.

مصدق آقای کاظمی از سیاست مداران با سابقه و مورد اعتماد علما را در پست وزارت دارایی و مهدی بازرگان را برای وزارت فرهنگ معرفی و فروش مشروبات الکلی را در بازار ممنوع ساخت.

مواضع روحانیت این دوره؛ از روحانیون طراز اول کشور آیت‌اله بروجردی بودند که موضعی بی‌طرفانه اتخاذ می کند. ایشان در سال ۱۳۲۸ روحانیون را از ورود به عرصه سیاست و تشکیلات حزبی باز داشت. اما روحانیون جوانتر از این نهضت حمایت کردند. گروه فدائیان اسلام در ابتدا مواضع حمایتی از سیاست‌های مصدق داشته ولی بتدریج بدلیل بروز اختلافات فکری و درونی، مخالفت خود را با مصدق و جبهه ملی علنی ساخته و اساساً ماهیت جنبش را غیر مذهبی می‌دانست.

کودتا علیه دولت مصدق

در شرایطی که مصدق برخی از حامیان سنتی خود را از دست داد طرح کودتا از سوی واشنگتن برهبری ژنرال آیزنهاور و کرمیت روزولت از سازمان سیا[1] در ابعاد اطلاعاتی، اجرایی و مالی آغاز می‌شود. آمریکا بیش از هر چیزی نگران نفوذ اندیشه‌های سوسیالیسم و حزب توده در ایران بود. بریتانیا خطر توده را در ایران چنان عظیم نشان داد که آمریکا را به مداخله در مسائل داخلی ایران وادار ساخت. ظهور توطئه‌های خارجی و نفوذ بیگانگان در مجلس و تحریک نمایندگان، مصدق تصمیم گرفت با برگزاری رفراندوم عمومی، مجلس هفدهم را به رغم

۱- روزولت عضو سیا (سازمان جاسوسی آمریکا در سال ۱۹۴۷ م. به هنگام جنگ سرد با شوروی از جانب ترومن رئیس جمهور وقت آمریکا بمنظور کسب اطلاعات در سراسر جهان تاسیس شد) و کارشناس امور خاورمیانه آمریکا بود. وی قبل از ایران در سقوط فاروق در مصر کمک کرده بود. برای هزینه کودتا علیه دولت مصدق، مبلغ یک میلیون دلار در اختیارش قرار گرفت. او از شاه خواسته بود که مصدق را عزل کرده و سرلشکر زاهدی را به نخست‌وزیری بگمارد و موقتاً کشور را به مقصد بغداد یا روم ترک نماید. (مدنی، تاریخ سیاسی معاصر ایران، جلد ۱، صص۵۱۶ تا ۵۱۹).

Scanned by CamScanner

مخالفت‌های آیت‌الله کاشانی منحل کند، اقدامی که شمار مخالفین دولت مصدق را بیشتر ساخت.

افسران نظامی برای انجام کودتا، جلسات مشترکی را با سپهبد فضل‌الله زاهدی، سرلشکر نصیری و سرهنگ مقدم برگزار می‌کنند پس از امضای حکم عزل مصدق توسط شاه و انتصاب زاهدی بعنوان نخست‌وزیر، کودتای نخست در ۲۵ مرداد برهبری نصیری- رئیس گارد سلطنتی با حمله به دفتر نخست وزیری آغاز گردید که با هوشیاری و وفاداری هواداران مصدق خنثی شده و نصیری هم دستگیر می‌شود، شاه با اطلاع از نتیجه شکست نقشه کودتا، ابتدا به منطقه ساحلی دریای خزر- کلاردشت و سپس به بغداد و از آنجا به شهر رُم ایتالیا متواری شد. دکتر فاطمی وزیر خارجه مصدق در میان تجمع بزرگ مردمی در میدان بهارستان اعلام کرد نظام سلطنتی باید در ایران برچیده شده و حکومت جمهوری استقرار یابد.

کودتای دوم در ۲۸ مراد ۱۳۳۲ تحت فرماندهی زاهدی با هجوم واحدهای ارتش و ۳۵ دستگاه تانگ به اقامتگاه نخست وزیری آغاز شد که پس از درگیری ۹ ساعته و محاصره منطقه، مقاومت حامیان مصدق شکسته و به دستگیری‌اش می انجامد. مصدق پس از محاکمه در دادگاهی نظامی سه سال را در زندان ارتش بود و ادامه زندگی را در خانه روستایی احمدآباد تا زمان مرگش ۱۳۴۵ تحت مراقبت شدید قرار داشت. کودتاچیان مراکز حساس شهر مانند: ستاد ارتش، رادیو و تلویزیون، ژاندارمری، مرکز مخابرات... را به تصرف خود در آوردند. از دیگر عوامل کودتا می‌توان به نقش چاقوکشان و لوطیان حاشیه‌نشین شهری و سردسته اراذل و اوباش تهران «شعبان جعفری» اشاره کرد، او که همواره مورد حمایت رژیم و شهربانی کشور بود به کمک کودتاچیان شتافته و با جمعی از خرابکاران اقدام به خشونت شهری، آتش کشیدن دوایر دولتی، خانه مصدق و دفاتر حزب توده نمود.

حوادث پس از کودتای سال ۳۲

با کودتای موفق زاهدی، جبهه ملی و حزب توده به سرعت متلاشی می‌شوند. دکتر فاطمی وزیر خارجه مصدق و مدیر روزنامه باختر و شماری از فعالان حزب توده به زندان رفته و یا به اعدام محکوم شدند. کریم پور شیرازی از منتقدان سلطنت و مدیر روزنامه شورش دستگیر شده و به دستور شاهپور و اشرف زنده زنده در آتش می‌سوزانند. شاه پس از بازگشت از ایتالیا، قدرت خود را تثبیت کرده و رهبران کودتا را به مناصب کلیدی منصوب کرده و مقام نخست‌وزیری را

Scanned by CamScanner

به سپهبد زاهدی سپرد.[1] او در ملاقاتش با رزولت انگلیسی اعلام کرد: من تاج و تخت را از برکت خداوند، ملتم، ارتش و شما دارم، هرگاه فاطمی را بخاطر سرنگونی مجسمه من و پدرم پیدا کنم بیدرنگ اعدامش می‌کنم.

بعد از کودتای موفق سال ۳۲، اعتراض جامعه دانشجویی به سفر ریچارد نیکسون معاون آیزن هاور رئیس جمهوری وقت آمریکا به ایران در ۱۶ آذر ۳۲ و در پی آن خشونت و تیراندازی نیروهای امنیتی بسوی تجمع کنندگان، سبب شهادت سه فعال دانشجویی بنام قندچی، بزرگ نیا و شریعت رضوی می شود.

در بیان مواضع فقها و جریانات مذهبی، برخی چون آیت‌الله بروجردی سعی در تحکیم پایه‌های دینی داشته و آشکارا وارد مسائل سیاسی نمی‌شدند، جمعی هم برهبری کاشانی تا ۳۰ تیر سال ۳۱ از دولت مصدق حمایت کرده اما از آن پس، ایشان، حسین ملکی و مظفر بقایی تدریجاً با برنامه‌های مصدق مخالفت ورزیدند.

زمینه‌های اختلاف میان مصدق با کاشانی و دیگر روحانیون

- ترکیب کابینه دولت مصدق مورد پذیرش کاشانی و فدائیان اسلام نبود (در کابینه اول سرلشکر زاهدی وزیر کشور بود که بعداً جای او را غلامحسین صدیق می‌گیرد بعلاوه آقایان امینی و بقایی)
- بازنشسته کردن تنی از امرای نظامی و جبهه گیری بعدی آنها با دولت مصدق
- امتناع مصدق از محاکمه و تعقیب مسببین فاجعه ۳۰ تیر برغم تأکید آیت‌الله کاشانی
- اختیارات زیادی که مصدق برای تحکیم پایه‌های قدرت از مجلس تقاضا می‌کرد مورد پذیرش کاشانی نبود. او بر این باور بود که داشتن اختیارات زیاد منجر به تقویت روحیه اقتدارگرایی و یک جانبه‌گری در مصدق می‌شود
- مخالفت یکی از روحانیون نسبت به رساله دکتری مصدق در ۳۵ سال پیش که آنرا مغایر با اعتقادات مذهبی می‌دانست

۱- از نخست وزیران سال ۳۲ تا ۵۷: زاهدی ۳۳-۳۲، حسین اعلا ۳۶-۳۴، منوچهر اقبال ۴۰-۳۹، امینی ۴۱-۴۰، اسداله اعلم ۴۲-۴۱، حسنعلی منصور ۴۳-۴۲، امیر عباس هویدا ۵۶-۴۳، جمشید آموزگار ۵۷-۵۶، جعفر شریف امامی ۵۷-۵۶، ارتشبد ازهاری ۵۷، شاپور بختیار بهمن ۵۷.

ـ اعطاء حق رأی زنان در دولت مصدق، این اقدام مورد مخالفت شماری از طلاب، آیت‌الله کاشانی و اصناف تهران قرار گرفت. کاشانی بیشتر بر نقش تربیتی زنان و رسیدگی به امورات منزل تأکید داشت.

مصدق و حامیان دموکراسی‌خواهی و نهضت ضد استعماری که بی وقفه تلاش نمودند صنعت نفت را بدون مداخله انگلستان بچرخانند بدلیل نافرمانی ارتش و برخی جریانهای داخلی و دخالت بیگانگان، دچار چنین سرنوشتی می شوند. به هر روی، مصدق در این جنبه در تراز مهاتما گاندی و جواهر لعل نهرو در هند، جمال عبدالناصر در مصر، سوکارنو در اندونزی و بن بلاّ در الجزایر بود که همگی از پیشگامان جنبشهای رهایی ملی از سلطه استعماری بوده‌اند.

کودتاچیان برهبری زاهدی با حمایت وسیع مالی و نظامی آمریکا، شاه را به کشور بازگرداندند. رژیم طی اقدامی از نظارت بر قیمت و کنترل بازار که در دولت مصدق با هدف اقتصاد بدون نفت اِعمال می‌شد دست کشید، سیاست دوگانه جذب گروههای سنتی و نظارت بر طبقات متوسط را دنبال کرد بعبارتی در برخورد با طبقه سنتی خیلی محتاطانه رفتار می‌کرد. او و همسرش ثریا به زیارت مکه، کربلا، مشهد و قم رفتند و سعی داشت با آیات وقت بروجردی، بهبهانی و کاشانی رابطه خوبی برقرار سازد. در عین حال نسبت به حزب توده برخورد سختگیرانه‌ای نشان داد و از آنان بعنوان دشمن اسلام و مالکیت خصوصی یاد می‌کرد.

Scanned by CamScanner

پایه‌های قدرت و ستونهای حمایتی رژیم

با انقراض دودمان قاجار، وقتی رضاخان به قدرت رسید نخستین گام خود را در جهت تقویت و ساماندهی ارتش بر می‌دارد. تئوری امنیتی کردن جامعه توسط فرزندش محمد رضا هم بعد از واقعه کودتای ۳۲ ، با رفع خطر احتمالی سقوط سلطنت ادامه یافت. تلاش رژیم در توسعه و تقویت ارتش و نهادهای امنیتی و شبکه‌های همسو بمنظور حفظ رژیم و نمایش قدرت نظامی در برابر رقبای عرب منطقه و خاورمیانه بکار گرفته می شود. صاحب نظران سیاسی بوضوح می دانند که حفظ قدرت با دو شیوه ممکن است: نخست پذیرش حاکمان از سوی مردم و مقبولیت و مشروعیت آن. الگوی دوم بقای حکومت با اعمال زور و ارعاب و سرکوب. شاه ایران در سالهای ۳۲ تا ۵۷ عمدتاً از الگوی دوم بهره می گرفت. بر این اساس **پایه‌های قدرت رژیم** در سه حوزه زیر خلاصه می شود:

۱- ارتش و قوای نظامی. تنها در طی ۲۵ سال از عمر رژیم (۳۲ تا ۵۷) تجهیزات و خدمات نظامی به ارزش ۲۰ میلیون دلار از آمریکا خریداری شد[۱]. شمار نظامیان و مستشاران خارجی در سال ۵۶ بشدت افزایش یافت و سهم بودجه نظامی در کشور به سقف ۷ میلیارد دلار رسیده بود.

تا قبل از تشکیل "ساواک" مسائل سیاسی و امنیتی کشور بر عهده بازرسی شاهنشاهی و رکن ۲ ارتش بود. این دستگاه امنیتی و مخوف انتلیجنت سرویس، بعنوان چشم و گوش و مشت آهنین در سال ۱۳۳۶ تشکیل گردید. سازمان اطلاعاتی سیا، f.B.I آمریکا و موساد اسرائیل مسئولیت سازماندهی و آموزش اعضاء سازمان را بر عهده داشتند. ساواک[۲] با در اختیار داشتن شمار زیادی از مأموران تمام وقت، همواره مراقب تحرکات سیاسی، اجتماعات و اعتصابات بوده و در فضای امنیتی، از کاربرد هر گونه شکنجه و خشونتی دریغ نمی‌ورزید. از روسای این سازمان، تیمور بختیار (۳۹-۳۵ سرتیپ ارتش) پاکروان، نصیری و مقدم بودند. نکته قابل توجه از سرنوشت سران امنیتی، شخص بختیار در عراق ترور شده و سه نفر بعدی نیز با حکم دادگاه انقلاب اسلامی به اعدام محکوم گردیدند.

۱- در سال ۱۳۵۵ مذاکرات سه جانبه میان ایران با شرکت‌های نفتی و فروشندگان اسلحه صورت گرفت و پیشنهاد خرید هواپیمای ف ۱۶ ، جهار تاوشکن اسپرانس در ازاء فروش سیصد هزار بشکه نفت در روز، خرید موشک‌های رپیر به ارزش چهارصد میلیون لیره از منابع انگلیس و ... در حالی صورت می‌گیرد که بواسطه کاهش بهای نفت در اروپا مشکلات مالی دولت افزایش پیدا کند. (تاریخ سیاسی معاصر ایران ، مدنی ص ۱۸۶)

۲- برای مطالعه بیشتر از دستگاه امنیتی– ساواک، مراجعه شود به « تاریخ سیاسی معاصر ایران» جلد دوم اثر سیدجلال الدین مدنی صص ۱۴۸ تا ۶۳ .

Scanned by CamScanner

۲- شبکه حمایت دربار. شامل بر ثروت فراوان بنیاد پهلوی(۱۳۳۷ش) و خانواده سلطنتی نظیر املاک، سهام ۲۰۷ شرکت، منابع نفتی و مشاغل کاذب می‌شد سرمایه‌ای که در شرایط بحران می‌توانستند از آن بهره‌مند شوند. این شبکه، تنها ۲ سال آخر عمر رژیم در بانک‌های خارجی حدود ۴۰میلیارد سرمایه داشت.

۳- دستگاه اداری یا بوروکراسی مدرن. رژیم با در اختیار گرفتن بیش از ۸۰۰۰۰۰ کارمند، ۴۰۰۰۰۰ پرسنل نظامی و مجموعه‌ی خانواده وزرا، معاونین، مدیران ... که منافع آشکار و مشترکی با نهاد سلطنت طی همه مراحل گزینشی، کسب مقام و منصب و حقوق داشتند سبب تحکیم حلقه وسیع خانواده قدرت می شد.

برای نخستین بار پس از صفویه، رژیم حاکم تا مقطعی توانست بواسطه سه ابزار کاربردی نهاد حکومت، قانون، زور و سلطه، جامعه را تحت کنترل خود داشته بگیرد.

در کشوری که سرمایه فراوانی در راه تسلیحات نظامی و گسترش سازمان‌های امنیتی هزینه می‌شود، قدرت اجبار از هر پتانسیلی در جهت انقیاد و اطاعت از ایدئولوژی حکومت استفاده می‌کند. نظام با بکارگیری از ضمانت‌های اجرایی پلیس، ژاندارمری، ارتش، قوه قضائیه و مجازاتها، چهره قاهرانه دولت را عمیقاً آشکار می‌سازد. عمدتاً دیکتاتورهای نظامی قدرت سازمان مسلح را پشتوانه اصلی تداوم فرمانروایی‌شان می‌دانند در چنین حالتی چهره اجبار به اشکال گوناگون جریان فرمانروایی را همراه با ترس و زور فیزیکی و حبس و تهدید عملی می‌سازد.

با وجود شبکه‌های وسیع اطلاعاتی و تعدد حلقه‌های قدرت نظیر ساواک، گارد پهلوی، ارتش، شهربانی، ژاندارمری و دستگاه دیوانسالار، چنین تصور می‌شد که هر نوع مخالفتی در نطفه خفه شود و کشور به جزیره ثبات درآید. حکومت پهلوی از لحاظ داشتن وسایل اجبار و زورگویی قدرتمند بود اما حمایتی از سوی نهادهای مدنی نداشت و سرانجام فرهنگ مبارزه و مقاومت مردم ایران در سال ۵۷ فرضیه نظم برآمده از قدرت زور و ثبات را از اساس باطل ساخت.

Scanned by CamScanner

پیمان‌های سیاسی و نظامی (برای مطالعه)

به موازات نظام تعادل قوایی که بعد از جنگ جهانی دوم شکل گرفت، نظام سرمایه‌داری و دموکراسی لیبرال، زیر چتر قدرت‌هایی چون (ایالات متحده آمریکا- پیمان آتلانتیک شمالی ناتو) قرار گرفته و از دیگر سو اقمار سوسیالیستی با محوریت (شوروی سابق- و پیمان ورشو) آرایش یافته و در نتیجه ماهیت دو قطبی بر روابط بین‌الملل حاکم می شود. در این همآورد جهانی برای سایر کشورهای منطقه، راهی جز الحاق به یکی از این دو بلوک و یا تأسیس پیمانهای مشترک چند جانبه وجود نداشت.

الف. جنبش عدم تعهد **Non-commitment** ، در سال ۱۹۵۵ در کنفرانس باندونگ اندونزی، جواهر لعل نهرو، جمال عبدالناصر، احمد سوکارنو روئسای وقت کشورهای هند، مصر و اندونزی- مارشال تیتو رهبر یوگسلاوی چنین سازمانی را بنیان نهادند.

این جنبش در راستای تز همزیستی مسالمت‌آمیزی که مایل به استقلال و حاکمیت کشورهای عدم تعهد خارج از بلوک‌بندی دو ابرقدرت... بعنوان جریانی تدافعی و انفعالی در قبال نظام دو قطبی بوجود آمد. ضمن اینکه در عمل قادر نشدند میزان وابستگی‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خود را از دول فوق بکاهند.[۱]

ب. پیمان سعدآباد، این تفاهم نامه در سال ۱۳۱۶ در حکومت رضاخان و در محل کاخ سعدآباد تهران بین کشورهای ایران، ترکیه، افغانستان و عراق بسته شد. اهداف نظری آن اتخاذ سیاستی هماهنگ، حمایت از یکدیگر در صورت تهدیدات خارجی، عدم مداخله در امورات داخلی کشورهای عضو و جلوگیری از نفوذ کمونیسم بود.

ج. پیمان بغداد، سال ۱۹۵۵میلادی مصادف با ۱۳۳۴ ه.ش به منظور جلوگیری از نفوذ کمونیزم، ابتدا میان ترکیه و بغداد با نقش محوری آمریکا و ایجاد همکاری‌های دو جانبه امنیتی و منطقه‌ای به امضاء رسید. سال ۱۳۳۴ کشورهای ایران، انگلیس و پاکستان هم به آن می‌پیوندند. با خروج عراق در سال ۱۹۵۸ بعد از کودتای عبدالکریم قاسم، مرکزیتش به آنکارا انتقال یافته و نامش به پیمان مرکزی سنتو[۲] تغییر یافت. این پیمان حلقه اتصال دو پیمان آتلانتیک شمالی" ناتو" و جنوب شرق آسیا " سیتو" می‌باشد. جمهوری اسلامی ایران پس از انقلاب سال ۵۸ از این پیمان خارج می‌شود.

۱- محمدی، منوچهر (۱۳۸۹)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی، چاپ پنجم، انتشارات دادگستر، صص۵۲ - ۵۱.

۲- برای مطالعه بیشتر از شرح پیمان سنتو مراجعه شود به کتاب« تاریخ سیاسی معاصر ایران» جلد دوم اثر سید جلال الدین مدنی صص۱۶۶ و ۱۷۶ .

Scanned by CamScanner

شانزدهمین دوره نشست غیرمتعهدها از ۵ تا ۱۰ شهریور ۱۳۹۱ با حضور ۱۰۰ کشور از مجموع ۱۲۰ عضو رسمی، در تهران برگزار شد که در این میان ۲۴ رئیس جمهور، ۸ نخست وزیر، ۳ پادشاه، ۶۰ تن وزرای خارجه ... حضور یافتند. در این نشست آیت‌اله خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی، بان کی‌مون دبیرکل سازمان ملل، محمد مرسی رئیس جمهور کشور انقلابی مصر و محمود احمدی نژاد رئیس جمهور ایران سخنرانی کردند. اجلاس تهران از اهمیت بالایی برخوردار بوده و بازتاب گسترده جهانی و رسانه‌ای داشت.[۱]

Scanned by CamScanner

قیام پانزده خرداد سال ۴۲

قیام پانزده خرداد ۴۲ در حقیقت واکنشی بود علیه سیاست‌های نامتوازن و غیرمذهبی رژیم. در ادامه برای شناخت دقیق ابعاد مسئله، ابتدا ساختارهای اجتماعی، اداری و روند نوسازی دولت را به اختصار مورد بررسی قرار می دهیم.

توزیع جمعیتی و تقسیمات اداری کشور در سال ۱۳۵۵

جمعیت تقریبی ایران در این سال ۳۵ میلیون نفر بود. از این میان ۴۸٪ ساکن در شهرها و ۵۲٪ روستا نشین بودند. نسبت با سوادان به کل جمعیت ۴۷٪ و تقریباً ۴ میلیون نفر در تهران زندگی می‌کردند.

از نظر سیستم اداری، این کشور متشکل از ۲۳ استان، ۱۹ وزارتخانه و ۳۰۰۰۰۰ کارمند بود. در سرتاسر ایران ۱۲ دانشگاه وجود داشت که از این میان ۵ دانشگاه مهم در تهران و الباقی در شهرهای بزرگ فعالیت داشتند. تعداد دانشجویان به مرز ۸۰۰۰۰ نفر می‌رسید. بر اساس اطلاعات سازمان برنامه و بودجه، سطح نابرابری طبقاتی یا ضریب جینی سال ۵۶ در مرز۵۱۴۴٪ نرخ تورم در سال ۱۳۵۰ حدود ۶/۵٪ و سال ۵۳ رقم ۱۶/۵٪ مسئله ای که متاثر از حجم بالای نقدینگی بود.

"جان اِف کِندی" نامزد ریاست جمهوری از حزب دموکرات آمریکا اعلام کرده بود اعطای هر نوع کمک مالی و نظامی به کشورهای جهان سوم و از جمله ایران، مشروط به اجرای اصلاحات ارضی و نوسازی سیاسی و اجتماعی است.

اهداف کِندی در اجرای این طرح، انعطاف‌پذیری کشورهای جهان سوم و اولویت جایگزینی پیمانهای اقتصادی بجای نظامی بود. همچنین گسترش فعالیت‌های فرهنگی سپاه صلح، دموکراسی و انتخابات آزاد، تجارت بازار و صنایع مونتاژ بعنوان گزینه‌ای موثر بر افزایش توان خرید کشورهای توسعه نیافته و جلوگیری از نفوذ کمونیسم[1] بود. اساساً پذیرش رژیم در خصوص طرح کِندی و مسئله پرکردن خلاء مشروعیت، زمینه عینی انقلاب سفید را رقم زده بود.

۱- تحمن سوسیالیست‌های ایران، شاخه شمال کشور و تبریز، تحت تأثیر عقاید سوسیالیستی فقفاز، انقلابیون مارکسیسم و چپ‌گرا بودند. این گروه در واکنشی زمین‌ه دهقانان، کاهش ساعت کار کارگران - روزانه ۸ ساعت و ابعاد خود مختاری ایالات را در برنامه های تشکیلاتی خود دنبال می‌کردند.

Scanned by CamScanner

طرح ۶ ماده‌ای موسوم به انقلاب سفید و واکنش های پیش روی (تنها برای مطالعه)

۱- صلاحات ارضی. طرحی که در سال ۴۱ با هدف ظاهری القاء نظام ارباب رعیتی و کاهش نفوذ اشرافیت زمیندار[۱] انجام گرفت. در این طرح تقریباً یک میلیون و ششصد هزار کشاورز صاحب زمین می‌شوند. اگر چه با اصلاحات ارضی قدرت مالکان و خوانین محلی تضعیف شد اما همچنان بسیاری از زمینهای مرغوب و کشت و صنعت در مالکیت فئودالهای بزرگ باقی ماند. بدنبال این طرح دو گروه در روستاها اهمیت ویژه‌ای یافتند اول حضور بی‌قید و شرط دولت بجای ملاکین رها شده و دوم زمینه حضور و نفوذ روحانیون در بین روستائیان بیشتر شد.

۲- ملی کردن جنگل‌ها و مراتع

۳- فروش سهام کارخانجات به کارگران

۴- فروش کارخانه‌های دولتی به سرمایه‌گذاران خصوصی

۵- اعطای حق رأی برای زنان و اصلاح قانون انتخابات

۶- تشکیل سپاه دانش، طرح سرباز معلم در راستای ترویج بهداشت و سواد آموزی در سال ۴۱ که تقلیدی از سپاه سواد آموزی کشور کوبا در ریشه‌کنی مطلق بیسوادی بود برای عملیاتی کردن آن، گروهی از پسران و دختران دیپلمه و بالاتر، بجای خدمت در پادگان‌ها و موسسات، به مناطق محروم اعزام شده و در این طرح فراگیر شرکت کردند.

چنانچه پروژه اصلاحی فوق، بر اساس الگوی توسعه بومی با در نظر گرفتن تمامی ابعاد کمی و کیفی که منافع عمومی جامعه و طبقات پائین را در بر می‌گرفت، می توانست گام مثبتی باشد. منتها وجود تبعیض، خاص نگری و رویکرد پوششی، از جمله اشکالاتی بود که عملیاتی ساختن آن را با مشکل مواجه ساخت.

پس از رحلت آیت‌الله بروجردی، شاه قصد داشت کانون روحانیت را به خارج از کشور انتقال دهد تا از خیزش احتمالی معترضین در امان باشد. رژیم پهلوی در ۱۶ مهر ۱۳۴۱ برای

۱- در ارزیابی موقعیت طبقه اشراف در تاریخ معاصر ایران بویژه عصر قاجار؛ قدرت طبقه اشراف به ارتباط با خاندان سلطنتی، احراز مناصب دیوانی و تملک اراضی سنگی داشت در اینصورت کل اراضی به ۵ دسته تقسیم می‌شد: خالصه‌جات دولتی- تیولهای فئودالی- اراضی عشایری- اراضی اربابی و اراضی خرده مالکی. تیولداران نیز وظیفه جمع‌آوری مالیاتها و برخی خدمات نظامی را بر عهده داشتند. مالکان دارای ساتران و کارگزاران ویژه خود بودند. درآمد حکومت مرکزی به مالیاتهای ارضی سود و بخش سیاسی خوانین و زمینداران محلی که وظیفه گردآوری آن را عهده دار بودند بسیار قوی بود. در مجلس اول ۲۱٪ نمایندگان اشراف زمیندار بودند منتها با سقوط استبداد صغیر و به قدرت رسیدن رضاخان و تکوین ساخت دولت مطلقه مدرن، تمرکز منابع قدرت و نفوذ سیاسی اشرافیت رو به کاهش رفت. با این وصف تا اصلاحات ارضی ۴۲، ملاکین موقعیت خود را به شکل عملی از دست نداده بودند.

پس از انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۹ به تصویب شورای انقلاب، هیات ۷ نفره واگذاری و احیاء اراضی موظف شد اراضی موات، مصادره شده و اراضی بایر و دایر متعلق به مالکان بزرگ و مازاد بر حد نصاب قانونی را بین کشاورزان توزیع نماید. در ساختار مدیریتی روستاها نیز نهادهایی مانند انجمن ده، خانه انصاف، سپاه بهداشت و دانش جای خود را به نهادهای جدیدی چون شوراهای اسلامی، جهاد سازندگی، دهداری و پایگاههای مقاومت بسیج داد (بشریه، ج. سیاسی، صص ۲۲ تا ۲۵).

Scanned by CamScanner

دموکراتیک نشان دادن حکومت "لایحه انجمن ایالتی و ولایتی"[۱] را مطرح کرد. در متن این تصویب‌نامه، حذف شرط اسلام و تدین برای انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان، رسم سوگند مراسم تحلیف با دیگر کتب آسمانی بجای قرآن و حق رأی زنان اشاره شد.

با تصویب این لایحه حضرت امام(ره) همراه با تنی از علمای طراز اول قم نظیر: آیت‌الله گلپایگانی، بهبهانی، شریعتمداری و خوانساری گفتگو کرده و در منزل آیت‌الله عبدلکریم حائری تشکیل جلسه می دهند سپس با ارسال تلگراف برای شاه، مخالفتشان را به این طرح اعلام داشتند ادامه این مخالفت‌ها منجر شد تا پس از ۵۷ روز، این لایحه ملغی اعلام شود.

همان طوری که پیشتر اشاره شد موضوع انقلاب سفید و کیفیت اجرای آن واکنشهایی را از سوی محافل اجتماعی بهمراه داشت. در این رابطه گروهی از علما، طلاب و مردم شهرهای قم، تهران و مشهد به نشانه اعتراض، کسب و کارشان را تعطیل کردند. همچنین بدنبال اعتراض و مخالفت با رفراندوم، تنی از واعظان توسط مأموران حکومتی دستگیر و به تهران منتقل می‌شوند. حضرت امام عید این سال را عزای عمومی اعلام کرده و از مردم خواست در سر منازلشان پارچه سیاه آویزان کنند.

شاه دو روز قبل از اجرای رفراندوم به قم رفت. این در حالی بود که روحانیون قم استقبال و توجهی از ورود شاه به این شهر نشان نمی‌دهند شاه از این وضعیت بشدت نگران شده و از رفتن به حرم خودداری کرد و در سخنرانی که در این شهر داشت روحانیون را بشدت مورد حمله قرار داده و از آنها بعنوان گروهی ارتجاعی و مخالف برنامه‌های توسعه دانست که مغزشان تکان نخورده و سرمشق آنها حکومت ناصر در مصر است که بیش از ۱۵ هزار زندانی سیاسی دارد. اینها از توده‌ای‌ها هم بدترند... نسبت‌هایی ناروا می‌داد!

سال ۴۲ به مناسبت شهادت امام ششم از سوی آیت‌اله گلپایگانی مراسم با شکوهی در مدرسه فیضیه برگزار شد، واعظ مجلس "آل طه" مشغول سخنرانی بودند که ناگهان گروهی از کماندو و لباس شخصی‌ها به سمت طلاب یورش برده و جمعی از آنها را از بالای ساختمان دو طبقه به پائین پرتاب نموده و به ضرب و شتم آنان پرداختند. در این حادثه جمعی از فعالان مذهبی و سیاسی شهید و یا زخمی می‌شوند.

حضرت امام (ره) این فاجعه را بشدت محکوم ساخته و در سخنرانی‌اش شاه را عامل اصلی جنایت معرفی کرد. وی در عصر عاشورای همین سال در حالی که ساواک از قبل اعلام کرده

۱- این لایحه نخست از سوی امام و سپس از طرف مراجع دیگر تقبیح و مردود گردید. جانبداری گروه‌های مردمی از سخنان امام و انتشار اعلامیه مراجع در آذرماه همان سال، دولت رسماً لایحه ایالتی و ولایتی را لغو کرد. (بررسی نهضت امام خمینی، صص ۱۲۱-۲۱۶)

Scanned by CamScanner

بود از اینکه اسلام در خطراست سخنی به میان نیاید، آشکارا موضع‌گیری کرده و این حرف‌ها را مغایر اسلام و همسو با منافع استکباری دانست. امام خمینی با درک استادانه‌ی مسائل سیاسی و اجتماعی، رژیم را به دلیل رواج فساد، تغلب در انتخابات، سرکوب مطبوعات و احزاب سیاسی، نابودی اعتقادات اسلامی مردم و تشویق به غربزدگی، اعطای کاپیتولاسیون به بیگانگان و فروش نفت به اسرائیل بشدت انتقاد کرد. در ایام محرم به فرمان امام و تشویق خطبا و وعاظ، گروهی از مردم در خیابان فردوسی و دانشگاه تهران با سردادن شعارهایی در حمایت از خمینی و مرگ بر دیکتاتور وارد صحنه شدند. در جریان این اعتراضات مأموران دولت در نیمه‌های شب ۱۵ خرداد ۴۲ امام خمینی(ره) را دستگیر کرده به زندان قصر و سپس به قیطریه منتقل ساختند.

دستگیری امام (ره) سبب شکل‌گیری اعتراضات بعدی در شهرهای قم، مشهد، شیراز، تبریز و پیشوا شد و درگیری‌هایی بین مأمورین با طلاب و مردم رخ داد که گروهی از تجمع کنندگان، شهید و دستگیر شدند. تداوم اعتراضات در جریان قیام ۱۵ خرداد ۴۲، تمرکز مرجعیت و رهبری امام را تثبیت کرده و تمرینی شد برای جنبش انقلابی سال ۱۳۵۷.

Scanned by CamScanner

الگوی نوسازی و حوادثی که به روند انقلاب سرعت بخشید

در این قسمت به برنامه‌ها و سیاست‌های نامتوازنی اشاره خواهد شد که رژیم با اتخاذ آن، زمینه‌های شکاف را با گروه‌های سیاسی، مذهبی و بازار عمیق‌تر کرد و به جریان انقلاب اسلامی در سالهای ۵۷-۵۶ سرعت بخشید:

۱- تغییر تقویم تاریخ[۱]، در سال ۱۳۵۵ تقویم هجری شمسی ناگهان به ۲۵۳۵ شاهنشاهی تغییر یافت

۲- تغییر در سن ازدواج[۲] ۳- تغییر در نظام حقوقی زنان (حق طلاق از طرف زن، رضایت کتبی همسر، در تعدد زوجات...)

۴- اعزام سپاه دین به نقاط مختلف کشور برای نمایش اسلام. در این رابطه از فارغ‌التحصیلان دانشگاه الهیات که طرح سپاه دانش را تقویت می‌کرد با هدف مهار نفوذ روحانیون بکار گرفته

۵- اتخاذ مواضع ضد مذهبی و روحانیتی (سلب موقوفات و قضاوت از نهاد روحانیت، طرح سربازی طلاب، محدودیت انتشار متون دینی و سخنان موهن شاه مبنی بر اینکه علما و روحانیون از مرتجعین قرون وسطایی‌اند... بر عمق چالشهای موجود افزود) .

۶- تشکیل حزب رستاخیز در سال ۱۳۵۳ به دبیرکلی امیرعباس هویدا و بدنبال آن انحلال دو حزب قبلی اکثریت ملیون و اقلیت مردم، ضمن اینکه رژیم اسرار داشت هر که به این حزب نپیوندد هوادار توده‌ای بوده و باید به زندان برود یا کشور را ترک کند. حزبی که شاه را رهبر سیاسی و معنوی جامعه معرفی کرده. و سعی داشت دانشجویان و بانوان کشور را به عدم استفاده از پوشش و حجاب تشویق نماید. تشکیل حزب رستاخیز واکنش تند علما را در پی داشت. مدرسه فیضیه به نشانه اعتراض تعطیل شد و در درگیری‌های خیابانی حدود ۲۵۰ طلبه دستگیر و به زندان یا خدمت سربازی فرستاده شدند.

در سال ۱۳۵۴ شاه برای نمایش تاریخ ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی ایران، مراسم جشنی در محل پرسپولیس، کنار مقبره کوروش پادشاه هخامنشی بر پا کرد[۳]. در این مراسم حدود ۶۹

۱- مجلسین رژیم در اقدامی مشترک در پایان سال ۵۴ تصویب کردند که مبداء تاریخ به شاهنشاهی تغییر می‌یابد بر این اساس اعلام داشتند، آغاز سلطنت کورش کبیر، بنیانگذار شاهنشاهی ایران بعنوان سرآغاز تقویم و مبداء تاریخ ملی بشمار آمده و همه سرها و سازمانهای دولتی موظف به رسمیت شناختن و اجرای آن هستند. حجت‌الاسلام شمس آبادی روحانی برجسته اصفهان چند روز پس از یک سخنرانی علیه تقویم جدید کشته شد.

۲- سن ازدواج دختران از ۱۵ به ۱۸ و پسران از ۱۸ به ۲۰ سال تغییر می کند. این اقدام از آنجایی که بدون مراجعه به کانون فقهی صورت گرفت واکنشهایی را در پی داشت.

۳- شاه در سر قبر کوروش گفت: کوروش شاه بزرگ، شاه شاهان، شاه هخامنشی، از جانب من شاهنشاه ایران و از جانب ملتم بر تو درود. کوروش ما در اینجا در برابر آرامگاه ابدی تو هستیم تا با شکوه بگوییم پیوسته آسوده بیارام زیرا ما بیداریم. در آستانه این جشن پر هزینه

کشور مدعو شرکت داشتند. ۲۰ پادشاه و امیر عرب، ۵ ملکه، ۲۱ شاهزاده، ۱۶ رئیس جمهور، ۳ نخست وزیر و ۴ معاون و دو وزیر خارجه. تدارک این جشن ۱ هفته‌ای بر عهده اسداله اعلم بود که بالغ بر ۳۰۰ میلیون دلار هزینه برجای گذاشت. حدود ۶۰۰ عکاس، فیلمبردار و روزنامه‌نگار از اطراف جهان به تخت جمشید آمده بودند. سرآشپز فرانسوی اکیپ ۱۵۹ نفری را ۱۰ روز قبل با انواع غذاهای متنوع که باب میل مهمانان باشد، به خدمت گرفته بود.[۱]

۷- بحران نفتی و فشارهای اقتصادی

با کاهش قیمت نفت در سال ۵۴ و رکود آن در بازارهای جهانی، سیاست دولت در مدیریت بازار، مهار تورم و کسری بودجه تغییر کرد و طرح تعدیل هزینه‌های جاری دولت همراه با کنترل قیمت و مبارزه با گرانفروشی... در دستور کار قرار گرفت.

بر این اساس فشارهای حکومت بر جریان بازار شدت پیدا کرده و در همین رابطه ۲ تن از فئودالهای بزرگ بنام ایلقانیان و وهاب‌زاده توبیخ می شوند. با دخالت ساواک ۲۵۰۰۰ بازاری دستگیر و ۸۰۰۰ مغازه‌دار به سه سال زندان محکوم شدند همچنین شمار زیادی از تجار خرده-پا توبیخ شده و نظارت بر قیمت‌ها نیز شدت گرفت.

در خصوص تعامل بازار و حکومت، با چرخش مدیریت بازار و انحلال اصناف قبلی، دولت کنترل کامل آن را در دست می‌گیرد. از طرفی تحولات بوجود آمده در عرصه تکنولوژی، فرهنگ مصرف و ایجاد راههای آسان در دسترسی شهروندان به کالا و خدماتی چون سوپر مارکتها، فروشگاه‌های بزرگ زنجیره‌ای و... منافع بازار سنتی تهران و دیگر شهرهای بزرگ را بشدت تهدید می‌کرد ضمن اینکه شائبه عبور اتوبان ۸ باندی از وسط بازار ۱۵ خرداد بر عمق شکاف میان بازار و حکومت تاثیر فوق‌العاده‌ای گذاشت.[۲]

بازاریان با چرخش از ایدئولوژی ملی‌گرایانه دهه‌های قبل، به ایدئولوژی اسلام سیاسی با هدایت مراجع و روحانیون روی آوردند. رویکردی که از ویژگی بیداری اسلامی و اتحاد مسجد و بازار دهه ۵۰ می‌باشد.

آیتالله خمینی در تبعیدگاهش نجف، با صدور اعلامیه‌ای مفصل ضمن اعتراض شدید فرمودند: اصول اسلامی با سلطنت مخالف است کاخهای لاجوردی شاهنشاهی، ایران را ویران کرد. (نقل از جلال الدین مدنی، پیشین، صص ۱۲۷ و ۱۲۸. کتاب پیر بلاشه ترجمه قاسم صفوی).

۱- ماروین زونیس(۱۳۵۸)، شکست شاهانه. ترجمه عباس مخبر، ص ۱۲۳.

۲- برای مطالعه بیشتر از اقتصاد سیاسی ایران و فشار روی جناح بازار و سخت‌گیری اصناف و مغازه داران مراجعه شود به کتاب مقاومت شکننده جان فوران، صص ۴۹۵ تا ۴۹۷.

Scanned by CamScanner

۸- مرگ مشکوک فرزند امام

حاج سید مصطفی با تبعید امام (ره) بازداشت و زندانی شده و پس از آزادی به تبعیدگاه پدر در مهاجرت از ترکیه به نجف او را همراهی می کرد.

فرزند ارشد امام از شخصیت‌های جوان و سازش‌ناپذیر مذهبی و سیاسی بدون اینکه سابقه بیماری داشته باشد آبان ۱۳۵۶ در اتاق خواب درگذشت.

مجالس ترحیم ایشان به کانون انتقاد از رژیم و تجلیل امام خمینی و نهضت اسلامی تبدیل شد بطوریکه که مردم در چنین حوادثی دست ساواک را در آن می‌دیدند[1].

۹- انتشار مقاله توهین آمیز

در سال ۵۶ روزنامه اطلاعات مطلبی را به قلم رشیدی مطلق تحت عنوان «استعمار سرخ و سیاه» منتشر کرد که اهانت آشکاری علیه روحانیت و حضرت امام بود. این نویسنده امام را شاعری عاشق پیشه، عامل استعمار و سیدی هندی معرفی کرد! نتیجه فوری مقاله اهانت‌آمیز، عکس‌العمل شدید مردم سراسر کشور و موج خشم و نفرت علیه رژیم را بویژه در ۱۹ دی شهرستان قم، ۲۹ بهمن تبریز، ۹ فروردین ۵۷ یزد به همراه داشت.[2]

۱۰- فاجعه سینما رکس آبادان و مسجد کرمان

در حالیکه دولت آموزگار، دوره سختی از فضای باز سیاسی را سپری می‌کرد و با دستگاه‌های امنیتی بحران را پشت سر می‌گذاشت در ۲۸ مرداد ۵۷ صدها نفر شهروند (بین ۴۰۰ تا ۷۰۰ نفر) در حالی که مشغول تماشای فیلم گوزنها بودند، سالن سینما بطرز مشکوکی به آتش کشیده شد و همگی در آن سوختند. طبق برخی اظهارات، قفل بودن درهای خارجی، کیفیت

۱- در رژیم شاه به مرگهای مشکوک بیشماری برخورد می‌کنیم که هر یک جنایتی از ساواک تلقی گردیدند: در سال ۱۳۵۴ تمساح زندانی در حال فرار بضرب گلوله کشته می شوند. صمد بهرنگی داستان نویس کودکان در حالی که شناگر خوبی بود در رودخانه ارس غرق می‌شود. جلال آل احمد از مخالفان فرهنگ غربی در سال ۱۳۵۳ در دهکده ای ییلاقی نزدیکی دریای خزر بطرز ناگهانی درگذشت و ساواک دستور دفن فوری وی را صادر می‌کند. فرزند آیتاله کاشانی، دکتر سید باقر در تصادف مشکوکی درگذشت و زد و خوردهایی در مراسم تشییع او صورت گرفت. مرگ مشکوک غلامرضا تختی قهرمان کشتی در سال ۱۳۴۶ . دکتر حسن ارسنجانی وزیر پیشین کشاورزی پس از برکناری از سوی شاه در سفارت روم درگذشت و همچنین ناصر عاملی دبیرکل حزب مردم در سال ۱۳۵۳ ضمن برکناری و غضب رژیم در حادثه‌ای جان خود را از دست داد (نقل از جلال‌الدین مدنی، صص ۲۴۳ و ۲۴۴).

۲- اختر شهر، علوبان و ملکی (۱۳۸۵) طرحی نو در تبیین انقلاب اسلامی، مؤسسه یاد اندیشه، ص۱۵۳.

Scanned by CamScanner

مواد آتش‌زا، تأخیر سازمان آتش نشانی در مهار آتش... نظر مردم را بسوی دخالت ساواک و شهربانی برد. هرچند عوامل رژیم کوشش کردند حادثه را به عصیان‌گران مذهبی نسبت بدهند.[1] فاجعه "مسجد کرمان" در اوج مبارزات انقلاب رخ می‌دهد. برابر اطلاعات حاصله، تبانی مأمورین دولت با کولی‌های زاغه نشین، در حالیکه معترضین بمناسبت یاد بود چهلمین روز جان‌باختگان میدان شهدا اجتماع کردند، با بسته شدن مسجد و حمله کولی‌ها و پرتاب گاز اشک‌آور و تیراندازی و ضرب و شتم مردم توسط مأمورین دولت، واکنش وسیع روحانیون و مردم شهرهای کشور در قالب" شعار عمومی آتش‌سوزی مسجد کرمان هم در ردیف فاجعه سینما رکس آبادان" قرار گرفت.

۱۱- سیاست حقوق بشر کارتر

کارتر نامزد حزب دموکرات آمریکا برای کاهش نفوذ احتمالی شوروی سابق و بهره‌برداری تبلیغاتی سعی داشت چنین وانمود سازد که آمریکا با سیاست حقوق بشری قصد دارد خاطرات تلخ کره و ویتنام را فراموش کند. طرح این شعار برای کشورهای اقماری نظیر ایران که همواره برخوردهایی خشن و پلیسی داشت، سخت و نگران کننده بود. شاه از تغییر سیاست آمریکا ناراحت بوده و پیشتر در انتخابات ۱۹۷۶ به نفع جمهوری خواهان پرداخت‌هایی داشت. در حالی که جیمی کارتر توانست در این انتخابات بر رقیبش پیروز شود. از پی آن، شاه به ناگزیر اعلام کرد دیگر در زندان شکنجه نیست، محکومیت‌ها کاهش می یابد، حدود ۳۵۷ زندانی سیاسی آزاد می شوند و به نمایندگان صلیب سرخ جهانی هم اجازه ورود به بازداشت‌گاهها و ملاقات با زندانیان سیاسی داده خواهد شد. لذا نموداری از کاهش قدرت ساواک و عفو زندانیان سیاسی مشاهده گردید.

گزارشات کنوانسیون حقوق بشر، سازمان صلیب سرخ جهانی و بیانیه‌های مشترک دانشجویان ایرانی مستقر در اروپا و آمریکا، چهره رژیم را در افکار جهانی نسبت به نقض حقوق بشری و اِعمال زندان، شکنجه و اعدام فعالان سیاسی مخدوش کاملاً می سازد.

۱۲- مذاکرات گوادلوپ- رقم خوردن انقلاب

همزمان با اوج گرفتن جریان انقلاب، سران ۴ کشور بزرگ آمریکا(کارتر)، انگلیس(کالاهان نخست وزیر)، فرانسه(ژیسکاردستن رئیس جمهوری) و آلمان(اشمیت صدراعظم)[1] ضمن تشریح

۱- مدنی، سید جلال‌الدین (۱۳۶۰)، تاریخ سیاسی معاصر ایران، جلد دوم، ص۲۵۶.

Scanned by CamScanner

موقعیت حساس سوق‌الجیشی ایران و مسئله سوخت و انرژی، بصورت محرمانه و بدون صدور قطعنامه‌ای تلاش کردند بختیار را بعنوان فردی موجه و پل ارتباطی رژیم با حضرت امام (ره) و دیگر فعالان سیاسی مطرح کنند که با مخالفت امام و نهضت آزادی به نتیجه‌ای نرسید.

گسترش اعتراضات و ناآرامی در شهرها

با شدت یافتن بحران و مخالفت آشکار احزاب و جریانهای فکری و سیاسی، رژیم پهلوی نافرجام به تغییر کابینه دولت دست می‌زد تا بلکه رضایت شخصیت‌های مذهبی و سیاسی را بدست آورد و مردم را آرام سازد. در همین ارتباط، شاه بعد از برکناری دیرهنگام امیرعباس هویدا، جمشید آموزگار، از تحصیل کرده‌های آمریکا، سپس در شهریور ۵۷ شریف امامی از خانواده روحانی را با اختیارات نامحدود به نخست‌وزیری تعیین کرد، آنها هم نتوانستند اوضاع را به نفع خود آرام سازند، غلامرضا ازهاری فرمانده گارد سلطنتی و سرانجام شاهپور بختیار از چهره‌های دموکرات و عضو جبهه ملی را برای انجام اصلاحاتی گسترده به نخست‌وزیری برگزیدند و خود نیز برای استراحت و معالجه، به گفته خودش- کشور را به مقصد مصر ترک کرد، بطوریکه هیچ‌یک از این جابجایی‌ها نتوانست خشم مردم را فرو نشاند.

در سال ۵۷ سطح نارضایتی‌ها، اعتصابات کارگری، تظاهرات و درگیری‌های خیابانی بین مخالفان رژیم و نیروهای امنیتی افزایش یافت. در تهران قشرهای مختلف دانشجو، بازاری، طلبه و کارگر در میدان شهیاد (آزادی) تجمع نموده و شعارهای: زندانی سیاسی آزاد باید گردد، خمینی امام به وطن باز گردد، مرگ بر سلطنت پهلوی ... سر دادند. درگیری‌های سنگین در ۱۷ شهریور- معروف به جمعه سیاه، در میدان ژاله (شهدا) و جنوب تهران و مناطق دیگر به آرایش نظامی، سنگربندی، پرتاب کوکتل مولوتف بسمت خودروهای ارتش آغاز شد. رژیم با استفاده از هلی‌کوپتر، تانک و کماندوهای نظامی سعی در سرکوب مخالفان داشت و دریایی از خون بین مردم و حکومت پدید آمد.

علاوه بر پایتخت و ۲۲ دانشگاه کشور، صحنه‌های گوناگون اعتراض و درگیری در شهرهای بزرگ و کوچک از جمله تبریز، اصفهان، یزد، مشهد، قم، بابل، جهرم، آبادان ... به خشونت کشیده شد. در وصف فرهنگ عاشورایی، وقتی شماری از انقلابیون در درگیری شهید می‌شدند مراسمات تشییع، هفت و چهل قربانیان، صحنه‌های جدید ضد حکومتی را خلق می‌کرد. این

۱- مدنی، سید جلال‌الدین (۱۳۶۰)، تاریخ سیاسی معاصر ایران، جلد دوم، ص۳۰۸.

Scanned by CamScanner

فرهنگ ایثار، مقاومت و شهادت، بعنوان نیرویی استمراربخش، قدرت دستگاه سرکوب رژیم را ناکارآمد ساخته بود.

مردم در تجمعات خیابانی به پایگاه‌ها، و ماشین‌های پلیس، دفاتر حزبی، مجسمه‌های خانواده سلطنتی، بانکها و مشروب فروشی‌ها حمله‌ور می شدند. این در حالی بود که رژیم با اعمال حکومت نظامی – قانون منع رفت و آمد در خیابانها، بکارگیری از گاز اشک‌آور، ماشین آب پاش، قطع برق‌های شهر، استفاده از هلی کوپتر، مسلسل و به خیابان آورده تانگ و نفربر قادر نشد خشم و نارضایتی مردم را فرونشاند[1].

در ۱۲ بهمن بیش از سه میلیون نفر به استقبال برگشت امام خمینی به کشور بعنوان پیامبر و استراتژیست انقلاب حاضر شدند. حضرت امام برای انقلاب ایران همان شخصیتی است که لنین برای انقلاب بُلشویکی روسیه، مائو برای چین و کاسترو برای انقلاب کوبا بود.

۲۲ بهمن، روز سقوط رژیم و در هم کوبیدن کاخ سلطنت و انقراض دودمان شاهنشاهی بود و سرآغازی شد برای استقرار دولتی جدید. در مسیر این مبارزه طولانی و کوشش انقلابیون، آحاد مردمی و ابتکار عمل حضرت امام در طی ۱۶ ماه اعتصابات فلج کننده، راهپیمایی‌های توده‌ای، درگیری خیابانی و مبارزه و مجاهدت انقلابیون، بنیاد سلطنت ۲۵۰۰ ساله برچیده شده و حکومت اسلامی استقرار یافت. سپس این نظام نوپای با حوادث و چالش‌های فراوانی روبرو می‌شود که در ادامه به آن خواهیم پرداخت.

پرسش فصل سوم

۱- نهضت مشروطه را با انقلاب اسلامی مقایسه کنید

۲- به پنج مورد از اقدامات رضاخان اشاره کرده و دلیل سقوطش را از قدرت بنویسید

۳- نقش دکتر مصدق و آیت‌الله کاشانی و دیگر گروه‌های حامی را در ماجرای نهضت نفت تشریح کنید

٤- سه عنصر اصلی پایه‌های قدرت رژیم پهلوی، که اساساً ناشی از ضعف مشروعیت سیاسی بود را نام برده و به اختصار توضیح دهید

٥- شش مورد از عوامل (داخلی یا خارجی) که باعث تسریع روند انقلاب اسلامی درسالهای ۵۷-۵۶ گردید، را بنویسید

۱- یرواند آبراهامیان، ایران بین دو انقلاب، صص ۶۲۶-۶۲۳.

Scanned by CamScanner

پژوهش فصل سوم

۱- دلایل ضعف و ناتوانی شاهان قاجار را در ابعاد داخلی و خارجی مورد تحقیق و بررسی قرار بدهید

۲- الگوی تجددگرایی چگونه با ارزشها و فرهنگ دینی مردم در تعارضی آشکار قرار گرفت

۳- قیام پانزده خرداد ۴۲ را عطف به مواضع و اندیشه‌های امام (ره) مورد تحقیق و مطالعه قرار بدهید

٤- سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را در یکی از دهه‌های پس از انقلاب تحقیق و بررسی نمایید

Scanned by CamScanner

فصل چهارم
احزاب و جریان‌های فکری و سیاسی

مقدمه

عصر حاضر که غالباً دوره دموکراسی نمایندگی است نمی‌توان از حضور احزاب بعنوان گروه فشار و ذی‌نفوذ چشم‌پوشی کرد. در واقع حکومت‌های نمایندگی در مقیاس ملی، بدون وجود احزاب سیاسی سازمان‌یافته، غیر قابل تصور است. به عقیده مسبت گتل « حزب سیاسی مرکب از گروهی از شهروندان کم و بیش سازمان یافته است که بعنوان یک واحد سیاسی عمل می‌کنند و با استفاده از حق رای خود، می‌خواهند بر حکومت تسلط یابند و سیاست‌های عمومی خود را عملی سازند»[۱]. در همین رابطه" توکویل" هم معتقد است که میان حکّام و افراد تحت سلطه باید نوعی حائل وجود داشته باشد تا نگذارد قدرت برتر بی حد و مرز بکار گرفته شود. وجود مراکز متعدد قدرت از جمله احزاب به ایجاد توازن قوا کمک می‌کند.

پیشینه حضور احزاب در کشورهای توسعه‌یافته و صنعتی غرب از قدمت نسبتاً زیادی برخوردار است شکل‌گیری این پدیده طی دهه‌های اخیر در جوامع اروپای شرقی و در حال توسعه از نظر کمی و کیفی ابعاد تازه‌ای به خود گرفته است[۲]. بدیهی است نهادهای مدنی در پیدایش نظام‌های دموکراتیک نقشی اساسی داشته و از طرفی دیگر الگوی دموکراسی بر تکوین و رشد احزاب کمک شایانی کرده است.

۱- نقل از عبدالرحمان عالم بنیادهای علم سیاست، نشر نی ص ۳۴۳.

۲- احزاب و گروههای سیاسی از مشروطه تا رضاخان (۱۳۰۴-۱۲۸۵) شامل: مجمع فراموش‌خانه، حزب اجتماعیون عامیون، انجمن ملی، حزب اتفاق، عدالت. احزاب کمونیسم سوسیالیسم و اصلاح طلبان و تجددخواهان. از دوره رضاخان تا کودتای ۳۲ (۱۳۰۴-۱۳۳۲) شامل: حزب توده، دموکرات آذربایجان، کردستان، جبهه ملی اول، حزب ایران، عدالت، جنگل، میهن پرستان، مردم، آزادی، اتحاد و پیکار از کودتا تا پیروزی انقلاب اسلامی (۱۳۵۷-۱۳۳۲) شامل: حزب مردم، ملیون، ایران نوین، رستاخیز، توده، جبهه ملی، نهضت آزادی، مؤتلفه اسلامی، مجاهدین خلق و فدایی خلق.

Scanned by CamScanner

نقش و جایگاه وجودی احزاب

در خصوص نقش و عملکرد واقعی احزاب، که تمرکز آن بر زندگی سیاسی و نفوذ در صحنه قدرت است بر این اساس، احزاب سیاسی بعنوان حلقه پیوند بین منافع اجتماعی و نهاد قدرت عمل می‌کند در جریان انتخابات مجلس و ریاست جمهوری برای کُرسی های بیشتر، فعالیت آنها افزایش می یابد. تشکلهای مدنی در حکم گروه واسط و میانی، تقاضای مردم را به سمت حکومت انتقال داده و مانع از دسترسی مستقیم این دو (توده و نخبه) به یکدیگر شده و در نقش گروه فشار، بر کار هیأت حاکمه نظارت داشته و آنان را از افراط و تفریط در رفتار و اداره امور سیاسی باز می‌دارد.

در شرایطی که امکان رقابت و مشارکت احزاب و نهادهای مدنی با امنیتی کردن جامعه سلب گردد آنگاه فعالیت احزاب بصورت پنهانی، زیر زمینی و خشونت‌آمیز خواهد شد. نظیر مبارزه مسلحانه برخی جریانات سیاسی و مذهبی در سه دهه آخر رژیم پهلوی. در پاره‌ای اوقات دولتها برای دموکراتیک نشان دادن چهره سیاسی خود، دست به تأسیس احزاب فرمایشی و دولتی می‌زنند. نمونه بارز آن "حزب رستاخیز" رژیم سابق به دبیرکلی امیرعباس هویدا بود، که تمامی منابع مالی و تشکیلاتی آن را اختصاصاً دولت تأمین می‌کرد، اما احزاب مستقل و خودجوش از قدرت اجتماعی و توان تاثیرگذاری بیشتری در عرصه رقابت برخوردارند.

از نظر شیوه توزیع قدرت و نوع رفتار گروههای سیاسی، ارتباط معنی‌داری میان مشارکت سیاسی با ساخت قدرت بسته و یا دو جانبه‌ی باز وجود دارد. در نظامهای دموکراتیک این شیوه بر تشکیل احزاب، انجمن‌ها و فرهنگ سیاسی مشارکتی کمک قابل توجهی می‌کند، منتها در نظامهای بسته و اقتدارگرا، نقش احزاب بسیار ناچیز و کم رنگ است.

سابقه تاریخی ساختار حزبی در کشورهای مختلف متنوع است در جماهیر شوروی سابق نظام تک حزبی (حزب کمونیسم) حاکم بود. سیستم دو حزبی در کشورهای آمریکا (دموکرات و جمهوری‌خواه) در بریتانیا (حزب کارگر و محافظه‌کاران) نقش مسط دارند در حالیکه نظام چند حزبی در کشورهای اروپایی آلمان، ایتالیا، فرانسه و سوئیس رایج است.

Scanned by CamScanner

احزاب و جریان های فکری و سیاسی (قبل و بعد از انقلاب اسلامی)

الف. احزاب قبل از انقلاب

۱- جریان چپ با گرایش سوسیالیستی؛ الف) حزب توده ایران ب) جریک‌های فدایی خلق
۲- نیمه مذهبی با گرایش سوسیالیستی؛ سازمان مجاهدین خلق ایران
۳- مذهبی روشنفکری و لیبرال؛ الف) جبهه ملی ب) نهضت آزادی ایران
۴- تشکل‌های مذهبی؛ الف) فدائیان اسلام ب) هیأت مؤتلفه اسلامی ج) روحانیون مبارز و انقلابی

حزب توده

مبانی فکری این گروه را باید در سال ۱۲۹۹ در درون حزب عدالت پیگیری کرد. رضاخان در سال ۱۳۱۰ هرگونه فعالیت سیاسی این گروه را غیر قانونی اعلام کرد منتها در سال ۱۳۱۶ دکتر تقی ارانی[۱] و جمع ۵۳ نفره که به مارکسیسم چپ معروف بودند، به تجدید حیات سازمانی آن پرداخت. در سال ۱۳۱۸ گروهی از اعضای این حزب بوسیله نیروهای امنیتی دستگیر شده و ارانی هم به طرز مشکوکی در زندان به قتل رسید. رهبران اصلی حزب: ایرج اسکندری، نورالدین کیانوری، مریم فیروز (همسر کیانوری) احسان طبری، رادمنش...

"اندیشه حزب"؛ افکار و ایدئولوژی آنها متأثر از سنت نظری مارکس، لنین و مائو بود. این گروه از آزادی‌های مدنی و اتحاد طبقه روشنفکر، کارگر، دهقان و رهایی از سلطه و تبعیض حمایت می‌کرد.

"پایگاه اجتماعی" این گروه، جامعه دانشگاهی،[۲] جوانان و کارگران بخشهای صنعتی بود. ضمن اینکه "استراتژی مبارزه" خود را بر نبرد مسلحانه و اقدامات زیرزمینی متمرگز ساختند.

از نظر عملکرد تشکیلاتی، این حزب یکی از نیرومندترین تشکل سیاسی دهه‌های ۲۰ و ۳۰ شناخته می‌شد. در آستانه ملّی شدن صنعت نفت تا حادثه سی‌ام تیر سال ۳۱ از برنامه‌های مصدق حمایت کرده و بشکلی گسترده در راهپیمایی‌ها شرکت داشتند. در سال ۱۳۲۷ بعد از ترور نافرجام شاه که حزب توده طراح اصلی آن بود، تحت تعقیب قرار گرفتند. در نتیجه، برخی از رهبران اصلی حزب دستگیر و فعالیت‌شان غیر قانونی اعلام شد اما دیری نپایید که با

۱- تقی ارانی بنیانگذار فکری حزب توده، اهل تبریز، رتبه اول دارالفنون و دانشکده پزشکی و استاد فیزیک که در آثار ناصر خسرو، عمر خیام و سعدی تحقیق کرد وی بر احیای مذهب باستانی زرتشت تاکید داشت و نهایتاً در بیمارستان زندان درگذشت. نقل از کتاب ایرانشناسان، پیشین، ص ۱۹۲.

۲- تا قبل از انقلاب از مجموع ۱۲ دانشگاه کشور، تعداد ۵ واحد آن در تهران قرار داشت: پهلوی شیراز، فردوسی مشهد، جندی شاپور اهواز و دانشگاههای ملی، تربیت معلم و صنعتی آریامهر ـ بود.

Scanned by CamScanner

شکل‌گیری نهضت نفت، دوباره به زندگی سیاسی باز گشتند. پس از کودتای ۲۸ مرداد سال ۳۲ ساواک رویه‌ی شدیدتری را با آنها پیش گرفته و در ادامه، جمعی از اعضاء کمیته اصلی حزب دستگیر و یا به خارج از کشور متواری می‌شوند.

طی درگیری‌های متعدد با دستگاه امنیتی، ۴۰ تن از فعالان توده‌ای دستگیر و به اعدام محکوم شدند. ۱۴ نفر از آنها زیر شکنجه ساواک جان باخته و ۲۰۰ نفر به حبس‌های طولانی و ابد محکوم گردیدند همچنین شماری از فعالان سازمان نظیر؛ محمدعلی عمویی، حجری، کی‌منش و رضا شلکوتی پس از ۲۵ سال تحمل زندان، در آستانه انقلاب اسلامی آزاد می‌شوند.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی "نورالدین کیانوری" رهبری حزب را در دست گرفت. در سال ۶۰ همسو با برخی از نیروها، با دولت موقت بازرگان و بنی صدر موضع مخالفت‌آمیزی می‌گیرند. در سالهای ۶۱ و ۶۲ مقامات قضایی جمهوری اسلامی با در دست داشتن مدارکی دال بر اقدام جاسوسی و حمایت علنی حزب از شوروی سابق، کیانوری و ۹ تن از افسران نیروی دریایی ارتش، به حبس و اعدام محکوم شدند. احسان طبری از رهبران و چهره شاخص حزب که در زندان جمهوری اسلامی افتاد با چرخشی ملایم در مواضع سیاسی خود، رسماً از جهان‌بینی الهی دفاع نموده و از آورندگان اندیشه خطا و کژ راهه انتقاد کرد و در سال ۶۲ کتابی با عنوان " برتری اسلام بر مارکسیست " منتشر می‌کند.[1]

دلایل ناکامی و شکست حزب توده

۱- روش مبارزه مسلحانه، برخوردهای خشنِ دستگاه امنیتی را در پی داشته و هزینه‌های انسانی حزب را بشدت افزایش داده بود

۲- حمایت حزب از حرکت‌های جدایی‌طلب کردها و آذری‌ها با هدف تضعیف دولت مرکزی

۳- وابستگی شدید حزب به اتحاد جماهیر شوروی سابق و حمایت از امتیازات نفتی در شمال

۴- در تعارض بودن اندیشه الحادی و مارکسیسم با اعتقادات مذهبی مردم

Scanned by CamScanner

فدائیان خلق ایران

این سازمان توسط "بیژن جزنی"[۱] از اعضای سابق حزب توده، در سال ۱۳۵۰ تأسیس شد وی مخالف وابستگی مستقیم حزب به شوروی سابق بوده و بیشتر برخلق ایران تأکید می‌کرد. همچنین مسعود احمدزاده[۲]. حمید اشرف و پرویز پویان از دیگر فعالان اصلی این گروه بودند.

"شیوه مبارزه" فدائیان نظیر توده‌ایها بر نبرد مسلحانه روی آوردند. تاکتیک مبارزه جزنی حرکت مسلحانه از جنگل و روستا به شهر بود نظیر واقعه سیاهکل. منتها گروه احمدزاده با الهام از جنگ شهری برزیل، حرکت مسلحانه از شهر به روستا را موثرتر می‌دانستند.

"مبانی فکری" این گروه متاثر از ایدئولوژی سوسیالیسم و الگوی مبارزاتی چه‌گوارا- رهبر نهضت چریکی بولیوی و مائو رهبر انقلاب چین بود. آنها از جنگ نامنظم و موج رادیکالیسم بعد از ناصر در مصر(جنگ ۶ روزه اعراب و اسرائیل سال ۱۳۴۶ و سر برآوردن ساف، سازمان آزادی بخش فلسطین) و نبرد انقلابی مردم الجزایر پیروی می‌کردند.

"عملکرد گروه". در سال ۱۳۴۹ تیم ۹ نفره برهبری صفایی فراهانی به پاسگاه ژاندارمری سیاهکل حمله کرده و پس از خلع سلاح عوامل پاسگاه به جنگلهای شمال متواری می شوند. ماموران رژیم، منطقه را کاملاً به محاصره در آورده و نقاط مشکوک جنگل را آتش کشیدند. در نتیجه این زدوخورد کلیه افراد گروه دستگیر و اعدام شدند. احمدزاده در خصوص این مأموریت گفت: ما با این اقدام خواستیم راه مبارزه را به توده نشان بدهیم با این اطمینان که دشمن آسیب‌پذیر و ناتوان است.[۳]

شاخه نظامی سازمان در سال ۱۳۵۵ دست به عملیات‌های متعددی زد: قتل سپهبد ضیاء فرسیو دادستان وقت ارتش که مسئول محاکمه بیژن جزنی بود. قتل جمعی از مأموران ساواک و بمب‌گذاری در سفارت‌های آمریکا، انگلیس، عمان و قرارگاه پلیس و دفاتر هواپیمائی.

۱- جزنی سال ۴۲ دانشجوی دکتری رشته فلسفه دانشگاه تهران بود. کتاب تاریخ ۳۰ ساله و تئوری بقاء را نوشت وی بعد از کودتای ۳۸ مرداد ۳۲ به دو سال زندان محکوم شده و سالهای ۴۶ تا ۵۴ را در زندان گذراند تا اینکه سال ۵۴ به همراه ۸ تن از فعالان سیاسی دربند (جوان خوشدل، ذولانوار، ضیا ظریفی، افشار، سورکی، سرمدی کلانتری و جوبان زاده) بدست رژیم تیرباران شدند. همسرش سیهن جزنی با دو فرزندش هم اکنون در پاریس بسر می‌برد.

۲- احمدزاده دانشجوی رشته ریاضی، اهل مشهد و عضو سابق جبهه ملی بود. از جمله آثارش؛ مبارزه مسلحانه، استراتژیها و تاکتیک می باشد. سه فعال دیگر این جبهه؛ حمید اشرف، پرویز پویان و فراهانی از دانشجویان رشته مهندسی، اهل تبریز و گیلان بودند. اشرف دهقان از دختران جوانی بود که اردیبهشت ۵۰ دستگیر و در حالیکه به ۱۰ سال محکوم شد بعد از گذران ۲ سال، از زندان فرار کرده و بعدها جزئیات شکنجه و نقل و انتقال از اوین به زندان قصر را بازگو و یکایک شکنجه‌گران ساواک و شهربانی را معرفی کرد.

۳- منتی، سید جلال‌الدین (۱۳۶۰)، تاریخ سیاسی معاصر ایران، جلد دوم، ص ۱۱۳ .

Scanned by CamScanner

تا سال ۱۳۵۵، تعداد ۳۴۱ تن از اعضا چریک فدائی در درگیری با مأمورین دولت کشته شده و ۴۱ نفر در زندان جان باختند و ۲۰۰ نفر هم به حبس‌های طولانی تا سقف ۱۵ سال محکوم گردیدند.

موقعیت گروه پس از انقلاب اسلامی

این تشکّل در سالهای اوّلیه پیروزی انقلاب، از عمده‌ترین جریان مخالف جمهوری اسلامی از خود موضع آشکاری نشان داد. با همه پرسی جمهوری اسلامی مخالفت کرد و با اعلام تحریم سعی داشت مانع از مشارکت مردم شود و تنها خواستار حکومت جمهوری بودند. این در حالی است که در رفراندوم ۱۲ فروردین پنجاه و هشت ۹۸٪ شرکت کنندگان به جمهوری اسلامی رأی آری می‌دهند.

در سال ۵۸ گروههای "اکثریت"، حامی برخی از سیاستهای دولت موقت بود نسبت به تسخیر سفارت آمریکا رضایت داشتند. گروه " اقلیت" با داشتن موضع مخالف از برنامه اقتصادی و اجتماعی دولت، آن را نمونه‌ی الگوی سرمایه‌داری و غرب می دانست. در سال ۵۸ عملاً با نظام اسلامی وارد نبرد مسلحانه می شوند. در قائله ترکمن صحرا (تحریک مردم به تصرف زمینها و خودمختاری) دامن زده و از تجزیه‌طلبان و ستیزه‌جویان کردستان پشتیبانی کردند. فدائیان خلق، تعداد سلاحهایی که در بهمن ۵۷ از پاسگاه‌های پلیس رژیم سابق بدست آورده بودند، در هدفهای بعدی و در درگیری با پاسداران انقلاب استفاده می کردند.

- به هر روی، سازمان فدایی خلق، بدلیل ضعف سازمانی و تئوریکی در داخل کشور و حتی خارج از مرز نتوانست توان تشکیلاتی خود حفظ نماید.

سازمان مجاهدین خلق

اعضای جوان و رادیکال این سازمان، پیشتر از فعالان نهضت مقاومت ملی و آزادی بودند که شیوه مبارزه مسالمت‌آمیز و قانونی نهضت آزادی برای آنها قانع کننده نبود تا اینکه در سال ۱۳۴۴ سازمان مستقلی را تأسیس کرده و تن به استراتژی مبارزه مسلحانه علیه رژیم می دهند

Scanned by CamScanner

ارکان اولیه رهبری این سازمان، محمد حنیف نژاد، سعید محسن، رضا نیک‌بین و علی اصغر بدیع زادگان... بودند. این تشکل تا سال ۴۵ حدود ۵۰ عضو داشت.[۱]

مبانی فکری این گروه تلفیقی از اسلام و مارکسیسم بود آنها بتدریج فعالیت خود را در حوزه‌های ایدئولوژیکی، فرهنگی، سیاسی و نظامی سازمان داده و معتقد بودند راه برون‌رفت از بی‌عدالتی، فقر و فحشا، به سبک وعظ و خطابه امکان‌پذیر نیست و باید با زور و سلاح نظیر مبارزان فلسطینی و الجزایری به تغییرات انقلابی امیدوار شد.

اعضاء سازمان سعی داشتند ردِ پای نظریات مارکسیسم را در زمینه تکامل اجتماعی، تضاد طبقاتی و ماتریالیسم تاریخی دنبال کنند و نظریات فدائیان خلق را در پوشش اسلام مطرح ساخته و پیگیر جامعه بی‌طبقه توحیدی بودند. برخی چون شاه و ساواک از آنها بعنوان "مارکسیسم اسلامی" یاد می‌کردند.

در سال ۵۴ جمعی از اعضاء گروه به ایدئولوژی مارکسیست روی آورده و فلسفه انقلاب را نه در اسلام، بلکه در متن مارکسیسم جستجو می‌کردند تا اینکه در دهه پنجاه به دو شاخه مجاهدین مارکسیست و مجاهدین مسلمان انشعاب پیدا می‌کنند.

اعضاء سازمان ضمن حضور در مسجد هدایت و خیابان ارشاد، کارهای مطالعاتی را در انقلاب کوبا، چین، روسیه و الجزایر و مراجعه به نظریات مارکسیسم و در نهج‌البلاغه آغاز کرده و از آثار و اندیشه‌های بازرگان، شریعتی و طالقانی بهره می‌گرفتند.

گروهی از اعضاء سازمان، برای فراگیری آموزش‌های چریکی، از طریق دفاتر نمایندگی سازمان آزادی بخش فلسطین مستقر در دبی و اردن، به اردوگاه فلسطینی و پایگاه‌های الفتح اعزام می‌شدند روندی که تا سال ۵۷ ادامه داشت.

"فعالیت و عملکرد گروه"، ترور ژنرال هارلدرایس- مستشار آمریکائی در سال ۱۳۵۱ و ترور سرتیپ سعید طاهری، بمب‌گذاری اداره اطلاعات آمریکا، ساختمان روابط فرهنگی و شرکت بیمه انگلیس. انفجار کارخانه برق(به منظور برهم زدن جشن ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی)، دفتر حزب رستاخیز، آرامگاه رضاشاه و ساختمان‌های استانداری و فرمانداری شهرهای زنجان، تبریز و قزوین از دیگر اقدامات شاخه نظامی سازمان بود.

۱- حنیف نژاد (۱۳۵۰-۱۳۱۷) اهل تبریز، دانشجوی مهندسی کشاورزی دانشگاه تهران بود که در سال ۴۱ دستگیر شده و بمدت ۷ ساله زندانی می شود. سعید محسن (۱۳۵۰-۱۳۱۸)، اهل زنجان، در سال ۴۱ دستگیر و زندانی شد و رضا نیک بین(۱۳۳۱) از رودسر. سال ۱۳۵۰ ساواک تعداد ۶۹ تن از هواداران این گروه را دستگیر کرده و نیک بین بهمراه حنیف نژاد و سعید محسن تیرباران شدند.

Scanned by CamScanner

هزینه‌های انسانی: در سال ۱۳۵۰ پس از بمب‌گذاری مراسم جشن شاهنشاهی، ۶۹ تن از اعضای سازمان توسط ساواک شناسایی و دستگیر شده و حنیف نژاد و سعید محسن هم به اعدام محکوم می شوند. از ۱۶ نفر کادر مرکزی، ۱۴ تن دستگیر شده که بجزء مسعود رجوی و بهمن بازرگان با یک درجه تخفیف، الباقی به اعدام محکوم گردیدند[۱].

مسعود رجوی در سال ۱۳۶۶ ارتش آزادی‌بخش ملی را تشکیل داد. نشریات سازمان، مجاهد، جنگل، قیام و کارگر نام داشت که هر ۳ ماه یک بار منتشر می‌شد. شعار قرآنی این سازمان " فَضَّلَ‌اللهُ المُجاهِدین عَلی القاعِدین اجراً عَظیماً " است.

"موقعیّت گروه پس از انقلاب"، از درون سازمان، گروهی که بیشتر گرایش به مارکسیسم داشتند در سال ۵۷ در غالب "پیکار در راه آزادی" انشعاب پیدا کرده و تا افول سازمان در سال ۱۳۶۱ پرچم‌دار ایدئولوژی مائو و استالین بودند. بعد از دستگیری و محاکمه کادر رهبری همچون تقی شهرام، علناً به منازعه با جمهوری اسلامی برخاسته و اتحاد تاکتیکی با کومله و دموکرات کردستان ایران می‌بندند تا اینکه با بروز اختلافات درون گروهی و تعقیب و دستگیری شماری از سران سازمان، نهایتاً از کشور خارج شده و به حلقه اپوزوسیون آمریکا و اروپا پیوستند.

مسعود رجوی که پیش از انقلاب اسلامی در ۳۰ دی ۱۳۵۷ از زندان آزاد شد، رهبری سازمان را در بدست گرفت وی پس از انقلاب با اصل " ولایت فیقه " مخالفت می‌کند. در ۱۲ فروردین از رأی به قانون اساسی خودداری کرده و با حزب تازه تأسیس جمهوری اسلامی بشدت مخالفت می‌ورزد. بعد از مرگ طالقانی که مجاهدین وی را پدر طالقانی خطاب می‌کردند عمق اختلافات بیشتر می‌شود. در اولین دوره ریاست جمهوری، رجوی خود را نامزد انتخاباتی معرفی کرد در حالیکه نیروهای مذهبی و مؤتلفه اسلامی وی را فاقد صلاحیت دانستند. در سال ۶۰ بچه‌های سپاه، یکی از خانه‌های تیمی مجاهدین را در منطقه زعفرانیه تهران شناسایی و محاصره کرده و پس از ساعتها درگیری، تعدادی از عوامل سازمان از جمله همسر رجوی "اشرف ربیعی" کشته شده و "سعادتی" عضو فعال سازمان دستگیر و اعدام می‌شود. در سال ۶۰ تعداد ۲۰۰ تن از آنان در درگیری‌ها کشته شده و ۱۰۰۰ تن دیگر دستگیر شدند.

این سازمان از ابوالحسن بنی‌صدر در ماجرای اختلاف با حزب جمهوری اسلامی حمایت کرد. با شروع اختلافات داخلی و اوج گرفتن درگیریها بنی‌صدر و رجوی با هواپیمایی شکاری از

۱- مدنی، سید جلال‌الدین (۱۳۶۰)، تاریخ سیاسی معاصر ایران، جلد دوم، ص ۱۱۱.

Scanned by CamScanner

فرودگاه مهرآباد به مقصد پاریس گریختند. در فرانسه با تشکیل شورای مقاومت ملی طی عملیات‌های تخریبی سال ۶۰ در دفتر "حزب جمهوری اسلامی" تعداد ۷۰ نفر از جمله آیت‌اله بهشتی، ۴ تن از وزرای وقت و ۲۳ نماینده مجلس را به شهادت می‌رسانند. در دیگر عملیات انفجاری که ۲ ماه بعد صورت گرفت "دفتر ریاست جمهوری" را بمب‌گذاری کرده و رجایی و باهنر را به شهادت رساندند. همچنین در اقدامی مسلحانه، ائمه جمعه شهرستان‌های تبریز، کرمان، شیراز، کرمانشاه، استاندار و سرپرست زندان اوین اسداله لاجوردی-رئیس سابق زندانها و سرتیپ صیاد شیرازی فرمانده جبهه و جنگ را شهید کردند. بطورکلی این سازمان با اعلام جنگ مسلحانه علیه جمهوری اسلامی و ورود یافتن به فاز نظامی و همچنین ترور و کشتار ۱۲ هزار نفر، سعی کرد بجای بحث و گفتمان سیاسی، فرهنگ خشونت را تئوریزه و عملی سازد.

در طول جنگ تحمیلی گروهی از آنها در ارتش بعث عراق سازماندهی شده و ضمن حمایت مالی، آموزشی و لجستیکی دولت عراق، پایگاه‌هایی در خاک این کشور در اختیارشان گذاشته شده که در جمع‌آوری اطلاعات نظامی و عملیات برون مرزی با ارتش عراق همکاری می‌کردند.

با پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و برقراری آتش‌بس، با طرح عملیاتی فروغ جاویدان در منطقه ایلام غرب، وارد خاک ایران شدند که بعد از پیشروی‌های اولیه، نیروهای ایرانی با عملیات مرصاد مواضع آنها را در هم کوبیده و شمار زیادی از آنها را از بین بردند. لذا طرح عملیاتی آنها ناگام مانده و با برجای گذاشتن خسارات و تلفات سنگین، الباقی به خاک عراق بازگشتند. در دوره خاتمی و در دولت کلینگتون، سازمان مجاهدین در لیست گروه‌های تروریستی وزارت خارجه آمریکا قرار گرفت اتحادیه اروپا نیز این تصمیم را برسمیت شناخت تا اینکه با تلاش وکلای سازمان در سال ۲۰۱۳ میلادی از فهرست گروه تروریسم خارج شد. این سازمان اکنون مسعود را که وضعیت نامعلومی دارد بعنوان رهبر و مریم رجوی[1] را رئیس جمهور خود می‌شناسد!

بیش از دو هزار تن از هواداران سازمان سالها در اردوگاه اشرف عراق بودند. با خروج تدریجی نیروهای آمریکایی از عراق، بارها اختلاف و درگیری اشرف نشینان با نیروهای عراق، خسارات و تلفاتی انسانی را برای طرفین بر جای گذاشت. دولت عراق نسبت به تخلیه اردوگاه تا سال ۲۰۱۱ ضرب‌العجل تعیین کرد، علی رغم مخالفت اولیه اردوگاه نشینان، در سال ۲۰۱۲ کار انتقال آنها به اردوگاه جدید"حریة" واقع در استان دیاله نزدیکی فرودگاه بغداد آغاز شد. در آبان ۱۳۹۴ یک گروه شبه نظامی شیعه با شلیک هشاد فروند موشک به کمپ لیبرتی در

۱- مریم رجوی (متولد ۱۳۲۷، با نام اصلی مریم قجر عضدانلو) همسر مسعود و از رهبران سازمان در سال ۱۹۷۰ از جامعه دانشجویی به این سازمان پیوست.

Scanned by CamScanner

نزدیکی بغداد ۲۳ تن از هوادارن این سازمان از جمله ابریشم چی از رهبران گروه کشته و شماری هم رخمی شدند.

جبهه ملی ایران

این جبهه در سال ۱۳۲۸ توسط "محمد مصدق" و ۸ تن از فعالان سیاسی که در دوره شانزدهم به مجلس شورای ملی وقت راه یافتند، تشکیل شد. آنها در سال ۱۳۲۹ طرح ملی شدن صنعت نفت ایران را با حمایت آیت‌الله کاشانی و دیگر افراد ذی نفوذ در مجلس مطرح می‌سازند. مؤسسین اولیه این جبهه ۱۳ نفر بودند نظیر مصدق، احمد ملکی مدیر روزنامه ستاره، حسین مکی، مظفر بقائی، جلال نائینی. همچنین از دیگر رهبران بعدی این گروه، کریم سنجابی[1]، شاپور بختیار و داریوش فروهر را می توان نام برد.

پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و دستگیری رهبران نزدیک به دکتر مصدق، فعالیت این جبهه متوقف شد، اگر چه برخی از فعالان آن در نهضت مقاومت ملی به مبارزه با حکومت ادامه داده بودند. پس از تشکیل جبهه ملی دوم و شکل‌گیری فعالیت‌های سیاسی، زندان و تبعید آقایان مصدق، بازرگان، سحابی و طالقانی، جبهه ملی سوم نیز در سال ۱۳۴۴ اعلام موجودیت کرد.

نهضت آزادی

در سال ۱۳۴۰ این نهضت از جبهه ملی انشعاب یافته و بر هویت ایرانی و اسلامی تأکید داشت. از رهبران و مؤسسین گروه، مهدی بازرگان (رئیس دولت موقت ایران)، یدالله سحابی و سید محمود طالقانی (اولین امام جمعه تهران) بودند.[2]

سایر فعالان این گروه؛ صادق قطب‌زاده، ابولحسن بنی‌صدر، ابراهیم یزدی، مصطفی چمران، علی شریعتی و علی شیبانی... بودند. ابراهیم یزدی مدتی را در سمت دبیرکلی این حزب قرار گرفت. اعضاء این گروه در شورای انقلاب، دولت موقت و همچنین دوره اول مجلس شورای ملی

۱- سنجابی (۱۳۸۳-۱۲۸۳) دکترای حقوق از دانشگاه پاریس و رئیس پیشین دانشکده حقوق، دبیر حزب ملت ایران و سخنگوی اصلی جبهه ملی بود او که ۵۵ روز را وزیر خارجه دولت بازرگان بود در سالهای آخر عمری به امریکا رفته و در همانجا در گذشت

۲- آیت‌الله طالقانی از چهره‌های شهید و مبارز انقلاب بودند که علاوه بر سابقه تفسیر قرآن در مسجد هدایت سعی داشت جوانها را با جهان‌بینی‌های مختلف بسوی هدفی مشترک بکشاند.

طالقانی سال ۴۱ با تنی از سران نهضت آزادی در رابطه با رفراندوم انقلاب سفید بازداشت می شوند. سال ۱۳۵۰ مدتی را شهر زابل در تبعید بسر بردند. همچنین سال ۵۴ به اتهام اقدام علیه امنیت کشور و حمایت از سازمان مجاهدین خلق به ۱۰ سال زندان محکوم گردید اما در اوج‌گیری انقلاب بهمراه سایر روحانیون زندانی آزاد می شوند. از جمله آثار و تألیفات ایشان؛ مقدمه کتاب تنزیه الامّه و تنبیه الله مرحوم نائینی، مالکیت در اسلام، تفسیر قرآن و حکومت اسلامی است.

Scanned by CamScanner

حضور پیدا کردند. دولت موقت تنها ۹ ماه ادامه حیات داد و با اشغال سفارت آمریکا در ۱۳ آبان ۱۳۵۸ توسط دانشجویان پیرو خط امام، بازرگان به نشانه اعتراض، از سمت خود استعفاء داد این موضوع مورد پذیرش امام (ره) قرار گرفت. بعد از آن بنی‌صدر در مقام رئیس جمهوری قرار می‌گیرد آنها پس از فتح خرمشهر به ادامه جنگ مخالفت ورزیدند.

"شیوه مبارزه" این گروه، بصورت قانونی و مسالمت‌آمیز بود. اندیشه آنان متأثر از تفکرات رایج فضای روشنفکری وقت بود تا قبل از انقلاب اسلامی با جامعه روحانیتی روابط نزدیکی داشتند. فلسفه وجودی این تشکیلات در ابتدا، مقابله با نفوذ حزب توده و اندیشه‌های سوسیالیستی دهه‌های ۲۰ تا۳۰ بود که در فضای دانشگاهی گسترش پیدا کرد. در سال ۱۳۴۱ جمعی از فعالان نهضت همچون بازرگان، طالقانی و سحابی به زندان افتاده و هر یک به ۴ تا ۱۰ سال حبس محکوم می‌شوند. این گروه از یک سو تلاش داشت تا برای نیازهای جدید عصری، پاسخهای مناسب علمی و دینی بیابد و بر این باور بودند که میان اسلام با مقتضیات علوم جدید هیچگونه تعارضی وجود ندارد. پس از چندی بسیاری از آنها بتدریج به سمت عقاید "سکولاریسم" روی آوردند.

در اواسط دهه اوّل انقلاب با توجه به مواضعی که از خود به نمایش می گذارند از جمله عدم اعتقاد به تمامی اصول قانون اساسی، این تشکیلات از سوی حضرت امام (ره) غیر قانونی اعلام گردید. از آن پس در پروسه انتخاباتی، صلاحیت اعضاء گروه در نامزدی ریاست جمهوری و مجلس، اغلب توسط حوزه نظارت شورای نگهبان مورد تایید قرار نمی گرفت. بعنوان نمونه در انتخابات هفتمین دوره نامزدی ریاست جمهوری صلاحیت آقایان سحابی، ابراهیم یزدی و علی اکبر معین‌فر تأیید نگردید. اخیراً مواضع آنها قبول قانون اساسی بدون در نظر داشتن اصل ولایت مطلقه فقیه و التزام عملی به آن است. این گروه از نامزدی آقای خاتمی در هر دو دوره انتخابات ریاست جمهوری ۷۶ و ۸۰ حمایت کرده بودند.

Scanned by CamScanner

جمعیت فدائیان اسلام و موتلفه

این جمعیت در سال ۱۳۲۴ با هدف مبارزه علیه کفر و الحاد و بی دینی و اجرای دقیق احکام اسلامی اعلام موجودیت کرد. بنیانگذار این تشکیلات طلبه جوان سید مجتبی میرلوحی- معروف به "نواب صفوی"[1] بود.

گروه فدائیان اسلام در مبارزه علیه رژیم، هسته‌هایی کوچک و چند نفری تشکیل می‌دهند. آنها طی عملیات جداگانه، شماری از چهره‌های سیاسی شناخته رژیم که مخالف ارزشهای دینی و موانع برنامه‌های سیاسی و مذهبی بودند و یا اینکه به تصورشان افکار انحرافی داشتند را مورد هدف گلوله قرار دادند.

۱- ترور احمد کسروی[2]. استنباط گروه این بود که وی در کتاب شیعه‌گری به ساحت مقدس امام زمان توهین کرد. این مأموریت پس از اقدام اولیه نواب، توسط امامی از اعضاء سازمان در محل دادگستری تهران به اجرا درآمد. ظاهراً پیشتر، حکم شرعی ارتداد وی صادر گردید و شاخه نظامی فدائیان آنرا عملیاتی کرد.

۲- ترور عبدالحسین هژیر وزیر دربار شاه به واسطه تغلّب در انتخابات مجلس شانزدهم. وی در مسجد سپهسالار توسط امامی به قتل رسید. با ترور ایشان نتایج انتخابات هم ابطال شده و امامی پس از ۴ روز توسط نیروهای امنیتی دستگیر و پس از محاکمه به اعدام محکوم می‌شود.

۳- ترور علی رزم‌آرا نخست‌وزیر، بدلیل مخالفت ایشان با ملی شدن صنعت نفت. به نظر فرمان قتل وی هم از قبل صادر شد و یاران نواب در مراسم ترحیم آیت‌الله فیض او را هدف گلوله قرار دادند.

۴- ترور حسین اعلا نخست وزیر در سال ۱۳۳۴، بخاطر تلاش وی در پیوستن ایران به پیمان نظامی سنتو "بغداد" بهمراه کشورهای عراق، ترکیه و پاکستان که همگی تحت حمایت آمریکا بودند. اعلا در مجلس ختم فرزند آیت‌الله کاشانی بوسیله مظفر ذوالقدر هدف گلوله گرفت که با برداشتن جراحت سطحی جان سالم به در برد.

این گروه قصد ترور دکتر حسین فاطمی وزیر خارجه مصدق و مدیر روزنامه باختر را کردند. فاطمی در حالی که بر سر مزار یک روزنامه نگار سیاسی سخنرانی می‌کرد هدف اصابت گلوله

۱- نواب صفوی (۱۳۲۵-۱۳۰۳) در محله خانی‌آباد تهران و از خانواده‌ای روحانی چشم به جهان گشود به شهرهای مختلف منجمله برای کار به شرکت نفت آبادان رفت. فراگیری فقه و اصول و تفسیر را نزد حاج آقا امینی، قمی و شیخ محمد تهرانی آموخته

۲- احمد کسروی (۱۲۶۹- ۱۳۲۴) تاریخ‌نگار، پژوهشگر و مؤلف کتاب شیعه‌گری بود. وی در رشته حقوق دانشگاه تهران تدریس می‌کرد و تلاش زیادی برای شکل دادن هویت ایرانی سکولار انجام داد.

Scanned by CamScanner

عیدخدایی از اعضای گروه قرار گرفته و مجروح شد. از آن پس مواضع فاطمی و فدائیان اسلام سخت و منازع آمیز می‌شود.

بعد از واقعه نفت با تشدید فضای امنیتی و تعقیب مخالفان رژیم، سرانجام نواب صفوی و ۳ تن از یارانش بنام خلیل طهماسبی، سیدمحمد واحدی و مظفر ذوالقدر دستگیر و تیرباران شدند. یکی از پیامدهای مسلحانه هسته نظامی فدائیان اسلام، حذف فیزیکی تعدادی از سران رژیم و ایجاد روحیه ترس و وحشت در دل کارگزاران حکومت بود.

مؤتلفه اسلامی

این تشکل در دهه ۴۰ توسط جمعی از افراد مذهبی در غالب کمیته‌ای ۱۲ نفره با عضویت شورایی روحانیتی پایه‌گذاری شد. آنها در ترکیه با آیت‌اله میلانی و امام خمینی(ره) روابط نزدیکی داشتند. مؤتلفه تنها تشکلی است که در شکل‌گیری قیام ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲ حضور فعالی داشت.

مؤتلفه در کارنامه فعالیت سیاسی و ایدئولوژیک سالهای مبارزه علیه رژیم پهلوی، استراتژی حذف فیزیکی برخی از سران حکومتی را با تلاش جوانان رادیکال گروه طراحی کرد. در این رابطه سال ۱۳۴۳ شاخه نظامی، اقدام به ترور حسنعلی منصور نخست‌وزیر وقت که در رابطه با تبعید حضرت امام (ره) به ترکیه و تصویب کاپیتولاسیون نقش داشت، می نماید. فتوای قتل منصور از جانب آیت‌الله میلانی صادر و شاخه اجرایی هیات مؤتلفه- محمد بخارایی آنرا عملی می سازد منصور هنگام ورود به مجلس مورد اصابت گلوله قرار گرفت. این گروه پیشتر در سال ۴۴ شاه را هم در کاخ مَرمر مورد حمله مسلحانه خویش قرار داده بود.[1]

یکی از وفاداران غیرتشکیلاتی این سازمان، طلبه جوان "سید علی اندرزگو[2]" بود که پس از ۱۶ سال مبارزه، سرانجام در آستانه پیروزی انقلاب زیر مسلسل ساواکی ها به شهادت می رسد. همچنین نیک نژاد و هرندی از چهره‌های جوان و شاخص گروه، توسط عوامل امنیتی حکومت دستگیر و به اعدام محکوم شدند.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، شماری از فعالان گروه در شورای انقلاب عضویت یافته و بیشتر فعالیت‌ها در داخل حزب جمهوری اسلامی تمرکز یافت. دبیرکل این حزب محمد نبی

۱- مدنی، سیدجلال‌الدین (۱۳۶۰)، تاریخ سیاسی معاصر ایران، جلد دوم، صص۱۰۲ و ۱۰۳.

۲- اندرزگو با تهیه ۲۳ شناسنامه و گذرنامه پلیسی مستعار مدت طولانی ساواک را گیج ساخت. به کشورهای عراق، عربستان، لبنان و افغانستان سفر کرد در ۱۹ رمضان ۵۷ پس از ارتباط با گروه منصور و دریافت اعلامیه امام مربوط به واقعه سینمای آبادان با ساواکی ها مواجه گردید.

Scanned by CamScanner

حبیبی و قائم مقام آن اسداله بادامچیان است. مرحوم حبیب‌اله عسکر اولادی، لاجوردی و انبارلوئی هم در این تشکل فعالیت می کردند. مؤتلفه در زمینه سیاسی دولت‌گرا و در زمینه اقتصادی مخالف دخالت دولت در حوزه تجاری و بازرگانی بود. آنها در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۴ از نامزدی علی لاریجانی و در دهمین انتخابات سال ۱۳۸۸ از نامزدی احمدی نژاد حمایت کردند.

جریان‌های مذهبی و روحانیتی

تحولات دنیای جدید و رشد فزاینده مؤسسات آموزشی و تولید افکار و اندیشه های اومانیسم و سکولاریسم و غلبه تکنولوژی و صنعت در مغرب زمین، این شائبه در اذهان برخی بوجود آمد که دیگر جایگاه مذهب در جهان رو به ضعف و نابودی است. اما وقوع انقلاب ۵۷ این فرضیه را بشدت مورد تردید قرار داد. بوضوح نهاد مذهب و معتقدین به آن، رژیمی قدرتمند و حامی توسعه مدرنیته غربی را سرنگون ساخته و در پایان هزاره دوم در جستجوی حاکمیت دینی و تجدید و احیا آن وارد متن سیاست و قدرت می شوند.

با مطالعه در تاریخ سیاسی معاصر، می‌بینیم در تحولات ایران شاهد نقش سازنده روحانیت شیعه- میرزای شیرازی در جنبش تنباکو و آیت‌اله بهبهانی، طباطبایی و شیخ فضل‌اله نوری در نهضت مشروطیت هستیم. در جنبش نفت آیت‌اله کاشانی و مواضع فدائیان اسلام، در قیام ۱۵ خرداد ۴۲ و بویژه انقلاب اسلامی۵۷-۵۶ نقش رهبری حضرت امام (ره) هر یک نشان از اهمیت پایگاه مراجع و روحانیون در صحنه‌ی سیاست است.

با تأسیس حوزه علمیه قم در سال ۱۳۰۰ توسط آیت‌الله عبدالکریم حائری[1] و انتقال تدریجی کانون مرجعیت شیعه از نجف به قم، بر موقعیّت روحانیت اثرات مثبتی گذاشت. تا زمان مرجعیت آیت‌الله بروجردی، مدیریت نهاد دینی، تمرکز بر معنویت‌گرایی، پاسداری از حریم دین و اتخاذ سنت تقیه بود پس از رحلت آیت‌الله بروجردی در دهه ۴۰ بتدریج با تقویت

۱- از سال ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۰ که آیت الله بروجردی در رأس حوزه علمیه قم بود فاصله میان حوزه‌های علمیه و دانشگاهها کمتر شد بروجردی از اهمیت تبلیغات، چه در داخل و چه در سطح بین‌الملل، بخوبی آگاه بود (الگار، ۱۹۹۰، ۳۷۷) او نمایندگانی به مصر، کویت پاکستان، سودان و لبنان (آیت‌الله موسی صدر) فرستاد و مرکزاسلامی را در هامبورگ آلمان بنیان نهاد. علاوه بر این، او به پیروی از فارغ التحصیلان حوزه ها اجازه داد به دانشگاهها رفته و علوم جدید را بیاموزند و هم اسلام را ترویج دهند. کسانی چون سید جلال‌الدین اشتیانی، محمد تقی دانش پژوه، مهدی حائری یزدی، حسن کرمانی، آیت‌الله مفتح، مرتضی مطهری، آیت‌الله موسی صدر و سید محمد شهیدی. این گروه نویسندگان پر کاری بودند که بر تغییر فضای دانشگاهی و تفسیر متون دینی کمک فراوانی کردند(نقل از تب روشنفکران ایران و غرب، اثر مهرزاد بروجردی، صص ۱۲۶ و ۱۲۷).

Scanned by CamScanner

اسلام انقلابی، معادلات پیشین بکلی تغییر می یابد. ورود علنی حضرت امام (ره) در عرصه‌های مختلف سیاسی و مذهبی، موج نوینی از تقابل مذهب و سیاست آغاز گردید که رژیم با همه تلاشها قادر به حفظ حلقه‌های پیشین و جلب رضایت علما و نهاد مذهب نشده است.

اهم برنامه‌های آیت‌الله بروجردی مرجع تقلید وقت به شرح زیر می باشد:

۱- ساماندهی حوزه علمیه و اوضاع مالی مدارس دینی ۲- اهتمام به تربیت طلاب جوان ۳- اعزام مبلّغین مذهبی به خارج از مرزهای کشور ۴- برقراری وحدت میان تشیع و تسنن ۵- توسعه مساجد و مراکز دینی آموزشی و پژوهشی.

بدیهی است تمامی علما و فقهای اسلامی در برخورد با مسائل سیاسی و اجتماعی مواضع یکسان و مشابهی اتخاذ نمی کردند هر یک بر حسب تکالیف دینی، آگاهی‌های سیاسی و شخصیت مذهبی که داشتند، همواره برنامه‌ها و اولویت خاصی را مهم دانسته و آن را دنبال می کردند. بدین ترتیب، مواضع علما و گروه‌های روحانیتی را می‌توان در سه طیف مشخص دسته‌بندی کرد:

الف. علمای غیر سیاسی- نظیر آیت‌الله خوئی، احمد خراسانی و مرعشی نجفی. این گروه که خیلی محتاط عمل می کردند بر این باور بودند که ترجیحاً باید به معنویت‌گرایی، تبلیغ کلام خدا، تحصیل علوم حوزوی و تربیت نسل جدید همت گماشت. با این وجود در نیمه دوم سال ۵۷ با پیش گرفتن سیاست‌های ضد مذهبی از سوی رژیم، واکنش‌هایی از خود نشان می‌دهند.

ب. علمای میانه رو- نظیر آیت‌الله کاظم شریعتمداری، محمدرضا گلپایگانی، هادی میلانی و زنجانی. این مراجع مخالف انقلاب سفید شاه و کیفیت حق رأی زنان بوده و در این رابطه تفسیر خاصی ارائه می کردند.

ج. علما و روحانیون سیاسی- نظیر حضرت امام (ره)، آیت‌الله مطهری، بهشتی و طالقانی- که به صورت آشکار و پنهان، مبارزه خود را تا سقوط رژیم پهلوی و استقرار حکومت اسلامی ادامه دادند.

Scanned by CamScanner

ب. احزاب و گروه‌های سیاسی بعدِ انقلاب

حزب جمهوری اسلامی

این حزب بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در اسفند ۱۳۵۷ اعلام موجودیت کرد. از بنیانگذاران آن "آیت‌الله بهشتی، اردبیلی، هاشمی رفسنجانی، سیدعلی خامنه‌ای رهبر انقلاب، حبیب‌اله عسگراولادی، میر حسین موسوی، جواد باهنر... " بودند که در شورای مرکزی حزب عضویت داشتند. حزب جمهوری اسلامی مهمترین تشکل حامی جریان روحانیتی در دهه نخست انقلاب در برابر دیگر تشکل‌های سیاسی مانند نهضت آزادی، حزب توده و گروههای چپ و ملی‌گرا قرار داشت. دبیرکل سابق حزب، آیت‌الله محمد بهشتی بودند و روزنامه رسمی آن "جمهوری اسلامی" به مدیر مسئولی مسیح مهاجرانی.[۱]

با انفجار سال ۶۰ در دفتر حزب، شماری از فعالان این گروه به شهادت می‌رسند. تا اینکه در سال ۱۳۶۶ فعالیت علنی حزب به دلیل نگرش‌های متفاوت اقتصادی تعطیل می‌شود.

جامعه روحانیت مبارز تهران

برابر با ماده سوم اساسنامه[۲]؛ اهداف اصلی تشکیل جامعه روحانیت تقویت سازمان‌ها و نهادهای نظام اسلامی، نظارت بر حاکمیت اسلامی و اجرای حق و عدالت و برخورد متعهدانه با رویدادهای مهم داخلی و خارجی... بود.

اعضای برجسته این تشکل، اکثراً از جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، نجف، مشهد و اصفهان بوده و در هنگام تأسیس، آیت‌اله مطهری، بهشتی، باهنر، مفتح و سپس آقایان مهدوی کنی، اکبر هاشمی رفسنجانی، محمد یزدی، امامی کاشانی، اکبر ناطق نوری... هر یک در شورای مرکزی آن عضویت داشتند. هیچ نشریه‌ای ارکان رسمی آن نبود زیرا آنها خود را تنها یک حزب یا تشکل سیاسی نمی‌دانستند. منتها روزنامه‌های رسالت، کیهان، جمهوری اسلامی، قدس، ابرار... منعکس کننده دیدگاه این تشکل بودند.

تا هنگامی که حزب جمهوری اسلامی رسمیت داشت فعالیت سیاسی هر چهار تشکل روحانیتی منشعب از آن و یا تجزیه شده از درون (جامعه و مجمع روحانیون و جامعه و مجمع مدرسین)

۱- http://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%...

۲- اساسنامه جامعه روحانیت دارای ۳ فصل و ۲۳ ماده است. فصل ۱ مربوط به اهداف تشکیلاتی، فصل ۲ امور تشکیلاتی شامل شورای مؤسسین، مجمع عمومی، شورای مرکزی، دبیرخانه، روابط عمومی ... فصل ۳ اشاره به تحصیلات علوم دینی و بازرسی دارد (کالبد شکافی جناحهای سیاسی، ظریفی‌نیا، صص ۸۸-۸۹).

Scanned by CamScanner

تحت‌الشعاع آن قرار داشت. دقیقاً پس از تعطیلی حزب جمهوری اسلامی، گروه حامی بازار آزاد و به اصطلاح امروزی اصول‌گرایان، فعالیت و سازماندهی خود را در این جامعه متمرکز ساختند روند یکپارچگی فعالیت جریان روحانیتی در دولت‌های باهنر، رجایی و موسوی تا اعلام لیست‌های جداگانه برای کاندیداتوری مجالس ۴ و ۵ یعنی تا سال ۶۷ در این تشکل ادامه داشت.[۱]

بدیهی است از آغاز تأسیس تا کنون، تغییرات قابل توجهی به لحاظ تشکیلاتی، انسانی و مواضع سیاسی و اجتماعی در تشکّل یاد شده و یا دیگر احزاب سیاسی پس از دهه‌های انقلاب اسلامی بوجود آمد که هر یک از آن تابع شرایط و منطق خاصی بوده و پرداختن به آن نیازمند بررسی جداگانه‌ای است.

مجمع روحانیون مبارز تهران

این مجمع در سال ۱۳۶۷ با ارسال نامه‌ای به حضرت امام (ره) جریان ائتلاف را مطرح ساخت که مورد پذیرش ایشان قرا می‌گیرد.[۲] پس از استقلال در تیر ماه ۱۳۶۸ اعضای اصلی و شورای مرکزی آن، مهدی کروبی، موسوی خوئینی‌ها، سید محمد خاتمی، علی‌اکبر محتشمی‌پور، سیدهادی خامنه‌ای، محمدعلی انصاری، رسول منتجب‌نیا... حضور داشتند. این تشکّل، در مجلس سوم اکثریت کرسی‌ها را در دست داشت. بعد از آن فعالیت خود را بمدت ۵ سال متوقف ساخته و در حاشیه قرار گرفت تا اینکه در سال ۷۶ و در هفتمین دوره انتخابات ریاست جمهوری ائتلاف بزرگی در حمایت از خاتمی با مجمع حزب‌اله مجلس، کارگزاران، تحکیم وحدت، جبهه مشارکت... تشکیل دادند.[۳] روزنامه وقت "سلام و بیان" منعکس کننده دیدگاه این گروه بود. بعد از اتمام دوره ریاست جمهوری خاتمی و پایان کار مجلس ششم بتدریج قدرت تشکیلاتی آنها کاملاً تضعیف شد. سپس تغییراتی در مواضع سیاسی و اقتصادی و ارکان تشکیلاتی آن، نظیر جامعه روحانیت بوجود آمد.

۱- شادلو، عباس (۱۳۷۹)، احزاب و جناحهای سیاسی ایران امروز، چاپ اول، انتشارات گسترده، ص ۴۲.

۲- خلاصه متن پاسخ امام به درخواست این گروه «ائتلاف تشکیلاتی برای اظهار عقیده مستقل و تشکیلات جدید بمعنای اختلاف نیست. بحمدالله با شناختی که من از روحانیون دارم - و همه کسانی که دلشان برای اسلام عزیز می تپد دعا می‌کنم و توفیق آقایان را از خداوند متعال خواستارم» (نقل از عباس شادلو، ص ۷۰).

۳- روزنامه سلام، ۷۶/۲/۳۱، ص ۹.

Scanned by CamScanner

جامعه مهندسین

این جامعه که در سال ۱۳۶۷ موجودیت پیدا کرد از جناح اصول‌گرا و زیر مجموعه‌ای از جبهه پیروان خط امام و رهبری بود. دبیرکل آن محمد رضا باهنر و آقایان محمود احمدی نژاد و منوچهر متکی از دیگر اعضای اصلی این گروه محسوب می شدند.[۱]

جبهه مشارکت

این حزب پس از انتخابات ریاست جمهوری دوره هفتم در سال ۶۷ تأسیس شد. هسته اصلی آن را دانشجویان پیرو خط امام تشکیل می‌دادند که قرائت انسان‌گرایانه و مشارکت جویانه‌ای از اسلام سیاسی داشتند. شعار عمده آنان "ایران برای همه ایرانیان"، معنویت‌گرایی و آزادی بود. دبیرکل حزب، محمدرضا خاتمی بود که در سال ۱۳۸۵ جای خود را به محسن میردامادی داد. از دیگر فعالان حزب، سعید حجاریان، رمضان‌زاده، تاج‌زاده و محسن امین‌زاده را می‌توان نام برد. شماری از اعضای این گروه بدلیل اقدام علیه امنیت ملی و مشارکت در مسائل بعد از انتخابات سال ۸۸، تحویل مقامات قضایی جمهوری اسلامی شدند.

انصار حزب الله

این گروه در دهه ۷۰ خورشیدی برای دفاع از نظام، ارزشهای اسلامی، حفظ دستاوردهای انقلاب، جلوگیری از فضا سازی‌ها و همچنین بر پایه آنچه که امر به معروف و نهی از منکر می‌خواند، شروع بکار کرد. انصار از درون هیأت‌های رزمندگان عضوگیری می کرد. نشریه یاالثارات بعنوان ارگان رسمی آنها شناخته می‌شد.[۲]

حزب اعتدال و توسعه

گفتمان محوری این حزب توسعه و سازندگی، عدالت و عقلانیت، تعامل و مشارکت حداکثری... بود. آقایان محمد خاتمی و محمد باقر نوبخت دبیرکلی این حزب را بر عهده داشتند و از موبسوی در انتخابات ریاست جمهوری حمایت کرده بودند.

---

۱ - ظریفی‌نیا، حمیدرضا (۱۳۷۸)، کالبد شکافی جناح‌های سیاسی ایران، چاپ دوم، انتشارات آزادی اندیشه، ص ۷۰.
http://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A7%D9%86

Scanned by CamScanner

از دیگر احزاب و تشکل‌های سیاسی پس از انقلاب اسلامی که قصد معرفی آنها را نداریم مانند: کارگزاران، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، حزب اعتماد ملی، جبهه پایداری اسلامی... را می‌توان نام برد که هرکدام در فضای رقابت انتخاباتی بشکل ضعیف‌تری باقی ماندند یا دچار انشعاب شدند یا اینکه فعالیت‌شان رسماً غیر قانونی اعلام گردید.

به هر روی، کارنامه احزاب از نظر فلسفه وجودی و مواضع گروهی و ادامه حیات سیاسی با پیچیدگی‌های فراوانی همراه است که این عدم ثبات جزء ذاتی احزاب در ادوار مختلف تاریخی بویژه برای جوامع در حال گذار است. چنانچه الگوی قبض و بسط تعامل نهادهای مدنی بخواهد با ساخت سیاسی قدرت مورد ارزیابی قرار گیرد، مشابهت نزدیکی با تجربه تحزب بسیاری از کشورهای غربی دارد.

پرسش فصل چهارم

۱- نقش کارکردی و ضرورت وجود احزاب را بنویسید

۲- انواع احزاب و جریان‌های فکری و سیاسی عمده قبل و بعد از انقلاب اسلامی را فقط نام ببرید

۳- یکی از جریان‌های فکری چپ را معرفی کرده (از حیث تفکر، کادر رهبری، شیوه مبارزه، عملکرد سازمان) و دلیل عدم موفقیت و ناکامی آنرا بنویسید

پژوهش فصل چهارم

۱- دلایل ناکامی گروههای فکری و سیاسی چپ در ایران را مورد بررسی قرار بدهید

۲- چالشهای ایدئولوژیکی و راهبردی سازمان مجاهدین خلق را پس از سالهای انقلاب اسلامی مورد تحلیل و ارزیابی قرار بدهید

۳- حزاب مستقل نسبت به احزاب وابسته به دولت از چه مزایایی برخوردار است

Scanned by CamScanner

فصل پنجم
ظرفیت ها و منابع تشکیل دهنده انقلاب

مقدمه

از آنجایی که انقلابها نتیجه‌ی نارضایتی و شکاف و برخورد دو حوزه‌ی نهاد قدرت با جامعه می باشد در ابتدا بایستی منابع و ظرفیت‌های هر یک از آنها بطور دقیق مورد مطالعه و بررسی قرار بگیرد.

قدرت رژیم بر توان نظامی و اقتصادی، پایگاه مردمی و میزان مشروعیت سیاسی و حمایت بین‌المللی وابسته است. از سویی دیگر قدرت اجتماعی و توان انقلابیون، وابسته به فرهنگ سیاسی، شبکه روابط اجتماعی، انسجام سازمانی و رهبری می باشد. چنانچه سطح برخورداری رژیم از منابع موجود در مقایسه با نیروهای مخالف حکومت، بیشتر باشد در این صورت انقلابیون قادر به انهدام رژیم و دستیابی به قدرت نخواهند بود اما در کنار ضعف ایدئولوژی حکومت و ناتوانی در توجیه آن، میزان کامیابی فکری و ایدئولوژیکی پایگاه انقلاب نیرومندتر باشد آنگاه جریان مبارزه به سود انقلابیون رقم خورده و فروپاشی حکومت را به همراه خواهد داشت.

در پاره‌ای از حکومت‌ها، بدلیل چندگانگی دستگاه سیاسی و استحاله نظام از درون و یا ایجاد فشار خارجی ناشی از هجوم نظامی (نظیر تحلیل قوای نظامی اتحاد جماهیر شوروی سابق در آستانه جنگ جهانی اول) پایه‌های قدرت سُست و ناپایدار گشته و با کمترین هزینه و ایجاد فشار از سوی مخالفین، دولت ساقط خواهد شد. امّا رژیم‌هایی که از ثبات سیاسی برخوردار باشند و ابزار سرکوب نیرومندی داشته باشند و یا از سوی قدرت های خارجی مورد حمایت واقع شوند، بدون شک انقلابیون نیازمند عناصر قوی ایدئولوژیکی، تشکیلاتی و رهبری توانمند- نظیر ایران- می باشند تا به شیوه‌ی موثر و شکننده دولت را ساقط کنند.

Scanned by CamScanner

با اذعان به چند علیّتی بودن وقوع انقلاب و نقش احتمالی متغییرهای گوناگون در بسیج انقلابی، در این فصل سه اصل مهمی که در انقلاب اسلامی ایران یا دیگر انقلابها به درجات مختلف نقش سازنده ای دارند بشکل مجزا و دقیق مورد بررسی و مطالعه قرار می گیرد.

Scanned by CamScanner

سه رکن اصلی منابع انقلاب: ایدئولوژی، رهبری، سازماندهی

الف) ایدئولوژی

ایدئولوژی به نظام فکری، باورها، اندیشه‌ها و آرمان‌های جامعه گفته می‌شود که هدف را توجیه و تفسیر می‌کند. نشانه‌های اصلی آن شعارها، نمادها و ارزشهای مسلط تاریخی می باشند. نظام های ایدئولوژیکی تحت شرایط سنت فکری، دانش فلسفی و جهان بینی اعتقادی قرار دارند.

ایدئولوژی بستر نظری و سازه فکری انقلاب است و اساساً توسط روشنفکران و تئوریسین-های جنبش اجتماعی ساخته می شود و به مثابه بزرگترین نیروی محرکِ عمل سیاسی و نقشه‌ی راهنما برای گزینش و تفسیر واقعیت بکار رفته و به مردم این امکان را می‌دهد که موقعیت خود را بهتر تعریف کرده و معنی و مفهوم آن را درک کنند. ایدئولوژی با فراهم ساختن تصویری از جهان و هویت بشر، راهنمای عمل در واکنش به پدیده های سیاسی و اجتماعی است. ایدئولوژی در پیدایش روحیه انقلابی، شناخت ارزشها و شکل‌دهی فرهنگ سیاسی سهم بسزایی دارد.

در پاره‌ای از اوقات ایدئولوژی‌ها خصلتی ارتجاعی و محافظه کارانه پیدا کرده و تلاش خود را در حفظ وضع موجود و مقاومت در برابر تغییرات بکار می‌بندند. به همین خاطر برخی تحلیل-گران، ایدئولوژی را نظام فکری غالباً دروغین و مخدوش کننده‌ای می‌دانند که نخبگان اجتماعی آن را تولید می‌کنند. به عقیده "هابرماس" متفکر معاصر، ایدئولوژی توسط نظام سیاسی تولید شده و جریان سلطه را مشروع می سازد. آنگاه با قدسی شدن چهره سیاست، کسی پی نخواهد برد که در پشت پرده چه اتفاق‌هایی می‌افتد.[1] ایدئولوژی ها با قرائت چپ و رادیگالی، نیل به تغییرات انقلابی و زیربنایی دارد و به قول "موسکا" در غالب فرمول سیاسی عمل می کند.

ایدئولوژی به تغییرِ زندگی از آنچه هست و به آنچه باید باشد، را به انسان آموخته و بیشترین نزدیکی و همپوشانی را با مجموعه دین دارد.[2] از رابطه قدرت با دستگاه فکری و نظام عقیدتی، این نکته با نگاه تاریخی همواره درخور توجه است که یکی از قدیمی‌ترین و متداول-ترین شیوه‌های اعمال سلطه بر دیگران، انتساب قدرت به یک ماخذ قدسی است. فراعنه مصر خود را خدا و اطاعت از خویش را امری واجب می دانستند. پادشاهان ایران زمین انتساب قدرت

۱- ریتزر، پیشین، ص ۲۰۶. - برای مطالعه بیشتر از مبحث ایدئولوژی، مراجعه کنید به کتاب ما رایش " فصل دهم.

۲- شجاعی زند، علیرضا، [illegible]

Scanned by CamScanner

را به ذات باری تعالی با روشهای حکیمانه‌تری همراه می‌ساختند که بیشتر یادآور اطاعت از خداوند بود تا غصب مقام کبریایی او.

داریوش در کتیبه‌های خود اهورامزدا را سپاس می‌گوید که خداوند زمین و ماه را آفرید و او را به پادشاهی بخشید. اربابان کلیسا در قرون وسطی به گونه‌ای ناشیانه، قدرت خود را به عیسی مسیح یا روح‌القدوس نسبت می‌دادند و پایه های نظری ظلم و ستم بر مردم را فراهم می ساختند. بدین ترتیب ایدئولوژیها همبستگی اجتماعی را تضمین و سلطه سیاسی را تسهیل می کنند و زمانی آشکارتر خواهد شد که ظلم ردای دین را بر تن کند.

با عطف به مباحثی مقدماتی که پیرامون ایدئولوژی داشتیم در ادامه سعی داریم ایدئولوژی دهه‌های پیش از انقلاب را بر اساس خاستگاه نظری و کیفیت رقابت با جریان‌های فکری رقیب پیگیری و دسته‌بندی کنیم.

چهار ایدئولوژی عمده در جریان مبارزه انقلاب اسلامی عبارتند از:

۱- ناسیونالیسم و یا ملی‌گرایی ۲- سوسیالیسم یا همان مرام اشتراکی و اقتصاد دولتی ۳ – لیبرالیسم یا تجددگرایی و آزادی خواهی ۴- ایدئولوژی مذهبی در پیوند با آرمان توحیدی و حاکمیت الهی

الف. ایدئولوژی ناسیونالیسم یا ملی‌گرائی

این تفکر از یک سو ریشه در گفتار رسمی رژیم پهلوی و یا برخی نحله‌های روشنفکری و وطن پرستان داشت، بر ایرانی‌گرایی، هویت تاریخی، افتخارات امپراطوری کوروش پادشاه هخامنشی، ستایش تاج و تخت و اصالت قائل شدن به زبان، نژاد و قومیت... داشته و عموماً در پیوند با تمدن پیشینیان، تقویت حس بیگانه ستیزی و تضعیف ارزشهای دینی مورد بهره‌برداری قرار می‌گرفت.

ب. ایدئولوژی چپ سوسیالیسم

مبانی نظری این ایدئولوژی، ریشه در فلسفه‌ی تاریخ مارکس و نظریه انقلاب لنین قرار دارد که در مخالفت با نظام سرمایه داری و ممالکیت خصوصی است. این دیدگاه دین را افیون توده و جزء روبناهای فکری و فرهنگی جامعه می‌داند که طبقه مسلط آن را برای توجیه روابط نابرابر استثماری و به سلطه کشاندن طبقات ستمدیده و کارگر، تولید و بازتولیدش می‌کند. لذا این جریان فکری بویژه در سالهای میانی رژیم پهلوی، بتدریج در محیط دانشگاهی و جامعه کارگری نفوذ یافته و هسته نظری حزب توده و چریک‌های فدائی خلق را تشکیل می داد.

Scanned by CamScanner

دلایل عدم کامیابی ایدئولوژی چپ و مارکسیستی در ایران:

۱- ماهیت غیر دینی این ایدئولوژی و ناسازگاری‌اش با فرهنگ مذهبی جامعه.

۲- وابستگی جریان چپ به بلوک شرق. سابقه مداخله نظامی روس‌ها در عصر قاجار و اشغال سرزمینهای شمالی کشور. پشتیبانی این گروهها از امتیازات نفتی شوروی ... ضریب بی اعتمادی مردم را به جریان چپ افزایش داده بود.

۳- حمایت جریان چپ از گروه‌های گریز از مرکز و تجزیه طلب آذری‌ها و کردها.

ج. ایدئولوژی لیبرالیسم (تجددخواهی)

لیبرالیسم به معنای آزادی خواهی و آزاد اندیشی است. انسان لیبرال به کسی گفته می‌شود که از قدرت آزادی، اختیار و حق انتخاب و تعیین سرنوشت برخوردار باشد. این پدیده غربی در اوایل قرن نوزده از نظام مشروطه اسپانیا طرفداری کرده و به نامگذاری حکومت، سیاست و احزابی اعتقاد دارد که حامی آزادی و مخالف سلطه دیکتاتوری و استبدادی است.[1]

هسته نظری ایدئولوژی لیبرالیسم، ریشه در افکار و آراء فیلسوفانی مانند منتسکیو، روسو، ولتر و دالامبر از روشن‌اندیشان قرن هجده و نوزده دارد. متفکران رُنسانس علمی هر یک جهت-گیری ویژه‌ای داشتند.

ماکیاول به چگونگی کسب قدرت، منتسکیو به مطالعه قوانین، توماس هابز به وجود نظم، ژان ژاک روسو[2] به جانبداری از دموکراسی و جان لاک به اجتناب از هرج و مرج.

لیبرالیسم سیاسی توجه ویژه به حقوق مدنی، آزادی‌های فردی و اجتماعی و تصویری روشن از حاکمیت قانون و تفکیک قوا دارد اساساً در قرن نوزدهم از «لیبرالیسم اقتصادی آدام اسمیت و مکتب منچستر نشأت گرفت. تکیه بر مالکیت خصوصی، آزادی داد و ستد و رقابت و سرمایه-

---

1. maurice craston Libralism in: encyclopedia of philosophy ed: paul Edwards vol.4

۲- روسو در کتاب قرارداد اجتماعی به این نکته توجه دارد که افراد انسانی برای رسیدن به یک اجتماع سیاسی باید از یک سری عرف و قواعد رسمی که بدان تن داده اند، پیروی کنند این مسئولیت از یکسو به حاکمیت واگذار می شود و مردم تا جایی که دولت حقوق انسانی و اخلاقی جامعه را رعایت کند، اطاعت از قوانین ضرورت می یابد. او در جایی می‌گوید« انسان آزاد زاده می‌شود ولی همه جا در بند است» همین عرف، عادت و نهادهای سیاسی‌اند که او را بصورت برده در می‌آورند. شاید این گفته ویلیام به ذهن روسو رسید که «سایه های زندان در پیرامون جوانی و در حال رشد، حلقه محاصره را بر انسان تنگ‌تر می‌سازند». وی حاکمیت را حاصل اجزای تشکل دهنده می دانست، که هر فرد سهمی از آن دارد. قانون اساسی ۱۷۹۳ فرانسه بویژه در ذیل افکار این متفکر و پیروانش قرار داشت. (خداوندان اندیشه سیاسی، جلد ۴، ص ۳۴۱).

Scanned by CamScanner

توانایی بدون دخالت دولت. در حقیقت همخوانی سرشت آزادی سیاسی و آزادی اقتصادی، ایندو را لازم و ملزوم یگدیگر جلوه داده است».[۱]

بعد از شکست‌های پی‌درپی سپاه ایران در جنگ با روس‌ها، تلاش عباس میرزا در اعزام جمعی از دانشجویان به اروپا برای فراگیری علوم و فنون اداری، مهندسی و نظامی، و ارتباط سیاحان، تجار و بازرگانانی که به فرنگ رفته و تحت تأثیر پیشرفت‌های علمی و فنی جهان غرب قرار گرفته بودند، آنها را بر آن داشت که راه پیشرفت، توسعه و رهایی از عقب ماندگی، پیروی از الگوهای غربی و مبارزه با رژیم خودکامه است.

برای رسیدن به چنین اهدافی حفظ اصول و ارزش‌های دینی اهمیتی نخواهد داشت. حتی در پاره‌ای اوقات، باورهای سنتی و اعتقادات دینی را مانع توسعه قلمداد می‌کردند.

پایگاه فکری و اجتماعی این ایدئولوژی، روشن اندیشان، جامعه علمی و فغالان مطبوعاتی بودند. از بانیان این اندیشه در عصر قاجار و نهضت مشروطه، میرزا فتحعلی آخوندزاده، میرزا آقاخان کرمانی، میرزا ملکم‌خان، سید حسن تقی‌زاده و طالبوف را می‌توان نام برد.

یکی از پیامدهای تجددگرایی "سکولاریسم" است[۲] که حوزه دین را از سیاست جدا ساخته رنگاهی تقلیل‌گرا، ناسوتی و شخصی به ساحت دین و مذهب دارد. در مغرب زمین ریشه‌های فکری سکولاریسم را باید در ابعاد مختلفی جستجو کرد. در ادامه بخشی از گفتمان و زمینه شکل‌گیری پدیده سکولاریزم را که به روند جدایی دستگاه کلیسا و دولت انجامید، مورد تحلیل و ارزیابی قرار می‌گیرد.

Scanned by CamScanner

زمینه‌های گسترش سکولاریسم در غرب (برای مطالعه)

۱- مدیریت کلیسا

در قرون وسطی هر دستاورد جدید و علمی‌ای که مغایر با فهم کلیسا و فرضیات اولیه روحانیون بود، مجازات سنگینی در پی داشت. از نمونه‌های بارز آن محاکمه گالیله(۱۶۳۳) به جرم دفاع از نظریه کُپرنیک و کِپلر[۱].

« روایت مشهور شورای مقدس کلیسای کاتولیک رومی، در محکومیت خورشید محوری عالم، از منظر کُپرنیک بعنوان یکی از نزاع‌های میان معارف بشری و سنت مسیحی در غرب و حتی مباحث نظری هیوم، دکارت، کانت و تجربه‌گرایان پیرو مکتب پوزیتیویسم شناخته می‌شود»[۲].

بعلاوه دادگاه‌های تفتیش عقاید، فرمان سوزاندن بدعت‌گذاران، گناهکار دانستن تمامی انسانها از بدو تولّد، دریافت پول در قبال دعا و آمرزش نامه، عصمت پاپها... را می‌توان در نظر گرفت.

۲- تعالیم مسیحیت و دیدگاه انجیل

طبق اندیشه اگوستین قدّیس راهبِ مسیحی (۴۳۰-۳۵۴م) شهر خدا "معنویت و قیامت" و شهر زمین "حکومت و سیاست" جدای از هم‌اند و بحث سیادت معنوی پاپ و هیبت نظامی شهریار سرآغازی بر جدایی دین از سیاست شد. در کتاب مقدس مسیحیان به نقل از عیسی مسیح و پاسخش به پرسش رسالت ایندو، ایشان فرمودند: سهم مسیح را به مسیح و سهم قیصر را به قیصر بدهید.[۳] از طرفی نخستین مسیحیان هم بر این باور بودند که خداوند دولت را بعنوان کیفر گناه انسان در نتیجه هبوط آدم از فیض خداوندی در باغ عدن بر انسان مقرّر کرد. لذا انقلابهای سده هفدهم و هجدهم به نام مردم علیه بهانه‌های الهی استبداد پادشاهی رخ دادند.

۱- هم کُپرنیک. Nicolaus Copernicus (1473-1543) و هم گالیله (1564-1642)، کشیش یا متدین مسیحی بودند که یافته‌های علمی آنان، پیش از آنکه با سنت دینی مسیحی ناسازگار باشد، با نظام ارسطوئی و نجوم بطلیموسی مغایرت داشت. گالیله معارف علمی و معارف دینی را از یگدیگر متمایز ساخته و طبیعت را منبع معرفت علمی و دین را منبع معارف عرفانی می‌دانست (گوستلر، ۱۳۶۱: ۵۶۸ و وستفال، ۱۳۸۷: ۱۵۳).

۲- محمدرضا قائمی نیک، مقدمه‌ای بر پژوهش ...

۳- انجیل یوحنا، باب ۱۸، آ...

Scanned by CamScanner

۲- نهضت اصلاح دینی

این جنبش با آغاز رنسانس دینی جوامع اروپایی، به کوشش مارتین لوتر راهب آلمانی و تالوبن فرانسوی آغاز شد آنها تلاش خود را در رد باورهای غلط اسطوره‌پردازی و خرافه‌اندیشی و ارائه تصویری روشن از آئین مسیحیت بکار بستند.

برآیند این نظریه، تدریجاً به تفکیک دین از حوزه سیاست و به حاشیه رفتن کلیسا و ارجاب روحانی انجامید. وجود انشعاب در فرقه‌های سه گانه‌ی کاتولیک‌ها و "ارتودوکس سنتی" که معتقد به لایتغییر بودن قواعد دینی‌اند و آئین "پروتستان" قائل به اصلاحات روبنائی در مبانی دینی و همچنین تقلیل مذهب در سطح فردی و ناسوتی و باور به این اصل که انسان بدون وساطت اصحاب کلیسا می‌تواند به سعادت و فضایل اخروی نائل آید، را در پی داشته است.

عبارت معروف "هر مؤمنی روحانی خویشتن است" و دیگر برداشت‌های نواندیشانه بعنوان چارچوب اعتقادی عصر رنسانس و اومانیسم غرب محسوب می‌شود که پیوند نزدیکی با نوشته‌های اصحاب اندیشه قرارداد اجتماعی هابز، لاک، روسو و فرانسیس بیکن دارند.

مارتین لوتر **Luther martin** (۱۴۸۳ تا ۱۵۴۶) دهقان زاده‌ای بود در مقام کشیش، که انجیل را به زبان آلمانی ترجمه کرد. وی استاد دانشگاه در رشته فلسفه و بانی آئین پروتستانیزم مسیحیت[1]، بویژه در اتریش و آلمان شناخته شده که پیروانش هم به لوترانیزم (**Lutheranism**) و فرقه زاهدان سن آگوستین(۱۵۱۷) پروتستان معروفند. او آشکارا با پاپ‌ها و کشیشانی که از مردم پول دریافت می‌کردند بشدت مخالفت می‌ورزید.[2]

علاوه برسه جریان یاد شده سایر مواردی که بر کاهش قدرت کلیسا[3] در غرب کمک کرد:

«پیدایش دولتهای ملی، زوال نظام فئودالیته، بروز تفرقه در کلیسا، رفرماسیون، شکل‌گیری اندیشه‌های جدید، انقلاب ۱۷۸۷ فرانسه زمان لوئی پانزدهم، بیانیه کنوانسیون ملی در سال ۱۷۹۴ مبنی بر اینکه کلیسا حق دخالت در امور سیاسی را ندارد، قانون ۱۹۰۵ فرانسه بر

۱- فرهنگ معین (۱۳۵۳)، جلد ۶، انتشارات امیر کبیر، ص ۵۰۹۶.

می‌برند و خود را وارث روم ... و فرق

عدم مداخله مذهب در سیاست و... مسائلی بودند که باعث تضعیف دامنه دخالت اصحاب کلیسا شد».[۱]

از لحاظ تاریخی، روشنفکری محصول پیدایش فلسفه‌های مبتنی بر شک و تردید نسبت به عقاید سنتی بود. در تاریخ اروپا اومانیستها نخستین گروه روشنفکری محسوب شده که در پی تخریب مبانی جامعه سنتی و ایجاد طرح و اساسی نو بودند. در عصر رنسانس، راسیونالیسم و روشنفکری، جماعتی شناخته می‌شدند که در جدایی فزاینده علایق دینی از علایق دنیوی و سیاسی اثرگذار بودند.

بخشی از بدنه جریان روشنفکری ایران، پرچمدار مدرنیته و سکیولاریسم بود و بخش دیگر آن تأکید و توجه ویژه‌ای بر اصالت و هویت مذهبی و شیعی داشته و می‌دانستند که بدون در نظر گرفتن فرهنگ تاریخی و دینی جامعه، هرگز نمی‌توان ارتباط موثری با لایه‌های اجتماعی برقرار ساخت. با این توضیح در تاریخ سیاسی معاصر، روشنفکران ایران را می‌توان به ۳ گروه متمایز دسته بندی کرد:

۱- روشنفکران غرب‌گرا (مانند سیدحسن تقی زاده، میرزا آقاخان کرمانی و فتحعلی‌خان آخوندزاده)

۲- روشنفکران غرب‌گریز (احمد فردید و رضا داوری)

۳- روشنفکران تلفیقی (جلال آل‌احمد، علی شریعتی و عبدالکریم سروش).

به هر روی جریان روشنفکری با توجه به مشکلات تئوریکی، همواره در سیر تحولات تاریخی و دفاع از حاکمیت قانون، حقوق اجتماعی و بسط فضای باز سیاسی، نقش موثری ایفا کرده و همدوش با علما و روحانیون در پیدایش ایدئولوژی انقلاب و بسیج سیاسی علیه دولت پهلوی، گام‌های ارزنده‌ای برداشته است.

۱- بشیریه، حسین (۱۳۷۷)، جامعه‌شناسی سیا

Scanned by CamScanner

۵. ایدئولوژی مذهبی

ریشه‌های فکری این جهان‌بینی را باید به ظهور اسلام در سرزمین وحی، شبه جزیره عربستان (مکه و مدینه) جستجو کرد. دین اسلام در امتداد سایر ادیان ابراهیمی یهودیت، زرتشتیت و مسیحیت، بعنوان آخرین و کامل‌ترین شریعت توسط خداوند به پیامبر خاتم، برای سعادت ابنا بشر فرستاده شد نامه های پیامبر به سران کشورهای روم (هرقل)، حبشه (نجاشی)، ایران (خسرو پرویز) و رهبران قبایل یهودی و مسیحی نشان از جهان‌شمولی آن است.

هنگام ظهور اسلام، کیش زرتشتی، یهودی، مسیحی، مانوی، صابئی و مزدکی در ایران رواج داشت و پادشاهان ساسانی خود را برتر از دیگران و فرزندان خدا و صاحب شخصیتی ربانی می دانستند. با ورود اسلام به ایران در زمان عمر خلیفه دوم مسلمین، سپاهیان اسلام تحت فرماندهی سعد وقاص در جنگ قادسیه بر سپاه ایران به فرماندهی رستم فرخزاد غلبه کرده و اعراب خود را به پایتخت تیسفون رساندند. از دست دادن خلاقیت ایرانی عصر هخامنشی و اشکانی و تعدیل توان نظامی ایران در جنگ پیشین ساسانی با رومیان و ضعف سازمانی و نظام طبقاتی... حتی با بهره‌گیری از شمار سربازان بیشتر، سرانجام بعد ۵ سال در جنگ نهاوند اعراب مسلمان توانستند بر سپاه خسرو پرویز پیروز شوند. نتیجتاً مردم ایران به دین اسلام روی آورده و فصل نوینی در حیات فرهنگی و ایدئولوژیکی ایران گشوده می‌شود.

در عصر صفوی (۱۱۳۵-۹۰۵) تشیع مذهب رسمی کشور شناخته شده و بتدریج جایگاه دین در کشور طی ادوار تاریخی نیرومندتر می‌شود. در ارزیابی سیاسی، اغلب جنبش‌های ضد استعماری علیه غرب، توسط شیعیان صورت می‌گرفت و یا از پشتیبانی مراجع شیعی برخوردار بود. اصل امامت و رهبری جامعه در غیاب امام عصر به نیابت فقهای شیعه، نشانی از فرهنگ مذهبی و مدنی مردم کشور در عرصه‌های گوناگون تاریخی است.

جهان‌بینی توحیدی و اسلامی هرگز محصور به سطوح ملی و منطقه‌ای نبوده بلکه ابعاد معرفتی آن در دنیای معاصر و جهان مدرن خالی از لطف نیست. «گزایش به دین و توجه به مقتضیات آن بار دیگر در جهان مدرن، مورد اقبال قرار گرفته است. سازمان‌ها و نهادهای دینی و اجتماعی جان دوباره‌ای گرفته و اقبال بیشتری نسبت به عضویت در این سازمانها پدید آمده است. باورهای دینی به طور فزاینده‌ای خود را بر مناسبات زندگی مدرن تحمیل کرده و تصمیم‌سازان و سیاستگذاران را مجاب به پذیرش ملاحظات خود می‌کنند... نظریه‌پردازان نسبت به دین متواضع‌تر شدند تا جائیکه روشها و تکنیک‌های مختلف فهم دینی در حوزه تاریخ

Scanned by CamScanner

دین، روان‌شناسی دین، فلسفه دین، زبان‌شناسی و پدیدارشناسی دین[1] جایگاه پژوهشی ویژه‌ای در محافل فکری دنیای امروزی پیدا کرده است ».[2]

اسلام به عنوان یک ایدئولوژی و فرهنگ در کانون روحانیت و مرجعیت شیعه، رابطه فکری و معنوی محکمی با مردم بست. مبارزه علیه استعمار خارجی و استبداد داخلی در مقاطع مختلف تاریخی، مذهب ردای مبارزه علیه ظلم و ستم را به تن کرد و در عصر حاضر با احیای تفکر دینی و طرح حکومت اسلامی در مقطع سرنوشت‌ساز تاریخی، موفق به رهبری جنبش مدنی ایران شد.

دلایل برتری ایدئولوژی مذهبی بر ایدئولوژی‌های رقیب

۱- همخوانی با هویت دینی و تاریخی مردم ایران

۲- نفوذ علما و مراجع در لایه‌های سیاسی و اجتماعی

۳- سابقه مبارزه مذهب با ظلم و بی عدالتی، خاصه با مراجعه در رفتار عملی امامان شیعه

۴- بهره‌گیری از پایگاه‌های نیرومندی چون مساجد، تکایا و هیأت‌های مذهبی[3]

ب) رهبری (leedership)

در منازعات سیاسی، نظامی و فرهنگی نقش رهبری فوق‌العاده مهم و حیاتی است. کیفیت تعامل رهبر با توده، میزان مشروعیت و پایگاه اجتماعی رهبر برای تحقق اهداف و برنامه‌های انقلاب و بسیج سیاسی حائز اهمیت می باشد. در پاره‌ای از نهضت‌های انقلابی جهان، پرچم رهبری در دست شخص و یا جمعی از فعالان ارشد سیاسی قرار داشت.

در نیکاراگوئه گروهی ۱۲ نفره از جبهه ساندنیستها مشعل رهبری نهضت را بر عهده گرفته بودند. در روسیه لنین و تروتسکی و البته در ایران و چین... رهبری در دستان شخص واحدی (امام خمینی (ره) و مائوتسه دونگ) قرار داشت. اصولاً تئوریسین‌های انقلاب می‌توانند

---

1 -phenomenology of religion

۲- حسین کچویان، حقیقت دین و جایگاه محقق دین از منظر پدیدارشناسی کلاسیک، ۱۳۸۸، فصلنامه علمی- پژوهشی شماره ششم، صص ۷۰-۷۱.

۳- وجود ۸۰ هزار مساجد، تکایا و هیأت‌های مذهبی. سال ۱۳۵۴ تنها در تهران بیش از ۱۱۴۰ باب مسجد شناسایی شده و ۱۲۳۰۰ هیئت مذهبی در ایام محرم و رمضان تشکیل می‌شد. تعداد طلاب قم در همین سال به حدود ۱۸۰۰۰ نفر و کتب مذهبی منتشره در سالهای ۵۲-۵۰ به ۱۷۰۰ عنوان می‌رسید.

Scanned by CamScanner

شخصیت‌های متفاوتی باشند. به عنوان مثال، بنیان انقلاب روسیه را از لحاظ اندیشه سیاسی، فعالانی چون مارکس و انگلس پایه‌ریزی کردند. در ایران دکتر شریعتی و شهید مطهری از چنین شخصیت‌های فکری و سیاسی بودند که در تکوین تئوری انقلاب نقش برجسته‌ای ایفا کرده بودند.

مسئولیت‌های رهبری در جنبش انقلابی شامل: تلاش موثر در هدایت سیاسی و ایدئولوژیکی انقلابیون، به چالش کشاندن حکومت مستقر، ایجاد شور و روحیه انقلابی در مردم با تقویت فرهنگ سیاسی مخالف، تنظیم استراتژی مبارزه، طرح و تبیین حکومت آتی از کارویژه‌های رهبری است.

Scanned by CamScanner

سه الگوی رهبری از دیدگاه ماکس وِبر:

۱- رهبری سنتی (traditional ledership)

این نوع رهبری بر پایه امتیازات اشرافی و موروثی، قومیت، نژاد و روابط خویشاوندی قرار دارد. از آنجا که سیاست سنتی در عمل به شخصی شدن گرایش دارد، دستگاه دیوانی حکومت سنتی اغلب متشکل از وابستگان، خویشاوندان و خدمتکاران شخص حاکم است. در این سیستم، کسب منصب بیشتر به نزدیکی و خویشاوندی با شخص حاکم بستگی داشته و در نهایت نوع سلطه پیوند عمیقی با شیوه سنتی پیدا می‌کند.

۲- رهبری قانونی (logical ledership)

این نوع رهبری بر اساس معیارهای رسمی و قانونی شکل می‌گیرد اصولاً در عرصه انتخابات، اقتدار نظام وابسته به مشارکت و حمایت مردم است. در این حالت، نوع سلطه شکلی قانونی پیدا می‌کند. در نظر "وِبر" نظام بوروکراسی نمونه عالی عقلانیت قانونی است.[۱]

اقتدار عقلانی مبتنی بر حاکمیت قانون، در جوامعی یافت می‌شود که احترام به قانون به یک رویکرد اخلاقی بدل شده و یا قانون مبنای مشروعیت حکومت شناخته شود. مردم از حکمران زمانی اطاعت می‌کنند که او عملاً نشان دهد تابع و مجری کامل قانون است. در نظر وبر اقتدار عقلانی مبتنی بر بوروکراسی است. در نظام دیوان سالاری، کارگزاران از نظر شخصی آزادند و در نظام سلسله مراتبی تابع تعریفی مشخص و گزینش تخصصی قرار می‌گیرند.

۳- رهبری کاریزماتیک (charismatic)

حالت کاریزمایی با اتکاء به نیروی معنوی و ایجاد رابطه درونی رهبر با پیرو شکل می‌گیرد در مرحله نخست مشبع مشروعیت فره ایزدی بوده که بتدریج می‌تواند وجهه قانونی پیدا کند. رهبری کاریزما معمولاً در شرایط فشار و اضطرار روانی، فیزیکی، اقتصادی و مذهبی ظهور می‌کند. کاریزما اساساً برخاسته از نیاز دائمی انسان به تعریف زندگی خویش و واقعیت جهان و جامعه است و پاسخی به مسئله معنا و غایت، به عنوان پیامبر یا رهبر سیاسی و مذهبی خود را عرضه می‌کند.[۲]

۱- بشیریه، حسین، (۱۳۷۷)، جامعه‌شناسی سیاسی، نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی؛ نشر نی، چاپ چهاردهم، صص۵۸-۶۰

۲- بشیریه، همان، ص ۶۱

Scanned by CamScanner

حضرت امام (ره) بعنوان معمار انقلاب اسلامی، از شأن معنوی و کاریزماتیکی برخوردار بوده و طی سالهای مبارزه محبوبیت و جایگاه ویژه‌ای نزد مردم کسب کرد. در آستانه پیروزی انقلاب و تشدید سرکوب، با وجود قانون اضطرار و حکومت نظامی در برخی از شهرهای بزرگ، ایشان با ارسال پیام و صدور بیانیه، مردم را دعوت به ادامه اعتراضات و حضور در خیابان‌های شهر و شکست حصر نظامی رژیم فرا خوانده و از سربازان، درجه داران و افسران یگانهای نظامی خواست سلاح‌های خود را به زمین گذاشته و از پادگان‌ها خارج شده و به صف انقلابیون بپیوندند، موضوعی که مورد استقبال جمع کثیری از نظامیان قرار گرفته بود.[1]

با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در فروردین ۱۳۵۸ از طریق مراجعه به آراء عمومی با اخذ ۹۸/۲ ٪ رأی، به عنوان منشور ملی به تصویب رسید. اصل ۱۰۹ این قانون شرایط رهبری را چنین بیان می‌کند: قدرت فقاهت، عدالت و تقوا، تدبیر، شجاعت و بینش سیاسی.

در اصول ۱۱۰، ۱۳۰ و ۱۳۱ قانون اساسی وظایف و اختیارات مقام رهبری عبارتند از: تعیین سیاست‌های کلی نظام پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت و عضویت اعضاء ثابت مجمع در شورای بازنگری قانون اساسی، فرمان همه‌پرسی، فرماندهی کل نیروهای مسلح، اعلام جنگ، صلح و بسیج نیروها، امضاء حکم تنفیذ رئیس جمهور و یا عزل رئیس جمهور پس از رأی عدم کفایت سیاسی از سوی مجلس و دیوان عالی کشور، عفو و بخشش زندانیان با پیشنهاد رئیس قوه قضائیه، تعیین ۶ تن از فقهای شورای نگهبان و انتخاب یکی از آنها برای عضویت در شورای رهبری، نصب رئیس سازمان صدا و سیما، نصب و عزل و قبول استعفای فرماندهان عالی نیروهای نظامی و انتظامی و ...[2]

ج) سازماندهی (organization)

قدرت بسیج بیش از هر چیزی به توانایی و کیفیت سازماندهی بستگی دارد. نوع سازماندهی در پهنه جغرافیایی و قشری قابل ارزیابی است. سطوح قشری دلالت بر مشارکت و بسیج سیاسی (politic mobilization) جامعه معلمان، دانشجویان، اساتید، روحانیون و بازاریان... دارد و بُعد جغرافیائی جنبش انقلابی، ناظر به گستره نقاط شهر، شهرستان، مراکز استانی و

۱- برای اطلاع بیشتر مراجعه شود به پانویس فصل دوم مبحث تئوری‌ها.

۲- مهدی نظ... انتشار معارف، ص‌ص ۱۰۰ و ۱۰۱.

Scanned by CamScanner

پایتخت است. چنانچه پهنه اعتراضات عمومی شعاع وسیع‌تری بخود گیرد، امکان کنترل و سرکوب مخالفین توسط حکومت سخت و دشوار میشود.

کیفیت سازماندهی در روند موفقیت انقلاب به عوامل زیر بستگی دارد:

۱- میزان شعور سیاسی جامعه

۲- وجود شبکه‌های ارتباطی

۳- دسترسی به منابع مالی

۴- وجود حداقل آزادی

برا ین اساس، هرچه دانش سیاسی و اجتماعی مردم بالاتر باشد و فعالان سیاسی و مدنی بتوانند از راه شبکه های ارتباطی (تلفن، ماهواره، اینترنت، فضاهای مجازی ...) با همدیگر ارتباط برقرار سازند و از حمایت مالی و اسپانسرها برخوردار باشند توان بسیج سیاسی افزایش می یابد. چنانچه فضای جامعه کاملاً امنیتی شود و آزادی تجمع و اعتراض و نتقاد از حکومت سلب گردد آنگاه مبارزه انقلابیون حالت پنهانی، زیر زمینی و خشونت‌آمیز پیدا کرده و در نتیجه میزان تلفات انسانی انقلاب و نبرد شهری هم افزایش می یابد.

قابل توجه است در انقلاب اسلامی سال ۵۷ زمینه‌های لازم در ۴ مولفهِ سازماندهی ذکر شده برای انقلابیون و جنبش فراگیر سیاسی فراهم شده بود.

Scanned by CamScanner

بخش دوم: توصیف و تحلیل بعد از انقلاب

پس از انقلاب اسلامی و گفتمان دولت‌ها (تشکیل نهادها، حوادث و چالشها و دستاوردها)

بدیهی است پس از سقوط رژیم قبلی، مهمترین اقدام انقلابیون، تشکیل شورای انقلاب، تشکیل دهی دولت انتقالیِ موقت برای تثبیت نظام طی سالهای۵۹-۵۷ بود. این شورا با هدف مساعد ساختن زمینه انتقال قدرت، تأسیس نهادهای جدید، برگزاری انتخابات ریاست جمهوری و تشکیل خبرگان قانون اساسی کشور از راه رفراندوم عمومی مسئولیت داشت تا با داشتن چنین ظرفیتی از اهداف و دستاوردهای انقلاب و دولت جدید پاسداری نماید. اساساً برای این منظور بایستی مجموعه قوانین و برنامه‌های مشخصی در سیاست اجرایی کشور قرار می‌گرفت.

عمده‌ترین **حوادث و چالشهای** گوناگون داخلی و خارجی که انقلاب اسلامی در سالهای نخست پیروزی در ابعاد عقیدتی، قومی و امنیتی با آن روبرو شد عبارتند از:

"تسخیر سفارت آمریکا" در ۱۳ آبان ۵۸ توسط جمعی از دانشجویان پیرو خط امام (که بعدها از آن بعنوان انقلاب دوم یاد شد) در این ماجرا ۵۲ نفر از کارکنان این سفارت ۴۴۴ روز را در اختیار ایران بودند. مسئله‌ای که تنها با گذشت دو روز، ۱۴ آبان همین سال به استعفا و کناره‌گیری دولت موقت **"مهندس بازرگان"** انجامید. ضمن اینکه تاثیر فوق‌العاده‌ای بر سیاست خارجی کشور و افزایش تنش‌های دو دهه بعد از انقلاب را بهمراه داشت. پیرو آن "ماجرای طبس" و ناکامی طرح عملیاتی آمریکا در اردیبهشت ۵۹، همچنین افزایش تهدیدات چند جانبه بر انقلاب اسلامی تا جایی پیش رفت که امام ضرورتاً ۵ آذر ۵۸ فرمان تشکیل ارتش ۲۰ میلیونی را صادر کردند.

از دیگر رخدادهای سالهای اولیه انقلاب، "کودتای ناموفق پایگاه هوایی نوژه" همدان در سال ۵۹، اتخاذ رفتار ستیزه‌جویانه جریان‌های فکری و سیاسیِ سازمان مجاهدین خلق، پیکار و اقلیت‌های قومی و مذهبی با انجام عملیات "بمب‌گذاری و ترور" تنی از چهره‌های شاخص سیاسی، عقیدتی و فکری انقلاب، فشارهای سنگینی را بر بدنه نهادهای نوظهور وارد کرده و سبب تشدید بحران امنیتی، بویژه در بین اقلیت‌های مذهبی و زبانی مخصوصاً جنگ با "کومله کردستان" و شهرهای ناآرام سنندج، مریوان، کامیاران، پاوه و سقز ... گردید.

Scanned by CamScanner

آغاز "جنگ و تهاجم وسیع نظامی رژیم بعثی عراق" با استعداد یازده لشکر[۱] در شهریور ۱۳۵۹ به ۵ استان مرزی (خوزستان، کردستان، کرمانشاه، ایلام و آذربایجان غربی)[۲] ناهماهنگی در اداره جنگ و مواضع متناقض **ابوالحسن بنی صدر** با رفتار و استراتژی نهادهای تازه تأسیس کمیته و سپاه و دیگر مسائل سیاسی و نظامی، منجر به صدور رأی عدم کفایت سیاسی بنی صدر از مقام ریاست جمهوری در سال ۶۰ توسط مجلس شورای ملی وقت شد.

با خاتمه‌ی کار دولت میانه‌روها، در پروسه انتخابات دومین دور ریاست جمهوری از کل ۱۴۸۰۰۰۰۰ رأی ماخوذه، **آقای رجایی** با کسب ۱۳۱۰۰۰۰۰ رأی، ریاست جمهوری را با نخست‌وزیری **باهنر** بدست می‌گیرد که پس از خدمت خالصانه و عمری کوتاه در عملیات بمب‌گذاری دفتر نخست‌وزیری از سوی جریان ضد انقلاب در ۸ شهریور ۶۰ منجر به شهادت هر دو شخصیت بزرگوار و پایان کار این دولت مذهبی گردید.

بعد از آن نوبت به ریاست جمهوری **آیت‌الله خامنه‌ای** و دولت میرحسین موسوی از سال ۶۰ تا ۶۸ می رسد. دوره‌ای که بیشتر امکانات، منابع و انرژی کشور صرف مدیریت جنگ می‌شده و تلاشهای موثری برای ثبات اوضاع مالی و اقتصادی کشور و تأمین حداقلی نیازهای معیشتی مردم با توجه به تحریم‌های نفتی و تسلیحاتی آمریکا و برخی هم‌پیمانانش صورت پذیرفت. مسئله آزادسازی خرمشهر در عملیات بزرگ بیت‌المقدس در سال ۶۱، بعنوان گامی اساسی در جنگ، سبب تغییر استراتژی عراق و انعطاف دولت متجاوز در پذیرش قطعنامه صادره از سوی شورای امنیت سازمان ملل گردید. بتدریج الگوی اداره جنگ جنبه تدافعی پیدا کرده و با تشدید فشارهای داخلی (انسانی و اقتصادی) و خارجی(سیاسی، امنیتی و دیپلماتیک) بعلاوه حضور ناوهای جنگی انگلیس و آمریکا در آبهای آزاد خلیج فارس تا اینکه رهبر انقلاب حضرت امام (ره) در ۶۷/۴/۲۷ قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت را پذیرفتند و با رایزنی‌های وزرای خارجه

---

۱ - برای اطلاع بیشتر از شروع تا پایان جنگ مراجعه شود به کتاب " آشنایی با دفاع مقدس" اثر دکتر اسماعیل منصوری لاریجانی و کتاب "سیری در جنگ ایران و عراق"، مرکز اسناد دفاع مقدس، کتاب "سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران"نوشته دکتر منوچهر محمدی فصل سوم و همچنین به "فصلنامه تخصصی مطالعات دفاع مقدس" شماره ۳۱ زمستان ۱۳۸۸ فصل‌های ۱ و ۲.

۲- رژیم عراق با بی اعتناعی به روح عهدنامه ۱۹۷۵ (اسفند ۱۳۵۳) الجزایر- در این قرارداد به ۴ بند اشاره شد:

۱) طرفین مرزهای زمینی را بر اساس پروتکل اسلامبول ۱۹۱۳ تعیین می‌کنند.

۲) مرز آبی بر اساس خط تالوگ

۳) تعهد در مرزهای خود و کنترل دقیق به منظور قطع هر گونه رخنه و نفوذ

۴) مقررات فوق عوامل تجزیه ناپذیر برای یک راه حل کلی است. بنابراین هدف عراق در تجاوز به جمهوری اسلامی را می توان در ابعاد ۴ گانه خلاصه کرد: الف) استرداد جزایر سه گانه "تنب بزرگ، کوچک و ابوموسی" ب) تجزیه خوزستان، به دلیل عربی بودن که آنرا جزئی از خاک عراق می دانست ج) از بین بردن انقلاب اسلامی و ترس از الگوبرداری معارضین دولت عراق از ارزش‌های انقلاب د) بدست گرفتن رهبری جهان عرب همانند ادعاهای سرهنگ قذافی دیکتاتور مخلوع لیبی.

Scanned by CamScanner

دو کشور به کمک دبیرکل سازمان ملل متحد "خاویر پرز دکوئه‌یار" و نیروهای حافظ صلح مستقر در نوار مرزی "UN" دو کشور با پیگیری و حل مسائل فیمابین، ۸ سال جنگ نیز خاتمه می‌یابد. مطابق بند ۶ قطعنامه، در ۱۸ آذر ۱۳۷۰ دبیرکل سازمان ملی گزارشی به شورای امنیت، دولت عراق را بعنوان متجاوز و آغازگر جنگ ۸ ساله معرفی کرد.

امام خمینی(ره) پس از عمری خدمت در احیاء اندیشه اسلامی و مبارزه علیه ظلم و بی عدالتی و تأسیس جمهوری اسلامی، سال ۶۸ در سن ۸۷ سالگی دنیا را وداع گفتند. طبیعتاً در این مقطع بحث پرکردن خلاء رهبری و جانشینی در محافل سیاسی و مذهبی مطرح بود که در نهایت مجلس خبرگان رهبری با توجه به سوابق مذهبی و مدیریتی و سایر فاکتورهای لازم، آیت‌الله خامنه‌ای را بعنوان رهبر ایران معرفی کرد. در همین سال ضرورت اصلاح قانون اساسی در شکل و محتوا (نظام دو ریاستی– اختیارت مقام رهبری و رئیس قوه مجریه در ذیل دو فصل و ۴۸ اصل) اصلاح و تغییر می‌یابد.

دولت هاشمی رفسنجانی و گفتمان توسعه اقتصادی (۷۶-۱۳۶۸)

پس از خاتمه جنگ ۸ ساله، کار بازسازی مناطق ویران شده‌ی مرزی در اولویت قرار گرفت. برنامه‌های دولت در مسیر سرمایه‌گذاری بخشهای مختلف تولید و صنعت، پتروشیمی، بنادر، زیرساخت کلان شهرها و تأسیس شهرهای جدید، توسعه مراکز دانشگاهی، راههای بین شهری و... تمرکز می یابد. دولت مرحوم هاشمی با بهره‌گیری از حمایت تشکل‌های مذهبی و ظرفیت دولتی، با تشکیل یک حلقه سیاسی و گروه حامی بنام "کارگزاران" و همچنین صدا و سیما، شهرداری تهران... سعی کرد برنامه‌های کلان سازندگی را پیش ببرد.

توجه و تقویت دولت بر روند سرمایه‌گذاری بخشهای بازار، تجارت، صنعت و طرح تعدیل اقتصادی بعنوان الگویی از نظام بین‌الملل جهت هماهنگ سازی اقتصاد کشور با سیستم سرمایه‌داری بود. لذا این مدل وارداتی متناسب با ساختار اقتصاد بومی کشور نبوده و پیامدهای مختلفی چون: دولت سالاری، سودآوری، دنیا پرستی، سکولاریسم، تجمل‌گرایی و سرمایه-گذاری‌های نامحدود اقلیت پولدار را به همراه داشته و سرانجام با پیدایش دو طبقه ثروتمند و فقیر، ضریب شکاف طبقاتی را در کشور رقم زد.[1]

آیت اله هاشمی از چهره‌های شاخص انقلاب و نظام بودند در طول سالهای انقلاب سمت-های امام جمعه موقت تهران، ریاست مجلس، فرماده جنگ و جانشین فرماندهی کل قوا،

۱- سریع القلم، محمود (۱۳۷۵)، توسعه جهان سوم و نظام بین‌الملل، چاپ سوم، انتشارات سفیر، صص ۵۱-۵۰.

Scanned by CamScanner

ریاست جمهوری و رئیس مجمع تشخیص مصلحت را بر عهده داشتند. وی بر اثر سکته قلبی در سن ۷۸ سالگی در سال ۱۳۹۶ دار فانی را وداع گفتند.

دولت سید محمد خاتمی و گفتمان توسعه سیاسی (۸۴-۱۳۷۶)

در حالی که دولت هاشمی به برنامه‌های اقتصادی اهمیت می‌داد، خاتمی سعی داشت خلاء توسعه سیاسی و مطالبات گروه‌های نوظهور را با طرح شعار توسعه سیاسی، جامعه مدنی و قانون گرایی پر سازد. پیدایش ارزشها و علائق نوین ناشی از پروسه نوسازی اقتصادی دولت قبلی، ظهور نسل جوان و دانشگاه رفته در ابعاد کمی کیفی، عمق شکاف ارزشهای قدیم و سنتی و نسل برآمده از طبقات مدرن را بیشتر ساخته بود. تداوم چنین روندی، اقبال خاتمی را در فضای انتخاباتی و کسب آراء بیشتر نسبت به رقبای دیگر رقم زد.

در این دوره دولت تلاش کرد آزادی‌های سیاسی و مدنی(بیان، قلم و اندیشه) و جذب جامعه مطبوعاتی و روشنفکری و بحث گفتگوی تمدنها را در جامعه بین‌الملل کانونی سازد منتها تداوم چنین سیاستی بدلیل نوپایی و عدم تعریف مناسب از پروژه اصلاحات، افراط و تفریط در رفتارهای سیاسی و عدم ظرفیت پذیرش برخی از لایه‌های اجتماعی و گروه‌های رقیب از سیاستهای او، جملگی سبب تشدید اختلافات، گروه‌گرایی و انشعاب در درون حاکمیت و جریانات ذی نفوذ فکری و مذهبی شد. با شکل‌گیری ناآرامی‌های سال ۸۸ در اعتراض به نتایج انتخابات و حصر خانگی آقایان کروبی و موسوی، خاتمی از سال ۹۲ به دستور قوه قضاییه ممنوع الخروج و ممنوع از تصویر می شوند.

دولت محمود احمدی نژاد و گفتمان عدالت‌خواهی (۹۲-۱۳۸۴)

در دو دوره انتخاباتی، اساس شعارهایش بر محور عدالت‌خواهی، مهرورزی و تجدید ارزشهای اصیل اسلامی قرار داشت به اعتقاد ایشان دو گفتمان پیشین اقتصادی و سیاسی دولت‌های قبلی، برآمده از الگوی بیرونی و سیستم سرمایه‌داری بوده و تداوم آن باعث افزایش فاصله در ارزشهای انقلاب و شکاف‌های طبقاتی گردید. لذا رویکرد اسلامی و ایرانی الگوی مناسبی برای برون‌رفت از چالش‌های موجود خواهد بود. ضمن اینکه رهبر انقلاب اسلامی در خطبه‌های نماز

Scanned by CamScanner

...ه تهران مورخ ۸۷/۶/۳۰ در پیام عدالت‌خواهی انقلاب اسلامی "عدالت و پیشرفت توأمان"
...ه‌برد دهه آینده کشور اعلام کردند.[۱]
...آقای احمدی نژاد برای جلب حمایت بیشتر، بویژه طبقات ضعیف و کم درآمد کشور،
...روع تک رقمی کردن نرخ های تورم و بیکاری و سود تسهیلات بانکی را مطرح ساختند
...ین پرداختن یارانه نقدی و سود سهام عدالت به حساب مردم و حذف تدریجی سوبسیدها
...ر برنامه‌هایشان بود. بدین ترتیب او پیروز انتخابات می شود.
...ر دست گرفتن ریاست قوه مجریه، تمرکز هر چه بیشتر دولت و سیاست‌هایش بر
...فرهای استانی، حذف سازمان برنامه و بودجه و ادغام ۶ وزارت خانه در ۳ وزارت ترکیبی و
...ه وزارت ورزش و جوانان، طرح فراگیر مسکن مهر، گفتمان بومی کردن علم و تکنولوژی و
...سعه دانش و فناوری‌های هسته‌ای را می‌توان نام برد. ضمن اینکه در سیاست خارجی اتخاذ
...وضع واکنشی نسبت به ماهیت وجودی اسرائیل[۲]، انکار پروژه تاریخی هولوکاست[۳]، تقابل با
...یاست آمریکا و شرکاء و حامیان منطقه‌ای‌شان، سفرهای خارجی و دیپلماسی به برخی از
...کشورهای آمریکای لاتین و آفریقایی و... قرار داشت.

در اینده‌وره با بالا گرفتن قیمت نفت، درآمد دولت خیلی خوب بود و پولهای سرگردان
...ولتی در کشور وجود داشت که می توانست بهتر مدیریت و هزینه شود. بیشتر نقدکنندگان
...ین دولت روشن اندیشان و فعالان سیاسی و مدنی هستند و شماری از نیروهای ارزشی و

...قل از کتاب «درآمد تحلیلی بر انقلاب اسلامی، محمد رحیم عیوضی و هراتی، ص ۱۵۰ .

...قی محمود احمدی نژاد رئیس جمهور اسلامی ایران در سخنرانی به مناسبت روز جهانی قدس، آخرین جمعه رمضان ۱۳۹۱ ...بیانند: «وجود اسرائیل توهینی به همه بشریت است».

...هولوکاست "همه سوزی" اشاره به ماجرای یهودکشی هیتلر در ج. جهانی۲ دارد به گواه برخی پژوهشگران، هولوکاست ...وغی محض و صرفاً برای مظلوم‌نمایی صهیونیسم جهت برانگیختن احساسات ملل دنیا به سود خود و کسب وجهه جهانی ...زینه ای برای تأسیس کشور مستقل "اسرائیل" بود. اما به اعتقاد برخی تحلیل‌گران تاریخ از جمله باومن. ۱۹۸۹(نقل از ...تاب نظریه‌های جامعه‌شناسی ریتزر، ص۹۰-۷۸۹) نازیها و ماموران اس.اس، یهودیان مجاری، بلغاری و فرانسوی را با ...مین و قطار به ۳ نقطه معروف نظامی مرگ، اردوگاهای آشوویتس Aushutz، داخائو و تربلینکای لهستان منتقل می‌ ...کردند کارخانه‌ای که مواد خام آن انسان و محصولش مرگ بود! در این مکان مخوف هزاران انسان در رده‌های سنی و ...جنسی مختلف توسط گازهای سمی و دودکش‌ها خفه و جسدشان در کره آدم سوزی خاکستر می شد .

...سازمان ملل در سال ۱۹۴۸ م بر تجزیه خاک فلسطین به دو قسمت "اسلامی عربی" و " یهودی صهیونیستی" رأی ...داد و دولت اسرائیل در دل سرزمین اسلامی و قدس شریف تشکیل گردید! بعدها در جنگ میان اعراب بویژه مصر و سوریه ...با اسرائیل و مهمترین آن در سال ۱۹۶۷ م، که به جنگ ۶ روزه شهرت دارد، اعراب شکست سختی خوردند. هم اکنون ملل ...اسلامی، از این ملت مظلوم حمایت همه جانبه سیاسی و نظامی و مادی می کنند و از سال ۱۳۶۶ جهاد اسلامی تحت عنوان ...انتفاضه" آغاز شد. (نقل از ادیان الهی و فرق اسلامی نوشته ابراهیم زاده و نوری، صص۵۱-۵۰).

Scanned by CamScanner

طبقات روستایی و محروم جامعه کارنامه دولت را مثبت ارزیابی می کنند از طرفی او سعی داشت خود را از گرودنه فعالیت سیاسی خارج نکند و بیشترین حملات خود را متوجه خانواده لاریجانی‌ها ساخت و چند تن از همتایان سیاسیِ نزدیک و وفادار به او، در دستگاه قضاء مورد محاکمه قرار می گیرند.

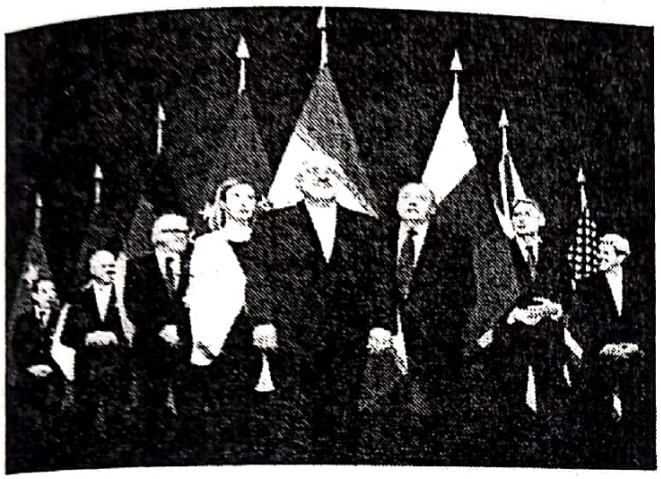

دولت حسن روحانی و گفتمان اعتدال‌گرایی (۱۴۰۰ - ۱۳۹۲)

انتخابات یازدهمین دوره ریاست جمهوری در خرداد ۹۲ برگزار شد که با مشارکت ۷۲ درصدی مردم، دکتر روحانی با کسب ۱۸۶۱۳۳۲۹ رای بر ۵ رقبای خود که اغلب از طیف اصولگرا بودند، پیروز شد.

در دوازدهمین دوره انتخابات نیز رقابت اصلی میان حسن روحانی از گرایش اعتدالگرا و اصلاح طلب با سید ابراهیم رئیسی از اصول گرایان- جامعه روحانیت و جبهه پایداری بود که روحانی با کسب ۲۳۶۳۶۶۵۲ رای- در حالیکه حمایت خانواده هاشمی و خاتمی را با خود داشت، کُرسی ریاست جمهوری را بدست می گیرد.

روحانی دیدگاه معتدل‌تری داشت با تدوین " منشور حقوق شهروندی" عنوان کرد دولت من، نجات اقتصاد، احیای اخلاق و تعامل با جهان است. شعار محوری‌اش دولت تدبیر و امید و اعتدالگرایی بود.

او با رویکرد واقعگرایی در " سیاست داخلی" تاکید بر فراجناحی عمل کردن، شایسته-سالاری کابینه، نقش باز رسانه‌ها، احزاب و تنوع دیدگاه‌ها داشت ضمن اینکه در " سیاست خارجی" معتقد به مبنا قرار گرفتن اصل تعامل و محاسبه هزینه و فایده در نظام بین‌الملل و اتخاذ مواضعی برابر در روابط فی مابین است. ایشان در مصاحبه تلویزیونی کلیدی را بعنوان نماد به مردم نشان داده و امید داد که قادر است مشکلات اقتصادی جامعه را حل کرده و "آنچنان رونق اقتصادی" ایجاد کند !

یکی از تلاشهای اساسی این دولت در سیاست خارجی، رسیدن به حل بحران هسته‌ای و رفع نگرانی‌های بین‌المللی بود تا اینکه توافق جامع هسته‌ای وینِ اتریش، بدنبال تفاهم لوزان در تیر ۱۳۹۴ بین ایران (جواد ظریف، وزیر خارجه و عباس عراقچی معاون امور سیاسی) و

Scanned by CamScanner

اتحادیه اروپا (ریاست خانم فدریکا موگرینی مسئول سیاست خارجی اروپا - گروه ۵+۱ وزرای خارجه چین، فرانسه، روسیه، بریتانیا، امریکا و آلمان به سرانجام رسید. بسیاری از صاحب نظران و کشورهای همسو، برجام را دستاورد بزرگ بین‌المللی می دانستند. رهبر جمهوری اسلامی آیت‌اله خامنه‌ای، ضمن قدردانی از تلاشهای دولت در مذاکرات هسته‌ای، در این زمینه فرمودند: نباید به آمریکا و غرب اطمینان کرد. ایشان الگوی اقتصاد مقاومتی و تقویت تولیدات داخلی را برای توسعه اقتصاد کشور موثر دانستند.

با روی کار آمدن دونالد ترامپ از حزب جمهوری خواهان آمریکا و پیروزی او در برابر خانم هیلاردی کلینگتون از دموکراتها، همواره مواضع بدبینانه‌ای علیه ایران و برجام در سخنانش به وضوح آشکار بود تا اینکه ترامپ در اردیبهشت ۱۳۹۷ رسماً خروج آمریکا از برجام را اعلام کرد. اقدامی که مغایر با مبانی حقوق بین الملل است اتحادیه اروپا هم از این حرکت ابراز تاسف کرد و در درون کشور نیز واکنشهای سخت مسئولان نظام را در پی داشت.

دولت روحانی که سعی داشت تورم را ثابت و تک رقمی نگه دارد با خروج آمریکا از برجام و پیدایش جنگ‌های لفظی میان طرفین و برگرداندن دور جدید تحریم‌ها و محدودیت‌های مالی و بانکی و تأثیر تدریجی آن بر شرکت‌های سرمایه‌گذاری اروپایی و آسیایی و فروش نفت، اقتصاد کشور ایران به شدت تحت شعاع آن قرار گرفته و سایه تورم ۳ -۲ رقمی برخی کالا و گرانی و بی ثباتی بازار ارز و طلا و حتی اقلام دارویی و مصرفی، زندگی مردم کم درآمد را بسیار سخت و دشوار می سازد ضمن اینکه طمع سوداگران داخلی و سلطانهای سکه و ارز و شرایط روانی حاکم بر بازار و جامعه در تشدید قیمت‌ها حائز اهمیت است. تلاش دولت در کنترل بازار و برخورد دستگاه قضا با مفسدان اقتصادی چندان کارساز نبود. بسیاری از مسئولان نظام این وضعیت را جنگ اقتصادی عنوان کرده و امید می رود با کاهش هزینه های جاری دستگاه دولت و الگوی صحیح مدیریت مصرف از سوی مردم، این شرایط گذار بی ثباتی آقتصادی در آینده به حالت عادی برگردد.

Scanned by CamScanner

پرسش فصل پنجم از بخش اول

۱- ایدئولوژی را تعریف کرده و انواع آن را هم نام ببرید

۲- ایدئولوژی مذهبی را شرح داده و دلایل برتری آن را با دیگر ایدئولوژی‌های رقیب بنویسید

۳- مبانی فکری ایدئولوژی چپ سوسیالیزم و دلایل ناکامی آن را در جریان انقلاب اسلامی چه بود

۴- انواع رهبری را از دیدگاه ماکس‌وبر نام برده و به اختصار توضیح دهید

۵- رهبری سنتی و کاریزماتیک را جداگانه توضیح دهید

پرسش بخش دوم از فصل ۵

۱- حوادث و چالشهایی که انقلاب اسلامی در دهه اول پس از پیروزی با آن روبرو شد را بیان کنید

۲- به معرفی دو دوره از دولت‌های بعد از انقلاب اسلامی(با ذکر برنامه‌ها و سیاست‌ها) بپردازید

پژوهش فصل پنجم

۱- در رویکرد تطبیقی، عامل مذهب را در انقلاب های ایران و تحلیل کنید

۲- شخصیت مذهبی و سیاسی امام (ره) را بر اساس نظریه-کاریزما تبیین کنید

۳- سکولاریزم دینی و سیاسی به چه مسایلی می پردازند

٤- سکولاریزه شدن دین مسیحی در غرب، متاثر از چه شرایط و زمینه هایی بود

Scanned by CamScanner

فصل ششم

زندگی و اندیشه تئوریسین‌های انقلاب اسلامی

مقدمه

نقش عامل انسانی در شکل‌گیری انقلاب سیاسی برای همگان درخور توجه است. فرضیه انقلاب‌ها نمی‌آیند بلکه ساخته می‌شوند، مبیّن حضور فعال احزاب و نهادهای مدنی و خاصه رهبران، بعنوان اصلی‌ترین سازندگان جریان انقلاب است. همواره پیوند عمیقی میان بسیج سیاسی و ایدئولوژی انقلاب وجود دارد. رهبر یا سازندگان ایدئولوژی، با طرح مبانی نظری انقلاب و به چالش کشاندن حکومت مستقر، فضای جامعه را برای بسیج سیاسی و شکست پایه‌های قدرت فراهم می‌سازند و اصولاً خود نیز در تداوم مبارزه و رسیدن به اهداف بلند انقلابی در معرض تهدید و تعقیب دستگاه امنیتی رژیم قرار گرفته و متحمّل هزینه‌هایی سنگین خواهند شد.

بی‌شک در صحنه‌های مبارزه، احزاب، سازمان‌ها و شخصیت‌های سیاسی و مذهبی زیادی حضور داشته و هر یک به سهم و توانایی خود در مبارزه علیه رژیم و بسیج سیاسی مشارکت می‌کنند.

در رابطه با جنبش انقلابی کشورمان، همه مردم و پژوهشگران انقلاب بر این مسئله اتفاق نظر دارند که انقلاب اسلامی به نام حضرت امام (ره) کلید خورده و ایشان معمار بزرگ انقلاب کشور شناخته می‌شوند. از سویی دیگر چهره‌هایی مانند دکتر شریعتی و آیت‌الله مطهری در ایجاد پل ارتباطی انقلاب با جامعه جوانان و دانشگاهیان نقش ارزنده‌ای ایفا نموده و بعنوان یکی از پیشتازان نهضت اسلامی، سوابق فکری و مبارزاتی قابل توجهی داشته‌اند. بر این اساس در ادامه، گوشه‌هایی از زندگی و اندیشه سیاسی این سه شخصیت بزرگوار بطور جداگانه مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

Scanned by CamScanner

زندگی و اندیشه سیاسی امام خمینی (رضوان الله)

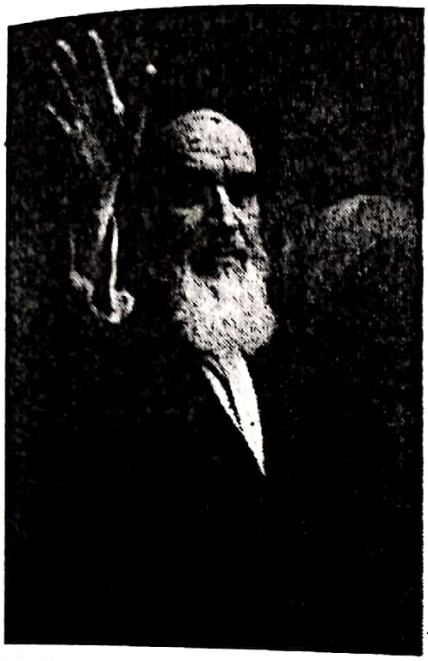

روح‌الله الموسوی الخمینی در سال ۱۲۸۱ از خانواده‌ای اهل علم و مبارزه و تقوا در شهرستان خمین چشم به جهان گشودند. پدرش مصطفی[۱] بعد از نجف به خمین می رود این در حالی بود که امام «ره» ۵ ماه بیش نداشت، پدرش به جرم حمایت از مظلومین به دست اشرار محلی به شهادت می‌رسند. از آن پس امام تحت مراقبت مادر و عمه‌اش قرار می‌گیرد. آنها هم به دلیل شیوع بیماری، زود از دنیا می‌روند. مادرشان هاجر نام داشت که دختر مجتهد خوانساری بودند. امام«ره» مقدمات حوزه را نزد حائری و برادر بزرگش پسندیده پشت سر می‌گذارد.

حوزه علمیه قم که در سال ۱۳۰۰ ه.ش به کوشش آیت‌الله حائری تأسیس شد، ایشان حسب شرایط زمانی و نوپایی حوزه، مَشی عدم دخالت در سیاست و سنت تقیه را پیشه کرده بودند. با رحلت ایشان در اواخر دهه ۴۰ آیت‌الله بروجردی رهبری حوزه را در دست می‌گیرد وی نیز همچون گذشته، مَشی فاصله با سیاست را دنبال کرده ضمن آنکه گام‌های تازه‌ای در جهت ساماندهی حوزه، تربیت طلاب و گسترش علوم دینی بر می‌دارد.

در این ایام حضرت امام «ره» به شهرستان قم مهاجرت کرده و دروس حوزوی را در نزد آقایان محمد تقی خوانساری، یثربی کاشانی و شاه آبادی گذراند. در سال ۱۳۲۳ کتاب معروف "کشف‌الاسرار" را در رد شبهات علمی حکمی‌زاده و کسروی[۲] نوشت. ایشان در این کتاب،

۱- پدر امام سید مصطفی فرزند سید احمد، تحصیلات خود را در زادگاهش شروع و در نجف و سامرا با کسب معارف الهیه ادامه داد. در زمان میرزای شیرازی در زمره علما و مجتهین آن عصر قرار داشت و از نجف که باز گشت زعامت اهالی خمین را عهده‌دار شد و به رفع تجاوزات و تعدیات دستگاه ظالم پرداخت. او در خمین، با ایجاد جلسات معارف اسلامی به آگاه ساختن توده مردم اقدام می‌کرد. سرانجام در راه خمین و اراک توسط اشرار و طاغوتیان به شهادت رسید.(ویژه نامه شرح جلوه، بیستمین سالگرد ارتحال امام، وزارت علوم، ص ۶۲).

۲- این کتاب ۴۲۸ صفحه‌ای، ردیه‌ای بر عقاید علی اکبر حکمی زاده و میرزا رضاقلی شریعت سنگلجی بود. حکمی زاده صف روحانیون را ترک گفته و پیرو احمد کسروی شد جزوه‌ای ۳۸ صفحه‌ای با عنوان اسرار هزار ساله منتشر و پرسشهای چالش‌مندی را در برابر روحانیون قرار داده بود. سنگجلی که نسبتا تجددگرا بود آموزه آخرت‌اندیشی مذهب شیعه در مورد رجعت امام غایب برای رستکاری جهان را مورد تردید قرار داده و مهدویت باوری شیعه را زیر سئوال برد. (نقل از کتاب« روشنفکران ایران و غرب» تالیف مهرزاد بروجردی، ترجمه جمشید شیرازی، ص ۴۱).

Scanned by CamScanner

برخی از سیاست‌های رضاخان را به نقد کشانده و علما را به تشکیل حکومت دینی فرا خواند. بدین نظریه ولایت فقیه و حکومت اسلامی را به شکل مبسوطی در دروس فقهی نجف چنین کردند. وی در این کتاب ضرورت تشکیل حکومت اسلامی را در ابعاد زیر مهم دانستند: ۱- عمل پیامبر در تشکیل حکومت ۲- ضرورت استمرار احکام الهی که فقط در زمان پیامبر ضرورت نداشته بلکه برای همیشه است ۳- ماهیت و کیفیت قوانین اسلام که بدون حکومت قابل اجرا نیست. مانند احکام مالی، دفاع ملی، و احکام حقوقی و جزایی.

ایشان تصریح کردند «خداوند متعال در کنار مجموعه قوانین و احکام شرع، یک حکومت و دستگاه اجرا و اداره مستقر کرده است که رسول اکرم در رأس آن جامعه بود. پیامبر علاوه بر ابلاغ وحی، بیان و تفسیر عقاید، احکام و نظامات اسلام، به اجرا آن همت می‌گماشت... لذا اعتقاد به ضرورت تشکیل حکومت و اداره آن جزئی از ولایت است و مبارزه برای تشکیل حکومت اسلامی لازمه اعتقاد به ولایت فقیه است... سلاطین نیز اگر تابع اسلام باشند باید به نیابت فقها در آیند. پس بایستی حاکمیت (در زمان غیبت امام عصرعج با آن شرایط خاصی که دارد) به فقها تعلق بگیرد».[۱]

امام «ره» در کتاب "ولایت فقیه" نسبت به ضرورت تشکیل حکومت اسلامی و رسالت فقها نوشتند «مهم مسائل سیاسی، اقتصادی و حقوق اسلام است. وظیفه ما این است که از حالا برای یک دولت حق اسلامی کوشش کنیم... همفکر بسازیم و یک موج تبلیغاتی و فکری بوجود بیاوریم تا یک جریان اجتماعی پدید آید و کم‌کم توده آگاه وظیفه‌شناس و دیندار در نهضت اسلامی متشکل شده، قیام کند و حکومت اسلامی تشکیل دهند. [ولایت فقیه، ص ۱۲۸]... اکنون وظیفه ماست (بویژه فقها) تا طرح حکومتی اسلام را به اجرا در آوریم و پیاده کنیم. امیدوارم معرفی طرز حکومت و اصول سیاسی و اجتماعی اسلام به گروه‌های عظیم بشری موجی در افکار بوجود آورد و قدرتی که از نهضت مردم پدید می آید، عامل استقرار نظام اسلام شود [ولایت فقیه، ص ۱۵۳].

از دیگر آثار حضرت امام «ره»: تحریرالوسیله، البیع که به موضوع ولایت فقیه می‌پردازد، کتاب ولایت فقیه در سال ۱۳۴۳، چهل حدیث و مجموعه ۲۲ جلدی صحیفه نور از آن جمله می‌باشند.

---

۱. خمینی، روح الله، (۱۳۷۸) آثار امام ... ولایت فقیه، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر ... ایران، (۱۳۶۸-۱۲۷۹)،

Scanned by CamScanner

موضع‌گیری آشکار امام از سیاست‌های رژیم

با رحلت آیت‌الله بروجردی درسال ۱۳۴۰، زمینه فعالیّت علنی امام «ره» فراهم شد. مخالفت ایشان با طرح کاپیتولاسیون، خشم رژیم را علیه ایشان بیشتر ساخت. کاپیتولاسیون طرحی بود که مصونیت قضایی مستشاران آمریکایی در ایران را بدنبال داشت. طی این سالها حدود ۴۰۰۰۰ مستشار خارجی در ایران حضور داشتند. این لایحه سال ۴۳ در دولت اسدالله علم و سپس منصور، مصونیت مستشاران، تکنسینها و اعضاء خانواده آنان- مشابه قوانین بین‌المللی وین که تنها مصونیت دیپلمات‌ها و اعضای سفارت را شامل می‌شد، با تلاش عوامل اقماری مجلس سنا و در پوشش عناصر وسیع خارجی به تصویب می‌رسد.

در این باره امام فرمودند: آیا درست است که یک آشپز آمریکایی، مکانیک و یا کارمند فنی و خانواده‌اش از مصونیت برخوردار باشند در حالی که علما، وعاظ و خادمین مردم و اسلام در زندان‌ها بسر ببرند؟ در این ماجرا مأمورین دولت نیمه‌های شب وی را دستگیر و با هواپیما ابتدا به ترکیه و سپس به عراق (۱۳۴۴-۱۳۵۷ ه.ش) تبعید می کنند. بدنبال مصالحه دو کشور ایران و عراق در شهریور ۵۷ رژیم شاه رسماً از دولت عراق خواستار ممانعت فعّالیت‌های سیاسی و خروج ایشان از این کشور گردید. بعد از گذشت چهارده سال، امام با اتفاق فرزندش سید احمد در سال ۱۳۵۷ از عراق به پاریس- شهر نوفل لوشاتو عزیمت نمودند با ورود به پاریس جو سیاسی بسیار متفاوت و مساعدتر از نجف بود. در فضای سیاسی باز وآزاد فرانسه، بسیاری از فعّالان حزبی و سیاسی، دانشجویان و گروه‌های اسلام‌گرا و شاخه انجمن اسلامی، ضمن ارتباط موثر با امام خمینی در مدت اقامت ۴ ماهه، توانستند پروسه جنبش انقلابی را با موفقیت بیشتری از اقامت ۱۴ ساله امام در عراق پیش ببرند. تا اینکه پس از ۱۵ سال در آستانه انقلاب اسلامی ۱۲ بهمن ۵۷ به ایران باز گشتند. در آغاز سفر به کشور ضمن ایراد سخنرانی در بهشت زهرای تهران با تشکیل شورای انقلاب و دولت موقّت، زمینه بسط و تحکیم حلقه‌های انقلاب را فراهم می‌سازند[1].

واکنش علنی امام (ره) از پروژه القایی غرب به جهان سومی‌ها، موسوم به انقلاب سفید و تلاش‌های رژیم برای عملیاتی کردن آن نظیر: جلب نظر علما و فعّالان سیاسی و برگزاری رفراندم فرمایشی.

Scanned by CamScanner

مخالفت با لایحه انجمن ایالتی و ولایتی- از مصوبات مجلس اوّل مشروطه، اصول ۹۱-۹۲ مرجع اعتقاد به اسلام، ادای سوگند به قرآن در مراسم تخلیف نمایندگان و موضوع محرومیت زنان از انتخاب شدن و انتخاب کردن بود. همچنین موارد اصلاح و تتمیم آن در سال ۴۱ با ورش اسداله علم به تغییر اصل حقوق زنان، مرجع سوگند اقلیت زرتشتی، مسیحی و کلیمی صورت گرفت که واکنش آیت‌الله شریعتمداری، گلپایگانی، نجفی و امام خمینی (ره) را در پی داشت. ایشان ضمن ابراز نگرانی از نبود فضای گفتگو و آزادی سیاسی فرمودند آیا شما به مردان آزادی لازم داده‌اید؟

دیدگاه فقهی و سیاسی امام (ره)

۱- مخالفت با ایده سکولاریسم. ایشان جدایی مسلمانان در زندگی سیاسی را توطئه استعمار تلقی کرده و سکوت و سازش روحانیون و دانشگاهیان را موجه نمی‌دانستند.

۲- مخالفت با نظام سلطنتی، سیستم پادشاهی را مغایر اسلام و روش معصومان یاد کرده و آن را نامشروع، غیر قانونی و در تضاد با عقل بشری می‌دانست.

۳- نظریه ولایت فقیه، نظام مطلوب طبق نظریه ولایت فقیه استقرار می‌یابد. وی در کتاب حکومت اسلامی به تشکیل حکومت، قضاوت و اجرای آن توسط پیامبر اکرم اشاره می‌کند.

۴- حکومت مطلوب، حکومت جمهوری اسلامی است که مشروعیت خود را از ناحیه خدا و با اتکاء به آراء مردم کسب می‌کند.

۵- تلقی از عصر غیبت، شیعیان در زمان غیبت بایستی زمینه‌های ظهور امام عصر را فراهم سازند و مردم با ظلم و فساد به مبارزه برخیزند. ایشان دیدگاه انجمن حجتیه را بشدت مورد انتقاد قرار داده و شیوه انزوا و تقیه در برابر حاکمان جائر را جایز نمی‌دانستند.

Scanned by CamScanner

زندگی و اندیشه آیت الله مطهری



آیت الله مرتضی مطهری در سال ۱۲۹۸ در ناحیه فریمان، ۷۵۵ کیلومتری مشهد در یک خانواده روحانی چشم به جهان گشودند. در سن ۱۲ سالگی وارد حوزه علمیه مشهد شده و به تحصیل مقدمات علوم اسلامی پرداخت. در سال ۱۳۱۶ و دوره رضاخان برای تکمیل دروس حوزوی به قم عزیمت کرد. دروس فقه و اصول را نزد آیت‌الله بروجردی و عرفان و اخلاق و اصول را نزد حضرت امام «ره» و فلسفه و الهیات را در نزد محمد حسین طباطبایی بهره بردند. ضمن اینکه آیات عظام سید محمد حجت و محمد محقق داماد از دیگر اساتید ایشان در اصول و فقه بشمار می‌آمدند.

شهید مطهری در کنار امام «ره» قرار گرفته و بخشی مهمی از شخصیت فکری، روحی، علمی و اخلاقی او در ارتباط با ایشان شکل می‌گیرد. در سازماندهی قیام ۱۵ خرداد ۴۲ نقش بسزایی داشت. پس از یک سخنرانی علیه رژیم در همین سال، از سوی پلیس دستگیر شده و به همراه تنی از روحانیون به زندان شهربانی منتقل می‌شود. با تشکیل هیئت مؤتلفه اسلامی در شورای رهبری آن قرار گرفت. در سال ۴۸ پس از یک سخرانی که در حمایت از مردم فلسطین در حسینیه ارشاد داشتند، دستگیر و زندانی می‌شوند. در سال ۱۳۵۳ بطور کلی دستگاه امنیتی رژیم، وی را ممنوع‌المنبر کرد.

حضور ایشان در دانشگاه و تبیین ایدئولوژی اسلامی در قالب کلاس درسی سخنرانی و کنفرانس‌های علمی، آنچنان در میان جوانان و قشر تحصیل کرده اثرگذار بود که واکنش دستگاه امنیتی رژیم را در واپسین سالهای پیروزی انقلاب اسلامی درپی داشت. او که دانشیار دانشکده الهیات بود ساواک اعلام کرد صلاحیتش از نظر سیاسی تأیید نمی‌شود و مسئولیت آموزشی وی برای دوره لیسانس و فوق لیسانس در اواخر سال ۴۹ سلب شد تا اینکه سال ۵۶ به اجبار از خدمت در دانشگاه بازنشسته می‌شود.

ایشان در مدت اقامت در قم علاوه بر تحصیل علوم دینی، مشارکت فعالی در مسائل سیاسی اجتماعی داشته و با فدائیان اسلام در ارتباط بودند. در دهه ۴۰ در تهران به کار تألیف و سخنرانی در میان انجمن اسلامی دانشجویان، انجمن اسلامی پزشگان، مسجد هدایت، مسجد جامع نارمک و تدریس در دانشکده الهیات دانشگاه تهران مشغول شدند. مطهری از آن بیم داشت که نسل جوان به

Scanned by CamScanner

...یر از اسلام قرآنی راه پیدا کند. او معتقد بود به همان اندازه که بی دینی در یک جامعه ...هرناک است بد فکری و کج اندیشی مضر و خطرناکتر است. فریادش این بود که اسلام انقلابی ...خواهیم بلکه انقلاب اسلامی می‌خواهیم. اسلام هدف است نه مصلحت، مقصد است، نه مسیر، ...ه چیز را باید فدای اسلام کرد، نه اسلام را وسیله‌ای برای رسیدن به هدف.[۱]

...یالیتهای ایدئولوژیکی و سیاسی

...ی معتقد بود که باید مردم اطمینان یابند مبارزه سیاسی یک وظیفه شرعی و مذهبی است تنها در ...ین صورت است که تا رسیدن به هدف از پای ننشینند. مردم در غفلتند که از نظر اسلام، سیاست از ...ین و دین از سیاست جدا نیست. پس همبستگی دین و سیاست را باید برای مردم تفهیم کرد.[۲]

...یشان در زمره روحانیون سیاسی، ذهنش متوجه مشکلات اساسی فکری، اجتماعی و ...رهنگی جامعه قرار گرفت. از این رو در طرح اصلاحی حوزه، بعنوان پیش‌زمینه احیای تفکر ...صیل اسلامی با دیگر علمای سیاسی طراز اول بواسطه افزایش ظهور گروه‌های چپ و التقاطی و ...جاهدین خلق تعامل سازنده‌ای در فاصله سالهای ۵۱ تا ۵۷ داشته و بنیان استراتژی فرهنگی ...سیاسی را در تجدید حیات اسلام تا دم شهادت تداوم بخشید.

...طهری در تشریح دو عنصر آزادی و عقیده تا آنجا که هر دو مقوله را مهم و مجزا می‌داند ...رسخنرانی سال ۵۷ دانشکده‌ی الهیات فرمودند:«این استعدادهای بشری حتماً باید آزاد باشد ...یشرفت و تکامل در گرو این آزادیهاست آزادی در تفکر اسلامی، یعنی شما هر جور که می‌خواهید ...یندیشید و هر جور که می‌خواهید عقیده خودتان را ابراز کنید به شرطی که فکر واقعی خودتان ...باشد. هر مکتبی که به ایدئولوژی خود ایمان داشته باشد ناچار باید طرفدار آزادی اندیشه و تفکر ...باشد و به عکس هر مکتبی که ایمان و اعتقاد به خود ندارد جلوی آزادی اندیشه و تفکر را می‌گیرد. ...ینگونه مکاتب ناچارند مردم را در یک محدوده‌ی خاص فکری نگه دارند و از رشد افکارشان ...لوگیری کنند این همان وضعی است که ما در کشورهای کمونیستی می‌بینیم... در حکومت ...سلامی ما، احزاب آزادند و هر حزبی که عقیده غیر اسلامی دارد، آزاد است. امّا اجازه توطئه‌گری و ...فریب کاری را نمی‌دهیم. احزاب و افراد در حدی که عقیده خودشان را صریحاً بگویند و با منطق ...خود به جنگ منطق ما می‌آیند آنها را می‌پذیریم».[۳]

---

۱. ...نتی، سید جلال‌الدین (۱۳۶۰)، تاریخ سیاسی معاصر ایران، جلد دوم، ص ۱۹۷.
۲. مطهری، مرتضی، نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر، ص ۹۵.
۳. مطهری، مرتضی، نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر، صص ۶-۱۱.

Scanned by CamScanner

استاد در رابطه با تلازم علم و دین در کتاب ده گفتارش می‌فرمایند: « اگر می‌خواهیم دین صحیحی داشته باشیم و از فقر رهایی یابیم و عدالت در جامعه حکم فرما شود اگر می‌خواهیم آزادی و دموکراسی داشته باشیم... منحصرا راهش علم است و علم، آن علمی که عمومیت داشته باشد و از راه دین به صورت جهاد مقدّس در آید. اگر ما این جهاد را شروع نکنیم دیگران و دنیا این کار را خواهند کرد و ثمره‌اش را هم خود آنان خواهند برد... آنوقت این کوتاهی ما ضربه بزرگی بر پیکر اسلام وارد می‌کند. علم به تنهایی ضامن سعادت جامعه نیست جامعه به دین و ایمان نیاز دارد».[1]

نقطه اوج راهبرد فرهنگی استاد تأسیس حسینیه ارشاد در سال ۱۳۴۶ می‌باشد. مقام رهبری آیت‌الله خامنه‌ای در باره شهید مطهری فرمودند: « مرحوم استاد بنیانگذار حسینیه ارشاد بودند در آن روزی که تبلیغ اسلامی جز روضه خوانی‌ها، آن هم بصورت ناقص وجود نداشت و مرکزی هم برای نشر اسلام بصورت صرفاً تبلیغ و با توجه به انگیزه‌های تازه اسلامی یافت نمی‌شد ایشان به این فکر افتادند که مرکزی برای اینگونه تبلیغات باید بوجود بیاید... حسینیه ارشاد که درست شد مهمترین مرکز در تهران بود که می‌توانست ذهن‌ها و دل‌ها را به سوی اسلام جلب کند».[2]

بخشی از نظرات استاد مطهری را می‌توان در ابعاد زیر خلاصه کرد

۱- پرده‌برداری از چهره اسلام سیاسی، اجتماعی، مبارز و حماسی و کمک در جلوه مجدد روح اسلام واقعی

۲- پالایش مبارزات اسلامی از التقاط و انحراف

۳- پیوند فکری میان حوزه و دانشگاه، روشنفکران و روحانیون

۴- تربیت نیروی فکری و کار آمد، جذب روشنفکران و تحکیم علمی طرح حکومت اسلامی

۵- طرح و تبیین آفات احتمالی انقلاب و نظام اسلامی و...

آیت‌الله مطهری پس سالها مبارزه و مجاهدت در ۱۱ اردیبهشت سال ۱۳۵۸ در تاریکی شب وقتی که از یک جلسه فکری و سیاسی بیرون می‌آمد توسط گروه فرقان با اصابت گلوله از ناحیه سر، به درجه رفیع شهادت نائل آمدند.

برخی از آثار شهید مطهری

ده گفتار- بیست گفتار- فلسفه تاریخ- فلسفه اخلاق- اصول فلسفه در ۵ جلد- جامعه و تاریخ- پیرامون انقلاب اسامی- نهضت‌های اسلامی صد ساله اخیر- جامعه و تاریخ- انسان در قرآن- انسان و ایمان- تعلیم و تربیت در اسلام- حماسه حسینی- نظری بر نظام اقتصادی اسلام- نقدی بر مارکسیسم- شرح اصول فلسفه و روش رئالیسم علامه طباطبایی...

۱- همان، مطهری، ص ۹۶

Scanned by CamScanner



زندگی و اندیشه سیاسی دکتر علی شریعتی

شریعتی در سال ۱۳۱۲ از یک خانواده مذهبی در مشهد، روستای مزینان (کاهک) از توابع سبزوار چشم به جهان گشود. پدرش محمد تقی ضمن تأسیس یک مرکز مذهبی، جوانان را به مزایای اسلام بر مارکسیسم آموزش می‌داد و سعی کرد جنبشی که گرداگرد احمد کسروی حلقه زده بودند را مهار سازد. شریعتی در سال ۴۷ با همکلاسی‌اش پوران شریعت ازدواج می کند و ۴ فرزند داشت.

مدرک لیسانس را در سال ۱۳۳۷ در رشته ادبیات فارسی در دانشگاه مشهد می‌گیرد. دوره دکترا را در کشور پاریس در رشته دین و پارسا شناسی- تاریخ پشت‌سر می‌گذارد. بعد از بازگشت به ایران سال ۴۳ به علت شرکت در درگیری ضد دولتی درپاریس بوسیله ساواک دستگیر می‌شود و بمدت ۶ ماه زندانی شد.

در سال ۴۵ بعنوان دانشیار تاریخ در دانشگاه مشهد تدریس می‌کرد. در حسینیه ارشاد[1] که توسط جمعی از ملی- مذهبی‌ها اداره می‌شد هر هفته بطور مداوم سخنرانی داشتند که مورد استقبال گرم دانشجویان و جوانان قرار می‌گرفت. آیت‌الله مطهری نیز در همین حسینیه سخنرانی داشتند و به دلیل رویکردهای متفاوت و قرائت‌های متمایز دینی، استاد با ناراحتی یکبار مجلس را ترک کردند.

دکتر سال ۵۱ توسط ساواک دستگیر شده و ۱۸ ماه را در سلول انفرادی زندان بسر می‌برد سپس بمدت ۲ سال درخانه‌اش تحت نظر قرار می‌گیرد تا اینکه دانشگاه هم حکم لغو تدریس و بعدها بطور اجباری ازسوی وزارت فرهنگ، حکم بازنشستگی را به وی ابلاغ می‌کنند. سرانجام شریعتی ناگزیر بصورت پنهانی به انگلستان عزیمت کرد و در خرداد ۵۶ بدلیل سکته قلبی (یا مرگ مشکوک) با دنیا وداع می کند مزارش در سوریه کنار حرم حضرت زینب (س) واقع است.

۱- ساختمان حسینیه در سال ۱۳۳۴ که بانی آن همایون بود با کمکهای مالی مردم تأسیس شد یک شبکه تلویزیونی مداربسته بر آن نصب گردید. دارای کتابخانه و تالار سخنرانی بود نخستین مجریان این حسینیه خانم کاتوزیان بود که برای بانوان به تدریس قرآن و قصص می پرداخت. سلسله درسهای شریعتی در این حسینیه؛ تاریخ ادیان و اسلام شناسی بود که مورد استقبال جوانان آزادیخواه قرار می گرفت. بسیاری از اعضای سازمان مجاهدین خلق که به کار انقلابی و نبرد مسلحانه علیه رژیم پهلوی می‌پرداختند. ابتدا از شاگردان شریعتی در این حسینیه بشمار می آمدند. (جلال‌الدین مدنی، تاریخ سیاسی معاصر ص ۱۹۶).

Scanned by CamScanner

اندیشه سیاسی و فلسفی

شریعتی دوران دانشجویی را در فرانسه تحت تاثیر اندیشه‌های؛ ریمون آرون، ژان برک، هانری کربن، فرانتس فانون، رژه گاردوی، ژرژ کورویچ و ژان پل سارتر بود. بعلاوه از تفکرات هگل، هوسرل، مارکس، یاسپرس، هایدگر و مارکوزه از فیلسوفان آلمانی بهره می‌گرفت. شریعتی در ترجمه کتاب فرانتس فانون با موضوع «دوزخیان روی زمین وپنج سال جنگ الجزایز» در سه نامه به فانون، نظریاتش را در باره انقلاب نقد و بررسی کرد. از دیدگاه فانون، مردم جهان سوم باید برای مبارزه با امپریالیسم غرب دین را کنار بگذارند. امّا شریعتی بر این باور بود که مردم جهان سوم نمی‌توانند با امپریالیسم مبارزه کنند مگر اینکه نخست هویت فرهنگی خودشان را که در برخی کشورها با سنتهای مذهبی در آمیخته است، باز یابند و باید به اصل و پیشینه مذهبی خود باز گردند.[1]

ایشان براین باور بود که پدیدارشناسی (حقیقت مطلق، هسته واقعیت و جوهر اساسی جهان، طبیعت و ماورای آن) را نمی‌توان شناخت. اصل پنهان، ناشناخته و فراتر از درک آدمی است. برای شناخت دین باید همان راهی را طی کرد که دانشمندان و ضد مذهبیان پیمودند.[2]

شریعتی در برخی از تفاوت‌های شرق و غرب می‌گوید:

تیپ فرهنگی یونان باستان	←	فلسفی بود
// // روم	←	هنری و نظامی بود
// // چین	←	صوفیانه است
// // هند	←	روحانی است
// // ما ایرانیان	←	مذهبی و اسلامی است

شریعتی درحقیقت یک جامعه‌شناس دینی بود فضای فکری دهه ۵۰ را به خود اختصاص داد. گفتمان اصلی‌اش همچون جلال آل احمد، غربزدگی و بازگشت به خویشتن بود.

ایشان غیر مذهبی‌ها را به دلیل بی‌خبری از متافیزیک و حمایت از مارکسیسم و عدم تماس با توده‌ها مورد سرزنش قرار می‌داد. برخی از مذهبیون را هم به خاطر تاریک اندیشی، خاموشی و غیر سیاسی بودن و بعضاً عدم توجه به پیشرفت‌های علمی و تکنیکی روز مورد انتقاد قرار

۱- شریعتی، علی (۱۳۵۱)، اسلام شناسی، بی نا، صص ۱۵-۱۷.

۲- بروجردی، مهرزاد (۱۳۷۸)، روشنفکران ایران و غرب ترجمه جمشید شیرازی، چاپ سوم، نشر فروزان، صص۱۶۶ و۱۶۷.

Scanned by CamScanner

...ن، شریعتی سعی داشت مشعل فکری و رهبری را به روشنفکران انتقال دهد و می‌گفت ...روشنفکران واقع‌بینانه‌تر به اسطوره زدایی و پذیرش تحولات جدید دست می‌یابند.

...گفتمان شریعتی لحنی مذهبی داشت انسان باوری سارتر شخصیت فرهنگی جوامع شرقی ...ارائه می‌کرد در ایده بازگشت به خویشتن، آنان را به مبارزه می‌طلبید. نظیر گفتمان فانون ...رابطه با لعاب ایرانی و مذهبی) که تحت تأثیر این مبارز ضد استعماری قرار داشت، وی می‌ ...خواست اسلام سنتی و غیر مبارز را به اسلامی ایدئولوژیک و انقلابی تغییر دهد. آنچنانکه ...روشنفکران غیر مذهبی را به پیروی از مارکس، از برداشت «مذهب تریاک توده‌هاست». مورد ...انتقاد قرار می‌داد و هم‌نظر با عقاید فرهنگی ماکس وبر تأکید داشت که اسلام را باید به ...مقتضیات دنیای مدرن آشتی داد. ایران نیازمند لوتر و گالوین است که روند پروتستانیزم ...اسلامی را پیش برده و روشنفکران باید به خلق یک پروتستانیزم اسلامی آنهم از نوع شیعی، نه ...از جنس مسیحی آن، دست یازند. با عقایدی که شریعتی از خود به نمایش می‌گذاشت برخی از ...روحانیون او را به کفرگویی متهم کرده و به وی نسبت کافر، ماتریالیسم و مارکسیسم می‌دادند.[1]

انتشار کتاب غربزدگی جلال آل احمد در دهه ۴۰ و بازگشت به فرهنگ بومی، به لحاظ تاریخی جزء گفتمان غالب این دوره محسوب می‌شود. شریعتی از پر نفوذترین کسانی بود که دهه ۴۰-۵۰ از بازگشت به سلام حرف می‌زد وی تفسیری انقلابی و ظلم ستیز و عدالت خواهانه از تشیع ارائه می‌کرد که بسیاری از جوانان و دانشگاهیان را مجذوب سخنان خویش ساخت. ایشان مفاهیمی چون؛ جهاد، شهادت، مکتب، رسالت، امامت و عدالت را احیاء کرد و برخلاف برخی از مارکسیست‌هایی که الگویشان انقلابیونی مانند مارکس و لنین و هوشمنی و چه گوارا بود او بیشتر به سراغ علی(ع) حسین، اباذر، عمار، یاسر، میثم، فاطمه و زینب می‌رفت.[2]

شریعتی سهم زیادی در شکوفا ساختن تفکرات انقلابی داشته و پل ارتباطی میان جامعه دانشگاهی با دیگر فعالان نهضت انقلابی بود. از مهمترین انتقادات وارده بر شریعتی این بود که خود تحت تأثیر ایدئولوژی و نظریه‌های علوم انسانی غرب قرار داشت. در بین توده‌های مردمی اکم سواد نفوذ چندانی نداشت قطعاً دلیل عمده‌اش، عدم شناخت او و ناتوانی در فهم و جذب

۱- بروجردی، مهرزاد (۱۳۷۸)، روشنفکران ایران و غرب ترجمه جمشید شیرازی، چاپ سوم، نشر فروزان، ص ۱۷۰.
۲- انقلاب اسلامی ایران (۱۳۸۴) ... نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، نشر گروه معارف ص ۱۵۶.

Scanned by CamScanner

ادبیات و اندیشه‌هایش بود لذا بیشتر مخاطبین او را جوانان، دانشجویان و تحصیل کرده‌ها تشکیل می‌دادند.

مبارزات شریعتی را می‌توان در دو سطح قرار داد

الف. مبارزه علیه استبداد و استعمار(همچون فرانتس فانون الجزایری)

ب. تلاش و تحقیق در معرفی اسلام راستین و واقعی و از میان برداشتن سکوت و خرافه‌های دینی

البتّه این شیوه دو پیامد رفتاری را برای وی در پی‌داشت؛ اوّلی واکنش جریان ساواک و استبداد سیاسی، که به زندان و اخراج از دانشگاه و کارش انجامید. دوّمی موضع‌گیری بخش سنتی جامعه که او را به کفرگویی، بی دینی، و مارکسیست متّهم می‌کرد.

برخی آثار و تألیفات دکتر:

تشیع علوی و تشیع صفوی- مذهب علیه مذهب - میعاد با ابراهیم- حسین وارث آدم- هبوط در کویر - بازگشت به خویشتن- چه باید کرد- تاریخ تمدّن- روش شناخت اسلام- توتم پرستی- جهاد و شهادت- اومانیسم ...

Scanned by CamScanner

فصل هفتم
جنگ نرم و انقلاب های رنگین

مقدمه

حیات سیاسی جوامع همواره در حال تغییر و تحوّل بوده و سرعت آن در ابعاد داخلی و خارجی بویژه در عرصه تکنولوژیکی برکسی پوشیده نیست. در سده‌های اخیر ما شاهد منازعات گسترده‌ای در سطح بین‌المللی بویژه با تجربه دوّ جنگ جهانی اول و دوم بوده‌ایم که جان میلیونها انسان را گرفته و منابع بیشمار اجتماعی، اقتصادی و طبیعی را ویران ساخت.

وقوع تحوّلات انقلابی، جنبش‌های ضد استعماری، استقلال‌خواهی و جنگ‌های داخلی هر یک به شکل آشکار و پنهان، نشان از منازعات سیاسی و نظامی جریانات درگیر با قدرت‌های داخلی و یا خارجی دارد. تنش‌هایی که از یکسو دلالت بر فزونی طلبی و اقتدارگرایی حاکمان جائر داشته و از دیگر سو حکایت از مقاومت، حماسه و ایستادگی ملّت‌ها در دفاع از میراث فکری و فرهنگی و حقوق انسانی و الهی دارد.

الگوهای مسلط بر تغییر رژیم سیاسی، از زاویه نظریه‌های قدیم و کلاسیک طی دهه‌های متوالی بر پایه انقلاب‌های اجتماعی و فشارهای سخت و نظامی قرار داشت مدلی که در آن منازعه، خصلتی خشونت‌آمیز و زیربنایی داشته و پروژه تحوّل و انهدام ساخت سیاسی با هزینه‌های سنگینی همراه بود. البته ماهیت و کیفیت مبارزه و عمق خشونت و تغییر به زعم تاکتیک مبارزاتی، فرهنگ سیاسی و شعار انقلابیون در هر انقلابی می تواند متفاوت باشد.

با فروپاشی اردوگاه کمونیسم و پایان جنگ سرد (۱۹۴۵-۱۹۹۱) به دنبال طرح‌های پروسترویکا و کلاسنوست گورباچف و ظهور قدرت‌های جدید در عرصه جهانی، آمریکا خود را بازیگر محوری و صاحب مسئولیت‌های بین‌المللی دانسته و همواره نقش مداخله جویانه‌ای در تحولات منطقه‌ای دارد.

Scanned by CamScanner

تئوری "جنگ نرم" بهره‌گیری از اهداف سیاسی در استحاله نظام از درون با حمایت منتقدین داخلی و خارجی است. در این شیوه، بخشهای تاثیرگذار سیاسی و رسانه‌ای با فرمول طراحی شده و بیان شعارهای دموکراتیک و حقوق بشری، خودشان را وارد صحنه کشور هدف می‌سازند.

انقلاب اسلامی ایران در سالهای نخست پیروزی از پشتوانه عظیم مردمی و رهبری خردمندانه‌ای برخوردار بوده و در مواجه با حوادث و مشکلات فراوان داخلی، مقابله با اشرار و گروه‌های ستیزه‌جو تا مرحله تثبیت نظام پیش رفت. همچنین در ابعاد خارجی با حضور حماسی و فراگیر در جبهه‌های جنگ، مقاومت در برابر تحریم، تهدید و فشار، ضمن تقبل هزینه‌ها، با عزت و استواری به حیات پر افتخار خود ادامه داد و با کسب دستاوردها و تجارب عظیم علمی و فنی، در عرصه بین‌المللی هم، از ارزشها و منافع ملی خود دفاع کرد. هر چند در سیاست خارجی از منظر آسیب‌شناسی، کاستی‌هایی هم بچشم می‌خورد. به هر روی آگاهی از مسائل موجود و بهره‌گیری از خرد جمعی علما، روشنفکران و آحاد جامعه، راه را برای سرعت بخشیدن در مسیر معنویت‌گرایی، توسعه و تحول و گذار از موانع موجود هموار خواهد ساخت.

مفهوم جنگ نرم یا انقلاب مخملی و تفاوت آن با انقلابهای کلاسیک

جنگ نرم (**soft warfare**) در برابر جنگ سخت (**hard warfare**) قرار دارد. انقلاب رنگی واژگانی جدید در ادبیات سیاسی است که پس از اتمام جنگ سرد، در جامعه‌شناسی سیاسی از آن بعنوان انقلاب آرام، خاموش و انقلاب گل رز، نارنجی، لاله و کاج یاد می‌شود استفاده از رنگ و گل نشان دهنده نماد مخالفت و اعتراض‌های مدنی می باشد.

اصولاً در انقلاب‌های رنگی، اعتراضات مدنی در چارچوب قانون و بدون خشونت و کشتار است و حضور آشکار کشورهای خارجی، نهادهای بین‌المللی، شبکه‌ها و رسانه‌های ارتباط جمعی برای به چالش کشاندن حکومت بکار می‌روند. لذا در ذیل چنین اهدافی، فقدان خشونت، دخالت بیگانگان برای دگرگونی نظام و نخبگان اجرایی ضروری می شود. حال آنکه در انقلاب‌های کلاسیک، با حضور گسترده و خیابانی نیروهای معترض اجتماعی، ساختار سیاسی و حاکمان بطور کامل تغییر کرده و قدرت با ابزارهای نظامی و خشونت‌آمیزی مانند ترور، بمب‌گذاری و تخریب از گروهی به گروه دیگر انتقال می‌یابد و نهادهای جدید سیاسی، اجتماعی و اقتصادی پدید می‌آیند.[1]

۱- فرهنگ علوم سیاسی، علی آقا بخشی، تهران، چاپار، ۱۳۸۳، ص ۷۲۱.

Scanned by CamScanner

جان کالینز، نظریه‌پرداز دانشگاه جنگ آمریکا، مفهوم نظری جنگ نرم را « استفاده طراحی شده از تبلیغات و ابزارهای نفوذ در مختصات فکری دشمن با توسل به شیوه‌هایی که موجب پیشرفت مقاصد امنیت ملی مجری بشود، تعریف کرد».

قدرت نرم توانایی شکل‌دهی به ترجیحات دیگران است. جنس قدرت نرم از نوع اقناع و قدرت سخت از مقوله (وادار و اجبار) می‌باشد. میزان خشونت در انقلاب‌های کلاسیک روسیه، الجزایر، ایران و لیبی بسیار بالا بود در حالیکه در انقلاب رنگی جوامع کمونیستی اخیر اروپای شرقی، سطح خشونت بسیار نازل بود. در انقلاب‌های کلاسیک نقش معارضین مسلح و تقابل- شان با دستگاه امنیتی درخور توجه است منتها در جنبش‌های رنگی، نقش مدیریت رسانه‌ای (داخل و خارج)، روشنفکران و بازیگران بین‌المللی حائز اهمیتت می‌باشد.

در براندازی نرم بر موارد زیر تأکید می‌شود:

بهره‌گیری لازم از حرکت‌های مسالمت‌آمیز، مدیریت رسانه‌ای با شبکه‌های اجتماعی تا جایی که روند شناخت و آگاهی مردم در تحلیل مسائل را با خلل مواجه ساخته و نیز با بسیج افکار عمومی در تحقق تغییرات اجتماعی و سیاسی... به شیوه‌ای که در آن ابتدا میزان مشروعیت و مقبولیت مهاجم در جامعه افزایش پیدا کرده و سپس راههای به اصطلاح دموکراتیک عملیاتی می‌شوند.[1]

دلایل شکل‌گیری انقلاب مخملی

ماهیت و نوع عملکرد حکومت، بعضاً واکنش نیروهای اجتماعی را بهمراه دارد. ازجمله دلایل اصلی انقلاب رنگی(color revolution) وجود روحیه اقتدارگرایی، فقدان چرخش نخبگان، ناکارآمدی حکومت در حل مشکلات عمومی، کاهش مقبولیت و مشروعیت حکومت، وجود شکاف بین مردم و مسئولان، بحران اقتصادی و ناتوانی رژیم در تعامل سازنده با جامعه بین‌الملل... را می توان بر شمرد. اصولاً جرقه انقلاب به دنبال بروز خطای حکومت در جریان انتخابات روشن می‌شود خصوصاً کشورهایی که از انتخابات آزاد و رقابتی محروم باشند، نیروهای اجتماعی را قادر می‌سازد تا به اعتراض از نتیجه انتخابات با برپایی تجمعات گسترده مسالمت- آمیز در پوشش رسانه‌های داخلی و خارجی و انفعال حامیان رژیم انحصارگرا نتیجتاً امکان بقدرت رسیدن کاندیداهای جبهه منتقد فراهم آید.

Scanned by CamScanner

ویژگیهای انقلاب مخملی بشرح ذیل می‌باشد:

۱- پایین بودن سطح خشونت و بهره‌گیری از ظرفیت‌های قانونی
۲- سردادن شعار آزادی و دموکراسی، باب طبع روشنفکران، دانشجویان و جوانان
۳- نقش فعال دگراندیشان و اپوزیسیون خارج از کشور مخصوصاً در فضای رسانه‌ای
۳- اهمیت رسانه‌ها، نهادها و سازمان‌های غیر دولتی (NGO)
۴- استفاده از شعار، کاریکاتور، تئاتر و موسیقی و کانون شعر در راستای منافع مخالفان
۵- تردید نسبت به کفایت مسئولان و بازخواست از شخصیت‌های مهم نظام

ظهور جنبش رنگین در دهه‌های اخیر

پس از پایان جنگ سرد و فروپاشی اردوگاه کمونیسم، گفتمان تغییر بدون خشونت در غالب تئوری نوین جوامع پساکمونیسم اروپای شرقی، مرکزی و آسیای مرکزی شدت یافت. شعاع این تحولات با وقوع انقلاب مخملی ۱۹۸۹ در "چک واسلواکی" آغاز شده و تحولات مشابهی بصورت زنجیره‌ای در "صربستان" طی دو مرحله ۱۹۹۷ و ۲۰۰۰ تجربه شد که در جریان آن اسلودان میلوشوویچ رئیس جمهور وقت با تظاهرات صد هزار نفری مردم بلگراد مجبور به استعفا می‌شود. انقلاب گل رُز (Rose revolution) یا گل سرخ "گرجستان" ۲۰۰۳، پس از تغلب گسترده در انتخابات پارلمانی با اعتراضات وسیع مخالفان ادوارد شواردنازه برهبری میخائیل ساکاشویلی آغاز شده و در ۲۳ نوامبر همان سال منجر به کناره‌گیری وی از قدرت و پیروزی کاشویلی می‌شود[1]، انقلاب نارنجی(orane- revolution) "اوکراین" ۲۰۰۴، با مسموم شدن ویکتور یوشچنکو در جریان مبارزات انتخاباتی چهارمین دوره ریاست جمهوری و احتمال دست داشتن نامزد رقیب. هواداران وی در تجمعات خیابانی از کلاه و روسری نارنجی استفاده می‌کردند. ضمن اینکه غائله اوکراین سال (۲۰۱۴میلادی) بدنبال اعتراض عمومی نسبت به سیاست اقتصادی دولت، کی‌یف را با چالش بزرگی مواجه کرد. تنش و رویارویی غرب و روسیه بر سر الحاق شبه جزیره کریمه به مسکو و شهرهای دونتسک و اسلاویانسک واقع در مناطق شرق، بازتاب وسیعی در محافل بین‌المللی داشته است. انقلاب گل-لاله

۱- انقلاب رنگی گرجستان نخستین حادثه سیاسی در اقمار اتحاد شوروی بحساب می‌آید در نتیجه انقلاب، نیروهای مخالف به کمک ایالت متحده و حمایت غرب بقدرت رسیدند و از طرفی الهام بخش انقلاب‌های رنگین ضد روس در آسیای مرکزی و قفقاز شد. برای اطلاع بیشتر از کیفیت انقلاب‌های رنگی کشورهای پساکمونیسم آسیای میانه و اروپای شرقی، مراجعه شود به کتاب «انقلاب‌های رنگی و انقلاب اسلامی ایران» اثر شعیب بهمن، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، بخش دوم).

Scanned by CamScanner

Tulip revolution "قرقیزستان[۱]" ۲۰۰۵، با انتخابات پارلمانی و با تعطیلی برخی روزنامه و ایستگاه‌های رادیویی صورت گرفت. در این ماجرا حامیان عسکر آقایوف به پیروزی چشمگیر و قاطعی دست یافتند. در پایان دور دوم رأی‌گیری سازمان امنیت و همکاری اروپا روند انتخابات را ناسالم دانسته و دولت همسو و نزدیک به روسیه را آزاد اندیش‌تر می‌خواند.[۲]

با مرور حوادث یاد شده و مفروضات نظری پیرامون آن، آشکارا هیأت حاکمه این کشورها جای خود را به حکومت‌های طرفدار غرب دادند. در واقع هدف اصلی تحولات مذکور، حذف موانع هژمونیک (استیلای فکری) آمریکا بر جهان از جمله چین، روسیه و اسلام است. روند موجود برغم تلاش‌های سازمان یافته تا کنون نتواست علائق باطنی قدرت‌ها و شبکه‌های هدایت کننده را تأمین نماید.

عوامل ابزاری جنگ نرم

با توجه به گسترش علوم ارتباطات و دسترسی آسان مردم به رسانه و شبکه‌های اطلاع رسانی و از دیگرسو، امکان نفوذ و تاثیرگذاری کشورهای غربی و مشرف بر ابزارهای رسانه‌ای که همواره خود را بازیگر صحنه‌های بین‌المللی می‌دانند، برای عملیاتی کردن اهداف خود و بهره-گیری از تکنولوژی ارتباطی و سایر راه‌های وصول به آن از هیچ تلاشی دریغ نمی‌ورزند.

جنگ نرم به شیوهٔ رسانه‌ای و تأثیر آن بر انحراف افکار عمومی

الف. جنگ روانی(در این شیوه سعی می شود اذهان عمومی را متوجه ناکارآمدی نظام و هیأت حاکمه بسازند. القای ناتوانی حکومت در حل مشکلات جاری و استفاده بهینه از امکانات و منابع ملی در تعمیق توسعه و عدالت اجتماعی، تداوم چنین روندی سبب می شود که ضریب اعتماد مردم به کارگزاران دولت بشدت کاهش یابد).

ب. تشدید بحران مشروعیت (تخریب افکار مردم و افزایش شکاف بخشهای اجتماعی با نیروهای سیاسی درون حاکمیت، حمایت از روند دموکراتیزه کردن ساختار سیاسی، پشتیبانی

۱- قرقیزستان با مساحت ۱۹۸۵۰۰ کیلومتر مربع در شمال شرق آسیای مرکزی قرار دارد و یکی از کشورهای حوزه‌ی پساکمونیستی است که شاهد وقوع انقلاب رنگی بود. حائل بودن این کشور بین چین، تاجیکستان و همسایگی با قزاقستان و ازبکستان و قرار داشتن در مسیر جاده ابریشم برای غرب اهمیت ویژه‌ای داشت. ضمناً انقلاب این کشور در مقایسه با سایر انقلاب‌های رنگی با خشونت و پراکندگی بیشتری همراه بود.

۲- کرمی، مهران، جنگ بی دود و تفنگ، هفته نامه تحلیلی شهروند امروز، ۷ مرداد ۱۳۸۶ ، شماره ۲۹، ص ۲۷.

Scanned by CamScanner

از ایدئولوژی و فرهنگ سیاسی مخالف، بازسازی جبهه دگراندیشان، دامن زدن به اختلافات قومی و مذهبی... از دیگر تلاش های طراحان این پروژه می باشد).

ج. تمرکز بر بحران اقتصادی (بزرگ کردن مشکلات اقتصادی و معیشتی مردم، ارائه آمار های درست و غلطی که بیان کننده شاخص بحران مالی، تورم و بیکاری، ضریب جینی یا فاصله طبقاتی، خالی شدن صندوق ذخیره ارزی، بدهی‌های خارجی ...).

د. فشارهای بین‌المللی(تلاش گسترده در کاهش اعتبار کشور هدف در افکار جهانی، نفوذ در نهادهای بین‌المللی و دیدبان حقوق بشری با صدور بیانیه‌ها و گزارشات نقض حقوق سیاسی و یا عدم برگزاری انتخابات سالم و آزاد. تحریم و تحدید و فشارهای سیاسی و اقتصادی. استفاده از عناصر فعّال و اپوزسیون مقیم اروپا و آمریکا و تشویق به صدور بیانیه‌های مشترک علیه کشور هدف).

البته باید توجه داشت که دولتمردان همواره جامعه‌نگر و مبرا از تخلف و گناه نیستند و نباید تماماً نگاه بدبینانه به همه رسانه‌ها و فعالان سیاسی خارج از مرز داشت. در پاره‌ای اوقات با غلبه رژیم‌های سیاسی اقتدارگرا که رویه دموکراتیک و شفّافی را اتخاذ نکرده و سعی دارند تا منافع گروهی و ایدئولوژیک خود را بر منافع و مصالح مردم ترجیح دهند. اینجاست که نقش رسانه‌های مستقل و خارجی در افزایش آگاهی‌های سیاسی و حذف موانع هژمونیک حکومت، می‌تواند مفید و کارساز باشد. لذا باید مردم ارزیابی درستی از مهندسی رسانه‌ای و دریافت اطلاعات از آن منابعی که اخذ می‌کنند، داشته باشند در این رابطه نقش روشنفکران، روحانیون پیشرو و فعالان سیاسی جامعه، در تحلیل صحیح وقایع و انعکاس آن به سطوح اجتماعی بسیار اهمیت دارد.

زمینه‌های تاریخی براندازی نرم و مسأله ایران

با شروع جنگ سرد در دهه ۱۹۷۰ و حضور اساتید علوم سیاسی و ارتباطات (مانند جوزوف نای، هارولد لاسول و جان کالینز) از اعضاء برجسته سازمان جاسوسی آمریکا CIA و فرماندهان ارشد پنتاکون مرکزی با تأسیس "کمیته خطر جاری"، جنگ نرم طراحی و عملیاتی شد. مهمترین هدف این کمیته، فشار تبلیغاتی علیه بلوک شرق بویژه شوروی سابق بود... این کمیته نقطه تهاجمات روانی خود را متوجه جهان اسلام، جمهوری اسلامی و هواداران منطقه‌ای‌اش از جمله حماس، حزب‌الله لبنان و کشورهای حامی کرد.[1]

۱- درآمد تحلیلی بر انقلاب اسلامی ایران، رحیم عیوضی و جواد هراتی، ص۲۱۴ .

Scanned by CamScanner

لازمه وقوع انقلاب نرم، تدارک و سازماندهی تاکتیکی، در کانونی کردن فشار بر حکومت و واداشتن به علایق اپوزیسیون است این فشارها می‌تواند برای انتخابات پارلمانی چند حزبی یا برگزاری رفراندوم و محیطی آزاد بر پذیرش کاندیداهای مستقل ریاست جمهوری و... باشد.

انقلاب نرم تحت عنوان روند اصلاحی در کشورهای جهان سوم شکل گرفت. طراح اصلاحات لیبرالی آن "جورج سوروس" بود[1] که از راه حمایت‌های مالی بنیاد فرهنگی مطالعاتی‌اش با عنوان جامعه باز (open society) برای مخالفین نظام صورت گرفت. هم اکنون بنیاد سوروس بیش از ۳۰ کشور جهان از جمله جمهوری‌های آذربایجان، ارمنستان، ازبکستان، اوکراین، تاجیکستان، روسیه، گرجستان، قرقیزستان و مولداوی دارای نمایندگی‌های فعال است.[2]

در بسط اندیشه جامعه باز، کارل ریموند پوپر در تکوین این فضا بر این اعتقاد است که کشورهای در حال توسعه باید ارزش‌های تاریخی، آداب و سنن فرهنگی و معنوی خود را به اصلاحات و نوآوری‌های رایج در جوامع صنعتی و مدرنیته مبدل سازند. برای این منظور، در ظاهر برنامه‌ها و پاداش‌هایی نظیر اعطای کمک‌های انسان دوستانه، بهداشت عمومی، مسائل حقوق بشری، اصلاحات اقتصادی، حقوقی، سیاسی و حمایت از رسانه‌های مستقل لحاظ می‌شود. بدیهی است فعالیت این بنیاد در کشورهای آسیای میانه و قفقاز در تحقق شبکه دموکراتیک اوکراین و دیگر جمهوری‌های یاد شده گسترش یافت.

چنانچه بخواهیم موضوع جنگ نرم را در ارتباط با ایران پیگیری کنیم در بعد خارجی محصول تلاشهای لیبرالیسم آمریکاست مبانی فکری استراتژیک نومحافظه‌کارانه در سیاست خارجی دولت وقت بوش دنبال کرده بودند. اظهارات وی اینگونه بود:" تغییر حکومت ایران در رام ساختن خاورمیانه و گسترش حوزه نفوذ آمریکا اهمیّت خاصی دارد".

ضمن آنکه در صفوف نومحافظه‌کاران، دو دیدگاه وجود داشت؛ اول دیدگاه جنگ سخت که جزء مبانی نظری جریان اقلیت مانند رول مارک، ریچارد پرل، دیوید فروم و رامسفلد بود که اقدام نظامی مشابه عراق را گزینه مناسب می‌دانستند.

۱- George soros در سال ۱۹۳۰ در بوداپست مجارستان بدنیا آمد در سال ۱۹۵۶ راهی آمریکا شده و با اندیشه‌های کارل پوپر آشنا گردید. وی با سرمایه‌گذاری‌های بین‌المللی ثروت زیادی بدست آورده و در حال حاضر رئیس مؤسسه «جامعه باز» است. ایشان با حمایت دانشجویان آفریقایی در برابر رژیم آپارتاید ایستاد و خود را فردی خیرخواه و حامی اعمال بشر دوستانه نشان داده است. در دهه‌های ۱۹۸۰ سرمایه‌های زیادی روی مخالفین رژیم کمونیستی در شرق اروپا کرد. سوروس ۸ کتاب از جمله؛ پیامدهای جنگ با تروور، گشایش اتحاد جماهیر شوروی، دموکراسی متعهد، جامعه باز ... به تحریر در آورد (انقلابهای رنگین، شعیب بهمن، ص ۲۰۴).

۲- روایتی از انقلاب مخملی، محمد تقی فهیم، روزنامه کیهان، ۸ دی ۱۳۸۴.

Scanned by CamScanner

دوم طیف اکثریت نومحافظه‌کاران که بر اساس قائده هزینه و فایده، عملیات نظامی علیه ایران را موثر و معطوف به نتیجه نمی‌دانستند و غالباً بر الگوی رابطه و فشار توأم با تشدید تحریم‌ها[1] را موثر می‌دانستند. لذا الگوی تحریم اقتصادی به عنوان اهرم موثر فشار بر ایران، پس از مذاکرات متعدد استانبول و ژنو ۲۰۱۴ با توافق سنای آمریکا و دولت باراک اوباما و شرکاء اروپایی پیگیری شد. با روی کار آمدن دولت تندروی ترامپ و تقویت رابطه‌اش با عربستان و ملک سلمان بعنوان رقیب منطقه‌ای، تلاش شد میزان فشار بر ایران بیشتر شود تا سیاست خود را در منطقه که مبتنی بر حضور و نفوذ گسترده ایران بود، را تغییر دهد. به این ترتیب با پیش گرفتن تز تقویت فروپاشی از درون حکومت- تهدید و تحریم ایران، بعنوان هماوردی هژمونیک برغم تصورات اولیه استراتژیست‌های ایالت متحده دنبال گردید.

چهار سطح تاکتیک مهار ایران در سیاست خارجی و نفوذ منطقه ای :

الف. پرونده هسته‌ای ایران و به بهانه آن اعمال فشار و صدور قطعنامه‌های متعدد[2]

ب. صحنه عراق، افغانستان، سوریه و یمن به این مدعا که ایران در مسائل ایندسته از کشورها دخالت سیاسی، نظامی و فرهنگی دارد

ج. موضوع لبنان و حمایت این کشور از جبهه مقاومت و بنیادگرایان اسلامی حماس، جهاد اسلامی و حزب‌الله

د. بی‌اعتنا بودن ایران نسبت به هنجارهای بین‌المللی و نقض حقوق شهروندی و اقلیت‌ها!

آمریکا و شماری از کشورهای غربی و نهادهای بین‌المللِ تحت نفوذ صاحبان قدرت طی سالهای اخیر سعی کردند فشارهای زیادی بویژه از جنس اقتصادی، بر ایران وارد سازند ضمن

۱- در تحریم‌های اقتصادی از سوی آمریکا و اتحادیه اروپا در خرداد ۹۱ نفت و صنعت پتروشیمی ... را بعنوان منابع مهم درآمدی و تا سال ۹۲ میلادی خدمات بیمه‌ای، کشتی‌رانی، بانک‌ها، تجهیزات هواپیمایی و موشکی ایران را نشانه گرفتند. این اقدام طبعاً فشارهایی بر بدنه اقتصاد کشور، نظام پولی و بانکی، بازار و قدرت خرید مردم وارد آمد. موضع جمهوری اسلامی در قبال آن ضمن الویت بر تولید ملی، کار و سرمایه ایرانی، گفتمان اقتصاد مقاومتی را، راه عبور از مقطع دشوار اقتصادی دانستند. در همین ارتباط "آیت‌الله خامنه‌ای" رهبر انقلاب اسلامی در دیدار با محققان و مسئولان شرکت دانش بنیان فرمودند: «ملت ایران در وسط میدان است و مشکلات و فشارها، کوچک‌تر از تصمیم، اراده و آرمان این ملت است... راههای عبور از مقطع حساس کنونی اقتصاد مقاومتی است که نه بعنوان یک شعار بلکه واقعیتی است که باید محقق شود... ثروت آفرینی از طرق علم؛ اقتصاد کشور به شکوفایی حقیقی می رسد». (هفته نامه سیاسی و فرهنگی صبح صادق، ۱۶ خرداد ۹۱).

در این رابطه دولت ۳ وظیفه عمده دارد؛ تولید منبع، تخصیص منبع و مدیریت مصرف، در حالتی که تمامی شاخص‌های عمومی از قبیل؛ اثربخشی هزینه، بهره دهی، عدالت، معنویت و اسراف و تبذیر بدقت مورد توجه واقع شوند.

۲- شورای حکام آژانس انرژی اتمی، برای این که جمهوری اسلامی ایران را تحت فشار قرار دهد و با این ادعا که فعالیت‌های هسته‌ای ایران غیرشفاف و صلح آمیز نیست ۱۲ قطعنامه و آخری در شهریور ۹۱ علیه ایران صادر شد.

Scanned by CamScanner

اینکه مقامات مسئول در سیاست خارجی جمهوری اسلامی، با بررسی و ارزیابی از جوانب قضایا، اتهامات وارده را بی اساس و فاقد اعتبار حقوقی دانسته و اصل گفتگو و راستی آزمایی توام با تلاش مثبت و صلح جویانه که بدور از هر گونه اغراض سیاسی و اتهامات نامربوط باشد، را موثر می دانستند.

بدون تردید، رویکرد عقلانی و ارزیابی صحیح از چالشها و نقاط آسیب‌پذیر و بهره‌گیری از پتانسیل‌های موجود، منابع و دیگر امتیازات ژئوپولتیکی که در کشور داریم به ما این امکان را می دهد تا بسیاری از تهدیدها را به فرصت تبدیل کنیم.

از همان آغاز مذاکره با غرب، طرح موضوعات منطقه‌ای، چشم پوشی ایران از غنی‌سازی و طرح تشکیل تیم ویژه تشخیص فنی و کارشناس از مراکز هسته‌ای به میان آمده بود. نشست‌های متعدد دهه ۹۰ در استانبول و بغداد به نمایندگی دبیر شورای عالی امنیت ملی "سعید جلیلی" با آقای آمانو رئیس آژانس انرژی اتمی، وزرای خارجه و خانم "کاترین اشتون" نماینده عالی اتحادیه اروپا انجام گرفته بود. مواضع رسمی ایران بر ادامه فعالیت صلح آمیز هسته‌ای در چارچوب ام. پی. تی، غنی‌سازی ۲۰ درصدی اورانیوم و حذف تحریم‌های یک جانبه از سوی آمریکا و متحدانش بعنوان بهترین راه حل‌های دیپلماتیک مطرح شد با این وصف در این ۱۲ سال مذاکرات هسته‌ای نتیجه نداد.

در دولت احمدی نژاد ایران سعی کرد دامنه نفوذ و تاثیرگذاری خود را در منطقه به شکل پیچیده‌ای دنبال کند. از چین و روسیه گرفته تا عراق و سوریه و لبنان و کشورهای آمریکای لاتین. در این مقطع، ایران با بکارگیری دیپلماسی ویژه، هم پیمانان و متحدان راهبردی جدیدی در خاورمیانه و حیات خلوت آمریکا پیدا نمود و با جبهه متفاوتی در مقابل غرب صف آرایی می‌کرد.

تداوم روند مذاکرات هسته‌ای در دولت حسن روحانی که از برنامه‌های سیاست خارجی او بود، وارد مرحله تازه‌ای می شود اگر چه در درون کشور گروهی با استدلال خاص، مخالف مذاکره هسته‌ای بوده و آن را محدود کننده، بی ثمر و غیر قابل اعتماد می دانستند اما با توجه به تحریم‌ها و مشکلات اقتصادی در کشور، او معتقد بود مهمتر از چرخش سانتریفیوژها، چرخیدن زندگی اقتصادی مردم است.

برای رسیدن به تفاهم جلسات طولانی میان تیم مذاکره کننده ایران به سرپرستی ظریف وزیر امور خارجه و عباس عراقچی عضو ارشد گروه با خانم موگرینی نماینده عالی اتحادیه اروپا و وزرای خارجه- ۵ عضو دائم شورای امنیت، گروه ۱+۵ در وین پاتخت اتریش برگزار می شود

Scanned by CamScanner

تا راه حل جامعی در حذف تحریم‌های اقتصادی علیه ایران، تعهد طرفین نسبت به مفاد برجام و همچنین رفع ابهامات و نگرانی غرب و آژانس و شورای امنیت از فعالیت هسته‌ای ایران بدست آید این تلاش دیپلماتیک سرانجام در سال ۹۴ بعنوان دستاوری بزرگ بـه نتیجـه رسـید و دور تازه‌ای از روابط و سرمایه‌گذاری‌ها در حال شکل گرفتن بود. با گذشت دو سال و روی کار آمدن دولت ترامپ در آمریکا و خروج غیرقانونی از برجام و برگشت دوباره تحریم‌هـای یکسـویه علیه ایران، نگرانی‌های جدیدی از جمله بی اعتمادی دولت آمریکا را بدنبال داشت. برگشت تحریم‌ها بر بی‌ثباتی بازار ارز و طلا و قیمت کالا در ایران تاثیر فراوانی داشته است.

نکته قابل توجه اینکه ملت ایران برای تحقـق اهـداف والای انسـانی و صـیانت از اعتقـادات، عدالت و داشتن آزادی، انقلاب کرد. هشت سال در برابر هجوم عراق و هم پیمانـانش ایسـتادگی نمود همواره وفادار به ارزشها و مبانی بحق نظام بـوده و حاضـر نیسـت چیـزی را کـه بسختی بدست آورد و در تحصیل آن مجاهدت کرد به آسانی از دست بدهد. تحقق عملی مطالبات مردم در رسیدگی به وضعیت معیشتی، عدالت اقتصادی، رفع تبعیض، مبارزه با راند و فسـاد و اجرای دقیق قانون، نیازمند عزم ملی و تلاش مسئولان نظام است. معمار انقلاب اسـلامی در سـخنرانی ۱۳۶۰ حسینیه جماران در خصوص انسجام ملی و آگاهی ملت در برابر توطئه‌ها فرمودند:

این مسیر اسلامی محفوظ بوده و قدرتمندتر به جلو می‌رود و هر وقت احتمال داده شود که در بین ملت ضعفی حاصل شده باشد خدای تبارک و تعالی مسئله‌ای پیش مـی‌آورد و امـری را به خواست خودش ایجاد می‌کند که ملت را بیدارتر، قوی‌تر و منسجم‌تر می‌کند.[1]

پرسش فصل هفتم

۱- دلایل شکل‌گیری انقلاب‌های مخملی را نوشته و ویژگیهای آن را برشمارید

۲- عوامل ابزاری جنگ نرم را با تاکید بر شیوه‌های رسانه‌ای توضیح دهید

۳- چه تفاوت‌هایی میان انقلاب نرم و انقلاب‌های کلاسیک (گذشته) وجود دارد؟

پژوهش فصل هفتم

۱- نقش افکار انحرافی در استحاله نظـام از درون- خاصـه جنـگ نـرم را مـورد تحقیـق و مطالعه قرار دهید

۲- انقلاب مخملی را در رابطه با مساله ایران- سال ۸۸ مورد ارزیابی قرار دهید

۳- اقتصاد مقاومتی را از دیدگاه رهبری نظام تحقیق کنید

۱- صحیفه امام، جلد پانزدهم، ص ۱۴۷.

Scanned by CamScanner

فصل هشتم

پدیده جهانی شدن

مقدمه

پس از پایان گرفتن دو جنگ جهانی اول و دوم و پیامدها و خسارت‌های زیان‌بار آن، شرایط جدیدی در فضای بین‌الملل بوجود آمد که لزوم بحران حاکمیت برخی دولتها در برون‌رفت از تهدیدها و راهکارهای لازم جهت تامین صلح و امنیت را ضرورت بخشید. پیامدهای مخرب جنگ و کشتار انسانی، پیروی از قوانین بین‌المللی و داشتن رویکردی عقلانی، همراه با معیارهای مشترک و دیگر ضمانت اخلاقی و اجرایی کمک موثری بر ثبات سیاسی و صلح و آرامش جهانی باشد. در این رابطه برای دولتها تکالیفی معین شد که آزادی عمل، اقتدار سنتی و حقوق اساسی آنها را تحت تاثیر قرار داد. تشکیل واحدهای سیاسی و نهادهای بین‌المللی برای صلح و امنیت ملت‌های جهان و اولویت سرمایه گذاری‌های اقتصادی و تجاری در ورای مرزهای ملی اهمیت روزافزونی پیدا کرد.

در اواخر قرن بیستم کمتر مقوله‌ای در علوم اجتماعی وجود داشت که به موضوع جهانی شدن مربوط نشده باشد. در حوزه‌های اقتصاد، تجارت و در سیاست از نظام فراگیر حقوق بشری و دموکراسی و چالش اساسی جریان بنیادگرایی و تروریسم صحبت به میان می آید که هر یک پیوندی عمیق و ناگسستنی با پروسه جهانی شدن دارند. به موازات تحولات ناشی از ابزارهای فنی، مخابراتی، رسانه‌ای و حقوقی، انسان‌ها بدون در نظر گرفتن هویت‌شان بعنوان اتباع دولتی خاص و ورای عُلقه‌های ملی و سیاسی، مفهوم شهروند جهانی به خود گرفتند.

در عصر جهانی شدن، بواسطه برخوردای قدرت های صنعتی و اقتصادی از ظرفیت‌های فنی و علمی و رسانه‌ای، روند حرکت از بالا به پائین صادق است. نظیر سلطه قدرت‌های بزرگ، آژانس‌های سرمایه‌داری، شرکت‌های فراملی و چند ملیتی زمینه‌هایی را بوجود اوردند تا با

Scanned by CamScanner

چیرگی اقتصادی و فرهنگی پیوندی یک سویه و نابرابر را بر مناطق دور و پیرامونی تحمیل سازند. به همین دلیل پروژه جهانی سازی توجه بسیاری از اندیشمندان و صاحب نظران را بخود جلب کرده است.

با این وصف، ارزشها و هویت ملی و دینی برخی جوامع همچنان قوی و نیرومند باقی مانده است. نگاه عقلانی با مدیریت صحیح ظرفیت‌ها و منابع داخلی ملل شرق، من‌جمله جهان اسلام، امکان حل بسیاری از مسائل داخلی و شکافهای احتمالی با جامعه جهانی وجود دارد همچنین بهره‌مندی از مهارت سیاسی و رسانه‌ای و به پشتوانه خرد جمعی، جوامع در حال گذار خواهند توانست بسیاری از تهدیدها و فشار را به فرصت و شکوفایی تبدیل سازند.

جهانی شدن (Globalization)

در این خصوص ما با دو قرائت و برداشت روبرو هستیم: نخست جهانی شدن بعنوان پروژه‌ای که دنیای غرب با ارزشهای مدرنیته آن را مدیریت می‌کند و دوم بصورت یک فرایند و واقعیت توسعه اجتماعی پس از جنگ جهانی دوم با گسترش علوم ارتباطات انسانها را به یگدیگر پیوند داد. جهانی‌شدن از مهمترین مباحث حوزه روابط بین‌الملل است موضوعی که کانون توجه‌اش، اغلب معطوف به سیاست داخلی رژیم‌ها، موقعیت جوامع جهان سومی، در حال توسعه، جهان اسلام و پدیده سنت و تجددگرائی و حوزه های مرتبط به هر یک می باشد.

سیاره‌ای شدن جهان و **universalism** " مفهومی که بر تراکم جهان و تشدید آگاهی در باره آن بعنوان یک کل یکپارچه قرن بیستمی" حکایت دارد. **کمیته بین‌الملل** در سال ۱۹۹۵ جهانی شدن را "درهم‌آمیزی اقتصاد، سیاست، فرهنگ، جامعه شناسی و رفتارها از طریق نفی مرزها و سایر پیوستگی‌های محلی و اقدامات دولتی" تعریف کرد.[۱]

در دایره‌المعارف علوم اجتماعی تعریف اقتصادی از جهانی شدن ارائه شد؛ مرحله‌ای از فرایند توسعه که در آن تمامی جنبه‌های اقتصاد؛ مواد خام، کار، اطلاعات، بازار و حمل و نقل در سطحی جهانی و مرتبطی ادغام می‌شود. آنتونی گیدنز می‌گوید جهانی شدن روابط اجتماعی را تشدید نموده و مکانهای دور را به هم وصل می‌کند و حوادث و تصمیمات هر کشوری بر ماهیت دیگر کشورها اثر خواهد گذاشت.

Scanned by CamScanner

پیشینه تاریخی جهانی شدن

از نظر تاریخی گروهی معتقدند که جهانی شدن از قدمت چند صد ساله‌ای برخوردار است مرحله که از قدیم شروع شده و اکنون شکلی جدید و فراگیر به خود گرفته و با پدیده مدرنیسم و پست مدرنیته در پیوند است. جریانی که نقطه آغازین آن مغرب زمین بوده و در دهه ۱۹۷۰ وارد ادبیات تاریخی و سیاسی شد. اما این نظریه که جهانی شدن سابقه‌ای کمتر از دو دهه اخیر دارد صحیح‌تر به نظر می آید زیرا با فناوری اطلاعات و صنعت ارتباطات رابطه‌ی مستقیم و نزدیکی دارد.

مالکوم واترز ۳ مرحله تاریخی را برای جهانی شدن در نظر می گیرد :

۱- فرایندی که در ابتدای تاریخ وجود داشت اما امروزه شتابش بیشتر شد

۲- جهانی‌شدن ذات مشترکی با پدیده مدرنیسم و سرمایه‌داری دارد

۳- اینکه جهانی‌شدن فرایندی متأخر بوده و در پیوند با فرا صنعت و پسامدرنیسم است

جهانی‌شدن از یکسو تداعی‌گر تصویری از هم پیوندی‌ها، ارتباط بین دورترین نقاط جهان و نیز معارضه با سنت‌های کهنه‌ای که تمام ریشه‌های جغرافیای سیاسی، فرهنگی و اجتماعی خشک و بی روح می‌شود.[۱]

انقلاب صنعتی در ابعاد دانش سیبرنتیک، انفورماتیک (انقلاب اطلاعات) و مراحل پس از انقلاب اول، دوم صنعتی سبب شد سطح ارتباطات جهانی (World communications) گسترش یافته و کره زمین به تحقق دهکده جهانی حرکت کند. آثار تسریع‌کننده آن صنعت ارتباطات و حمل و نقل است که مک لوهان از آن "انفجار اطلاعات" نام می برد.

انقلاب صنعتی اول در دهه ۱۷۵۰ تحولی بود در تکنولوژی تولید. انقلاب صنعتی دوم در نیمه قرن ۱۹ تحولی در فناوری و ارتباطات و توزیع آن ایجاد کرد. در موج سوم انقلاب صنعتی در پایان قرن ۲۰، فناوری اطلاعات رسانه‌ای و ماهواره‌ای به شیوه‌ی اعجاب‌آوری دگرگون شد و فاصله‌های مکانی و جغرافیایی معنای پیشین خود را از دست داد.

جهانی شدن اقتصاد

سیاست‌های اقتصادی با مفاهیم قدیم که تابع سازوکارهای داخلی و ملّی بود اعتبار و سلط پیشین خود را از دست داد. با گسترش اقتصاد جهانی، توانایی دولت‌های ملی در کنترل و ادار

۱- مالکوم واترز، جهانی شدن، (۱۳۸۵)، نقل از کتاب انقلاب اسلامی ایران جمعی از نویسندگان، نشر معارف، ویراست چهارم، ص ۲۷۲-۲۷۳.

Scanned by CamScanner

مسائل داخلی محدود گردید از این‌رو نفوذ سازمانهای بین‌المللی نظیر: "سازمان ملل متحد[۱]، بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول IME و سازمان تجارت جهانی WTO[۲]" گسترش یافت. مدرنیته ابزارهایی دارد که ارزش‌های لیبرالیستی را رواج می‌دهد. گسترش زبان انگلیسی، رایانه‌ای شدن اطلاعات (Information)و فناوری، شبکه‌های ماهواره‌ای... از جمله آن می‌باشند.

تجدّدگرائی (modernism)

تجدّد از یکسو در مقابل سنت‌گرایی (traditionalism) و از طرفی دیگر در برابر پساتجددگرایی قرار می‌گیرد. سنت مجموعه‌ای از افکار، احساسات، افعال موروثی و جا افتاده‌ای است که از نسلی به نسلی دیگر انتقال می‌یابد.

تجدّدگرائی در قرن هجدهم در مغرب زمین رشد کرده و تدریجاً به دیگر نقاط جهان و آمریکای شمالی گسترش یافت. تجددگرائی بعنوان فرایندی از توسعه، بر پایه علوم تجربی (مشاهده، آزمایش و تجربه) فناوری ماشینی و شیوه‌ی نوین از تولید صنعت، سرمایه‌داری، بازار آزاد، تبلیغ مردم سالاری، اندیشه لیبرالیسم و اومانیسم قرار داشته و اهمیت بیشتری برای اصالت انسان و عقل بشری قائل است.

پست مدرنیسم (postmodernism)

اعتقاد بر این است که طی دهه‌های اخیر، در جامعه صنعتی نوعی دگرگونی ذاتی پدید آمده که آن را به جهان تازه ما بعدِ نوین انتقال داده است.

پسامدرنیسم؛ گرایشات و نظریه‌های نوین در زمینه فلسفه، علم، معرفت، سیاست، ادبیات، هنر... می‌باشد و به عنوان واکنشی در مقابل مدرنیته ظهور کرد.

۱- منشور سازمان ملل متحد که بعد از جنگ جهانی دوم به امضاء رسید متجاوز از ۱۷۰ عضو و ۲ دسته سازمان دائمی و تخصصی می باشد. سازمان دایمی : متشکل از مجمع عمومی، شورای امنیت، قیمومیت، شورای اقتصادی و اجتماعی، دبیرخانه و دیوان دادگستری بین‌المللی است. شورای تخصصی آن: سازمان جهانی بهداشت، کشاورزی، هواپیمایی بین‌المللی، اتحادیه جهانی پست، مخابرات و... (سیاسیت خارجی، منوچهر محمدی، ص ۷۲).

۲- World Trade Organization در سال ۲۰۰۳ بیش از ۱۴۵ کشور جهان به این سازمان می پیوندند. تشکیل این خلقه، گویای پیدایش رژیم‌های تجاری، نرم‌های اقتصادی و کنترل آن در حوزه ی جهان شمولی است. حدود ۵۰ شرکت بزرگ فراملی در عرصه الکترونیک، اطلاعات، ارتباطات، نفت، خودروسازی، هتل‌داری و فلزات در مقیاسی وسیع مالکیت تولید و توزیع سرمایهٔ جامعه جهانی را در اختیار دارند (نظریه‌های گوناگون در باره جهانی‌شدن، نوشته حسین سلیمی، صص ۸ تا ۱۳).

Scanned by CamScanner

از مهمترین مشخصه‌های پساتجددگرائی، نفی معرفت‌شناسی فلسفه مدرن، اعتقاد به کثرت‌گرایی، نسبیت اندیشی و نفی هر گونه وحدت‌گرایی و پذیرش سنن مختلف بومی و منطقه‌ای بجای یک فرهنگ واحد و کلی است. از دیدگاه پسامدرنیسم جهانی شدن سبب تحولاتی نظیر فرسایش مرزهای ملی، تکثیر حقایق و قرائت‌های دینی، تردید حیطه‌های علمی و فرهنگی، فروپاشی حریم‌های قدسی، ایجاد انجمن‌های تروریست و اپوزیسیون مجازی... است.[۱]

از نسبت تقابل ادیان با مدرنیته در مسیر مدرن شدن جوامع تابع، در برابر فراخوانی ادیان از مادیت، منت و موقعیت، اولاً مدرنیت انسان را به فردیتی خود مرجع، ثانیاً به تمرکزگرایی، ثالثاً به دغدغه و سودای مادیت فراخوانده است. عرفی شدن، نتیجه بسط مدرنیته در تمامی عرصه‌های زندگی، که جهانی شدن در شرایط غلبه هژمونیک به نفع آن عمل می‌کند و به جهانی‌سازی مدرنیته می‌انجامد.[۲]

از جایگاه ادیان، در پهنه جهانی‌سازی "مالکوم واترز" معتقد است در میان ادیان الهی، اسلام و مسیحیت بیش از دیگر ادیان داعیه جهان شمولی دارند. ضمن اینکه در عرصه دینداری، تعصب و جزم اندیشی، پیش‌داوری و عدم تسامح رنگ می‌بازد. فلسفه انتظار و ظهور امام غایب در مذهب تشیع نمونه‌ای از جهانشمولی اسلام بر سراسر کیتی است.

"ترنر" معتقد است پسامدرنیسم و جهانی شدن چالشی برای مکاتب اسلام و مسیحیت است هر چند در دوره پست مدرنیسم جایگاه وجودی مذهب خالی از لطف نیست. جهانی شدن قادر است فرهنگ‌ها و ادیان مختلف را در کنار یکدیگر قرار دهد و مطلق‌گرایی آنها را زیر سئوال ببرد. بر این اساس جهانی شدن از یکسو برای ادیان فرصت و از طرفی دیگر تهدید به حساب می‌آید.

در مورد ایران از جهت فرهنگی، اگر جهانی‌شدن به مفهوم یکسان‌سازی فرهنگی شناخته شود این امر با توجه به ابزارهای قوی کشورهای هسته‌ای، می‌تواند تهدیدی علیه قومیت محلی و هویت اسلامی باشد.[۳]

از لحاظ تاریخی جامعه ایرانی ترکیبی از سه الگوی فرهنگی زیر است:

۱- فرهنگ ایرانی (با پیشینه تقریبی دو هزار ساله)

Scanned by CamScanner

۲- فرهنگ اسلامی(با ظهور اسلام، چهارده قرن پیش وارد کشور شد)
۳- فرهنگ لیبرالیسم غرب و ایدئولوژی سوسیالیسم (حدود ۱۱۰ سال پیش به نمایندگی روشنفکران و احزاب سیاسی وارد کشور شد) .

ما در متن و ذهن جامعه ایرانی، زیست مشترگ ۳ گونه فرهنگ ذکر شده را عملاً داریم که در ادوار تاریخی میان آنها گاهی آشتی و گاهی ستیز وجود داشت در این رابطه جهت‌گیری ایدئولوژیک دولتها و کیفیت الگوی توسعه می تواند بر عمق شکاف یا آشتی سه زمینه ذکر شده تاثیرگذار باشد.

Scanned by CamScanner

رویکردهای نظری در باره جهانی شدن

۱- تحلیل اقتصادی ایمانوئل والرشتاین

والرشتاین (۱۹۹۵-۱۹۳۰) معتقد است تا کنون دو نوع نظام جهانی داشته‌ایم یکی امپراطوری جهانی مانند روم باستان و دیگری اقتصاد جهان سرمایه‌داری. امپراطوری با چیرگی سیاسی و نظامی، ولی اقتصاد سرمایه‌داری با سلطه اقتصادی همراه است. سلطه سرمایه‌داری با اهمیت‌تر بوده و دولتهای زیادی را در بر می‌گیرد.

پس از جنگ جهانی دوم و در دوران جنگ سرد، دنیا به سه جهان تقسیم شده است: جهان اول (کشورهای غربی) جهان دوم (برخی کشورهای کمونیستی) و جهان سوم (کشورهای در حال توسعه آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین).[۱]

تقسیم جغرافیایی کار در نظام سرمایه‌داری و سلطه اقتصادی بصورت منطقه هسته‌ای (**core area**)، منطقه پیرامونی(**periphery area**) و شبه پیرامونی(**semiperiphery area**) است. منطقه "هسته‌ای" بر اقتصاد جهانی سلطه دارد و بقیه نظامها را استثمار می‌کند، منطقه"پیرامونی" مواد خام و نیروی کار را برای مناطق مرکزی فراهم می‌سازد، منطقه "شبه پیرامونی" حد فاصل استثمار کردن و استثمار شدن قرار دارد. وی مهمترین تحولات اقتصادی جهانی را انتقال از تسلط سیاسی و نظامی به سلطه اقتصادی می‌داند. استثمار جریان مازاد را از قشر پائین به بالا، از حاشیه به مرکز و از اکثریت به اقلیت را منتقل می‌سازد. در گذشته آفریقا برده تولید می‌کرد اروپای جنوبی مرکز کشاورزی و اروپای غربی کانون کارگران مزدبگیر بود.[۲]

در همین رابطه "آنتونی گیدنز" نظریه‌پرداز معاصر بریتانیا معتقد است که نوگرایی برپایه پول و تخصص، انسانگرائی، سرمایه‌داری، فناوری، بازار آزاد، مردم سالاری... قرار می‌گیرد. وی با اشاره به گردونه خردکننده و پیدایش فاصله های زمانی و مکانی که سبب بی‌ریشگی و خالی شدن زندگی از معنا، هدف و ارزش است بازگشت به نظام اخلاقی را، راه حل برون‌رفت از بحران هویت و بی معنایی در نوگرایی جهانی می داند.

عده‌ای از نئومارکسیست‌ها هم مسأله وابستگی اقتصادی و ابعاد گوناگون آن را از لحاظ تئوریکی، تاریخی و جغرافیایی مورد بررسی قرار داده‌اند. از این میان می‌توان به نوشته‌های دوسانترز، سمیر امین و آندره گندر فرانک اشاره کرد.

Scanned by CamScanner

۲- نظریه پایان تاریخ فوکویاما

فوکویاما نظریه پرداز ژاپنی و مشاور وزارت خارجه آمریکا، شکست کمونیسم و فروپاشی اردوگاه شرق[۱]، سلطه آمریکا بر جهان را در پی داشته و اندیشه لیبرالیسم بر دیگر اندیشه‌ها پیروز می‌شود و ضمن تسلط بر رقبای ایدئولوژیک، رژیم‌های موروثی، فاشیسم و کمونیسم، مشروعیت خود را بیشتر ساخت. در نظر فوکویاما لیبرالیسم دموکراسی نقطه پایان تکامل ایدئولوژیک بشری و آخرین شکل حکومت است. هر چند وی بعد از هشت سال، نظریه قبلی خود را مورد اصلاح و بازنگری قرار می دهد.

نظام دو قطبی حاکم بر جهان در دوران جنگ سرد (۱۹۴۵- ۱۹۹۱) با فروپاشی کمونیسم به نظام تک قطبی تبدیل می‌شود هر چند آمریکا با قدرتهای دیگری چون؛ اروپای متحد[۲]، ژاپن، چین، روسیه و کشورهای آسیای جنوب شرقی در رقابت است. در نظام تک قطبی، آمریکا در رأس قدرت قرار داشته و خود را صاحب مسئولیتهای بین‌المللی می داند. جنگ با افغانستان و عراق[۳] در سال ۱۳۸۱ شمسی نمونه‌ای از آن می‌باشد.

بعد از جنگ سرد محورهای سیاست خارجی آمریکا در سه بخش ارزیابی می شود :

الف. کاهش حوزه نفوذ روسیه ب. تسلط بر منابع نفت جهان ج. امنیت و ثبات متحد خود اسرائیل. ضمن آنکه در خاورمیانه دو مخالف، یعنی تهران و دمشق و دو متحد یعنی ریاض و قاهره را دارد.[۴]

۱- جماهیر شوروی با فروپاشی اردوگاه کمونیسم در سال ۱۹۸۹ به ۱۲ جمهوری مستقل و کوچک تجزیه شد.

۲- اتحادیه اروپا یکی از بزرگترین قطب های اقتصادی- تجاری جهان است. کشورهای این اتحادیه در سازمان‌های اقتصادی- پولی بین‌المللی، نظیر صندوق بین المللی پول، بانگ جهانی، و تجارت جهانی نفوذ فعالی دارند. پذیرش پول واحد، سیاست دفاعی و مالیاتی مشترک برای تبدیل شدن به یک بازیگر موثر در صحنه بین‌الملل، ظهور اروپا بعنوان یک مرکز قدرت، وزنه‌ای برای رقابت با آمریکا محسوب می شود... این اتحادیه اصولاً با ایده نظم نوین جهانی آمریکا و جهان تک قطبی برهبری آمریکا مخالف است. اتحادیه اروپا با دیدگاه جمهوری اسلامی در مخالفت با تک قطبی شدن برهبری آمریکا اتفاق نظر دارد. (راهبرد ۳۸، نشریه مرکز تحقیقات استراتژیک، ص ۱۷۵).

۳-طبق توافق آمریکا و دولت نوری المالکی عراق، ۱۳۹۰/۹/۲۵ ماموریت نظامی آمریکا در این کشور پایان یافت. در حال حاضر آمریکا در این کشور حدود ۱۵ هزار کارمند دارد و قطعاً آنها در بسیاری از مسائل سیاسی و اقتصادی بشیوه‌ای دیگر مداخله خواهند داشت. در طول ۹ سال حضور نیروهای آمریکایی و انگلیسی، ۴۵۰۰ نظامی آنها کشته شده و بیش از ۳۰۰۰۰ تن مجروح شدند. حدود ۱۰۰۰۰۰ نفر عراقی اهم از نظامی و غیر نظامی جان خود را از دست داده و ۱/۵ میلیون نفر مجروح شدند. هم اکنون مناقشات سیاسی و اختلافات مذهبی و قومی بین شیعه و سنی و کردها با اعراب وجود دارد.

۴- تحولات و تغییرات انقلابی سال ۲۰۱۱ و ظهور دولت‌های جدید با مواضع گوناگون سیاسی، بر کیفیت روابط کشورها موثر است. در حال حاضر روابط دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا با بن سلمان و خاندان آل سعود بسیار نزدیک است و عربستان همچنان یکی از خریداران اصلی سلاح از آمریکا می باشد.

Scanned by CamScanner

یکی از اهداف اصلی آمریکا و غرب، کنترل و در اختیار گرفتن جریان انرژی‌ای که مرکزیت آن در خاورمیانه قرار دارد. منطقه استراتژیک " تنگه هرمز" گذرگاه حیاتی ۶۰ درصد منابع نفتی و ۴۰ درصد گاز جهان شامل عربستان، عراق، کویت، عمان و ... در اختیار ایران می‌باشد. در سال ۲۰۱۱ حدود ۱۷ میلیون- معادل ۳/۵ درصد کل جابجایی از طریق اقیانوس انجام گرفت. امتیاز اختیار این تنگه در منطقه راهبردی خاورمیانه، غرب را در رویارویی مستقیم با ایرانی که از قدرت ایدئولوژیگی و ژئوپولتیکی برخوردار است، با مشکل جدی مواجه ساخت.

۳-نظریه برخورد تمدنها (Theory of civilizations challenge)

ایدهٔ برخورد تمدنها توسط "ساموئل هانتینگتون" از استراتژیست‌های معروف دولت آمریکا مطرح شد که در سرلوحه سیاست خارجی این کشور قرار می گیرد. هانتینگتون در نقطه مقابل، نظریه پایان تاریخ فوکویاما را رد نموده و معتقد است که جهان بصورت کل واحد نیست که در مسیر طراحی شده‌ای عمل نماید.

هانتینگتون می‌گوید با پایان جنگ سرد، رقابتهای ایدئولوژیک خاتمه یافته و مرحله جدیدی بنام عصر برخورد تمدنها آغاز می‌شود. ۸ تمدن بزرگ دنیا شامل: تمدن غرب، کنفوسیوس، اسلام، اسلاو، هندو، ژاپن، ارتدکس و آمریکای لاتین هستند. به لحاظ سیاسی در آینده، مشعل رهبری ابتدا در دستان اروپا و پس از آن بدست ژاپن، چین و روسیه خواهد افتاد[۱].

دلایل اصلی برخورد تمدنها از نظر هانتینگتون

۱- روند نوسازی اقتصادی و اجتماعی انسانها را از هویت‌شان جدا می‌سازد

۲- وجود اختلافات درونی تمدنها

۳- منطقه‌گرایی اقتصادی و افزایش خود آگاهی تمدنی

۴- گسترش فناوری و ارتباطات

به عبارتی دیگر نبرد ایدئولوژیک، تضعیف ناسیونالیسم، احیای ملت‌گرایی نوین... از ارکان اصلی چنین شکاف‌هایی محسوب می‌شوند. در همین رابطه دو متفکر سیاسی در سالهای ۱۹۴۷ "آلوین توین‌بی" و "اِشپنگر" معتقد بودند « تمدنها متولد می‌شوند، رشد می‌کنند، به پیری می‌رسند و سپس و در برهه‌ای از تاریخ می‌میرند»[۲]

---

samel p.huntigton if not civilizations what paradigms of the post-cold wold war. Nov/oec. 1993.

۲- توسلی، غلام عباس (۱۳۷۱)، نظریه های جامعه‌شناسی، چاپ سوم، انتشارات سمت، ص ۱۴۵.

Scanned by CamScanner

از نظر هانتینگتون خصومت ۱۴۰۰ ساله اسلام و اعراب زمینه‌ساز برخی حوادث بعدی شده و با رشد بنیادگرایی اسلامی، تمدن‌های اسلام و کنفوسیوس در مقابل تمدن غرب و مسیحیت خواهند ایستاد اما این تمدن غربی است که سرانجام پیروز می‌شود.

نقد وارده بر این نظریه، حاکی از آن است که برخورد تمدنها بر تجربه‌گرایی و تحلیل تاریخی تأکید داشته و واحد تحلیلی خود را تنها تمدن و فرهنگ می‌داند و به سایر مناقشات سیاسی، اقتصادی و اطلاعاتی که غالباً ناشی از تجاوز و خشونت دولت‌هاست و لزوماً ریشه در فرهنگ و ایدئولوژی ملت‌ها ندارد، توجهی نشده است.

در حوزه معرفتی و فلسفه علم، خاصه در اواسط قرن بیستم، عناصر و مفاهیمی نظیر دوگانگی در باب واقعیت و حقیقت، فکر و جسم و یا شکاف میان خردگرایی و انسان‌گرایی در مسیر یک چالش نظری قرار گرفته است. نظر به رابطه علم با جهان اجتماعی دینی و فلسفه تاریخ، رضا حسنی دین پژوه معاصر معتقد است «در عرصه بین‌المللی، ما با یک جنگ فرهنگی مواجه‌ایم و نه صرفاً یک گفتگوی فرهنگی. فرهنگ دینی و فرهنگ دنیا پرستی با هم در جنگی علمی- فرهنگی‌اند و تنها از طریق همین رویارویی رشد یافتند... در آینده مدرنیته‌هایی شکل خواهد گرفت که یکی از آنها مدرنیته اسلامی است، در نهایت تولید علم دینی موقوف به ظهور حضرت مهدی(عج) خواهد بود که در آن حکومت حق و باطل نمودار می‌شود».[1]

در مقابل نظریه چالش تمدنها، سید محمد خاتمی رئیس جمهور پیشین ایران، ایده گفتگوی تمدنها را مطرح ساخت که ضمن استقبال پارلمان اروپا، مجمع عمومی سازمان ملل متحد به اتفاق آراء در تاریخ ۱۳۷۷/۸/۱۳ در تأیید پیشنهاد فوق، برای نخستین بار، هزاره جدید را سال گفتگوی تمدنها نام نهاد. خاتمی در سخنرانی‌اش با بیان این طرح، اظهار امیدواری کرد که جهان در هزاره جدید بتواند از طریق گفت و شنود تمدنها، به صلح، عدالت و آزادی دست یابد.[2]

ایده گفتگوی تمدنها نگاه ویژه‌ای به انسان، هستی و جهان داشته و مصالحه و تفاهم را به جای نابرابری، دشمنی و خصومت و انحصارطلبی... قرار می‌دهد. این ایده در راستای سیاست تنش زدایی و اعتماد سازی درسطح سیاست خارجی و موقعیت کشورمان و روابط بین‌الملل تاثیرگذار بوده است.

۱- حسنی، سید حمید رضا (۱۳۸۷)، علم دینی، تهران، ص۱۴۹و۱۶۳ .

۲- انقلاب اسلامی، تدوین نهاد نمایندگی ولی فقیه در دانشگاه‌ها، ۱۳۸۵، ص ۲۲۸ .

Scanned by CamScanner

اثرات و پیامدهای جهانی شدن

۱- فرسایش حاکمیّت دولتهای ملی و اهمیت یافتن حاکمیت نهادها و رژیم‌های بین‌الملل(نظیر بانگ جهانی و صندوق بین المللی پول، شورای امنیت سازمان ملل ...)

۲- برداشته شدن مرزهای ملی و غلبه اقتصاد بین‌المللی(جهانی شدن کالا، فناوری و سرمایه، ظهور شرکت های فراملی و چند ملیتی و تحمیل الگوی اقتصاد کشورهای بزرگ)

۳- عمیق شدن شکاف در توزیع ثروت و قدرت و شکل‌گیری فرهنگ رفاه و الگوی مصرف

۴- دلاری شدن قیمت‌ها (گرچه یورو بعنوان واحد پولی اروپا از اهمیت ثانوی برخوردار است اما باید در نظر داشت که پول رایج بسیاری از کشورها نظیر روپیه، دینار، ریال، درام، افغان ... در معاملات تجاری شناخته شده نیستند)

۵- به چالش افتادن ایدئولوژی و فرهنگ کشورهای جنوب و حکومت‌های اقتدارگرا و تبلیغ حقوق بشر.

۶- بحران زیست محیطی(مسئله گرم شدن کره زمین، نازک شدن لایه آزن، بارانهای اسیدی، ریزگردهای منطقه خوزستان، گازهای گل‌خانه‌ای، حفظ گونه‌ها و حیات جانوری ... امروزه به موضوعی جهانی تبدیل شده است)

۷- تحمیل دموکراسی غربی، مبارزه با خشونت و تروریسم و توسعه افکار سکولاریستی (جریانی که مشروعیت الهی و محور زور را به چالش انداخته و از سویی فرهنگ سیاسی، ارزشها و نظام معنایی شماری از ملتها را تضعیف نموده است)

پرسش فصل هشتم

۱- جهانی شدن را تعریف کرده و ابعاد اقتصادی آن را بیان کنید

۲- الگوهای نظری جهانی سازی را بنویسید

۳- اثرات و پیامدهای جهانی شدن را بیان کنید

Scanned by CamScanner

پژوهش فصل هشتم

۱- نقش و جایگاه اسلام و ایران را در تحولات نظام بین‌المللی مورد ارزیابی قرار بدهید

۲- سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را در پیگیری حقوق هسته‌ای و مذاکره با آژانس و گروه ۵+۱ تحقیق و بررسی کنید

۳- روند دیپلماسی خارجی ایران را (بویژه در بحث هسته‌ای) در دو دولت آقایان محمود احمدی نژاد و حسن روحانی ارزیابی و مقایسه کنید

۴- رشد جریان تکفیری و تروریسم (تندروهای مذهبی) در خاورمیانه، بویژه سوریه و عراق (جبهه النصره و داعش) و افغانستان (طالبان) را جداگانه مورد تحلیل و ارزیابی قرار بدهید

Scanned by CamScanner

فصل نهم

جوامع عربی دستخوش بحران و انقلاب

مقدمه

منطقه خاورمیانه در طول تاریخ، به دلیل موقعیت های راهبردی و وجود منابع سرشار حیاتی، همواره تنش زا و بحران‌خیز بود. این منطقه بویژه در دوران جدید با مداخله قدرت های بزرگ منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای به یکی از پرتنش‌ترین مناطق جهان تبدیل گردید در نتیجه بیشتر دولتهای آن با بحران درگیر بوده یا از بیم وقوع جنگ و توجه به اصل پازدارندگی به دنبال انباشت فزاینده سلاح و مهمات هستند.

وقوع انقلابهای سخت و خشونت بار، حتی با وجود پیشرفت‌های علمی و گسترش فرهنگ مدرن و فناوری ارتباطات، دور از ذهن نخواهد بود. اساسا به منظور کاهش خسارت جانی و مالی و توصیه ی نظریه پردازان نوین، منطقی است که تغییرات نرم و اصلاحات سیاسی از بالا در دستور کار حکام و کنشگران سیاسی قرار گیرد، اما این استراتژی در قرن بیست و یکم در کشورهای عربی هرگز بکار گرفته نشد.

موج عظیم خیزش اجتماعی در خاورمیانه و بویژه جهان اسلام، بیانگر بیداری ملت‌ها و پیگیری مطالبات سیاسی، حقوقی و اجتماعی‌شان است. تجربه تاریخی به وضوح نشان داده است که مردم کشورهای استبداد زده، با استعانت از خداوند و تشکیل حلقه‌های انسانی، در مقابل قدرت‌های مطلقه و دیکتاتوری نظامی خواهند ایستاد و آنها را از نردبان قدرت به زمین آورده و به سزای اعمالشان می‌رسانند.

برخی تحلیل‌گران سیاسی معتقدند از آنجایی که شرایط بسیاری از کشورهای عربی یکسان است و حکام سیاسی از جنس دیکتاتوری هستند آنها نیز حوادث کمونیسم اروپای شرقی

Scanned by CamScanner

۱۹۸۹ را تجربه خواهند کرد. افزایش قشر جوان و میزان بیکاری، بالا گرفتن نرخ تورم و شکاف حاصله بین فقرا و ثروتمندان، میزان نارضایتی و نگرانی‌ها را بر انگیخته است.[۱]

با گذشت ۳۵ سال از عمر انقلاب، کشوری که مردمش در پرتو ایدئولوژی مذهبی در سال ۱۳۵۷ در برابر رژیم پهلوی ایستادند اکنون این رویارویی سیاسی را بوضوح در کشورهای عربی تونس، مصر، لیبی، بحرین با الهام از دموکراسی‌خواهی و بیداری اسلامی[۲] شاهدیم. حکومت‌هایی که فاقد مشروعیت و اخلاق سیاسی‌اند و پایگاه مردمی و مشروعیت سیاسی ندارند و تنها با اقناع و تطمیع و زور به حیات سیاسی‌شان ادامه می‌دهند. قطعاً سرنوشت پیران قدرت، مانند مبارک در مصر و قذافی در لیبی را تجربه خواهند کرد.

جنبش انقلابی در تونس

جمهوری تونس کشوری در شمال آفریقا در کنار دریای مدیترانه واقع است که تاریخ آن به ۱۰ هزار سال پیش از میلاد مسیح بر می‌گردد. این کشور از غرب با الجزایر و از شرق با لیبی همسایه بوده و در شمال آن دریای مدیترانه قرار دارد. ۴۰ درصد خاک این کشور را صحرای بزرگ آفریقا پوشانده است.

جمعیت این کشور ۱۰.۳۸۳.۵۷۷ نفر و مساحت آن ۱۶۳.۶۱۰ کیلومتر مربع. حدود ۹۸ درصد مردم از نژاد عرب بوده که به عربی حرف می‌زنند. ۹۸ درصد مردم تونس مسلمانند و تنها ۲ درصد آن مسیحی‌اند. از نظر اقتصادی، نرخ بیکاری در سال ۲۰۰۷ میلادی ۲.۹ درصد اعلام شد و ۷.۴ درصد مردم این کشور در زیر خط فقر زندگی می‌کنند.

در سده هفدهم میلادی اعراب این سرزمین را فتح می‌کنند. در سال ۱۵۳۴ میلادی دولت عثمانی (خیرالدین پاشا) آن را به اشغال خود در آورد. قرن نوزدهم انگلیسی‌ها به دخالت در آن پرداختند. فرانسه در سال ۱۸۸۱ بر اساس پیمان باردو آن را مستعمره خود قرار داد. در جریان جنگ جهانی دوم، ارتش آلمان در تونس نیرو پیاده کرد اما دیری نپایید که به کنترل متفقین در آمد. این کشور در سال ۱۹۵۶ بر اساس پیمان پاریس به استقلال خود رسمیت بخشید.

۱- دو هفته نامه پیک تقریب، شماره ۱۱۵، بهمن ۱۳۸۹، ص ۲۹.

۲- پیروزی انقلاب اسلامی و کره خوردن آن با مفاهیمی چون "استکبار ستیزی" و حمایت از "پا برهنگان عالم" امید تازه‌ای در دل جنبش‌های اسلامی بوجود آورد. در این میان حرکت‌های اسلام خواهی حزب‌الله، حماس، حزب الدعوه و پیکار اسلامی عراق، الجهاد مصر و بحرین – در ابعاد ایدئولوژیکی، سیاسی و روانشناختی با انقلاب اسلامی ایران پیوند خوردند.

Scanned by CamScanner

حکومت این کشور جمهوری چند حزبی و دارای یک مجلس قانونگذاری است. رئیس جمهور با رأی مستقیم مردم برای یک دوره ۵ ساله انتخاب می‌شود. نخست وزیر، رئیس دولت و کابینه است که توسط رئیس جمهور تعیین می‌شود. حکومت توتالیتاریسم زین‌العابدین بن علی، سالها با سرکوب، سانسور و تجاوز به حریم خصوصی ادامه یافت. فقدان گردش آزاد اطلاعات، فضای ترس و ارعاب و بازداشت گسترده مخالفین، مدتها بر چهره عمومی این کشور سایه افکنده بود.

شکل‌گیری ناآرامی‌ها

قیام مردمی تونس (۲۰۱۱-۲۰۱۰) ابتدا با خودسوزی جوانی تحصیل کرده بنام محمد البوعزیزی در شهر "سیدی بوزید" آغاز گردید که بعد از چندی تبدیل به شورش مردمی شد. نارضایتی مردم از شدت بیکاری و فساد به اوج خود رسید.

دامنه اعتراضات باعث هرج و مرج شهری، آتش سوزی و غارت فروشگاهها، مناطق مسکونی و ایستگاه مرکزی قطار شد.[1] با ادامه تظاهرات، دولت وضعیت فوق‌العاده اعلام کرده و مقررات منع رفت و آمد شبانه و ممنوعیت اجتماع بیش از سه نفر را به اجرا در آورد. در ۱۲ ژانویه جمعی از جوانان معترض به صدها مغازه و فروشگاه‌ها حمله برده و چندین بانک را به آتش کشیدند. درگیری‌ها علاوه بر پایتخت به شهر توزر در جنوب غربی و تاله در استان قصرین رسید. با گسترش اعتراضات خیابانی، نیروهای امنیتی برای متفرق ساختن جمعیت از گاز اشک‌آور، باتوم و گلوله جنگی استفاده کردند که در درگیری‌ها تعداد ۲۳ نفر کشته می‌شوند.

تصمیم رئیس جمهور به وعده اصلاحات سیاسی مبنی بر برکناری تمام اعضاء کابینه، انحلال پارلمان و... هیچ یک برای مردم قانع کننده نبوده و مخالفان خواهان برکناری وی شدند. تا اینکه ضمن انحلال دستگاه‌های وابسته، وی از قدرت کناره‌گیری کرد و مسئولیت را به محمد الغنوشی نخست‌وزیر سپرد. راشد الغنوشی که ۲۰ سال را در تبعید و در خارج از کشور می‌گذراند به همراه هفتاد تن از مخالفین رژیم به تونس بازگشت او در تلویزیون ملی ظاهر شده و اعلام کرد اداره کشور به وی واگذار شد و ملاقاتی هم با جمعی از رهبران سیاسی داشت. درخواست تشکیل کمیته ویژه بررسی پرونده فساد، برکناری وزیر کشور و آزادی بازداشتی های درگیری از دیگر برنامه های او بود.

Scanned by CamScanner

از نگاه واکنش‌های بین‌المللی، بان کی‌مون دبیرکل سازمان ملل و اتحادیه اروپا و آنگلا مرکل صدراعظم آلمان خواستار راه حل دموکراتیک و مسالمت‌آمیز شدند. دولت آمریکا با صدور بیانیه‌ای در کاخ سفید از مواضع مخالفین حمایت کرد و خواهان برگزاری انتخابات آزاد شد.

با تشدید فشارهای داخلی و ناآرامی‌های سیاسی، تنها طی ۴ هفته دیکتاتوری ۲۳ ساله، از قدرت سقوط کرد و بن علی ۷۴ ساله رئیس جمهور اقتدارگرا، بهمراه خانواده‌اش به عربستان سعودی گریخت.

شبکه‌های اجتماعی و اینترنتی (توییتر، فیس بوک و یوتیوب) در گردش اطلاعات و به چالش کشاندن نظام مستقر نقش موثری ایفا کرده بودند. اصولاً دیکتاتورها خوب می‌دانند مبادله اطلاعات و دسترسی مردم به شبکه‌های اجتماعی آنلاین بسیاری از پنهان کاری‌ها و اخبار دولتی و مهندسی شده را از اعتبار می اندازد.

برخی از تحلیل‌گران خیزش انقلابی مردم تونس را نقطه آغاز موج دموکراتیزه شدن کشورهای عرب استبداد زده می‌دانستند ماجرایی که نخست در این کشور آفریقایی بوقوع پیوست.

حرکت انقلابی تونس در تحقق دموکراسی و حکومت قانون، توانست ضمن کنار زدن دیکتاتوری، الگوی نوینی از مشارکت مردمی را به نمایش بگذارد و با تحرکات گسترده در سراسر منطقه و غلبه حس خودباوری مردم، سایر دیکتاتورهای منطقه را بشدت بیمناک سازد. با این حال این کشور همچنان راه درازی تا استقرار یک نظام دموکراتیک در پیش دارد.[1]

انقلاب مردم مصر

مصر کشوری است در شمال خاوری قاره آفریقا و شبه جزیره سینا و در بخش جنوبی دریای مدیترانه و شرق دریای سرخ، که از غرب با لیبی و از جنوب با سودان همسایه است. مصر بعنوان پرجمعیت‌ترین کشور آفریقایی و خاورمیانه با جمعیت ۷۵ میلیون نفر در کناره‌های نیل شهرهای بزرگی چون قاهره و اسکندریه را در خود دارد. تمدن مصر از ۴ هزار سال پیش از میلاد شروع شد. سرزمین فراعنه و محل بر آمدن پیامبرانی چون حضرت یوسف و موسی است.

از لحاظ سیاسی و فرهنگی مصر از مهمترین کشور عرب در جهان و خاورمیانه شناخته می‌شود و دانشگاه الازهر مرکز مذهبی آن است. کشوری با ۲۳ استان و مرکزیت قاهره، زبان

۱. ایران، ۱۰ اردیبهشت ۱۳۹۰.

Scanned by CamScanner

رسمی عربی، واحد پول پوند مصر و مساحت آن ۹۸۰.۸۶۹ کیلومتر مربع است. برخی از آثار و تمدن تاریخی مصر؛ اهرام ثلاثه، قلعه اسکندریه، رود نیل، مسجد علی پاشا و موزه پولیس می‌باشند.

در سال ۵۲۴ ق.م این کشور بدست ایرانیان سقوط کرد و در دوره هخامنشی و عصر ساسانیان (خسرو پرویز) بخشی از قلمرو شاهنشاهی ایران محسوب می‌شد. در سال ۳۳۲ اسکندر این سرزمین را تصرف کرد. سال ۳۰ پیش از میلاد رومیان مصر را ضمیمه خود قرار دادند. در سال ۶۴۱ زمان عمر خلیفه دوم، اعراب مسلمان آن را فتح نموده و در سده چهاردهم، دین اسلام الگوی اعتقادی اکثریت مردم در آمد. از لحاظ سیاسی این کشور تحت‌الحمایه بریتانیای کبیر بود که پس از جنگ جهانی اول به استقلال دست یافت.

جمال عبدالناصر از سال ۱۹۵۴ تا ۱۹۷۰ یعنی زمان مرگش قدرت سیاسی را با الگوی ناسیونالیست و پان عربیسم بدست گرفت. جنگ ۶ روزه اعراب و اسرائیل نیز در همین دوره رخ داد. پس از آن زمام قدرت را انورسادات تا زمان ترورش در اختیار داشت. از سال ۱۹۸۱ حسنی مبارک بعنوان چهارمین رئیس جمهور بقدرت رسید.

انقلاب مصر (ژانویه ۲۰۱۱) مجموعه‌ای از راهپیمایی‌ها، و نافرمانی مدنی بود که با الهام از موفقیت انقلاب تونس در مقابل سفارت تونس آغاز شد. انقلاب علیه شکنجه، فقر، فساد و بیکاری، تقاضای افزایش دستمزد و لغو قانون شرایط اضطراری ۱۹۶۷. خواست انقلابیون، سرنگونی حسنی مبارک که ۳۰ سال قبل، پس از ترور انور سادات قدرت را در دست گرفت. با گذشت دو روز از ناآرامی‌ها، جوان مصری بنام عبده عبدالمنم حماده، بدلیل بی اعتناعی به حقوق اجتماعی در مقابل ساختمان مجلس دست به خودسوزی زد.

ناآرامی‌های مصر با دعوت مخالفان تظاهرات میلونی در میدان التحریر قاهره تشکیل شد آنها از ملت مصر درخواست کردند بعد از نماز جمعه در اعتراض به شرایط سخت معیشتی در راهپیمایی سراسری شرکت نمایند. در این تظاهرات نیروهای ضد شورش، علیه مردم از ماشین آب پاش، گاز اشک‌آور و گلوله‌های جنگی استفاه کردند. راهپیمایی که در آن احزاب مخالف بویژه گروه اخوان‌المسلمین و محمد البرادعی نماینده اپوزیسیون حضور داشتند.[1]

محمد بدیع رهبر اخوان‌المسلمین که از قوی‌ترین گروه مخالف بود، اداره این کشور را غیر مشروع و غیر قانونی دانست. در بیانیه‌ی رهبر اخوان‌المسلمین طرح ۶ مرحله‌ای پیشنهاد تحقق آزادی، زندگی مسالمت‌آمیز و دموکراتیک برای همه ملت مصر تأکید شد. وی اولین مرحله

Scanned by CamScanner

طرح را، برکناری مبارک از قدرت و انحلال دو مجلس مشورتی و خلق مصر شد و در مرحله دوم پیشنهاد کرد رئیس دادگاه عالی قانون اساسی جایگزین وی شود و امور کشور را در دست گیرد و خواهان لغو حالت فوق‌العاده و صدور فرمان عفو عمومی همه زندانیان سیاسی شد تا اینکه با کشمکش و خونریزی در فوریه ۲۰۱۱ ارتش مصر اعلام بی‌طرفی کرد و خواسته‌های مردم را قانونی دانست.

با فشارهای بی‌امان مردم، حسنی مبارک رئیس جمهور مادام العمر دستور حکومت نظامی و تیراندازی بسمت معترضین در شهرهای قاهره، اسکندریه و سوئز را صادر کرد. در ژانویه ۲۰۱۱ تعداد ۷۲ نفر در شهرهای سوئز، اسکندریه و قاهره کشته شدند. بطور کلی در جریان ناآرامی‌ها بیش از هزار نفر جان خود را از دست داده و شمار زیادی مجروح گردیدند.

معترضین طی اقدامی مقر حزب دموکراتیک و ۱۷ مرکز پلیس را در قاهره به آتش کشیده و شماری از بازداشت شدگان را آزاد و سلاح‌ها و مهمات را با خود بردند. ۹ سبتامبر ۲۰۱۱ صدها نفر از معترضان در قاهره به سفارت اسرائیل حمله کرده و با پتک و دیلم دیوار دو و نیم متری سفارت را فرو ریخته و با انهدام اسناد محرمانه، پرچم اسرائیل را به زیر کشیدند. دولت اقدام به قطع پوشش تلفن همراه در میدان التحریر و فیلترینگ وب سایت‌های مخالفین روی آورد.

با گسترش دامنه اعتراضات، حسنی مبارک با انحلال دولت، عمر سلیمان رئیس دستگاه امنیتی کشور را بعنوان معاون خود و محمد شفیق را در سمت نخست‌وزیری منصوب کرد. او وعده انجام اصلاحات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مانند افزایش دموکراسی، آزادی‌های مدنی و حل مشکلات معیشتی را داد که هیچکدام نتوانست مخالفان را قانع سازد. سرانجام در بهمن ۸۹ (فوریه ۲۰۱۱) حسنی مبارک از قدرت استعفاء داده و اداره کشور را به ارتش- شورای نظامی با ریاست وزیر دفاع مصر محمد حسین طنطاوی سپرد و با اتفاق همسر و فرزندان خود روانه شرم الشیخ شد.

رهبر انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در خطبه عربی نماز جمعه تهران خطاب به ملت‌های مصر و تونس فرمودند :"در این جنبش اسلامی و آزادی جویانه، من به نام ملت ایران و به نام حکومت انقلابی ایران به ملت مصر و تونس درود می‌فرستم و از خداوند سبحان و تعالی می‌خواهم تا پیروزی کامل را نصیب شما کند من به این نهضت شما افتخار می‌کنم... وعده الهی

Scanned by CamScanner

که می‌فرماید: و نُریدُ اَن‌نمُن عَلی‌الذینَ استضعفوا فِی‌الارض و نَجعَلَهم ائمه و نَجعلهمُ الوارثین.[۱۱]

با سرنگونی مبارک، قانون اساسی جدید طی همه پرسی عمومی رسمیت یافت و انتخابات پارلمانی در ۲۸ نوامبر برگزار شد در ۲ اوت ۲۰۱۱ محاکمه حسنی مبارک به همراه پسرانش علاء و جمال مبارک و حبیب العادی وزیر پیشین کشور و ۶ تن از افسران ارشد پلیس در دادگاه جنایی قاهره برگزار شد۲. البته حکم صادره رئیس جمهور مخلوع، سبب دور جدیدی از تنشهای داخلی و مخالفت بسیاری از گروه‌های اجتماعی شد. هم اکنون اسلام‌خواهان در سطوح اجتماعی و دولتی از نفوذ و جایگاه ویژه‌ای برخوردارند و توانستند در انتخابات ۲۰۱۲ ریاست جمهوری، با پیروزی نامزد خود "محمد مرسیّ" در برابر دیگر رقبا، موقعیت خود را مدتی تحکیم بخشند. سرانجام مُرسی در سال ۲۰۱۳ با کودتای نظامی از قدرت بزکنار شد و در حصر خانگی قرار گرفت. او در بهمن ۹۲ به اتهام تحریک به خشونت و قتل، تبانی با حماس و حزب-اله لبنان، قتل نگهبانان زندان و اهانت به مقام‌های قضایی محاکمه شد. دور جدید انتخابات که در ۳۰ مه ۲۰۱۴ برگزار گردید، فرمانده سابق ارتش این کشور، ژنرال عبدالفتاح السیسی که پیشتر از طراحان کودتا بود با کسب ۹۶ درصد آرا- تنها ۴۴ درصد از واجدین شرایط شرکت کردند، بعنوان رئیس جمهور، برگزیده شدند. وی از مخالفان سرسخت جماعت اخوان‌المسلمین است. در مصر بواسطه کثرت گروه‌های سیاسی و مذهبی امکان یکپارچگی، سخت و دشوار و زمانبر است هر کدام از گروه‌های رقیب برای بدست آوردن کرسی قدرت و به چالش کشاندن حکومت تلاش می‌کنند.

انقلاب لیبی با نبردی خونین

لیبی بعنوان چهارمین کشور پهناور آفریقای شمالی، با مصر، سودان، چاد، نیجر، الجزایر تونس هم مرز است. تقریباً ۹۰ درصد سرزمین‌اش را بیابان و صحرای بی آب و علف پوشانده مناطق سرسبز تنها در کناره‌های دریای مدیترانه قرار دارد.

مساحت این کشور ۱.۷۵۹.۵۴۱ کیلومتر مربع، جمعیت آن ۷۰۰۰۰۰۰ نفر و از لحا تقسیمات جغرافیایی دارای ۳۲ استان و ۴ ناحیه با مرکزیت طرابلس می باشد. ۹۷ درص جمعیت سنی مذهب و زبان رسمی مردم عربی و دیگر زبانهای رایج انگلیسی و ایتالیایی بود

۱- دو هفته نامه پیک تقریب، شماره ۱۱۶، نیمه دوم بهمن ۱۳۸۹، ص ۱۲.
۲- همشهری، آنلاین، آغاز محاکمه پدرخوانده دیکتاتوری عرب، ۱۲ مرداد ۱۳۹۰ .

Scanned by CamScanner

از نژاد عرب و بربرند. نرخ بیکاری ۲۵ درصد، حدود ۷/۴ درصد جمعیت در زیر خط فقر زندگی می‌کنند در حالی که یکی از ۱۰ کشور اصلی صادر کننده نفت جهان است.

این کشور در سده یکم میلادی تحت فرمانروایی امپراطوری روم بود که مدتی بعد امپراطوری بیزانس(روم شرقی) بر آن حاکمیت یافت. ایدئولوژی اسلام در سده هفتم میلادی وارد این کشور شد پس از روم دولت عثمانی فرمانروایی این کشور را در دست گرفت. در جریان جنگ جهانی دوم، لیبی میدان اصلی نبرد متفقین با ایتالیا و آلمان شد. در سال ۱۹۶۹ شماری از افسران ارتش لیبی به فرماندهی معمر قذافی با انجام کودتایی پادشاه وقت را از قدرت خلع کرده و رژیم جماهیر مردمی سوسیالیستی را برپا کردند. قذافی از ایده پان عربی جمال عبدالناصر پیروی و از اسلام‌گرایی نیز حمایت می کرد. بعد از مرگ ناصر در سال ۱۹۷۰ م تلاش کرد تا ردای رهبری جهان را به تن کند و به خود لقب شاه شاهان آفریقا دهد.

انقلاب زنجیره‌ای ۲۰۱۱ م خاورمیانه و شمال آفریقا که از تونس شروع شد پس از مصر دامن لیبی را نیز گرفت. در همین سال، گروهی از معترضان سیاسی که الهام بخش جنبش اجتماعی جهان عرب بود بر ضد دولت قذافی در لیبی بپا خواستند حرکتی که خیلی زود به یک شورش گسترده عمومی تبدیل شد. درگیری‌ها به شهرهای بزرگ و مناطق مرکزی، شرق و شهرهای شمال‌غربی کشیده شد مخالفان معمر قذافی از مناطق شرش حرکت کرده و بتدریج مناطق مرکزی و غربی لیبی را تحت کنترل خود گرفتند. ارتش قذافی به شکلی بی رحمانه با انواع سلاحهای آتشین، موشک، توپخانه و جنگنده‌های هوایی تعدادی از شهرها و خیابانهای بنغازی، بیضا و طرابلس، الزاویه و سرت را مورد هدف قرار داد که بیش از ۲۰۰۰ نفر جان باخته و هزاران زخمی برجای گذاشت.

قذافی عهد کرد در برابر شورشیان و نیروهای خارجی مقاومت کند تا به گفته خودش در راه وطن شهید شود و با انتشار پیام صوتی از نیروهای قبیله‌ای طرفدار خود خواست با مقاومتی گسترده به خیابانها ریخته و یایتخت را به بغدادی دیگر تبدیل کنند.[1]

با تشدید جنگ داخلی و بکارگیری ارتش از ماشین‌های زرهی و جنگنده بمب افکن‌ها، شورای امنیت سازمان ملل طی قطعنامه‌ای ابتدا دارائی‌های معمر قذافی و نزدیکانش را توقیف و مسافرت آنها را به سایر نقاط جهان محدود ساخت. دادگاه جنایت بین‌المللی حکم بازداشت قذافی، پسرش سیف‌الاسلام و برادر خوانده‌اش عبداله السنوسی را صادر نمود و از طریق اینترپل آنان را تحت تعقیب قرار داد.

۱- دو هفته نامه پیک تقریب، شماره ۱۱۷، نیمه اول اسفند ۱۳۸۹، ص ۱۸.

Scanned by CamScanner

با صدور بیانیه اتحادیه عرب مبنی بر پایان دادن به خشونت‌ها از طریق نهادهای بین‌المللی، سازمان ملل با تصویب قطعنامه شماره ۱۹۷۳ با هدف حمایت از غیر نظامیان، خواستار ایجاد منطقه پرواز ممنوع بر فراز لیبی شد. نیروهای ناتو متشکل از ۲۵ کشور مسئولیت حملات هوائی و پوشش آسمان انقلابیون لیبی را در اختیار گرفتند. روندی که لیبی را به ورطه جنگ شهری مابین نیروهای دولت و نیروهای مخالف با همکاری ناتو کشاند. در نتیجه ورود کشورهای اروپایی به ویژه ایتالیا به معادله لیبی در کنار اجرای مصوبه شورای امنیت برای حفاظت از جان غیرنظامیان و حفاظت از منطقه استراتژیک اروپا در حوزه مدیترانه در برابر احتمال نفوذ جریان‌های بنیادگرا در شمال آفریقا و تهدید امنیتی اروپا، راه برای حضور و نفوذ دولت‌های غربی مخالف قذافی در این کشور هموارتر گردید.

در ادامه درگیری‌های خونین و کنترل شهرها توسط انقلابیون و حامیان خارجی (امریکا، فرانسه و بریتانیا) سرانجام شهر سرت آخرین پایگاه حکومت سقوط کرد و معمر قذافی بعدِ ۴۲ سال فرمانروایی توسط جوانان انقلابی دستگیر، و در خیابان به طرز فجیهی کشته می شود و جسدش در منطقه صحرایی نامعلوم زیر آوار رفت و این اسطوره دیکتاتوری لیبی برای همیشه از صفحه تاریخ آفریقا حذف می شود.

قطعاً در نظام قبیله‌ای لیبی ایجاد ثبات سیاسی و برقراری امنیت از دست‌رفته، توسط دولت جدید کاری سخت و پرهزینه است. همچنین پاسخ عملی به مطالبات واقعی مردم، نیازمند تلاش و تحمل فراوانی می‌باشد.

با گذشت چندین سال از انقلاب ۲۰۱۱ مردم همچنان در انتظار دوره انتقال و تولد دموکراسی‌اند رقابت‌های سیاسی و نظام قبیله‌ای امکان رسیدن به یک وفاق جمعی را دشوار کرده است گروههای مسلح و دولت تحت فرمان ژنرال خلیفه خفتر و شبه نظامیان هر یک کنترل برخی مناطق را در دست گرفتند. پدیده مهاجران آفریقایی و افغان به این کشور، نفوذ نیروهای داعش و القائده (گردان ابوسلیم) در مناطق جنوب و شهر درنه و سرت، اقوام تبو و طوارق در مرز نیجر و چاد و سیاست اعمال نفوذ قدرت‌های خارجی فرانسه و ایتالیا، و تشدید فقر و بیکاری از جمله مسائل و مشکلات اساسی لیبی در حال گذار بشمار می روند.

Scanned by CamScanner

جنبش اجتماعی یمن و وقوع جنگ داخلی

کشوری عربی در جنوب غربی آسیا و در شبه جزیره عربستان واقع شده و پایتخت آن شهر صنعا می باشد. یمن ۱۹۵۰ کیلومتر مربع وسعت دارد و از لحاظ تقسیمات جغرافیایی به ۲۰ استان تقسیم شده است.

با چیرگی ایران بر جنوب عربستان در سال ۵۹۷ میلادی، یمن به وسیله شاهنشاهان ساسانی به تصرف ایران درآمد و تا ظهور اسلام تابع حکومت ایران بود. در سال ۱۷۵۰ میلادی جزو قلمرو دولت عثمانی شد پس از سقوط امپراتوری عثمانی در انعقاد قرارداد با انگلستان در سال ۱۹۳۴ میلادی به استقلال رسید.

بحران داخلی یمن یکی از پیچیده‌ترین بحران است که ریشه در اختلافات قومی و قبیله‌ای گذشته این کشور دارد. اختلاف بین گروههای شیعه مذهب حوثی در شمال و سنی‌های تحت حمایت عربستان سعودی جریان یافت. علی عبداله صالح ۳۳ سال قدرت سیاسی را در دست داشت به فاصله کمی از قیام ملتهای تونس، مصر و لیبی از ژانویه ۲۰۱۳ موج تازه‌ای از مخالفت‌ها شروع می شود هزاران معترض به سیاستهای حکومت و طرفدار احزاب اپوزیسیون موسوم به "دیدار مشترک" در شمال و جنوب خواستار برکناری عبداله صالح شدند. با خلاء سیاسی، دولت کنترل بخشی از کشور را در این ناآرامی‌ها از دست داد. مخالفان در شهرهای زنجبار و جعار نفوذ کردند. در حمله تانک‌ها به معترضان شماری از مردم کشته و زخمی شدند. مخالفان هم به کاخ ریاست جمهوری یورش برده که به زخمی شدن رئیس پارلمان، نخست وزیر و کشته شدن چهار تن از عوامل گارد ویژه انجامید. دو جناحی که هر یک خود را معرف دولت می دانستند نزاع بین دولت منصور هادی و نیروهای انصارالهِ حوثی طرفدار علی عبداله صالح رئیس جمهور پیشین شدت می گیرد.

موضوع یمن و سقوط مبارک در مصر، نگرانی‌های گسترده‌ای را در ریاض رقم زد. شیعه‌های حوثی مورد حمایت ایران کنترل فرودگاه بین المللی را بدست می گیرند منصور هادی بسمت ریاض پایتخت عربستان فرار کرد. رقابت استراتژیک عربستان با ایران در تشدید اختلافات داخلی موثر است تنگه باب المندب و به خطر افتادن منافع نفتی عربستان و دستیابی حوثی‌ها به موشک اندازها و هدف قرارگرفتن فرودگاه ریاض از جمله دلایل حمله شتابزای عربستان به یمن ارزیابی می شود.

Scanned by CamScanner

جنگنده‌های ائتلاف برهبری عربستان و ارتش یمن، بارها در حمله به تاسیسات زیربنایی، نیروگاه، اماکن نظامی و اداری، کاخانه ها، اردوگاه آوارگان، مراسمات مذهبی و تشیع جنازه و میراث تاریخی با قدمت ۳ هزار ساله آسیب های فراوانی به این کشور می رسانند.[۱]

دخالت عربستان در یمن و هدف گرفتن مواضع حوثی ها و مردم با جنگنده‌های ائتلاف به رهبری عربستان در ۲۰۱۵ م حمایت شماری از کشورهای عربی نظیر: امارات متحده، کویت، عمان و بحرین و همچنین مصر، مراکش، سودان ... و دولت های آمریکا با پشتیبانی لجستیک و اطلاعاتی، فرانسه و بریتانیا را شاهدیم این در حالی است که جمهوری اسلامی ایران، اتحادیه اروپا، روسیه، عراق و سوریه با مداخله نظامی عربستان، آشکارا مخالفت نموه و راه صلح و گفتگو را در یمن کارساز می دانستند.

این کشور بدلیل فقدان احزاب سیاسی قدرتمند و رهبری واحد و همچنین حمایت جریانات خارجی از دولت، نتوانست تحول انقلابی را تجربه کند تا اینکه دامنه بحران و خشونت گسترش یافته و به جنگ داخلی تمام عیار و دخالت منطقه‌ای و یک موضوع بین المللی تبدیل می شود.

جنگ داخلی یمن و محاصره آن توسط سعودی ها منجر به بحران انسانی، قحطی فراگیر و تخریب شهرها و میراث تاریخی و کشتار بیش از ۱۰ هزار انسان و ۲ میلیون آواره تا سال ۲۰۱۹ شده است. دیدبان حقوق بشر و کمیته عفو بین الملل روند آدم کشی در یمن بوسیله جنگ افروزان و سعودی‌ها را تناقضی آشکار با قوانین جنگ و حقوق انسانی یاد کرد.

جنبش اجتماعی بحرین

مجمع الجزایر بحرین[۲] در جنوب خلیج فارس و در همسایگی ایران، عربستان سعودی، قطر و امارات متحده عربی قرار دارد. مساحت کل آن ۵۹۸ کیلومتر مربع و جمعیت آن ۷۱۸ هزار نفر است. ۸۱ درصد از آن مسلمان، ۹ درصد مسیحی و بقیه پیرو ادیان دیگرند. پایتخت این کشور منامه نام دارد، واحد پولی آن دینار عربی بوده و زبان رایج‌شان عربی و انگلیسی است.

از سال ۸۰ پیش از میلاد، بحرین جزیی از ایران بود. در سال ۳۲۶ هجری به تصرف اعراب مسلمان در می‌آید با سقوط خلیفه عباسی مجدداً به ایران بازگشت. اوایل قرن ۱۷ در زمان صفویه کوششی برای حاکمیت تمام کشور بعمل آمد و با کمک انگلیس به حضور پرتغالی‌ها

۱- daneshnameh.roshd.ir/mavara/mavara-index.php

۲- بحرین از دو جزیره بزرگ منامه، محرق و ۳۰ جزیره کوچک تشکیل شده است.

Scanned by CamScanner

پایان داده شد. هلندیها و فرانسویها در همین قرن به دست‌اندازی پرداختند. در زمان پادشاهی نادر و کریمخان، ۳۶ سال بحرین در اختیار حاکم ایرانی و در ضمیمه ایالت فارس بود. از ۱۷۸۲ میلادی بحرین عملاً از خاک ایران جدا شد ولی در سال ۱۸۲۲ به ایران مسترد گردید. از سال ۱۸۹۲ بحرین به جمع سرزمین‌های تحت‌الحمایه انگلیس در آمد.

وقتی ایران در سال ۱۳۳۶ ش. در لایحه تقسیمات کشوری، بحرین را استان چهاردهم خود اعلام کرد، موجی از مخالفت‌ها، کشورهای عربی را بر انگیخت. شاه برای جلب حمایت این کشورها و برای اینکه بتواند حاکمیت ایران را نسبت به جزایر دیگر خلیج فارس از قبیل تُنب کوچک و تنب بزرگ و ابوموسی تثبیت کند، یکباره تصمیم خود را مبنی بر چشم‌پوشی از بحرین اعلام نمود. بنابراین در سال ۱۳۴۹ه.ش شورای امنیت سازمان ملل قطعنامه‌ای بر لزوم استقلال بحرین صادر نمود. این موضوع به تصویب مجلس شورای ملی وقت ایران هم رسید! سرانجام این جزیره مهم استراتژیک و سرشار از منابع انرژی، در مرداد ۱۳۵۰ ش اعلام استقلال کرد و ایران نخستین کشوری بود که استقلال آن کشور را به رسمیت شناخت.۱

تولید ناخالص داخلی این کشور ۱۹.۶۶ میلیارد دلار، نرخ بیکاری ۱۵ درصد و نرخ تورم در سال ۲۰۰۷ میلادی ۳/۴ درصد. این کشور روزانه ۱۸۴ هزار بشکه نفت تولید می‌کند. از عمده محصولات صادراتی بحرین، نفت خام، مواد پتروشیمی، آلمینیوم و منسوجات است که به کشورهای عربستان سعودی، آمریکا و امارات متحده صادر می‌شود.

در نظام سیاسی بحرین، پادشاه بعنوان رئیس حکومت است. از سال ۱۹۹۹ تا کنون شیخ حمدبن عیسی آل‌خلیفه در مقام پادشاهی قرار دارد. نخست وزیر در مقام رئیس دولت و کابینه وزرا است که توسط شاه تعیین می‌شود. شورای مشاوران دارای دو مجلس قانونگذاری است ۴۰ نفر از نمایندگان مجلس را پادشاه تعیین می‌کند همچنین مجلس نمایندگان، که دارای ۴۰ کرسی دیگر است با رأی مستقیم مردم برای یک دوره ۴ ساله انتخاب می‌شوند. در این کشور ۱۵ حزب سیاسی با گرایش‌های مذهبی، لیبرال، چپ و بعثی کم و بیش فعالیت دارند.

۱- مدنی، سید جلال‌الدین (۱۳۶۰)، تاریخ سیاسی معاصر ایران، جلد دوم، ص ۱۴۵.

Scanned by CamScanner

مهمترین احزاب و جریانات معارض در بحرین

در بحرین بیش از ده‌ها جریان معارض سیاسی حضور دارند و در عرصه‌های گوناگون سیاسی و اجتماعی و بویژه انتخابات و بدست آوردن کرسی‌های مجلس با یکدیگر و یا با سیاست‌های ناهمسوی دولت، رقابت و مبارزه می‌کنند.

جنبش "احرار" علناً از سال ۱۹۸۱ به اقدامات نظامی ضد دولتی متوسل شد. اعضای این جنبش شیعی و سنی بر اساس ایدئولوژی اسلامی و شعار "نه غربی نه شرقی" خواهان حکومت اسلامی هستند. جمعیت "وفاق اسلامی" محرک اصلی اعتراضات سال‌های ۱۹۹۴ و ۱۹۹۸ بود. جنبش "حق" تأکید بر آزادی و دموکراسی بحرین با گرایش اصلاح طلبانه. "جمعیت الوعد" ادامه تاریخی جبهه چپگرایان. جمعیت عمل اسلامی، معروف به جریان "شیرازی‌ها" منتسب به آیت‌الله محمد شیرازی مرجع تشیع، جمعیت تریبون دموکراسی پیشرو، نماینده جریان چپگرا و آزادی بخش ملی. جنبش عدالت ملی و... از میان گروه‌های سیاسی، جریان اسلام‌گرا، بویژه "جنبش اسلامی‌آزادی بخش بحرین" (احرار) و "شیعیان وفاق اسلامی" بزرگترین تشکلی هستند که از اهمیت و نفوذ بالایی برخوردارند.[۱]

دور تازه ناآرامی‌های سیاسی بحرین، سر منشاء تحولات کشورهای خاورمیانه از جمله، تونس، مصر، اردن ، یمن و لیبی و اجمالاً متأثر از موج عظیم بیداری کشورهای اسلامی است. زمینه‌های سیاسی و فرهنگی این حرکت اجتماعی، نشأت یافته از اقدامات نژاد پرستانه پادشاه و دولت بحرین در قبال شیعیان و بی اعتناعی به ارزش‌های اسلامی، فقدان دموکراسی و آزادی‌های بیان و مطبوعات است. مخالفین حکومت، خواهان آزادی فعالان سیاسی و تبعیدی-ها، لغو ممنوعیت تشکیل احزاب، توقف دستگیری‌ها و سانسور هستند. این در حالی است که نیروهای امنیتی رژیم و دستگاه حاکمیت به هیچ یک از آن پاسخ نداده و عوامل سرکوبگر دولتی بحرین، عربستان و قطر همواره به خشونت و زور متوسل شده و با استفاده از گلوله‌های جنگی شماری از معترضین را کشته و بیش از صدها نفر را زخمی و جمع زیادی را دستگیر می کنند. در شهریور ۹۱ دادگاه شبه نظامی بحرین، ۲۰ تن از فعالان سیاسی و رهبران جنبش اسلام‌گرا و آزادیخواه را به جرم کوشش در براندازی حکومت و ارتباط آنها با دولت ایران و حزب‌الله لبنان، به حبس‌های ابد و طولانی مدت محکوم کرد. اقدامی که واکنش معترضان و حتی سازمان عفو بین‌الملل را همراه داشت.[۲]

Scanned by CamScanner

جمهوری اسلامی ایران در حمایت از بیداری اسلامی[1] مردم بحرین و انعکاس دائم مخالفت‌ها در رسانه‌های عمومی، خشونت علیه شیعیان بحرین را بشدت محکوم کرده و دخالت رژیم سعودی و بیگانگان را مغایر با اخلاق سیاسی و اراده مردم می‌داند. در همین ارتباط بسیاری از فقهای شیعه و ائمه جمعه در تریبون‌های نماز جمعه و همچنین شیخ عیسی قاسیم و سیدحسن نصرالله دبیرکل حزب‌الله لبنان هم خشونت علیه مردم مظلوم بحرین را بشدت محکوم ساخته و خواهان تداوم جنبش اسلامی تا سقوط کامل رژیم آل خلیفه شدند.

مردم بحرین هیچ گاه موافق حاکمیت خاندان آل‌خلیفه نبوده و علاوه بر زمینه‌های نارضایتی ذکر شده در بالا، دلایل متعدی را در کانون اعتراضات خویش قرار دادند: ۱) خاندان آل خلیفه بحرینی نبوده بلکه از اقلیت سنی مذهب مهاجرند که در پی اختلافات مذهبی با سایر قبایل وارد این کشور شدند. ۲) به قدرت رسیدن خاندان آل خلیفه براساس خواست و رضایت مردم صورت نگرفت. آنها با پذیرش تحت‌الحمایگی انگلیس، در سال ۱۸۲۰ بقدرت دست یافتند. همچنین اعتراض به ساخت "پُل فهد" بعنوان راه ارتباط دریایی بحرین و عربستان، زمینه گسترش فساد در کشور گردید.

بدیهی است صف بندی‌های شکل گرفته در خاورمیانه نشان می‌دهد که بیداری اسلامی و دموکراسی خواهی، مصرف داخلی برای کشوری خاص نداشته بلکه با پیامی فراگیر و الهیاتی رهایی بخش، موجی از استکبارستیزی و مبارزه علیه حکومت‌های خودکامه را به راه انداخت. در این بهار عربی، جنبش مدنی بحرین مسیر مبارزه را همچنان ادامه می‌دهد. از نگاه جامعه‌شناسی سیاسی، پیروزی مخالفین و یا مهار معترضین توسط حکومت، به میزان بهره‌گیری از ظرفیت‌های ممکن، مواضع خارجی و نهادهای بین‌المللی و آگاهی جامعه از اهداف و منافع مشترک و کیفیت ابزار سرکوب و... بستگی دارد.

چالشهای سیاسی و جنگ داخلی سوریه

سوریه با ۱۸۵۱۸۰ کیلومتر مربع وسعت، در جنوب غربی قاره آسیا و سواحل شرقی دریای مدیترانه واقع شده که با کشورهای ترکیه، عراق، اردن و رژیم صهیونیستی همسایه است. جمعیت این کشور ۲۱۹۰۶۰۰۰ نفر که ۹۰٪ از نژاد عرب و الباقی اقلیت قومی کرد، آرامی،

۱- بیداری اسلامی، به این دلیل که اکثریت جمعیت این کشورها مسلمان هستند و قاطبهٔ تظاهرات کنندگان نیز از جوانان مسلمان بودند و انتخابات بعد از انقلاب نیز در تونس و مصر و راه یابی اکثریت مسلمانان به پارلمان این کشورها گواهی بر این مدعاست. مواضع حمایتی ایران از یکسو ناشی از نزدیکی‌های فرهنگی و مشترکات دینی و مذهبی مردم و اقوام مختلف دو کشور است.

Scanned by CamScanner

ارمنی، ترکمن و کلدانی هستند. دمشق بعنوان بزرگترین شهر در طول هزاران سال پایتخت و مرکز حکومت شاهان و امپراطوری‌های بزرگ بود.

در ارتباط با گروه‌های دینی، پیروان همه ادیان الهی منجمله اسلام و مسیحیت در سوریه زندگی می‌کنند. ۷۴ درصد جمعیت این کشور سنی مذهب، ۱۳ درصد شیعه علوی و اسمائیلی و ۱۳ درصد را مسیحیان و اندکی را هم یهودیان تشکیل می‌دهند.

در سوریه رئیس جمهور بالاترین مقام سیاسی کشور است که توسط مجلس خلق و بنا به پیشنهاد دبیرکل حزب بعث[۱] کاندیدا شده و طی رفراندومی در ۱۴ استان از سوی مردم برای دوره ۷ ساله انتخاب می‌شود. این کشور از سال ۱۹۶۳ تحت شرایط اضطراری اداره می‌شود و بسیاری از آزادی‌های سیاسی و مدنی به حالت تعلیق در آمد.[۲]

اقتصاد سوریه بر سه پایه صنایع، کشاورزی و تجارت بنا شده و نیمی از تولید ناخالص داخلی این کشور را تشکیل می‌دهد. در سال ۲۰۰۶ میلادی این کشور رشد اقتصادی ۲/۹ درصدی داشت. تولید ناخالص ۷۸/۰۴ میلیارد دلار و نرخ بیکاری ۱۲/۵ درصد بود. منتها در طول ۷ سال جنگ شرایط بکلی تغییر یافت و تخریب و انهدام و خرابی سوریه را تا مرز نابودی پیش برد.

روابط دولت سوریه با جمهوری اسلامی در ابعاد سیاسی، مذهبی و تجاری در طول سالهای انقلاب و جنگ خوب بود. تهران و دمشق بعنوان دو همتای منطقه‌ای همواره با داشتن دیپلماسی فعّال در سیاست خارجی، مواضع نسبتاً مشابه‌ای از محور مقاومت، حمایت از جریان اسلام‌گرای لبنان، مخالفت با سیاست‌های مداخله جویانه بیگانگان و آمریکا در منطقه داشتند. این کشور در صنعت خودرو سازی با جمهوری اسلامی ایران همکاری داشت. کارخانه تولید Sham (سمند) و پراید با نام "سابا" با خط تولید کامل در این کشور انجام می‌شد.

در سال ۲۰۱۱ با بالا گرفتن اعتراضات مردمی در جهان عرب، ناآرامی و بتدریج جنگ داخلی در شهرهای مختلف نظیر حمات، دمشق، لاذقیه، درعا و حُمص ... گسترش یافت و در پاره‌ای از آن در ابتدا به صحنه درگیری مسلحانه ارتش آزاد سوریه و نیروهای دولتی انجامید.

بشاراسد در مصاحبه با رسانه‌های دولتی علت این اعتراضات را اسرائیل دانست و اعلام کرد که با اقتدار در برابر توطئه‌ها ایستاده و قصد کناره‌گیری از قدرت را ندارد. دولت همواره ناآرامی‌ها را به دست داشتن عوامل خارجی و گروهی از تروریستم نسبت می‌دهد.

Scanned by CamScanner

واکنشهای منطقه ای و تشدید درگیری

اتحادیه عرب پس از خیزش سوریه ۲۰۱۲-۲۰۱۱ و کشته شدن هزاران معترض سوری توسط دولت بشار اسد، عضویت سوریه در اتحادیه عرب را به حالت تعلیق درآورد. در تاریخ ۲۳ مه ۲۰۱۱ میلادی، وزیران خارجه کشورهای عضو اتحادیه اروپا، بشار اسد و ۹ شخصیت ارشد سوریه را در فهرست افراد تحریمی و بلوکه کردن دارایی‌ها و ممنوعیت سفر ۱۳ مقام عالی‌رتبه از جمله اسد را به اتهام دست داشتن در کشتار و سرکوب معترضان قرار داد.[۱]

مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۱۷ فوریه ۲۰۱۲، با تصویب قطعنامه‌ای، سرکوب معترضان سوری را محکوم کرد. در این قطعنامه[۲]، مجمع خواستار پایان دادن به خشونت شده و از دولت بشاراسد خواست ظرف ۱۵ روز طرح اتحادیه عرب مبنی بر کناره‌گیری وی از ریاست جمهوری و انتقال قدرت به معاونش عملی شود که دولت‌های چین و روسیه[۳] با مخالفت خود آن را وتو کردند. دولت آمریکا همچنان مواضع شدیدتری علیه دولت بشاراسد گرفته و وزیر خارجه وقت "هیلاردی کلینگتون" اعلام کرد از جریان اپوزیسیون سوریه حمایت می‌کند. آمریکا نگران بود که شاید سلاح‌هایی از این کشور خارج شده و در اختیار گروه‌های حماس و حزب‌الله لبنان قرار بگیرد و ضریب خطر را برای دولت اسرائیل بیشتر سازد.



مواضع رسمی دولت ایران در جریان مناقشات سوریه تأکید بر انجام اصلاحات سازنده دولت، عدم دخالت بیگانگان و آمریکا در این کشور و حفظ ثبات سیاسی بود. گروه‌های شبه نظامی و ارتش آزاد سوریه که در برابر دولت قرار گرفت را جمعی تروریست از اتباع خارجی می‌نامد که می‌خواهند سیاست‌های غرب را در شدت بخشیدن به بحران سوریه عملی سازند.

۱- kajdoum 1.blogspot.com/2011/06/blog-post_20.html

۲- در مجمع ۱۳۷ کشور به قطعنامه فوق رأی مثبت داده و کشورهای روسیه، چین، ایران، کوبا، ونزوئلا و کره شمالی رأی منفی دادند.

۳- همزمان با تشدید فشارهای غرب علیه سوریها، روسیه در ادامه حمایت عملی خود از دولت سوریه ، ضمن اعزام ناوهای جنگی به پایگاه دریایی‌اش در بندر طرطوس، یک رزمایش دریایی در دریای مدیترانه برگزار کرده و چند فروند رزمناو و ناوهای پشتیبانی روسی از تنگه بسفر و داردانل گذشته و به ناوگان دریای بالتیک، دریای شمال و دریای سیاه، پایگاه‌های دریایی خود را در دریای مدیترانه بهمراه ناوشکن "آدمیرال چابانکو" و سه ناو ضربتی و رزمناو دیگر برای نمایش توان نظامی به آن پیوستند. در حقیقت این اقدام نوعی موضع نظامی علیه حضور احتمالی غرب در خلومیانه می‌باشد.

Scanned by CamScanner

حضور سوریه در جبهه مقاومت علیه اسرائیل و غرب، همواره برای رژیم صهیونیستی و امریکا نگرانی‌های فراوانی را بدنبال داشته است. سنت ایدئولوژیکی گروههای رادیکال و تروریسم داخلی و خارجی از جمله "جبهه اسلامی، النصره، جیش الاسلام، داعش، کتبه المهاجرین و جندالشام" سلفی‌گری و خشونت پروری است. زمانی که داعش برهبری ابوبکر البغدادی سرگروه این جریان در سال ۲۰۱۳ حکومت اسلامی شام و عراق را رسماً اعلام کرد شماری از گروههای رادیکال طالبان پاکستان، جندالخلافه الجزایر، بیت المقدس مصر و امارت اسلامی قفقاز با آن بیعت می کنند این حرکت دامنه جنگ داخلی در عراق و سوریه را تقویت کرد. آنها با یورش به پادگانهای نظامی و در اختیار گرفتن سلاحهای سنگین و ایجاد فضای ترس و ارعاب، قادر به تصرف بسیاری از شهرهای عراق و سوریه را تا سال ۲۰۱۴ شوند و سالها کنترل و اداره زندگی میلیونها نفر ساکنین شهرها را در دست خود بگیرند و توانستند دامنه حملات تروریستی را با تکمیل مثلث بحران به خارج از خاک دو کشور منتقل سازند نظیر فرودگاه بروکسل در بلژیک، خیابانهای پاریس در فرانسه و حمله تروریستی به مجلس شورای اسلامی در سال ۹۶.

در یک سوی درگیریها ارتش سوریه برای پاکسازی شهرها وارد عمل می شود و مواضع مخالفین را با جنگنده بمب‌افکن و هلی‌کوپترهای توپ‌دار بمباران کرده و به تعقیب و گریز آنها ادامه دهند از دیگر سو، انواع موشک‌ها و جنگنده‌های روسیه، ایران، ترکیه و آمریکا مواضع تروریست‌ها را بشدت مورد هدف قرار می دادند.

انتخابات ریاست جمهوری این کشور در سال ۲۰۱۴ با وجود بحران امنیتی برگزار شد و بشاراسد در رقابت با دو نامزد دیگر که از شهرت چندانی برخوردار نبودند با کسب ۸۸ درصد آرا برای سومین دوره به کرسی ریاست جمهوری دست یافت.

تلاش‌های فراوانی از سوی کوفی عنان دبیرکل سابق سازمان ملل و اخضر ابراهیمی فوستاده ویژه این سازمان در امور سوریه، اتحادیه عرب و همچنین روسیه، ایران و ترکیه برای یافتن راه حل‌های سیاسی، نشست‌ها و گفتگوهای فراوانی انجام دادند.

با شدت گرفتن جنگ و کشتار انسانهای بی گناه توسط تکفیری های داعش، نیروهای داوطلب ایرانی با مرکزیت نیروی قدس سپاه و سردار سلیمانی در جبهه های عراق و سوریه، توانستند نقش موثری در مبارزه و مهندسی جنگ و شکست تروریستها داشته باشند در جریان درگیری ها شماری از فرماندهان و نیروهای ایرانی به شهادت می رسند.

Scanned by CamScanner

پس از سالها مبارزه و به کمک کشورهای منطقه و فرامنطقه ای، تروریست ها از عراق خارج شدند و پس از چند سال شهرهای سوریه نیز تقریباً از وجود داعشی ها پاکسازی شدند. بر اساس آمارهای تقریبی از رسانه‌های جمعی و دستگاههای متعدد، جنگ ۷ ساله سوریه تا سال ۲۰۱۸ بیش از ۴۰۰۰۰۰ کشته و میلیونها نفر از خانه و زندگی خود آواره و مدتها در کشورهای همسایه اردون، ترکیه، لبنان، عراق و اردوگاه‌های امن پناه بردند. با گذشت ۷ سال و فرسایشی شدن جنگ داخلی بسیاری از سرمایه‌های انسانی، اقتصادی و شهرها و بناهای تاریخی نابود شدند.

پژوهش فصل نهم

۱- زمینه شکل‌گیری بیداری اسلامی ۲۰۱۱ م در کشورهای عربی و ارتباط آن را با آرمان‌های انقلاب اسلامی ایران را بنویسید

۲- نقش جماعت اخوان‌المسلمین مصر در سه مرحله، براندازی رژیم حسنی مبارک، روی کار آمدن محمد مرسی و کودتای نظامی ژنرال سیسی را تحقیق کنید

۳- نقش سیاسی و ایدئولوژیک جمهوری اسلامی ایران را در تحولات هر یک از کشورهای یمن، سوریه، عراق و مبارزه با جریانات تکفیری و تروریسم بررسی کنید

۴- مسئله فلسطین و حمایت جمهوری اسلامی از جبهه مقاومت در برابر رژیم اسرائیل را تحقیق کنید

۵- ابعاد خشونت‌های داعش (خلافت اسلامی) و دیگر گروههای همسو جبهه النصره.... و منابع مالی و نظامی آنها را در سوریه و عراق تحقیق کنید

Scanned by CamScanner